

بیستمین جایزه ادبی و تاریخی
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

اهداشده به ایرانشناس ایتالیائی
پروفسور آنجلو میکله پیه مونتسه



جایزه ادبی و تاریخی
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی
آنجلو میگلہ پیہ مونتسہ

شنبه، ۱۲ آذر ۱۳۹۰

تالار دکتر محمود افشار یزدی - مؤسسہ لغت نامہ دہخدا

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (= وزیر آموزش و پرورش) - وزیر بهداشتی (= وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران - (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر علیمحمد میر (جانشین: دکتر حسین نژادگشتی) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی) - مهربانو دکترافشار (دبیر شورا - جانشین: پروین صالح) - ساسان دکترافشار (بازرس) - آرش افشار (جانشین ایرج افشار)

هیأت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد	رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)
ابراهیم ابراهیمی	نایب رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)، معاون قضائی دیوان عالی کشور
محمدحسین حاتمی	مدیرعامل
صمد محمودی بافتوت	خزانه دار، حسابدار

※

مسئول انتشارات کریم اصفهانیان

هیأت گزینش کتاب

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات - دکتر حسن انوری

درگذشتگان:

اللہیار صالح - حبیب اللہ آموزگار - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر مهدی آذر - دکتر یحیی مهدوی - مهندس نادر افشار - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر منوچهر مرتضوی - بهروز افشار یزدی
دکتر سید جعفر شهیدی (۱۲۹۷ - ۲۳ دی ۱۳۸۶): رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳/۸/۹ تا ۱۳۷۳/۱۲/۱۴)
ایرج افشار (۱۳۰۴ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۹): سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف: از ۱۳۶۳/۲/۳ تا ۱۳۸۹/۱۲/۱۸)
عضو پیشین:
دکتر جمشید آموزگار

با یاد ایرج افشار

«فرزانه فروتن ایران مداریها»*

و

سرپرست عالی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی

(۱۶ مهر ۱۳۰۴ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۹)

* یادداشت دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی بر نسخه تقدیمی منطق الطیر به ایرج افشار

به نام پروردگار

مقدمات تهیه این کتابچه در زمان حیات استاد ایرج افشار و به امر و نظارت مستقیم ایشان انجام شد؛ اینک که خواسته آن فقید سعید تحقق یافته است، فرض اخلاقی خود می‌دانم از سروران و بزرگوارانی که اینجانب را صمیمانه یاری کردند سپاسگزاری نمایم:

حضرت آیه‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد؛ پروفیسور آنجلو میکله پیه‌مونته‌سه؛ آقای ارش افشار؛ آقای کریم اصفهانیان؛ دکتر جلال خالقی مطلق؛ دکتر نصرالله پورجوادی؛ مهندس کامران صفامنش؛ دکتر کارلو چرتی؛ دکتر میکله برناردینی؛ آقای عبدالمحمد روح‌بخشان؛ دکتر محمود امیدسالار؛ دکتر رسول جعفریان؛ آقای عنایت‌الله مجیدی؛ آقای عباس محبوب‌فر؛ آقای محمدرضا عموزاد مهدیرجی؛ خانم پانته آرنجبر محمدی؛ آقای سعید لیان؛ آقای محسن طالبی آبکناری؛ آقای پژمان فیروزبخش؛ آقای حسین زریاب:

نادر مطلبی کاشانی

مقررات مربوط به جایزه های ادبی و تاریخی

ماده ۳۴ و قضاانه اول

چنانچه در آمد موقوفات به مقدار قابل افزایش باید واقف یا شورای تولیت می تواند علاوه بر تالیف و ترجمه و چاپ کتب مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بلاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده، بنابراین باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و شروطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقه با و دادن جوایز در آمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود، تشخیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می دهد پس باسئیت شش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از هیئت مدیره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و قضاانه پنجم

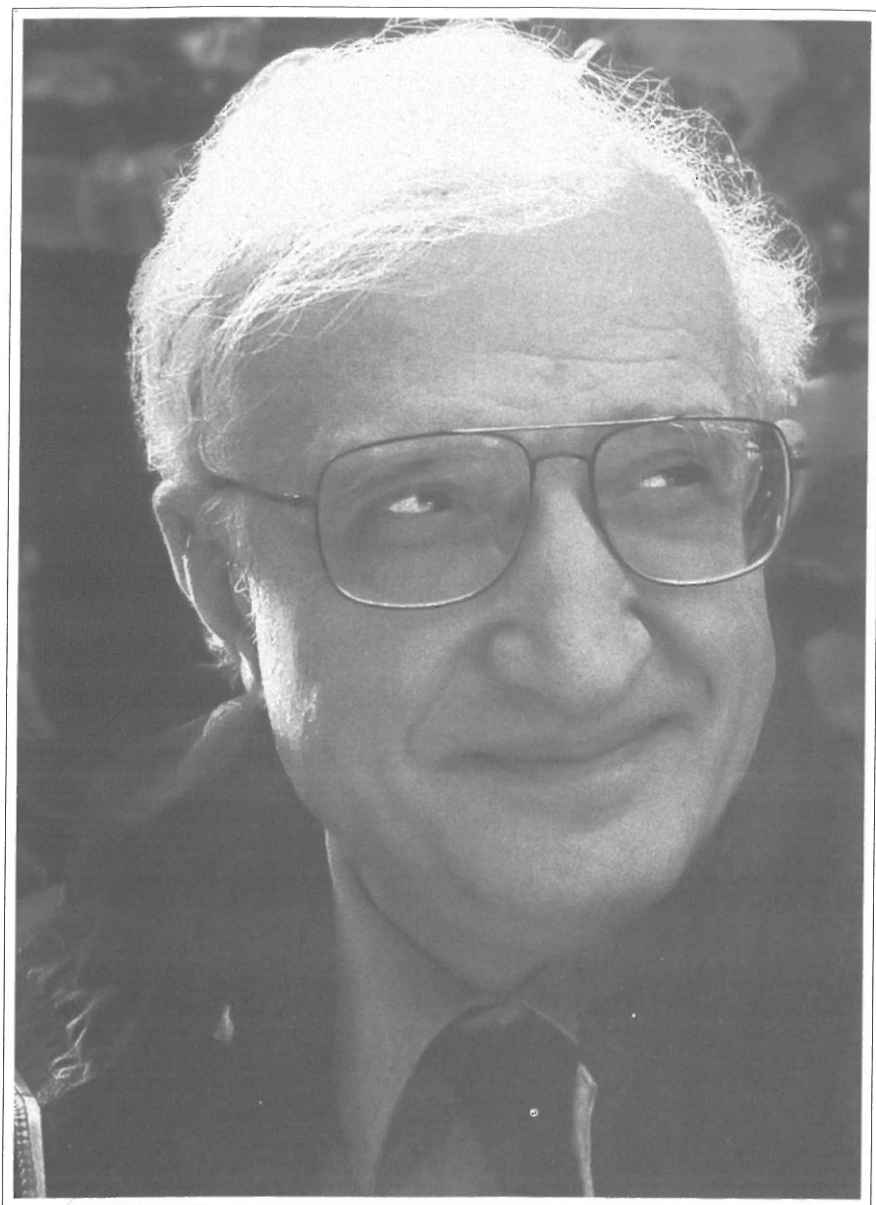
بسیب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوط به بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قضاانه اول موضح در میانه ۳۳۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف پس شورای تولیت است که می تواند از اهل بصیرت یاری بخوانند.

یادداشت واقف

جوایز - جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است تکلیف وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبانهای دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می تواند نامزد دریافت جایزه گردد و برای این کار آیین نامه ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می کنم.

جایزه‌های داده‌شده و تاریخ اعطای آنها

دانشمند هندی، استاد بازنشسته دانشگاه علیگره	نذیر احمد	۲۸/۹/۱۳۶۸ (۱)
دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی (مشهد)	غلامحسین یوسفی	۲۸/۹/۱۳۶۹ (۲)
دانشمند مصری، متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه عین شمس (قاهره)	امین عبدالمجید بدوی (توسط دکتر سید جعفر شهیدی در مصر)	۳۱/۷/۱۳۶۹ (۳)
دانشمند ایرانی، از مؤسسه لغتنامه دهخدا	سید محمد دبیرسیاقی	۲۸/۹/۱۳۷۱ (۴)
دانشمند پاکستانی، استاد بازنشسته دانشگاه پنجاب (لاهور)	ظهورالدین احمد	۲۸/۹/۱۳۷۱ (۵)
دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران	منوچهر ستوده	۱۱/۱۲/۱۳۷۶ (۶)
دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن	جان هون‌نین (توسط دکتر سید جعفر شهیدی در پکن)	۱۲/۲/۱۳۷۷ (۷)
دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه)	کمال‌الدین عینی	۲۲/۱۲/۱۳۷۷ (۸)
دانشمند انگلیسی، استاد بازنشسته دانشگاه منچستر	کلیفورد ادموند باسورث	۱۴/۷/۱۳۸۰ (۹)
دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران	عبدالحسین زرین کوب	۲۴/۶/۱۳۸۲ (۱۰)
سخنسرای نامور ایرانی	فریدون مشیری	۲۴/۶/۱۳۸۲ (۱۱)
دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو	تسونه‌ئو کورویاناگی (توسط دکتر هاشم رجب‌زاده در توکیو)	۱/۹/۱۳۸۲ (۱۲)
دانشمند امریکائی، استاد بازنشسته زبان فارسی دانشگاه هاروارد	ریچارد نلسون فرای	۲/۴/۱۳۸۳ (۱۳)
دانشمند هلندی، استاد بازنشسته زبان فارسی دانشگاه لیدن	هانس دو بروین	۱۰/۳/۱۳۸۵ (۱۴)
دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و مصحح متون عرفانی	نجیب مایل هروی	۲۸/۹/۱۳۸۵ (۱۵)
دانشمند فرانسوی، استاد بازنشسته دانشگاه پاریس	شارل-هانری دوفوشه کور	۳۰/۳/۱۳۸۶ (۱۶)
دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران	بدرالزمان قریب	۸/۱۰/۱۳۸۷ (۱۷)
دانشمند اتریشی، استاد دانشگاه‌های آلمان و اتریش	برت گ. فراگنر (توسط دکتر سید مصطفی محقق داماد در وین)	۲۰/۳/۱۳۸۹ (۱۸)
دانشمند ایرانی، کتابشناس و فهرست‌نگار برجسته	احمد منزوی	۲۲/۲/۱۳۹۰ (۱۹)
دانشمند ایتالیائی، استاد بازنشسته دانشگاه رم	آنجلو میکله پیه‌مونتسه	۱۲/۹/۱۳۹۰ (۲۰)



Angelo Michele Piemontese

آنجلو میکلہ پیہ مونٹسہ



اهداشده به ایرانشناس ایتالیائی، پروفیسور آنجلو میکله پیه مونتسه

قالیچه ابریشمی، به ابعاد ۲۲۰×۱۴۳ سانتی متر، با ۲۰۰۰×۱۳۰۰ گره؛

و با استفاده از ۹۵ درصد مواد طبیعی از منطقه تودشک و جوشقان؛ طراحی و بافت در نائین، کارگاه داود زمانی نائینی

به نام پروردگار



دانشمندی‌ارانشناس جناب آقای آنجلو میگل پرئوتسه

شادوست دریند ایران آید و دنیای ایران شناسی، آگاهی از سلسله ایران شناسی در ایالت ایدون کتاب
شناسی است که باقی بلده روشنی بسیار تحقیقات ایران شناسی پر و خسته ایران اوستمان را از روشته های سخنان و بکار خود بهر دور ساخته
شادناخته سطح علمی و دستیابی به مجموعه های دو انقاد در ایالت ایالت است ندارد. سلسله است که نتایجی در بریزد ایامی و معرفی می کند و توجیه است
آن. فهرست نتایج علمی غایی و کتابخانه ای ایالت است که در نوع خود میانه است

شادوست می شناسد فرودی یعنی نومورخ ۶۹۴ قی را که کوشای از نظرسن شناسنده و جهانمان شناسنده و این نتایجها طبق شادناست و در کوشای
شادناست از هم ترین و مفیدترین نتایج علمی نظرسن نومورخ ۸۵۷ قی را که کوشای از توجیهی ایالت است و دست آورد که از سطح های صورت که نظرسن
و شادناست می نطق ایطرس صورت است

شادناست که کتاب که از تاریخ ایالت ایران در زبان ایالتی در کتاب شناسی ایران در زبان ایالتی را تألیف نموده که کتاب اخیر قریب به هزار
دور در دارند نام و مشخصات ۸۸۵ کتاب و مقالات است و این دو اثر بزرگ که کوشای ایران شناسی ایالت است و طبعاً با هم سازگار است
سلسله ای در نشانی ایم

شادوست زمانی که در ایالتی فرستنی و ایران مشرب شده و در فعالیت های علمی گسترده ای انجام داده که از آن جمله است انتشار کتابهای ارزشمند
ایالتی و اوصیان، و سعادت ایالتی و تهران که این اثر توجیه دانش ذوق و اطلاعات وسیع است

شادناست در دانشگاه هم در دانشگاه استرسب سونک تریس که در ۱۹۰۰ از توجیهان زیادی در دست ایران شناسی پر و دره آید که اکنون جمعی از آنها در دانشگاهها
جهان در گری تریس ایران شناسی نشسته

اکنون موجب سرازاری است که سببین باز و تاریخی و ادبی و مکتوب و قوای و کفر محمود افشاری در نشانی به شادناست میگرد که مثال یک خط پاره از
چهره و اخف و یک خط کمالی در نشانی یعنی است که نام شماره آن یافته شده و نمونه ای است از سبب و ادای سبب کوشای ایران

دکتر سید علی محمد علی
رئیس شورای هیئت

دنیای علم آگاهی از سابقهٔ ایرانشناسی در ایتالیا را مدیون آنجلو میکله پیه‌مونتسه است.

(ایرج افشار)

فهرست مطالب

- الف. سالشمار زندگی آنجلو میکله پیه مونتسه ۱۳-۱۴
- ب. آثار تألیفی و ترجمه‌ای آ. م. پیه مونتسه (چاپ‌شده در ایران) ۱۵-۱۷
- ج. نقدها و معرفیهای نوشته‌شده بر آثار آ. م. پیه مونتسه (چاپ‌شده در ایران) ۱۸-۱۹
- د. گزیده نوشته‌های ایرج افشار درباره آنجلو میکله پیه مونتسه ۲۰-۲۴
- ه. گزیده معرفیهای نوشته‌شده بر آثار آ. م. پیه مونتسه (چاپ‌شده در ایران)

۱. کتابها:

- فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا: ایرج افشار؛ حشمت مؤید (شیکاگو) ۲۵-۲۷
- کتابشناسی ایتالیائی درباره ایران: ایرج افشار؛ جری بیچکا (ترجمه ق. روشنی زعفرانلو) ... ۲۸-۳۰
- ادبیات ایتالیائی در ایران: میکله برناردینی (ترجمه ع. طاهایی)؛ شارل - هانری دوفوشه‌کور
 (ترجمه ع. طاهایی) ۳۱-۳۳
- اصفهان و ایتالیا: ایرج افشار ۳۴
- سفارت ایتالیا در تهران: ایرج افشار ۳۵
- یادمانهای رومی شهدای قدیس ایرانی: ماریو، مارتا، ائودیفاجه و آباکو: شارل - هانری
 دوفوشه‌کور (ترجمه ژ. آموزگار)؛ کریستل ژولین (ترجمه ل. خباز) ۳۶-۳۷
- امیرخسرو دهلوی: داستانی از بهشت (هشت بهشت): شارل - هانری دوفوشه‌کور (ترجمه
 م. قویمی) ۳۸

۲. مقالات:

- «هشت بهشت امیرخسرو و ادبیات اروپائی»: شارل - هانری دوفوشه‌کور (ترجمه ن. خطاط) ۳۹
- سفیران ایران در دربارهای فدریکو دامونته‌فلترو، لودویکو بولونیزه و کاردینال بساریوته:
 میکله برناردینی (ترجمه ن. فروغان) ۴۰
- «دو فرستاده پاپ پل پنجم (به ایران) بر دیوار کوئیریناله»: میکله برناردینی (ترجمه ن. فروغان) ۴۱-۴۲

و. مقالات تقدیمی (نوشته شده به افتخار آ. م. پیه مونتسه)

- برناردینی، میکله (ناپل): آنجلو میکله پیه مونتسه (ترجمه ع. روح بخشان)..... ۴۵-۴۸
- پور جوادی، نصرالله: نسخه برگردان منطق الطیر عطار..... ۴۹-۵۰
- خالقی مطلق، جلال (هامبورگ): استاد پیه مونتسه: کاشف شاهنامه فلورانس..... ۵۱-۵۵
- صفامنش، کامران: پروفیسور پیه مونتسه و کتاب دو باغ سفارت ایتالیا در تهران..... ۵۶-۵۸

ز. مناسبات علمی - فرهنگی میان ایران و ایتالیا

- تاریخچه ایرانشناسی در ایتالیا: آنجلو میکله پیه مونتسه..... ۶۱-۷۴
- وضعیت ایرانشناسی در ایتالیا: ایرج افشار (سه گزارش)..... ۷۵-۹۶
- مکاتبات ایرج افشار و آنجلو م. پیه مونتسه (گزیده نامه‌ها)..... ۹۷-۱۰۷

ح. بخش اروپائی

- Bernardini, Michele (Naples): Angelo Michele Piemontese..... 5-8
- Biography and Bibliography of Angelo Michele Piemontese..... 9-48

الف. سالشمار زندگی آنجلو میکله پیه مونتسه

- ۱۹۴۰، ۲۸ سپتامبر
 تولد در شهر مونته سن آنجلو (Monte Sant'Angelo) (استان فوجیا / Foggia، ایتالیا)،
 اتمام تحصیلات متوسطه. ۱۹۵۹
- ۱۹۶۳
 آغاز به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی در مؤسسه دانشگاهی شرق‌شناسی ناپل.
 همکاری با هیأت باستانشناسی ایتالیا، به سرپرستی پروفیسور اومبرتو شرآتو (Umberto Scerrato)
 در غزنه (افغانستان).
- ۱۹۶۳-۱۹۶۴
 دریافت بورس وزارت امور خارجه ایتالیا، و آغاز به تحصیل در دانشگاه ملی (تهران) و همکاری با
 انجمن فرهنگی ایتالیا در تهران.
- ۱۹۶۴، ۶ ژوئیه
 اتمام تحصیل در دوره کارشناسی با درجه عالی، در رشته زبانهای شرقی و تمدنهای خاور
 نزدیک و خاورمیانه، در مؤسسه دانشگاهی شرقشناسی ناپل؛ رساله فارغ التحصیلی:
 «سنت زورخانه در ایران»، رئیس جلسه: پروفیسور الساندرو بائوزانی (Alessandro Bausani).
- ۱۹۶۵-۱۹۶۶
 کتابدار گروه مطالعات فارسی و دستیار داوطلبانه مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در همان دانشکده.
 انجام خدمت سربازی. ۱۹۶۶-۱۹۶۷
- ۱۹۶۷-۱۹۷۵
 مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشکده هنر، دانشگاه ساپینزا (La Sapienza) در رم.
 استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشکده هنر، دانشگاه ساپینزا در رم. ۱۹۷۵-۲۰۰۱
- ۱۹۷۱
 کسب درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۹۷۳-۱۹۷۴
 استادیار فیلولوژی (فقه اللغة) ایرانی در دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه
 کافوسکاری (Ca' Foscari) در ونیز.
- ۱۹۷۹-۱۹۸۲
 استاد زبان و ادبیات فارسی و تمدن ایرانی در دانشکده زبانهای خارجه دانشگاه علوم انسانی
 استراسبورگ (فرانسه).
- ۱۹۸۸، ۲۳ سپتامبر تا
 وابسته فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران و مدیر انجمن فرهنگی ایتالیا در تهران.
 ۱۹۹۴، ۱۴ ژوئیه
- ۱۹۹۵، ۱۹ اوت تا
 رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران. ۱۹۹۹، ۱۸ اوت
- ۲۰۰۱-۲۰۱۰
 استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشکده مطالعات شرقی، دانشگاه ساپینزا در رم.
 بازنشستگی از دانشگاه رم. ۲۰۱۰، اول نوامبر

جایزه‌ها:

جایزه سن‌تور (Saintour) در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۰) اعطاشده توسط کالج فرانسه (پاریس) برای همکاری در مطالعات علمی.
جایزه دانیا (Daunia) در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۴) (ایتالیا) برای کارهای تخصصی.

عضویتها:

عضو مؤسسه C. A. Nallino per l'Oriente (رم).
عضو مؤسس جامعه ایرانشناسی اروپا (Societas Iranologica Europaea) (رم، ۲۲ ژوئن ۱۹۸۳)
مشاور علمی مؤسسه ایرانشناسی فرانسه (IFRI، ۱۹۹۶-۲۰۰۰/۱۳۷۵-۱۳۷۹).
همکار مجله *Abstracta Iranica* (پاریس - تهران).
عضو هیأت مشاوران: «Series Catalogorum»؛ مؤسسه l'Oriente (رم)، *Eurasian Studies* (رم)،
Litterae Caelsest (رم)، *Nouvelle Revue des Etudes Iraniennes* (تهران)، *Rivista degli Studi Orientali* (رم)،
نامه بهارستان (تهران).

زمینه فعالیت‌های علمی:

نویسنده آثار علمی بسیار. وی تحقیقات فراوانی به انجام رسانده و کارهای وی عمدتاً در حوزه‌های زیر است:
الف. نسخه‌ها و کتیبه‌های فارسی، هنر کتاب‌آرایی و خط، به‌ویژه مجموعه نسخه‌هایی که در ایتالیا و واتیکان نگهداری می‌شوند.
ب. ادبیات فارسی، ترجمه و تفسیر متون کلاسیک، تطبیق ادبیات داستانی قرون وسطی، داستان اسکندر در ادبیات فارسی؛
ج. تاریخ و کتابشناسی مطالعات ایرانی در ایتالیا (قرون ۱۵-۲۰م)، به علاوه تصویر ایران قدیم در ارتباط با تئاتر کلاسیک ایتالیا، اپرا و شعر.
د. تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و رم (قرون ۱۵-۲۰م/۹-۱۴ق)، به علاوه مطالعه درباره ذکر شخصیت‌های ایرانی و وقایع مربوط به ایران در آثار تاریخی رم از زمان باستان تا امروز.
ه. تاریخ روابط دیپلماتیک و فرهنگی ایران و ایتالیا، به‌ویژه در قرن نوزدهم میلادی (دوره قاجار)؛ همچنین تاریخ و شناخت ترجمه فارسی آثار ادبی ایتالیایی.
و. تاریخ عربشناسی و مطالعات اسلامی در ایتالیا، به‌ویژه مجموعه‌های نسخ خطی عربی در ایتالیا در دوره رنسانس (قرن ۱۵م/۹ق).

ب. آثار تألیفی و ترجمه‌ای آ. م. پیه‌مونتسه

(چاپ‌شده در ایران)

۱. کتابها:

- (۱) ۱۹۹۰/۱۳۶۹ سفارت ایتالیا در تهران، تهران: انتشارات بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران؛ پادوا (ایتالیا). ۸۰ص.
- (۲) ۱۳۷۰ ایتالیا و اصفهان. تهران: انتشارات بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران، با همکاری انتشارات پازنگ. ۱۵۲ص.
- (۳) ۱۳۷۳ منطق الطیر عطار نیشابوری. چاپ عکسی. به خط نصیر بن حسن المکی، مورخ ۸۵۷ق. نسخه خطی متعلق به کتابخانه سلطنتی تورینو (ایتالیا). زیر نظر نصرالله پورجوادی. دیباچه‌ها از: نصرالله پورجوادی، آنجلو میکله پیه‌مونتسه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، با همکاری بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران. سیزده + ۴۰۳ص.

۲. مقالات (فارسی‌نویشته‌ها و فارسی‌شده‌ها):

- (۱) ۱۳۵۰ نشانه‌های دوره قاجار. ترجمه یحیی رشیدی. در: بررسی‌های تاریخی، س ۶ (امرداد - شهریور)، ش مسلسل ۳۴: ۱۸۵-۲۳۵.
- (۲) ۱۳۵۳ یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ قاجار (گزارش‌های ژنرال انریکو آندره‌تینی، ۱۸۷۱-۱۸۸۶). ترجمه خسرو فانیان. در: بررسی‌های تاریخی، س ۹ (فروردین - اردیبهشت)، ش ۱ (ش مسلسل ۵۰): ۳۷-۷۰.
- (۳) ۱۳۵۸ قدیمی‌ترین نسخه شاهنامه [نامه به ایرج افشار]. در: آینده، س ۵ (فروردین - خرداد)، ش ۱-۳: ۱۷۵.
- (۴) ۱۳۵۹ مقدمه شاهنامه مورخ ۶۱۴ و معرفی پیه‌مونتسه از آن. در: آینده، س ۶ (خرداد - تیر)، ش ۳ و ۴: ۲۰۷-۲۱۳ (با یادداشتی از ایرج افشار).
- (۵) ۱۳۶۲ کتیبه‌ها و یادبودهای نوشته در عالیقاپو. تألیف اوژنیو گالدیری. ترجمه عبدالله جیل عاملی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. ص ۲۰۳-۲۰۸ (مقاله کتیبه‌ها... نوشته پیه‌مونتسه).
- (۶) ۱۳۶۸ نسخه مصور منطق الطیر در تورین. در: آینده، س ۱۵ (خرداد - مرداد)، ش ۳-۵: ۳۰۵-۳۰۰.
- (۷) ۱۳۶۸ افسران ایتالیایی در خدمت ایران در عهد قاجار. در: تحقیقات تاریخی، س ۱ (زمستان)، ش ۳: ۳۸۵-۴۴۳.
- (۸) ۱۳۶۹ نسخه خطی طبری در ونیز. در: یادنامه شیخ‌المورخین ابوجعفر طبری (۲۲۵-۳۱۰ق). تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی: ۵۴۵-۵۵۹.

- ایران‌شناسی در ایتالیا. در: آینده، س ۱۷ (مرداد-آبان)، ش ۵- ۸: ۴۷۶-۴۹۷؛ تجدید چاپ در: مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایران‌شناسی. به کوشش علی موسوی گرمارودی. ۱۳۷۱. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: ۹۳-۱۱۳.
- ارتش ایران در سالهای ۱۸۷۴ و ۱۸۷۵ میلادی: ساختار و سازماندهی آن از دید ژنرال انریکو آندره‌تینی. تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات). تهران: مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی. ج ۳: ۱۱-۴۹.
- اصفهان در زمان اوزون حسن آق‌قیونلو به سال ۱۴۴۷م/۹۰۰ق: آمبروجو کنتارینی (سفیر ونیز). ترجمه آ. م. پیه‌مونتسه. در: ایتالیا و اصفهان. تهران: انتشارات بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران، با همکاری انتشارات پازنگ: ۹-۱۰.
- کتابشناسی ایتالیائی اصفهان (۱۵۴۳-۱۹۸۹م). در: ایتالیا و اصفهان. تهران: انتشارات بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران، با همکاری انتشارات پازنگ: ۱۱۱-۱۴۹.
- ایران‌شناسی در ایتالیا. ترجمه مرتضی اسعدی. در: نشر دانش. س ۱۲ (مرداد- شهریور)، ش ۵: ۳۰-۴۰؛ تجدید چاپ در: ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن. به کوشش نیکی کدی و رودی متی؛ ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: الهدی، ۱۳۷۱: ۱۳۳-۱۷۶.
- آغاز دوره شناخت قرآن در ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی. نامه پژوهش. س ۲ (بهار)، ش ۴: ۳۲۳-۳۳۰ (متن سخنرانی در دفتر نشر تاریخ ایران، دوشنبه ۱۳۷۴/۸/۲۲).
- پلی مستقیم بین ادبیات پارسی و ایتالیا (گفت‌وگو). در: ادبیات و نویسندگان معاصر ایتالیا. به کوشش محسن ابراهیمی. تهران: فکر روز. ج ۱: ۱۵-۲۱.
- تعریف فردوسی در دستنوشته‌های کهن شاهنامه. در: سخنواره (پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری). به کوشش ایرج افشار، هانس روبرت رومیرو. تهران: توس: ۲۷۹-۲۸۶. (قسمتی از این مقاله در کنفرانس جهانی بزرگداشت فردوسی «هزاره تدوین شاهنامه» در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲ خوانده شد).
- شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس. در: نامه بهارستان. س ۲ (بهار- تابستان)، دفتر ۳: ۲۱۱.
- شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴هـ ق و نسخه تفسیر قرآن در فلورانس. در: نامه بهارستان. س ۲ (بهار- تابستان)، دفتر ۸: ۲۶۵-۲۷۰.
- مسیحیت و کتب فارسی [از آ. د. پریولا] (نقد). ترجمه عاطفه طاهایی. در: چکیده‌های ایران‌شناسی (سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳). ج ۲۷. تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران. ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۵.

۳. به زبانهای اروپائی (چاپ شده در تهران)

1. "Histoire et paléographie du *Shāhnāmah* de Florence", in: *Luqmān*, Tehrān, an. VI, n. 2, n. série 12, printemps-été 1990, pp. 53-64, plates 2.
۱. «تاریخ و خط‌شناسی شاهنامه فلورانس».
2. "Un album *moragga'* persano-turc à Strasbourg", in: Christophe Balay, Claire Kappler and Živa Vesel (eds.), *Pand-o Sokhan. Mélanges offerts à Charles-Henri de Fouchécour*, Institut Français de Recherche en Iran ("Bibliothèque Iranienne, 44"), Téhéran 1995, pp. 201-219, plates 10.
۲. «یک مرقع فارسی - ترکی در استراسبورگ».
3. "Les Huit paradis d'Amir-Khosrow et la littérature européenne", in: *Luqmān*, Tehrān, an. XII, n. 1, n. série 23, Automne-hiver 1995-96, pp. 7-24.
۳. «هشت بهشت امیر خسرو دهلوی و ادبیات اروپائی».
4. "Le persan, langue des sciences et langue de cour dans l'Iran médiéval", in: Ž. Vesel, H. Beikbaghban and B. Thierry de Craussol des Epesse (eds.), *La science dans le monde iranien à l'époque islamique. Actes du colloque tenu à l'Université des Sciences Humaines de Strasbourg (6-8 juin 1995)*, Institut Français de Recherche en Iran (Bibliothèque Iranienne, 50), Téhéran 1998, pp. 389-401. Reprint 2004.
۴. «فارسی، زبان علم و زبان دربار در ایران قرون وسطی».
5. "Iran's Rich Cultural Heritage", in: *Kayhan International*, Tehran, 24 August 1991, p. 8 (interview).
۵. «میراث فرهنگی غنی ایران».
6. "Poèmes lyriques italiens consacrés à Omar Khayyam", in: *Luqmān*, Tehrān, an. XIX, n. 1, n. série 37, Automne-hiver 2002-2003, *Mélanges in memoriam Javād Ḥadīdī*, pp. 127-139.
۶. «اشعار تغزلی ایتالیائی در وصف عمر خیام».

ج. نقدها و معرفیهای نوشته‌شده بر آثار آ. م. پیه‌مونتسه
(چاپ‌شده در ایران)

۱. کتابها:

I. ایتالیا و اصفهان

(۱) افشار، ایرج. «ایتالیا و اصفهان». در: آینده، س ۱۸ (مهر - اسفند ۱۳۷۱)، ش ۷-۱۲: ۵۵۹.

II. سفارت ایتالیا در تهران

(۲) افشار، ایرج. «سفارت ایتالیا در ایران». در: آینده، س ۱۸ (فروردین - شهریور ۱۳۷۱)، ش ۱-۶: ۲۷۷-۲۷۸.

III. فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا

(۳) افشار، ایرج. «فهرست نسخه‌های خطی فارسی». در: آینده، س ۱۸ (فروردین - شهریور ۱۳۷۱)، ش ۱-۶: ۲۷۴.

(۴) مؤید، حشمت. «فهرست دستنویسهای فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا». در: ایران‌شناسی، س ۶ (بهار ۱۳۷۳)،

ش ۱: ۲۰۰-۲۰۳.

(۵) بروجردی، آزاد (ع. روح‌بخشان). «نسخه‌های خطی فارسی در ایتالیا». در: نشر دانش، س ۹ (مرداد -

شهریور ۱۳۶۸)، ش ۵: ۷۲-۷۳ (۴۶۸ - ۴۶۹).

IV. کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی

(۶) بچکا، جری: «کتابشناسی ایتالیایی در ایران». ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. در: آینده، س ۱۳

(فروردین - خرداد ۱۳۶۶)، ش ۱-۳: ۱۳۸ - ۱۳۹.

V. ادبیات ایتالیایی در ایران

(۷) برناردینی، میکلّه. «ادبیات ایتالیایی در ایران». ترجمه عاطفه طاهایی. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۸

(سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴). تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۷: ۲۶۰-۲۶۱.

(۸) دوفوشه‌کور، شارل - هانزی. «ادبیات ایتالیایی در ایران». ترجمه عاطفه طاهایی. در: چکیده‌های ایران‌شناسی،

ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۲۴۶.

.VI

ترجمه هشت بهشت امیر خسرو دهلوی به ایتالیائی

- (۹) دوفوشه کور، شارل-هانری، «امیر خسرو دهلوی: داستانی از بهشت (هشت بهشت)». ترجمه مهوش قومی. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۰-۲۱ (سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۳۴۵.

.VII

یادمانهای رومی شهدای قدیس ایرانی

- (۱۰) دوفوشه کور، شارل-هانری، «یادمان رومی شهدای قدیس ایرانی: ماریو، مارتا، ائودیفاجه و آباکو». ترجمه ژاله آموزگار. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۸۸.
- (۱۱) ژولین، کریستل، «یادمانهای رومی شهدای قدیس ایرانی: ماریو، مارتا، ائودیفاجه و آباکو». ترجمه لیلی خباز. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۱۸۷.

۲. مقالات:

(۱)

برناردینی، میکله، «دو فرستاده پاپ پل پنجم (به ایران) بر دیوار کوئیریناله». ترجمه ناهید فروغان. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۸ (سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴). تهران: طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲.

(۲)

دوفوشه کور، شارل-هانری، «هشت بهشت امیر خسرو و ادبیات اروپائی». ترجمه نسرين خطاط. در: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۰-۲۱ (سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۳۷۲-۳۷۳.

د. گزیده‌نوشته‌های ایرج افشار
در باره آنجلو میکل‌پیه‌مونتسه

۱. تحقیقات پیه‌مونتسه درباره عصر قاجار
۲. آنجلو میکل‌پیه‌مونتسه، ایرانشناس نامور ایتالیائی و دوست دیرینه ایران
۳. دنیای علم، آگاهی از سابقه ایرانشناسی ایتالیا را مدیون آنجلو م. پیه‌مونتسه است.

د. گزیده نوشته‌های ایرج افشار دربارهٔ آ. م. پیه‌مونته^۱

(تاریخ نوشته: ۱۳۴۹ش)

تحقیقات پیه‌مونته دربارهٔ عصر قاجار

پیه‌مونته جوانی است که با همتی بلند و شوقی بسیار به تحقیقات ایران‌شناسی پرداخته است و هر روز از زیر قلمش اثری تازه نشر می‌شود. هموست که سفرنامهٔ میمیره را به ترغیب استادش اسکارچیا چاپ می‌کند. از مقالات تازه و مفید او این چند تا را معرفی می‌کنم:

«اسناد و مواد دربارهٔ سرگذشتنامهٔ میرزا ملکم‌خان» و آن عبارت است از تحقیقی در احوال او به انضمام متن چند گزارش که در بایگانی وزارت امور خارجهٔ ایتالیا به دست آمده و ترجمه‌ای از نوشته‌های خان‌ملک ساسانی و آثار دیگر. این مقاله در *Annali* جلد نوزدهم (۱۹۶۹) چاپ شده است. مقالهٔ دیگرش توصیفی است از وضع تعزیه‌داری در عصر ناصرالدین‌شاه بر اساس نوشتهٔ عبدالله مستوفی از کتاب *خاطرات من*.

مقالهٔ دیگرش «رابطه میان ایتالیا و ایران در قرن نوزدهم میان سالهای ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۲» عنوان دارد و مرتبط است به دوران سفارت فرخ‌خان امین‌الدوله و حسنعلی‌خان امیرنظام. در این مقاله متن فارسی قرارداد تجاری سال ۱۸۶۲ نیز چاپ شده است. این مقاله را در مجلهٔ معروف *Oriente Moderno* (در سال ۱۹۶۸) چاپ کرده است.

مقالهٔ دیگرش که به زبان انگلیسی است و در مجلهٔ *East and West* سال نوزدهم چاپ گردیده است «مأخذی ایتالیائی دربارهٔ تاریخ قاجار: گزارش ژنرال انریکو آندره‌ئینی» نام دارد. ژنرال A. Anderini که در سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ در مأموریت ایران بود گزارش‌هایی به ایتالیا فرستاد که در این مقاله مورد معرفی و تفسیر قرار گرفته و ملخصی از چند تالی آنها به چاپ رسیده است و ما را بر یک مأخذ جدید آگاه می‌سازد. آندره‌ئینی در این گزارشها اطلاعات مفیدی را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مضبوط کرده است.

[مأخذ: راهنمای کتاب، س ۲۳ (اردیبهشت ۱۳۴۹)، ش ۲: ۹۹-۱۰۳]



^۱ برای اطلاع از متن کامل این سه نوشته، نگاه شود به بخش: «مناسبات علمی - فرهنگی میان ایران و ایتالیا»، مندرج در همین کتابچه.

(تاریخ نوشته: ۱۳۶۷ش)

آنجلو پیه مونتسه ایران‌شناس نامور ایتالیائی و دوست دیرینه ایران^۱

آنجلو پیه مونتسه ایران‌شناس نامور ایتالیائی، دوست دیرینه ایران است و اینک در تهران، سالهاست او را می‌شناسم و از نوشته‌های محققانه و مبتکرانه‌اش بهره‌وری برده‌ام. او از اروپائیان است که در شناخت نسخ خطی فارسی و دستیابی به مجموعه‌های دورافتاده در زوایای ایتالیا یکتا ندارد. سالهاست که نسخه‌های دیرینه را می‌یابد و معرفی می‌کند. مگر نه آن است که اقدم نسخ شاهنامه فردوسی را او در گوشه‌ای از فلورانس شناخت و به جهانیان معرفی کرد و ضابطه تصحیح شاهنامه را دگرگون ساخت. بخشی از مقاله او را چند سال پیش در همین مجله چاپ کردیم^۲ و هموطنان را از این بشارت آگاه ساختیم. باز چندی پیش بود که یکی از قدیم‌ترین و نفیس‌ترین نسخه‌های منطق‌الطیر عطار را در کتابخانه دیگری به دست آورد و درباره آن مقاله نوشت. امتیاز این نسخه به مجالس تصویر آن است که قدیمی و دیدنی و ابتکاری است. از خود اسکارچیا شنیدم که بازیل‌گری (متخصص معروف شناخت مجلسهای نقاشی ایران) گفته است چنین نمونه‌ای از نقاشی ایرانی تا کنون نمی‌شناختیم و از عجائب هنر ایران است. افسوس که هنوز اطلاعی از این نسخه به فارسی نشر نشده است و به همین ملاحظه اکنون که پیه مونتسه در ایران است مصرّاً از او خواستاریم که مقاله کوتاهی برای درج در «آینده» بنویسد و بدهد.^۳ پیه مونتسه از ادبیات‌شناسان ایران است. سالها در دانشگاه رم (ایتالیا) و دانشگاه استراسبورگ (فرانسه) تدریس کرده و حدود یکصد مقاله نوشته است و چندین کتاب معتبر و مفید نشر کرده است. کتابشناسی ایران در زبان ایتالیائی (دو جلد) از برجسته‌ترین کارهای اوست و گوشه‌ای است از اطلاع و بصیرت او در زمینه کتابشناسی مربوط به ایران.

یکی از کارهای جذاب او نگارش مقاله‌ای است در زمینه تاریخ عکاسی ایران و آن به مناسبت دست یافتن به مجموعه‌ای از عکسهای ایران است که یک عکاس ایتالیائی در آغاز پیدا شدن فن عکاسی از ایران برداشته و به احتمال قوی نخستین کسی است که از رجال و مناظر ایران عکاسی کرده بوده است. پیه مونتسه چند سال بود که به ایران نیامده بود. در دیدار کوتاهی که با هم داشتیم به یاد سی سال گذشته پرس و جوها از یکدیگر کردیم. من از احوال ایران‌شناسان ایتالیائی می‌پرسیدم و می‌خواستم بدانم هریک از آنان به چه تحقیق و تجسسی مشغول است.

[مأخذ: آینده، س ۱۴ (۱۳۶۷)، ش ۶-۸: ۳۲۷]



۱ عنوان اصلی مقاله: «پیه مونتسه در تهران، شناساننده نسخه شاهنامه مورخ ۶۱۴ و منطق‌الطیر مصور قدیمی».

۲ «مقدمه شاهنامه مورخ ۶۱۴ و معرفی پیه مونتسه از آن». در: آینده، س ۶ (خرداد - تیر ۱۳۵۹)، ش ۳-۴: ۲۰۷-۲۱۳ (گردآورنده).

۳ «نسخه مصور منطق‌الطیر در تورین». در: آینده، س ۱۵ (خرداد - مرداد ۱۳۶۸)، ش ۳-۵: ۳۰۰-۳۰۵ (گردآورنده).

(تاریخ نوشته: ۱۳۷۱ش)

دنیای علم آگاهی از سابقهٔ ایرانشناسی در ایتالیا را مدیون آنجلو میکله پیه‌مونته است^۱

دنیای علم آگاهی از سابقهٔ ایرانشناسی در ایتالیا را مدیون آنجلو میکله پیه‌مونته است. او اکنون رایزن فرهنگی ایتالیاست، ولی عمرش را در کارهای دانشگاهی و در رشتهٔ ایرانشناسی گذرانیده و دارای چندین کتاب اساسی و پنجاه شصت مقالهٔ ممتاز و ابتکاری در آن زمینه است. کارهای عمدهٔ او اینهاست:

– شناختن و شناساندن شاهنامهٔ خطی مورخ ۶۱۴ که قرنهایی در کتابخانهٔ دیری بود و اکنون در کتابخانهٔ ملی فلورانس است. این نسخه اکنون از پایه‌های چاپ علمی خالق مطلق است.

– «تاریخ ادبیات ایران به زبان ایتالیایی» در دو جلد.

– «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» که در کتابخانه‌های مختلف ایتالیا نگاهداری می‌شود و

معرفی آن در مجلهٔ «آینده» آمده است.

– «کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی» در دو جلد و قریب به هزار صفحه. در این کتابشناسی نام و مشخصات ۶۸۸۵ کتاب و مقاله آمده است. همین اثر بزرگ گواه کوششهای ایرانشناسی ایتالیاست و طبعاً ما هم سپاسگزار زحمات سالهای دراز پیه‌مونته‌ایم که می‌توانیم به وسیلهٔ کتاب او بر کارهای ایتالیائیان در زمینهٔ تاریخ و ادبیات خودمان دست بیابیم.

از نوشته‌های ابتکاری او که انگیزهٔ من در نگارش مقالهٔ «تاریخچهٔ عکاسی ایران»^۲ شد مقاله‌ای است دربارهٔ نخستین عکسهایی از ایران که توسط یک عکاس ایتالیایی در اوایل اختراع دوربین عکاسی برداشته شده و یک نسخهٔ آلبوم آن عکسها در یکی از گنجینه‌های ایتالیا موجود بوده است و نسخهٔ دیگری از آن آلبوم که به ناصرالدین‌شاه تقدیم شده بود و در بیوتات سلطنتی ایران نگاهداری شده و هست. سخن از پیه‌مونته ما را به نسخهٔ شاهنامهٔ فردوسی مورخ ۶۱۴ می‌کشد. نسخه‌ای که آوازه‌مند شد و دوسه تنی هم دربارهٔ آن سخنهاي مخالف گفتند و نوشتند. به همین ملاحظه آهنگ آن کردم در این سفر به فلورانس (فیرنزه در زبان ایتالیایی) بروم و نسخه را ببینم و دیده‌های خود را برای دوستداران نقل کنم. به لطف خانم اسکارچیا آمورتی [Biancamaria Scarcia Amoretti] راهی شدم. پیه‌مونته هم برایم سفارشنامه‌ای به کتابخانه نوشته بود که این گنج نامور را نشانم بدهند و تصور نشود که «توریستم». پیه‌مونته زمانی که این نسخه را در کتابخانهٔ ملی فلورانس جست فوراً مقاله‌ای مفصل در معرفی آن نوشت که در مجلهٔ *Annali* (ناپل) چاپ شد و بخشی کوتاه از آن در مجلهٔ *آینده*^۳ چند سال پیش به چاپ رسید. سبب اینکه پیه‌مونته از بودن این نسخه در فلورانس آگاه شد این بود که او سالها بود در همهٔ

۱ عنوان اصلی مقاله: «مشرق‌زمین و معنای تاریخ».

۲ چاپ شده در: گنجینهٔ عکسهای ایران (همراه تاریخچهٔ ورود عکاسی به ایران). تهران: نشر فرهنگ ایران. ص یک تا صد و چهار (گردآورنده).

۳ *آینده*. س ۶ (خرداد - تیر ۱۳۵۹) ش ۳-۵: ۲۰۷-۲۱۳ (گردآورنده).

کتابخانه‌های ایتالیا در پی یافتن و فهرست کردن نسخه‌های فارسی بود و با کنجکاوی توانست نه تنها این نسخه، بلکه دهها نسخه مهم دیگر را بشناساند. از آن زمره است منطق الطیر مصور عطار مورخ ۸۵۷ که از نسخه‌های مصور کم‌نظیر است و شاید یگانه منطق الطیر مصور.^۳ همچنین است مجموعه‌ای از قرن هفتم هجری که در آن مقداری از اشعار فارسی امام فخر رازی (به‌زودی در نامواره دکتر محمود افشار به چاپ می‌رسد) و شمس‌الدین بیلقانی و شمس‌الدین جوزجانی و شهاب اطلسی مندرج است.

با کاروانی شوق به فلورانس رفتم که شاهنامه مورخ ۶۱۴ را زیارت کنم اما دریغا بخش نسخه‌های خطی شرقی بسته بود. نسخه‌ها را در جعبه‌ها و صندوقها کرده بودند که مخزن را به منظور ایمنی سیم‌کشی تازه بکنند. «گناه بخت من است این گناه دریا نیست».

[مأخذ: آینده، س ۱۸ (مهر - اسفند ۱۳۷۱)، ش ۷-۱۲: ۴۸۲-۴۸۳]



^۳ منطق الطیر عطار نیشابوری. چاپ عکسی. به خط نصیر بن حسن المکی، مورخ ۸۵۷ق. نسخه خطی متعلق به کتابخانه سلطنتی تورینو (ایتالیا). زیر نظر نصرالله پورجوادی. دیباچه‌ها از: نصرالله پورجوادی، آنجلو میکله پیه‌مونته. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، با همکاری بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران. ۱۳۷۳. سیزده + ۴۰۳ص (گردآورنده).

ه. گزیده معرفیهای نوشته‌شده بر آثار آ. م. پیه‌مونته (چاپ‌شده در ایران)

الف. کتابها

فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا

Catalogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia. Ministero per i Beni Culturali e Ambientali ("Indici e Cataloghi, n. s. V"), Istituto Poligrafico e Zecca dello Stato, Libreria dello Stato, Roma, 1989, pp. XXXIII+443.

I

ایرج افشار

این اثر مهم‌ترین کار تحقیقی است که درباره نسخه‌های خطی فارسی موجود در ایتالیا (به استثنای واتیکان) انجام شده است. پیه‌مونته ایرانشناس نامور، همه نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های شهرهای بولونی (دو کتابخانه)، فلورانس (شش کتابخانه)، ناپل (یک کتابخانه)، پادوا (دو کتابخانه)، پرما (یک کتابخانه)، پیسا (یک کتابخانه)، رم (شش کتابخانه)، سیهنا (یک کتابخانه)، تورینو (دو کتابخانه)، ونیز (دو کتابخانه)، ورونا (یک کتابخانه)، پالمو (یک کتابخانه) را در این فهرست عالمانه مرتب به فهارس متنوع، معرفی کرده است. تعداد نسخه‌های معرفی شده ۴۳۶ تاست.

خوانندگان قطعاً می‌دانند که قدیم‌ترین نسخه شاهنامه (مورخ ۶۱۴) در فلورانس است و یکی از زیباترین نسخه‌های مصور منطق الطیر عطار مورخ ۸۵۷ در شهر تورینو. پیه‌مونته درباره این هر دو نسخه ممتاز پیش ازین هم مقاله‌های جداگانه در نشریات علمی ایتالیا منتشر کرده است. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه واتیکان سالهایی چند پیش ازین توسط «رُسی» منتشر شده است. پیه‌مونته - که سه سال است در ایران سمت رایزنی فرهنگی ایتالیا را در عهده کفایت دارد - از ایرانشناسان ارزشمند ایتالیاست و شماره تألیفاتش درباره ایران از پنجاه در گذشته است.

[مأخذ: آینده، س ۱۸ (فروردین - شهریور ۱۳۷۱)، ش ۱-۶: ۲۷۴]

II

حشمت مؤید (شیکاگو)

دکتر آنجلو پیه‌مونته‌سه چهره سرشناسی است که بیش از همه کتابها و مقالاتی که درباره ایران و ادبیات فارسی نوشته است، از راه کشف کهنه‌ترین دستنویس موجود شاهنامه در جهان شهرت و محبوبیتی درخور کوشش و همت بلند خویش بویژه در میان ایرانیان ادب‌دوست یافته است. کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم متعلق به اوست، ولی به خواهش دولت ایتالیا گویا هشت ده سالی می‌شود که رایزنی فرهنگی آن کشور را در ایران بر عهده گرفته و در این مقام نیز با شرکت در مجامع ادبی و تماس نزدیک با دانشمندان ایرانی، خدماتی درخشان به تحکیم پیوندهای فرهنگی دو کشور انجام داده است. بزرگ‌ترین مجموعه‌های نسخ خطی فارسی در اروپا در کتابخانه‌ها و موزه‌های چهار کشور آلمان و انگلیس و فرانسه و روسیه (یعنی روسیه شوروی سابق با همه جمهوریهایی غیر روسی ضمیمه‌اش) نگاهداری می‌شود. در کشور اتریش نیز که روزگاری دراز امپراطوری مقتدری در اروپای مرکزی بوده است، گنجینه‌هایی از آثار خطی فارسی موجود است. در باقی کشورهای اروپا نیز، از جمله در دانمارک و هلند و سوئد و اسپانیا، تعدادی دستنویس فارسی هست. اطلاعات درباره این مجموعه‌ها در کتابهای فهرست مؤلفان غربی آمده است، و شماری از آنها به همت استاد سختکوش جناب ایرج افشار در دفترهای نشریه نسخه‌های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، و در نوشته‌های دیگران شناسانده شده است. درباره مجموعه‌های فارسی موجود در ایتالیا اطلاعات ما تا کنون غالباً ناتمام و پراکنده بود. این کمبود اینک به همت استاد پیه‌مونته‌سه برطرف شده است.

دکتر پیه‌مونته‌سه برای تألیف فهرست حاضر جمعاً ۷۳ کتابخانه و پنج بایگانی اسناد را در ۳۷ شهر ایتالیا جستجو و بررسی کرده است. در ۴۳ کتابخانه و سه بایگانی اثری از نوشته‌های فارسی نیافته، و در ۳۰ کتابخانه دیگر و دو بایگانی اسناد در ۱۵ شهر توانسته است روی هم رفته ۴۳۶ دستنویس فارسی بیابد که همه را با مهارت کامل و دقت بسیار در این کتاب ارزشمند معرفی نموده است. مجموعه‌های فارسی کتابخانه واتیکان و همچنین مجموعه‌های شخصی و اسناد سیاسی از این حساب بیرون است.

فهرست ۱۸۹ دستنویس فارسی واتیکان را استاد رُسی (Rossi) در ۱۹۴۸ منتشر کرده بود.^۱ مجموعه گرانهای ۱۰۳۳ دستنویس تعزیه را که به تدبیر چروللی (Cerulli) سفیر دانشمند سابق ایتالیا در تهران، در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ گردآوری شده و از طرف او به واتیکان اهدا گشته بود، استاد فقید بمباجی (Bombaci) فهرست کرده و با مقدمه‌ای تاریخی منتشر کرده است.^۲

استاد پیه‌مونته‌سه هم ۱۳ دستنویس دیگر فارسی متعلق به بنیاد سبث (Sbath) و یک برزنامه دیگر را که به کتابخانه واتیکان سپرده شده است، طی مقاله‌ای در مجله «آکادمی لینه‌ای» (Lincei) معرفی کرده است.^۳

1 E. Rossi, *Elenco dei manoscritti Persiani della Biblioteca Vaticana*. 1948.

2 A. Bombaci, *Elenco di drammi religiosi Persiani*. 1961.

3 'I manoscritti persiani del Fondo Sbath nella Biblioteca Vaticana e un nuovo "Barzunāma", in: *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Rendiconti, Classe di Scienze morali*, s. VIII, Vol. XXXIII, 1978, pp. 447-464.

در میان کتابخانه‌های شخصی، مؤلف مجموعه بنیاد پرنسون در فلورانس را که اکنون مرکز پژوهش‌های رنسانس وابسته به دانشگاه هاروارد است، یاد نموده و قید کرده است که وی خود مقاله‌ای در معرفی نسخه‌های فارسی آن^۴، و آتینگهاوزن (Ettinghausen) در مقاله‌ای راجع به مینیاتورهای فارسی مجموعه مزبور نگاشته است.^۵

چنانکه گذشت، حاصل جستجوی دکتر پیه‌مونتسه معرفی دقیق ۴۳۶ دستنویس فارسی است به دنبال پیشگفتاری سودمند، و ۱۵ فهرست پایان کتاب که در آنها آگهیهای لازم زیر ارائه شده است: موضوع کتابها (دانشها، فلسفه، تاریخ، شعر، اسلامیات و غیره)، انواع خطوط و طبقه‌بندی دستنویسها برحسب نوع خط با قید شماره و مشخصات دیگر، تزئینات، مینیاتورها، مرقات، جدولها و لوحه‌های علمی، مورها، نام خطاطان و کاتبان، مؤلفان تمام کتب و آثار یادشده در متن، کتابها و رساله‌ها، و سرانجام فهرست الفبائی تمام دستنویسها به حروف فارسی. نمونه‌هایی نیز از مینیاتورها و خطوط خوشنویسی و صفحه‌هایی از بعضی نوشته‌های جالب‌توجه و جدولها همگی سیاه و سفید روی کاغذ اعلای سنگین در کتاب گنج‌نیده شده است.

پیشگفتار دکتر پیه‌مونتسه اطلاعات گرانبهائی دیگری هم که برای دستداران کتاب مهم است در بر دارد، از آن جمله است عنوان دستنویسهایی که به خط مؤلف است، یا زیر نظر مؤلف کتابت شده، یا به هر حال وی خود آن را دیده و امضا کرده است. از آن میان یکی نسخه خلاصه‌الخبار تألیف غیاث‌الدین خواندمیر مورخ ۹۰۵ هجری و اهداشده به امیرعلیشیر نوائی است متعلق به کتابخانه آکادمی لینه‌ای (Lincci)؛ دیگر حبیب‌السیر از همو در سه جلد که در سالهای ۹۲۷ تا ۹۳۵ کتابت شده و اکنون در کتابخانه پادشاهی تورینو نگاهداری می‌شود؛ دیگر نسخه‌ای ممتاز از تحفة‌الاحرار مولانا جامی که در ۸۶۶ پایان یافته و دست‌کم امضای آن از خود جامی است؛ همچنین دیوان علی بن فتح‌الله معدانی اصفهانی معروف به «صابر» که خود شاعر در ۸۸۰ هجری برای سلطان محمد فاتح و احتمالاً در استانبول نوشته است. بنا بر گفته مؤلف، نسخه این دیوان یکتاست، حداقل در اروپا. پیه‌مونتسه تعدادی از دستنویسهای بسیار کمیاب را هم که شاید در اروپا منحصر به فرد باشد از قبیل شعری عارفانه از اسیری لاهیجی، شرح «ترجمه» هیاکل نور سهروردی، چند رساله پزشکی و فلسفی منسوب به عمر خیام و ابن سینا، اخلاق رضی‌الدین نیشابوری، دیوان امیرهمایون که اصلاً اسفراینی بوده و در خدمت سلطان یعقوب آق‌قویونلو در تبریز می‌زیسته است، در همین گفتار شناسانده است.

شنیدم دوست دیرینم استاد پیه‌مونتسه امسال طهران را ترک می‌کند و به دانشگاه رم باز می‌گردد. جانش خرم و تنش سالم و قلمش پر بار باد.

[مأخذ: ایران‌شناسی، س ۶ (بهار ۱۳۷۳)، ش ۱: ۲۰۰-۲۰۳]



4 "I manoscritti persiani della collezione Berenson", Renato Traini (ed.), *Studi in onore di Francesco Gabrieli nel suo ottantesimo compleanno*, Università "La Sapienza", Dipartimento di Studi Orientali, Roma 1984, vol. II, pp. 631-639.

5 Ettinghausen, *Miniature Persiane nella collezione Bernard Berenson*. Milano, 1962.

کتابشناسی ایتالیائی دربارهٔ ایران

Bibliografia italiana dell'Iran (1462-1982), Istituto Universitario Orientale, Seminario di Studi Asiatici ("Series Minor" XVIII), Napoli, 1982, 2 volumes, pp. 947.

I

ایرج افشار

کتابشناسی ایتالیائی برای ایران، حاوی نام کتابها و مقاله‌هایی است که به زبان ایتالیائی از سال ۱۴۶۲ میلادی تاکنون در زمینهٔ مطالعات مربوط به ایران نگارش یافته. مأخذ سال ۱۴۶۲ (= ۸۶۶ قمری) از این روی است که این سال یکی از سالهای حکمرانی سلسله‌های قره‌قویونلو و آق‌قویونلو بود که روابط مملکت ایران با حکومت ونیز وسعت گرفت. در این کتابشناسی عظیم مشخصات ۶۸۸۵ کتاب و مقاله در یازده بخش آمده:

۱. کتابشناسیها.
۲. جغرافیا. مهم‌ترین و گسترده‌ترین مطالعات ایتالیائیها دربارهٔ سیستان و بلوچستان و افغانستان و اصفهان است.
۳. سفر و سفرنامه. برای هر سیاحی که شهرت و اهمیت بیشتر دارد قسمت خاصی در نظر گرفته شده است و معلوم می‌شود که دربارهٔ مارکوپولو، نیکولو دوکنتی، باربارو کنتارینی، پیئtro دلاواله بیش از سیاحان دیگر مقاله و کتاب نگارش یافته است.
۴. تاریخ. به ترتیب تاریخی مرتب شده و پس از سلسله‌ها به کتابشناسیهای مباحث خاص چون نفت، مسائل کرد، افغانستان و آسیای میانه، ونیز و ایران، ایتالیا و ایران پرداخته شده است.
۵. باستانشناسی. در این رشته باکوششهای علمی ایتالیائیها که شهرت جهانی دارد بخصوص دربارهٔ شهر سوختهٔ سیستان، خوارزم، برزهای سیستان، تخت جمشید، غزنین، اصفهان آشنایی حاصل می‌شود.
۶. هنر. در این قسمت به جز کلیات، بخشهایی به هنر دورهٔ ساسانی، کاشی و سفال، فلزکاری، قالی، نقاشی اختصاص یافته.
۷. زبانشناسی.

۸. ادبیات. ادبیات از قسمتهای وسیعی است که حکایت از سابقه طولانی ایتالیائیها در مطالعات ایتالیائیها در ادبیات زبان فارسی دارد. به طور مثال درباره فردوسی دویست مقاله و کتاب به زبان ایتالیائی هست و نشانی روشن از آنکه تا چه مقدار در کتابشناسی فردوسی از آن باید استفاده بکنیم.
۹. فلسفه و علوم. از ابن سینا، رازی، بیرونی به طور مستقل یاد شده است.
۱۰. ادیان. زردشتی‌گری، مهرپرستی، مانویت، مزدک، مسیحیت، اسلام.
۱۱. ایران در ادبیات ایتالیائی و اروپائی.
- الحاقات بر قسمتهای یازده‌گانه.

تاکنون برای کتابها و مقاله‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی درباره ایران، کتابشناسی در دست بود و اینک که کتاب بسیار خوب و خوش ترکیب و منظم آقای پیه‌مونته انتشار یافته است وسیله تحقیق بارزش دیگری در اختیار پژوهندگان مطالعات ایرانی قرار گرفته است.

بی تردید برای کسانی که در رشته‌های مربوط به تحقیقات ایرانی کار می‌کنند، مخصوصاً در زمینه‌های باستانشناسی، هنر و ادبیات توجه به نوشته‌ها و پژوهشهای ایتالیائیها در نهایت اهمیت است و خوشبختانه با کار پیه‌مونته آگاهی یافتن بر آن پژوهشها بسیار آسان شده است.

پیه‌مونته با کشف قدیم‌ترین نسخه شاهنامه فردوسی — که سابقاً در همین مجله ذکر آن شده است (جلد ششم) — خدمت گرانقدر دیگری به مملکت ما کرده است که نباید فراموش شود.

[مأخذ: آینده. س ۱۰ (شهریور و مهر ۱۳۶۳)، ش ۶-۷: ۴۲۲-۴۲۴]

II

جری بچکا

Jiri Becka

(ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو)

کتابی از نوع کتاب «پیه‌مونته» خدمت بزرگی است به تاریخ ادب و فرهنگ کشور ایران و گواهی بر دل‌بستگی قدیمی مؤلف به تاریخ علم، ادبیات و زبان ایران. پیه‌مونته زمینه وسیعی را برای نیل به هدف خود برگزیده و گرچه، فقط نام ایران را برای کتاب خود در نظر گرفته اما شامل تمام جنبه‌های تاریخ و فرهنگ سرزمینهای تاریخی ایران است.

این کتابشناسی کتابهای از زمان به وجود آمدن چاپ تا سال ۱۹۸۲ را در بر می‌گیرد، مثلاً اطلاعات بارزش و جامعی در پاسخ سؤالات مطرح شده از طرف دانشجویان درباره موضوعات مختلف منطقه و نظریات مورخان علوم و علوم انسانی و سایر متخصصان مسائل خاور نزدیک را شامل است.

کتاب دارای ۶۸۸۶ مدخل است و به یازده بخش تقسیم می‌شود. پنج بخش آن (جلد اول) شامل

کتابشناسی، جغرافیا، سفرنامه و خاطره‌نویسی، تاریخ و باستانشناسی است. شش بخش باقیمانده (جلد دوم) هنر، زبان، ادبیات، فلسفه و علوم، مذهب و ایران در ادبیات ایتالیا و اروپاست. این یازده بخش به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود: مثل سفرنامه‌ها و ادبیات که دارای شاخه‌های فرعی است که بر حسب اسم مؤلف تقسیم‌بندی شده است. کلیه بخشها بر حسب تاریخ‌شمار طبقه‌بندی شده است.

این طبقه‌بندی بر حسب اسم مؤلف یا اسم مستعار، عنوان کتاب، مقاله یا ترجمه، نشریات ادواری به اختصار و سایر اطلاعات مربوطه با علوم مذکور در فوق است و شرح و تفسیر مختصری هم در هر موردی که لازم به نظر می‌رسیده است داده شده است، بخصوص در مواردی که کتابهای قدیمی مورد بحث بوده است. اکثر بخشهای کتاب اختصاص به ایتالیاییهای ایرانشناس معاصر دارد که به‌طور مثال می‌توان از الساندرو بانوزانی نام برد که دویست اقلام آن را دربر گرفته است. بعضی قسمتها به مؤلفان چکسلواکی اختصاص یافته است که می‌توان از و. کویچکوا، ژ. موکاروسکی (نظامی نوشته موکاروسکی) و دیگران نام برد. سه بخش کتاب به آنان اختصاص یافته است. قسمت‌های دیگری به کسانی چون ادریکو بوئمو، دی. پوردفون، یان رییکا و دیگران اختصاص دارد.

پیه‌مونته در کتابشناسی خود، نه تنها از ایتالیاییهای ایرانشناس که در مورد ایران مطلب نوشته‌اند یادآوری کرده است، بلکه از مستشرقینی هم که در نشریات آنان مطالبی درباره ایران دارند سود جسته است، از جمله از یان رییکا، و. کویچکوا، اوتاکا کلیما در مجله «آرشو اوریانتالی» و سایر نویسندگانی که در این مجله مقاله داشته‌اند.

در جلد دوم، فهرست اسامی شامل نام مؤلفان، مقاله‌نویسان و مترجمین و شخصیت‌های شرقی است که نام آنان به ترتیب خاصی در بخشهای مختلف کتاب مورد بحث قرار گرفته آمده است ...

[مأخذ: آینده، س ۱۳ (فروردین - خرداد ۱۳۶۶)، ش ۱-۳: ۱۳۸-۱۳۹]



ادبیات ایتالیائی در ایران

La letteratura italiana in Persia. Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Classe di scienze morali, storiche e filologiche. *Memorie*, s. IX, vol. XVII, fasc. 1, Roma 2003, pp. 251. ISSN 0391-8149. ISBN 88-218-0899-8.

I

میکله برناردینی

Michele Bernardini

(ترجمه عاطفه طاهایی)

در این مجلد پیه‌مونته‌سه فهرست بلند و مستندی از ترجمه‌های نویسندگان ایتالیائی به فارسی را ارائه کرده است. مقدمه‌ای تاریخی به ما امکان می‌دهد تا در چارچوب یک گاهشمار مشخص به تدریج با ادبیات ایتالیائی در ایران و حتی با تاریخ ایران آشنا شویم. هرچند در قرن هفدهم نخستین گامها در ترجمه آثار ایتالیائی به فارسی در ایران برداشته شد، اما پیشرفت قابل توجه آن در قرن بیستم به وقوع پیوست. از این رو نویسنده به ترجمه دکامرون بوکاچو (۱۹۰۵)، شهریار ماکیاولی (۱۹۴۵) و ترجمه‌های پینوکو اثر کولودی و کمدی الهی دانتِه (۱۹۵۵) اشاره می‌کند.

فصل مهمی نیز (فصل دوم: Rassegna) درباره ترجمه آثار فارسی به ایتالیائی ارائه می‌کند؛ نویسندگانی مانند گلدنی که ترجیح می‌دادند برای پرداختن به موضوعات مربوط به ایران از منابع فرانسوی در آثارشان استفاده کنند (*La trilogia di Ircana*). در عوض برخی از نویسندگان به نویسندگان ایتالیائی استناد می‌کرده‌اند، مانند گوته که در دیوان شرقی - غربی خود به پیثرو دلاواله استناد کرده است.

مؤلف نکته‌های جالب توجهی درباره ترجمه کتاب *Idea del giardino del mundo* اثر توماسو تومای ذکر کرده، مثلاً اینکه عنوان آن در فارسی به «حدیقه عالم» ترجمه شده است. از این ترجمه که منسوب به محمدزمان معروف به «فرنگی‌خوان» است فقط یک نسخه وجود دارد که در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود (Ms. Persan 58). امضای همین «فرنگی‌خوان» در پای ترجمه فارسی کتاب یک مبلغ مذهبی به نام مَتینو ریچی (Matteo Ricci) وجود دارد. عنوان کتاب *De Christiana expedition apud Sinas* است (۱۶۱۵) که در فارسی با عنوان «تاریخ چین» ترجمه و منتشر شده و در ۱۸۶۴ در کلکته دوباره به چاپ رسیده است.

مؤلف در فصل «travaso letterario europeo» اطلاعاتی درباره‌ی قرن نوزدهم و حضور ایتالیاییها در ایران به دست می‌دهد. در مورد قرن بیستم مؤلف به مسائلی چون مطبوعات و به تبع آن سانسور در ایران و نیز پیشرفتهایی می‌پردازد که بر اثر انقلاب مشروطه بین سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ به وجود آمد. پیه‌مونتسه، فصل ارزشمندی درباره‌ی پذیرش زبان لاتین در ایران نگاشته است. این زبان در سده‌های میانه در ایران ناشناخته بود و در دوره‌های بعد نیز خیلی کم با آن آشنایی پیدا کردند.

فصلی نیز درباره‌ی آمدن اثر بوکاچو به ایران اختصاص دارد «Boccaccio sharca a Bushehr» و درباره‌ی یک افسر نیروی دریایی اهل آمل به نام احمدخان دریابگی است که ترجمه‌ی فارسی «دکامرون» در ابتدای قرن بیستم به قلم اوست و برای ویرایش و انتشار آن کاری درخور به انجام رسانده است و احتمال دارد در این میان کسانی نیز با او همکاری کرده باشند. او این کتاب را به مظفرالدین‌شاه [حک]: ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۷) تقدیم کرده است. فصل بلندی هم به محدودیت‌های دستیابی به متون ایتالیایی در قرن بیستم اختصاص دارد. در این فصل مؤلف حضور ترجمه‌ی داستانهای مختلف ایتالیایی در مطبوعات ایران را بررسی می‌کند.

فصل جداگانه‌ای هم به ورود ماجراهای پینوکو در ایران تعلق دارد و به مطالعه‌ی موفقیت این کتاب با ترجمه‌ی صادق چوبک می‌پردازد که احتمالاً تا امروز درخشان‌ترین ترجمه‌ی این متن ایتالیایی به شمار می‌آید. پیه‌مونتسه به عبدالحسین زرین‌کوب نویسنده‌ی ایرانی نیز توجه نشان می‌دهد، زیرا زرین‌کوب با پرداختن به دانتی و کمدی الهی در آثارش نقش مهمی در نقد ادبی ایفا کرد. آخرین بند این فصل به ترجمه‌ی شهریار ماکیاولی اختصاص دارد که داریوش آشوری در ۱۹۸۷/۱۳۶۶ ترجمه کرده است. این ترجمه الهام‌بخش محمد خاتمی، نویسنده و یکی از مسئولان سابق حکومت ایران گشت که در ۱۹۹۳/۱۳۷۲ آن را موضوع پایان‌نامه‌ی دانشگاهی خود قرار داد.

از فهرست آثار ادبی ایتالیایی که به فارسی برگردانده شده‌اند می‌توان به علائق متفاوت ایرانی‌ها پی برد (آثار ایتالیایی‌زبانی که هم مستقیماً و هم به طور غیر مستقیم از ترجمه‌ی فرانسوی، انگلیسی و آلمانی به زبان فارسی برگردانده شده‌اند). ترجمه‌ی فرانسوی این آثار بیش از زبانهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته است مانند *La coscienza di zeno* (وجدان نو) نوشته‌ی ایتالو اسوو (Italo Svevo) که در سال ۱۹۸۴/۱۳۶۳ در ایران به فارسی منتشر شد و با *L'isola del Giorno prima* (جزیره‌ی روز نخست) اثر اومبرتو اکو. کمدی الهی بر اساس نسخه‌های فرانسوی و انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. در خصوص کارشناسان زبان ایتالیایی نیز نام کسانی ذکر شده که به ترجمه‌ی آثار پیراندللو، بوتزاتی، گرامشی، کالوینو، پازولینی، تومازی دا لامیدوزا و پاوره همّت گماشتند.

پیه‌مونتسه همچنین فهرست جنگهای متعدد آثار ادبی ایتالیایی و نیز رساله‌های مختلف درباره‌ی تاریخ ادبیات این کشور را نیز تهیه کرده است.

[مأخذ: چکیده‌های ایران‌شناسی. ج ۲۸ (سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴). تهران:

طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۷: ۲۶۰-۲۶۱]

II

شارل - هانری دو فوشه کور

Charles-Henri de Fouchécour

(ترجمه عاطفه طاهایی)

کتابی مهم در زمینه ادبیات تطبیقی و در مورد شناخت ایرانیان از ادبیات ایتالیائی است، از قرن هجدهم میلادی تا به امروز. اقامت درازمدت پروفیسور پیه مونتسه در مقام مشاور فرهنگی در ایران در این تحقیق بسیار مؤثر بوده است. این کتاب نیز ثمره آن و الگوی مطالعه در مورد رابطه ادبیات دو زبان و تعامل میان آنهاست. همچنین پاسخی است به این سؤال سودمند که ادبیات فارسی به چه نحو پذیرای دامنه وسیعی از ادبیات غربی و از جمله ادبیات ایتالیائی بوده است. البته ترجمه مهمترین عامل در پذیرش این ادبیات به شمار می آید. اسنادی که بر مبنای آن چنین تأملی شکل گرفته بسیار زیاد است.

مؤلف بر اساس شکل‌های مختلف ترجمه فارسی از ایتالیائی که بر اثر تحول ذهنیت مترجمان و خوانندگان طی دو قرن به وجود آمده، به اهمیت ترجمه می‌رسد. این مدت‌زمان طولانی موجب شد که این مسأله سینما و تئاتر را هم در بر بگیرد.

حدوداً بین سالهای ۱۶۴۲ تا ۱۶۵۰، بعد از اولین نسخه فارسی کتابی اروپائی با عنوان *del mundo* *Idea del giardino* از توماسو تومای، تا به امروز کتابهای متعدد دیگری برای ترجمه انتخاب شده‌اند و فرهنگ امروز و معاصر ایرانی بر اساس این ترجمه‌ها تصویری از فرهنگ اروپائی در ذهن دارد که مؤلف در صفحات پرباری، ما را با آن آشنا می‌سازد. از طریق نحوه انعکاس آثار بزرگانی چون بوکاچو، ماکیاول، دانته، پترارک و دیگران در ترجمه می‌توانیم انعکاس آن را در جامعه ایرانی پی بگیریم. کتابی بی‌نظیر در زمینه خود، که حوزه وسیعی از مطالعات ادبی و نیز ترجمه‌شناسی را در بر می‌گیرد.

[مأخذ: چکیده‌های ایرانشناسی. ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران:

تهوری، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۶]



ایتالیا و اصفهان

Itāliā va Esfahān. Italia ed Esfahān, a cura di Angelo Michele Piemontese, Sezione Culturale dell'Ambasciata d'Italia in Iran, Tehrān 1991, pp. 152, plates 30.

ایتالیا و اصفهان. به اهتمام و با پیشگفتار پروفسور آنجلو میکلّه پیه‌مونتسه. تهران: انتشارات بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران، باهمکاری پازنگ. آذر ۱۳۷۰. ۱۵۲ ص.

ایرج افشار

مجموعه‌ای است هم زیبا و هم محققانه که به مناسبت نمایشگاه تکنولوژی ایتالیا در اصفهان (آذر ۱۳۷۰) تهیه و پخش شده است و ده مبحث دارد:

۱. اصفهان در زمان اوزون حسن آق‌قویونلو به سال ۱۴۷۴م/۹۰۰ق. نگارش آمبروجیو کنتارینی (سفیر ونیز)، ترجمه آ. م. پیه‌مونتسه.
 ۲. اصفهان در زمان شاه عباس صفوی؛ نگارش پیئترو دلاواله (سیاح رمی) (نامه اول از اصفهان ۱۷ مارس ۱۶۱۷م/۱۷ ربیع‌الاول ۱۰۲۶ق).
 ۳. اغذیه در اصفهان؛ نگارش پیئترو دلاواله (نامه سوم از اصفهان ۱۸ دسامبر ۱۶۱۷م/۱۷ ذوالحجه ۱۰۲۶ق).
 ۴. «زاینده‌رود»، شعری که پیئترو دلاواله به فارسی در اصفهان گفت.
 ۵. خصوصیات شهر اصفهان در ۱۶۹۴م/۱۱۰۵ق؛ نگارش جوان فرنچسکو جملی‌کاری (سیاح ونیزی).
 ۶. بار عام در باغ سعادت‌آباد به سال ۱۶۹۴م/۱۱۰۵ق؛ نگارش جوان فرنچسکو جملی‌کاری.
 ۷. اهدای نشان پاپ به امام جمعه اصفهان در سال ۱۸۶۴م/۱۲۸۱ق؛ از میرزا مسکین اصفهانی و فرزندش عبدالرحیم.
 ۸. ستونهای مسجد جمعه اصفهان؛ نگارش ائوجنیو گالدیری (۱۳۵۶).
 ۹. ساختمان عالی‌قاپو در اصفهان؛ نگارش ائوجنیو گالدیری (۱۳۶۲).
 ۱۰. کتابشناسی ایتالیائی اصفهان (۱۵۴۳-۱۹۸۹م)؛ نگارش آ. م. پیه‌مونتسه.
- کوشش در تهیه این کتاب نتیجه دانش و ذوق و اطلاعات وسیع پیه‌مونتسه است.

[مأخذ: آینده. س ۱۸ (مهر - اسفند ۱۳۷۱)، ش ۷-۱۲: ۵۵۹]



سفارت ایتالیا در تهران

The Italian Embassy in Tebran. edited by Angelo Michele Piemontese, Sezione Culturale dell'Ambasciata d'Italia in Iran, Grafimex, Padova 1990, pp. 80, plates 68

ایرج افشار

سفارت ایتالیا در ایران دارای دو باغ است: یکی زمستانی است در خیابان سفارت فرانسه؛ این محل موقعی که ساختمانش را می‌ساختند بیرون از شهر تهران بود و نصرت‌آباد نام داشت. باغی بود که نصرت‌الدوله فیروزمیرزای بزرگ در عهد ناصری ایجاد کرده و بعدها به یکی از اعیان قراگوزلو واگذار کرده بود.

دیگری تابستانی است در خیابان فرمانیه (شمیران) که باغ ییلاقی فیروزمیرزا نصرت‌الدوله دوم (پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما و از عاقدان جنجالی ولی تیزهوش قرارداد ۱۹۱۹) بود و در سال ۱۹۴۰ پس از درگذشت او به سفارت ایتالیا فروخته شد.

آنجلو پیه‌مونته‌سه، ایرانشناس نامور و بسیار پرکار و دانا، در این مدت کوتاهی که به رایزنی فرهنگی در ایران منصوب شده فعالیت فرهنگی گسترده‌ای را آغاز کرد و از آن جمله است همین کتاب بسیار زیبا و خوش چاپ که درباره تاریخچه دو باغ و ساختمان آنها با بهترین عکسهایی که کامران عدل انداخته است در ایتالیا به چاپ رسانیده است.

متن به انگلیسی و حاوی چند مقاله است:

- مقاله اول نوشته کامران صفامنش است در بیان تاریخچه ساختمان و جنبه‌های معماری آن.
- نوشته بعدی معرفی پرده‌های نقاشی ساختمان است به قلم یحیی ذکاء.
- و پس از آن سرگذشتی است کوتاه از زندگی نصرت‌الدوله فیروز به قلم منصوره اتحادیه.
- مقاله آخری درباره کاشیهای به‌کاررفته در ساختمان نوشته یحیی ذکاء است.

[مأخذ: آینده. سال ۱۸ (فروردین – شهریور ۱۳۷۱)، ش ۱-۶: ۲۷۷-۲۷۸]



یادمانهای رومی شهدای قدیس ایرانی: ماریو، مارتا، ائودیفاجه و آباکو

La memoria romana dei santi martiri persiani Mario, Marta, Audiface e Abaco, Aracne, Roma 2003, pp. 31, plates 4. ISBN 88-7999-486-7.

I

شارل - هانری دو فوشه کور

Charles-Henri de Fouchécour

(ترجمه ژاله آموزگار)

به مناسبت سالگشت احداث کلیسای رومی ای که وقف ماریوی قدیس و سه تن اعضای خاندان او شده است، مؤلف دانشمند کتاب موفق شده داده‌های متعلق به شرح حالهای محلی و تاریخی را مقابله کند و نشان دهد که این چهار شهید اعضای خاندان ایرانی اصیل زاده‌ای بودند که برای زیارت بقایای حواریون به روم آمده بودند و در همان جا به شهادت رسیدند. شرح مصائبی لاتینی (Acta Sanctorum Iannarii Tomus II)، سیره‌نامه‌ای متعلق به قرن پنجم و ششم، می‌شناسیم که به شهادت سان ماریوس، مارتا و پسرانشان، ائودیفاکس و آباکوک، در زمان امپراطوری کلاودیوس دوم (۲۶۸ تا ۲۷۰)، که از گت‌ها بود، اشاره کرده است. در واقع نه او بلکه دیوکلین در سال ۳۰۳ به آزار و شکنجه مسیحیان، که در روایت به آنان اشاره شده است، پرداخت. این شهادتنامه، از نظر طرح، نمونه‌ای کلیشه‌ای بشمار می‌آید: زیارت، تغییر دین، و شهادت. مؤلف توانسته ثابت کند که ماریوس و خانواده‌اش قربانی این آزار و شکنجه وسیع شدند. شباهت بین نام پدر مارتا، کوسینیتیس با ساتراپی از اخلاف پارتیان در ارمنستان مسیحی به نام خوژن (Xūžēn) به شناسایی سایر نامها راه می‌برد (اودفخ و آبدوخش (Abdvaxš)، «برخوردار از روح ستایش انگیز»؛ آباکوک و حَبْقُوق، پیامبری که در گودال به نجات دانیال که در پارس بسیار مورد ستایش است، آمد). در این سی‌ودو صفحه کار فاضلانه و محققانه ماجرای بقایای قدیسان، پرستشگاهی که به آنها مامن داد و جشنهایی که خاطره این شهیدان واقعی را زنده نگاه می‌داشت، آمده است.

[مأخذ: چکیده‌های ایرانشناسی، ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران:

طهوری، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۸۸]

II

کریستل ژولین

Christelle Jullien

(ترجمه لیلی خباز)

آ. م. بیه مونتسه در این کتابچه کوچک، تاریخ یک خانواده مسیحی را تحلیل می‌کند که از پارس (= ایران) برای بزرگداشت آثار بازمانده مربوط به نخستین شهدا و گرامی داشتن دو حواری، پی‌یر (Pierre) و پل (Paul) به زیارتگاهی در روم آمده بودند. پدر، مادر، و دو پسر آنها در هنگام شکنجه‌هایی که به وسیله کلود دوم گوتی (Claude II le Goth) در نیمه دوم قرن سوم بر ضد مسیحیان اعمال می‌شد کشته شده بودند. این شرح مصائب، احتمالاً از قرن پنجم تا ششم به بعد نگاشته شده است.

نویسنده صحت اسناد لاتین را براساس داده‌های باستانشناختی رومی بررسی می‌کند. او در نظر دارد به زودی شرح حالی درباره مجموعه قدیسان مسیحی قدیمی ایرانی که در روم مورد احترام بودند به نگارش درآورد.

[مأخذ: چکیده‌های ایرانشناسی، ج ۲۶ (سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲). تهران:

طهوری، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۵: ۱۸۷]



امیرخسرو دهلوی: داستانی از بهشت (هشت بهشت)

DA DELHI, Amir Khusrau. *Le otto novelle del paradiso*. Tr. dal persiano e postfazione di Angelo M. Piemontese, introduzione di Paola Mildonian. Messina, Rubbettino, 1996, XIX-181 p., Medioeve Romanzo e Orientale, Testi, 2.

شارل - هانری دو فوشه کور

Charles-Henri de Fouchécour

(ترجمه مهوش قویمی)

مقدمه این اثر مقایسه‌ای است بین هفت پیکر نظامی و هشت بهشت امیرخسرو دهلوی. مؤلف نشان می‌دهد که امیرخسرو چگونه نسبت به نظامی استقلال خود را به دست می‌آورد و اثر وی چگونه توانسته است وارد مغرب‌زمین شود.

ترجمه کامل هشت بهشت به زبان ایتالیایی که به دست آنجلو میکله پیه‌مونته انجام پذیرفته، در صفحات ۱ تا ۱۴۲ درج گردیده است. متن فارسی ترجمه شده، متن مصحح چاپ مسکو است که به کوشش جعفر افتخار در سال ۱۳۵۱ منتشر گردید.

در یادداشت مهم پایان کتاب، پیه‌مونته از مطالعات خود درباره روابط تاریخی و ادبی هشت بهشت امیرخسرو و داستان سفر زیارتی سه شاهزاده جوان سرندید، که در سال ۱۳۶۶ انجام پذیرفته است، نوعی جمع‌بندی ارائه می‌دهد. نتایج این تحقیقات تحت این عنوان گردآوری شده است:

Gli "Otto Paradisi" di Amir Khusrau da Delhi. Una lezione persiana del "Libro di Sindbad" fonte del "Peregrinaggio" di Cristoforo Armeno. (Roma, 1995, Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Anno CCCXCII-1995. pp. 315-418. Classe di Scienze Morali. Storiche e Filologiche Memorie. Serie IX-Volume VI-Fasciolo 3).

این نتایج در عین حال در مجله لقمان، به زبان فرانسوی و تحت عنوان «هشت بهشت امیرخسرو و ادبیات اروپائی» (سال ۱۲، شماره ۱، ۶-۱۹۹۵)، صفحات ۷ تا ۲۴ چاپ شده است.

ترجمه سال ۱۳۷۵ (صفحات ۸ تا ۱۷۳) شامل کتابنامه‌ارزنده‌ای است درباره مجموعه مضامین بررسی شده.

[مأخذ: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۰-۲۱ (سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷). تهران:

مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۳۴۵]



«هشت بهشت امیر خسرو و ادبیات اروپائی»

"Les Huit paradis d'Amir-Khosrow et la littérature européenne", in: *Luqmān*, Tehrān, an. XII, n. 1, n. série 23, Automne-hiver 1995-96, pp. 7-24.

شارل - هانری دو فوشه کور

Charles-Henri de Fouchécour

(ترجمه نسرين خطاط)

هشت بهشت «اولین متن ادبی فارسی است که در عهد رنسانس شناخته شده و به یک زبان اروپائی منتقل شده است». این متن سرچشمه اصلی داستان سفر زیارتی سه شاهزاده جوان سرندید است. اقبال و توفیق هشت بهشت در اروپا مربوط می شود به انتشار کتابی حاوی داستانهای کوتاه (و نیز ۱۵۵۷) که به صورت آزاد از زبان فارسی به ایتالیایی توسط کریستف ارمنی تبریزی، تحت عنوان «زیارت...» انتشار یافت. مؤلف نشان می دهد که جلوه های بیشماری از هشت قصه امیر خسرو در متون روایی قرون وسطی به چشم می خورد و آنها غالباً منشأ یونانی و لاتین دارد.

پیه مونته، موفقیت بزرگی را که «زیارت...» در اروپا بویژه در قرن هجدهم و نوزدهم کسب نمود خاطر نشان می سازد. محتوای این حکایات غالباً جستجوی هویت و اصل و نسب است مانند شناسایی یک شاهزاده نامشروع.

«بررسی ساختار هشت بهشت و مطالعه تطبیقی حکایات نشان می دهند که کتاب امیر خسرو برداشت بدیع و جالبی از کتاب سندباد [نامه] است. کتابی که به زبان اروپائی همپای کتاب عقلای سبعة محسوب می شود».

[مأخذ: چکیده های ایران شناسی. ج ۲۰-۲۱ (سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷). تهران:

مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۳۷۲-۳۷۳]



«سفیران ایران

در دربارهای فدریکو دامونته فلترو، لودویکو بولونیزه و کاردینال بساریونه»

"L'ambasciatore di Persia presso Federico da Montefeltro, il cardinale Bessarione e Ludovico Bononiense O. F. M.", in: Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae XI ("Studi e Testi", 423), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2004, pp. 539-565, plate 1.

میکله برناردینی

Michele Bernardini

(ترجمه ناهید فروغان)

این مقاله تعلق دارد به مجموعه‌ای از نوشته‌هایی که حاصل پژوهشهای مؤلف است در مورد روابط دربارهای ایتالیائی با اوزون حسن، فرمانروای آق‌قویونلوها (ح. ۸۸۲ تا ۸۵۷ق، تبریز) در زمینه پیکار بر ضد عثمانی. اوضاع و احوال شهر اورینو و نیز شخصیت‌های فدریکو دامونته فلترو و کاردینال بساریونه - چهره‌های سرشناس این مقاله - تصویری از تلاش شدید غرب برای رسیدن به پیمانی با ایران در دوران این اتحادیه ترکمن پدید می‌آورد. این روابط با آنکه از نظر نظامی به جایی نکشید، اما پیامدهای فرهنگی مهمی داشت. مؤلف نامه‌ای از اوزون حسن را که از طریق لودویکو دامونته بولونیا به پاپ تسلیم شده است، تحلیل کرده است.

وی مسأله «مکاتبات ایرانی دربار سیستمی چهارم» («indirizzario persiano della curia di Sisto IV») را که در میلان در بایگانی دولتی (Archivio Ducale, Registro Ducale 214, f. 73) محفوظ است، مطرح کرده است.

این مقاله شواهد دیگری را نیز در نظر می‌گیرد، از جمله شواهد شمایل‌نگارانه، نظیر تابلو «عشاء ربانی حواریون» از یوس وِن گنت که در اورینو در کاخ دوکی حفظ می‌شود و به عقیده پیه‌مونته‌سه تک‌چهره اسحاق بیگ، سفیر آق‌قویونلو بر آن نقش شده است.

[مأخذ: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۷ (سال ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳). تهران:

طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۶: ۱۰۴]



«دو فرستادهٔ پاپ پل پنجم (به ایران) بر دیوار کوئیریناله»

'I due ambasciatori di Persia ricevuti da Papa Paolo V al Quirinale', in: *Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae XII* ("Studi e Testi", 430), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2005, pp. 357-425, plates 6.

میکله برناردینی

Michele Bernardini

(ترجمهٔ ناهید فروغان)

پس از مقدمه‌ای تاریخی در باب روابط بین مقام پاپی و ایران از زمان فتوحات مغولان تا سدهٔ دهم ق، مؤلف شخصیت ایپولیتو آلدوبراندینی (Ippolito Aldobrandini)، پاپ کلمنت هشتم (۱۵۹۲ تا ۱۶۰۵) را که تشویق مبلغان مذهبی را با شور و حرارت ضد عثمانی یکی کرده بود، توصیف کرده است. این عامل آخرکه متضمن عهدنامه‌ای بین المللی بود، مورد توجه شدید ایرانیان در دورهٔ شاه عباس اول (۹۷۸ تا ۱۰۳۸ ق) قرار گرفت. در واقع صفویان خواهان آن بودند که هم مهاجرنشین پرتغالی هرمز را حذف کنند و هم جلو عثمانیان را بگیرند. به نظر می‌رسد که پاپ هم امیدوار به تغییر مذهب شاه عباس بود، چون دو پرتغالی را به نام‌های فرانچسکو دکوستا (Francesco da Costa) (یک یسوعی سابق اهل گوا) و دیگو د میراندا (Diego de Miranda) را به دربار صفوی اعزام داشت. در تعلیماتی که اینان دریافت داشتند به پرستش قدیسان ایرانی در کلیسای روم اشاره شده است همان‌طور که بیه‌مونتسه می‌افزاید، کلیسا به این مناسبت از «ایران در دورهٔ مسیحیت اولیه در روم» تجلیل می‌کند. در سال ۱۵۹۹، در پاسخ به اعزام این دو تن که پرتغالی بودنشان عیب مهمی به شمار می‌آمد، شاه عباس هیأت بزرگی را به اروپا فرستاد. این هیأت مکلف بود به روم، پراگ و بایادولید [الوادی الولید] برود. این هیأت که مشهورترین هیأت سفرای صفوی را تشکیل داد، توسط حسن علی بیگ بیات و آنتونی شرلی مشاور نظامی انگلیسی در دربار صفوی اداره می‌شد. از این هیأت در روم استقبال باشکوهی شد (بهار ۱۰۱۰ ق)، اما جریان مذاکرات پیچیده شد. در واقع، رابرت شرلی، کارشناس توپخانه «تقریباً به صورت گروگان» در ایران مانده بود تا به شاه عباس برای راندن پرتغالیها از هرمز کمک کند، این کار در سال ۱۰۳۲ ق تحقق یافت. آنتونی شرلی و بیات عازم اسپانیا شدند در حالی که سه عضو هیأت اعزامی - منشی، سلمانی و آشپز - در روم مسیحی شده بودند. این خود پاپ بود که آنان را به اتفاق نه یهودی و یک ترک در کلیسای سن ژان هولان تران غسل تعمید داد (تابستان ۱۰۱۰ ق).

هیأت سفیران دیگری پس از هیأت بیات و شرلی به اروپا رفتند. در دوره کامیلو بورگزه (Camillo Borghese) (پل پنجم ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۲)، هیأتی به ایران اعزام شد؛ این هیأت نه فقط از نظر حل و فصل مسائل سیاسی، بلکه بخصوص از نظر فرهنگی بسیار مؤثر بود. در سال ۱۶۰۶ جوان باتیستا وکیتی (Giovannibattista Vecchietti) از اصفهان برنامه‌ای برای ترجمه تورات و انجیل به فارسی فرستاد. درست است که این برنامه عملی نشد، اما هیأت دیپلماتیک، که پائولو سیمونه دی جزو ماریا (Paolo Simone di Gesu Maria) (O. C. D.) در رأس آن قرار داشت، در پایان ۱۶۰۷ به اصفهان آمد و در آغاز سال بعد نامه‌هایی از شاه‌عباس اول به عنوان پاپ پل پنجم و پادشاه اسپانیا، فلیپ سوم، گرفت. در این هنگام بود که رابرت شرلی دوباره به اصفهان آمد؛ وی در این فاصله با یک دختر چرکسی ازدواج کرده بود، اما شاه ماه عسلش را قطع کرد، چون او را به دربار خواست تا از راه مسکو، لهستان و آلمان به اروپا برود.

بررسی پیه مونتسه با افزودن اسناد گوناگون به پایان مقاله در مورد دو هیأت اعزامی غنی تر شده است. مؤلف توجه را بر اهمیت فهرست تصویرنگارانه‌ای که رویدادها را نمایش داده است، جلب کرده است. فهرست در درجه اول شامل گراورهای متعدد و در عین حال چند دیوارنگاره است. یکی از این دیوارنگاره‌ها که کار آگوستینو تاسی (Agostino Tassi) و کارلو ساراجنی (Carlo Saraceni) است تا امروز روی دیوار «سالارجیا» در کاخ کوئیریناله در رم به خوبی حفظ شده است. این دیوارنگاره، که متعلق به سال ۱۶۱۶-۱۶۱۷ است، مجموعه هیأت‌های خارجی برگزیده پل پنجم را نشان می‌دهد: کنگو (۱۶۰۸)، ایران (۱۶۰۹)، ژاپن (۱۶۱۵).

این مقاله با پیوستی شامل ترجمه نامه شاه عباس به پاپ پل پنجم به لاتینی خاتمه می‌یابد.

[مأخذ: چکیده‌های ایران‌شناسی، ج ۲۸ (سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴). تهران:

طهوری، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۲]



و. مقالات تقدیمی

(نوشته شده به افتخار پروفیسور آنجلو میکله پیه مونتسه)

- برناردینی، میکله (ناپل): آنجلو میکله پیه مونتسه (ترجمه ع. روح بخشان)
- پورجوادی، نصرالله: نسخه برگردان منطق الطیر عطار
- خالقی مطلق، جلال (هامبورگ): استاد پیه مونتسه: کاشف شاهنامه فلورانس
- صفامش، کامران: پروفیسور پیه مونتسه و کتاب دو باغ سفارت ایتالیا در تهران

آنجلو میکله پیه مونتسه*

استاد آنجلو میکله پیه مونتسه یکی از برجسته‌ترین دانشمندان ایتالیایی در قلمرو مطالعات ایرانی در قرنهای بیستم و بیست‌ویکم است. او پس از اتمام تحصیلات خود در مؤسسه شرقی ناپل در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ و یک دوره همکاری با هیأت باستانشناسی ایتالیا در غزنه (افغانستان) از سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ دوره درخشانی را در مقام استاد زبان و ادبیات فارسی در همان مؤسسه آغاز کرد. او در همان سال به تدریس در رم پرداخت و در آنجا در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ به مقام استادی رسید و در حالی که فقط سی و پنج سال از عمرش می‌گذشت به عالی‌ترین مقام در نظام دانشگاهی ایتالیا دست یافت.

در سالهایی که وی در دانشگاه به تدریس اشتغال داشت به واسطه تحقیقات خود در سراسر جهان به خوبی شناخته شد. به همین سبب در فاصله سالهای ۱۳۵۸/۱۹۷۹ تا ۱۳۶۱/۱۹۸۲ به عنوان استاد مهمان به دانشگاه استراسبورگ در فرانسه دعوت شد تا به تعلیم زبان و ادبیات فارسی بپردازد. او در سالهای ۱۳۷۴/۱۹۹۵ تا ۱۳۷۸/۱۹۹۹ در مقام رایزن فرهنگی در سفارت ایتالیا در تهران خدمت کرد.

برشمردن و خلاصه کردن دامنه وسیع دانش این مرد دانشمند دشوار است؛ پژوهشهای او حوزه‌های گوناگون مطالعات ایرانی را دربرمی‌گیرند و شامل موضوعات متنوع تاریخننگاری، خط‌شناسی، متن‌شناسی، نسخه‌شناسی، تاریخ ادبیات و همچنین موضوعات فرعی دیگر می‌شوند. هر چند که قلمرو اصلی کار او تاریخ ادبیات فارسی و زبان فارسی است. توجه بدیع و بی‌سابقه‌ای که او به موضوع پژوهش خود داشت سبب همخوانی و همسازی زمینه‌های گوناگون پژوهش او می‌شد. در زمینه تاریخ ادبیات فارسی باید از کتاب معروف او به نام «تاریخ ادبیات فارسی»^۱ یاد کنیم که در سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰ در دو جلد منتشر شد و در بسیاری از دانشگاههای ایتالیا مورد استقبال قرار گرفت و به یک کتاب درسی مفید در این رشته تبدیل شده است.

پیه مونتسه در تحقیقات گوناگون خود به چندین سخنور ایرانی پرداخته است همچون کاشفی، واصفی، عمر خیام، فتاحی، عوفی، عطار، محتشم کاشانی، نظامی و امیرخسرو (دهلوی). امیرخسرو دهلوی موضوع چندین تحقیق تک‌نگاری بوده است و پیه مونتسه هشت بهشت او را به ایتالیایی ترجمه کرد (۱۳۷۴/۱۹۹۵؛ بازچاپ: ۱۳۷۹/۲۰۰۰). بر این تحقیقات باید توجه او به پژوهشهای زبانشناختی را افزود که چاپ اخیر کتاب دستور مختصر زبان فارسی^۲ دست‌افزار جدیدی است برای همه دانشجویان

* از آقای دکتر میکله برناردینی برای نگارش این مطلب و از آقای عبدالمحمد روح‌بخشان برای ترجمه آن سپاسگزاریم.

1 *Storia della letteratura Persiana.*

2 *Grammatica persiana in nuce.*

و دانشگاهیانی که به این زبان توجه دارند. این کتاب حاصل تجزیه و تحلیل ژرف دستور زبانهای قدیمی است که او با علاقه در این زمینه انجام داد و در سال ۱۳۷۵/۱۹۹۶ به چاپ رساند و در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ تجدید چاپ شد. در اینجا می‌توان به پژوهشهایی اشاره کرد که او در مورد کتاب دستور زبان فارسی جُوان‌باتیستا رایموندی (Giovanbattista Raimondi) انجام داده و در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ چاپ شده است. همچنین می‌توان به تازه‌ترین مقاله او در باب پیدایش دستور زبان فارسی در رم (چاپ ۱۳۸۸/۲۰۰۹) اشاره کرد. موضوعها و زمینه‌های ادبیات فارسی که آنجلو میکله پیه‌مونتنسه به آنها پرداخته است گوناگون هستند. همچون روایت‌های مختلف اسکندرنامه (۱۳۷۸/۱۹۹۹، ۱۳۷۹/۲۰۰۰، ۲۰۰۵، ۱۳۸۴، ۲۰۰۶، ۱۳۸۵/۲۰۰۷، ۱۳۸۶/۲۰۰۸)، معراجنامه (۱۳۵۹/۱۹۸۰، ۱۳۶۶/۱۹۸۷)، تحقیق درباره منابع فارسی هزار و یک شب (۱۳۸۵/۲۰۰۶)، و تحقیق درباره گرشاسبنامه (۱۳۸۹/۲۰۱۰) که همه آنها تحولی در آرای مربوط به این آثار پدید آورده‌اند.

توجه و علاقه به تاریخنگاری پایه و اساس چندین تحقیق درباره روابط متنوع و پیچیده میان جهان فارسی‌زبان و ایتالیا بوده است. آثار پیه‌مونتنسه به انحاء مختلف مؤید علاقه و توجه او به این حوزه است. این پژوهشهای او دوره‌ای طولانی از روزگاران پیش از اسلام تا عصر قاجاریه را در بر می‌گیرد.

نخستین دستیاری به این تحقیقات با تهیه نمایه‌های افراد ایرانی در کتاب گزارش ایران که [به کوشش ج. ر. کاردونا] در ۱۳۴۸/۱۹۶۹ چاپ شد، دیده می‌شود. در اینجا شایسته است به اهمیت مطالعات مربوط به حضور ایرانیان در ایتالیا بویژه در رم (در سالهای ۱۹۸۸، ۲۰۱۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶) اشاره شود. از این دیدگاه استاد پیه‌مونتنسه به تحقیق و تجزیه و تحلیل نقش سفیران مختلف هیأت‌های گوناگون مسافران، جهانگردان و کسان دیگر که نقشی در شناخت ایران در ایتالیا و در جهان داشته‌اند توجه خاص داشته است. همچنین باید به اهمیت مطالعات مربوط به حضور ایتالیاییها در ایران و جهان ایرانی اشاره شود. استاد پیه‌مونتنسه از این دیدگاه به تجزیه و تحلیل نقش و سهم سفیران و هیأتها و مسافران و افراد دیگر پرداخت. برخی از این کسان که پیه‌مونتنسه شناسائی و معرفی کرد، همچون پایه‌ها و اساس معرفی ادبیاتی بودند که تا آن هنگام ناشناخته مانده بود همانند بازرگانی اهل توسکانی به نام بلترامو میگنالی (Beltramo Mignaneli) که شاهد تهاجم تیمور لنگ در اواخر سده چهاردهم/هشتم به غرب آسیا بوده است (چاپ ۱۳۷۴/۱۹۹۵، ۱۳۷۵/۱۹۹۶، ۱۳۸۹/۲۰۱۰)، و تحقیقات (سفرنامه) برادران وکتی (Vecchietti) که در اواخر سده شانزدهم/دهم و اوایل سده هفدهم/یازدهم در ایران گرفتار آمده بودند. استاد پیه‌مونتنسه با این پژوهشها درباره این دو مسافر بزرگ و فاضل، باب تازه‌ای در این دست از تحقیقات گشود، بویژه که برادران وکتی در بازگشت به ایتالیا چندین نسخه خطی با خود داشتند که برخی از مهم‌ترین مجموعه‌ها را در کشور ما (ایتالیا) پدید آوردند. توجه و علاقه به وجود روابط میان دولت پاپ با دربار مغولان و سلسله‌های آق قویونلو و صفویه چارچوب اصلی و عمده انتشارات گوناگونی است که به همت پیه‌مونتنسه انجام گرفته‌اند و حاوی مجموعه‌ای غنی از منابع تاریخی‌ای هستند که تا روزگار ما مغفول مانده‌اند (تحقیقاتی که در سالهای ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ به چاپ رسیده‌اند).

از دید تاریخی حق این است که در اینجا به مطالعاتی اشاره کنیم که در زمینه ترجمه انجیل به زبان فارسی در سده چهاردهم / هشتم انجام گرفته‌اند (۱۳۷۹ / ۲۰۰۰). همچنین باید به پژوهشهایی اشاره کرد که به ترجمه‌های بعدتر تعلق دارند همچون تحقیقی که لئوپولدو سباستیانی انجام داده و پیه‌مونته آن را در سال ۱۳۹۰ / ۲۰۱۱ (سال جاری) انتشار داده است.

در اینجا لازم است به توجه خاص استاد پیه‌مونته به حضور ایرانیان در رم اشاره شود که در تحقیقات گوناگون مرتبط با پرستش مقدسین ایرانی در این شهر به آن پرداخته است (۱۳۸۲ / ۲۰۰۳، ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰).

آنجلو میکله پیه‌مونته مخصوصاً به مطالعه و تحقیق در نسخه‌های خطی علاقه‌مند بود و کتاب او با عنوان «فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا»^۳ (۱۳۶۸ / ۱۹۸۹) نمایانگر کاری عظیم در عرصه نسخه‌شناسی و حتی قلمرو ادبیات فارسی است. این اثر گرانسنگ پس از فراهم آمدن و انتشار فهرست‌های گوناگون مجموعه‌های منفرد یا نسخه‌های خطی و انتشارات دیگر (۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲، ۱۹۸۴) پدید آمد و حاوی ۴۳۶ معرفی متونی است که در کتابخانه‌های مختلف جای دارند: در حالی که هر معرفی یا مدخل خود مقاله‌ای واقعی درباره‌ی متنی است که معرفی و وصف شده است. این تحقیق مفصل همچنین برای آگاهی از تاریخ مطالعات ایتالیایی درباره‌ی ایران و کشورهای فارسی‌زبان، که در بسیار کارها مشاهده می‌شود، سودمند است. از این دیدگاه انتشار کتاب «کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی»^۴ می‌تواند وسیع‌ترین فهرست کامل مطالعات ایرانی در این کشور دانسته شود. پروفیسور پیه‌مونته همین پژوهش را هم درباره‌ی خود ایران انجام داد، به این معنی که فهرست گسترده‌ای از تحقیقاتی که در ایران درباره‌ی ادبیات ایتالیایی انجام گرفته است، تدوین و منتشر کرد (*La letteratura italiana in Persia* / ادبیات ایتالیایی در ایران، ۱۳۸۲ / ۲۰۰۳).

در کنار این تألیفات می‌توانیم از بسیار مقالات نام ببریم که درباره‌ی مکتوبات عربی نگاشته شده‌اند، و آن خود می‌تواند جلدی دیگر از این دست تحقیقات را تشکیل دهد. این نوع از تحقیقات می‌تواند با توجه فقه‌اللغوی تازه به متن‌شناسی و خط‌شناسی در مقام یک عنصر اساسی و عمده در تاریخ ادبیات به شمار آید. در این میان توجه خاصی به نوشته‌های عربی شده است که مقاله بسیار مهمی که به شناخت و معرفی موشح در ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹ (باز چاپ در ۱۳۸۵ / ۲۰۰۶) اختصاص داده شده نمونه آن است. تحقیق دیگری هم درباره‌ی اهمیت نگارش در جهان اسلام نمونه دیگر این علاقه و توجه است (۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۴). همچنین توجه به متن‌شناسی جایی خاص در مطالعات کتابشناختی او دارد (۱۳۵۹ / ۱۹۸۰).

تحقیقات درباره‌ی کاغذ (۱۳۶۷ / ۱۹۸۸) و نیز تحقیقاتی که در کتابخانه‌های ایتالیا در مورد نسخه‌های خطی نادر انجام داده است از آن جمله‌اند. مقالات او در مورد انجامه‌های نسخه‌های خطی ابرازی بس سودمند برای دانشجویان و محققانی است که در زمینه فهرست‌نگاری و وصف و تعریف این مواد کار می‌کنند (۱۳۶۴ / ۱۹۸۵، ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹، ۱۳۶۵ / ۱۹۹۵). همین سخن را می‌توان درباره‌ی مقالات مهمی که در

3 *Catálogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia.*

4 *Bibliografia italiana dell'Iran.*

مورد کتب فارسی نوشته است بیان کرد، همچون تجزیه و تحلیل بسیار مهم کارِ راوندی در مقایسه با آثار ویتروویوس (Vitruvius) (۱۳۷۹/۲۰۰۷، ۱۳۸۶/۲۰۰۷).^۵

برای وصف و توضیح زندگی و آثار استاد پیه‌مونته باید به بسیار کارهای دیگر او درباره موضوعات گوناگون دیگر اشاره کرد. او در آغاز دوره دانشجویی مقالات مختلفی درباره زورخانه‌ها و کارهای مربوط به آنها در ایران نوشت (۱۳۴۴/۱۹۶۵، ۱۳۴۵/۱۹۶۶) و همراه آنها اشارات مهمی به فوت کرد (۱۳۴۳/۱۹۶۴، ۱۳۴۶/۱۹۶۷). این توجه با انتشارات گوناگونی همراه بود که در سالهای ۱۳۴۳/۱۹۶۴ تا ۱۳۵۰/۱۹۷۱ منتشر شدند، او به موازات این کارها و در طی همان سالها در ضمن مطالعات خود به موضوعات متنوعی از تاریخ قاجار پرداخت (۱۳۴۸/۱۹۶۹)، حوزه‌ای که تا سالهای اخیر به آن توجه داشته و مخصوصاً به روابط دولت ایتالیا با سلسله قاجار پرداخته است. نمونه خوبی از این نوع مطالعات، مطالبی است که وی درباره شخصیت ژنرال آندره‌ینی (Andreini) منتشر کرده است (۱۹۷۵، ۱۹۷۲، ۱۹۸۵). و نیز کارهای گوناگون درباره ایتالیاییهایی که در سده نوزدهم در ایران به سر برده بودند، و نیز روابط سیاسی میان ایران و ایتالیا (۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۸۴).

همچنین مقاله مفصلی درباره سنگ گورهای ایتالیاییهایی که در ایران درگذشته و در گورستانهای تهران به خاک سپرده شده بودند (۱۳۸۴/۲۰۰۵)، و نیز مقاله‌ای درباره کمک فنی ایتالیاییها به ایرانیان در همان قرن (۱۳۸۹/۲۰۱۰).

یک رشته خاص از تحقیقات آنجلو میکله پیه‌مونته به مطالعه در باب علوم ایرانی اختصاص دارد (۱۳۷۷/۱۹۹۸). در این زمینه از جمله مقاله‌ای درباره یک رساله چشم پزشکی نوشت که در سال ۱۳۷۴/۱۹۹۵ به چاپ رسید، و می‌تواند نمونه بسیار خوبی از این گونه علاقه‌ها باشد. کارهای دیگر او به نمایش ایتالیایی و ایرانی اختصاص دارند (۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۱۳۷۰/۱۹۹۱، ۱۳۷۲/۱۹۹۳) که با تحقیقاتی در زمینه حضور ایرانیان در داستانهای نمایشی ایتالیایی همراه هستند.

زندگی استاد پیه‌مونته به خودی خود پهنه تحقیق وسیعی است که با نگارش چند صفحه نمی‌توان حق آن را ادا نمود. او برای شاگردانش معدن وسیع و ژرفی است که کماکان گوهرهای ذقیمت جدید عرضه می‌کند.



^۵ مارکوس ویتروویوس پولیو که در اواخر قرن دوم میلادی می‌زیسته است، مؤلفی رومی در موضوعات معماری و مهندسی بوده و یک کتاب ده‌جلدی در زمینه معماری نوشته است که منحصر به فرد است و جنبه دایرة‌المعارفی دارد (دایرة‌المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، م.).

نسخه مصور منطق الطیر

حدود هجده سال پیش، آقای پروفیسور پیه مونتسه، که در آن زمان رایزن فرهنگی ایتالیا در تهران بود، روزی به دفتر مرکز نشر دانشگاهی آمد و از نسخه خطی نفیسی از منطق الطیر فریدالدین عطار نساپوری سخن گفت. نسخه‌ای که می‌گفت در کتابخانه سلطنتی تورینو در ایتالیا نگهداری می‌شود. پس از اینکه کنجکاو و علاقه‌مرا به دیدن این نسخه دید، به من پیشنهاد کرد که اگر مرکز نشر دانشگاهی مایل به چاپ عکسی (فاکسیمیله) آن باشد، او می‌تواند اسلایدهایی از نسخه تهیه کند و در اختیار من بگذارد. من یک لحظه هم تردید به خود راه ندادم، چه سابقه آقای پیه مونتسه را در شناخت نسخه‌های خطی می‌شناختم. وی در آن روزها به خاطر معرفی نسخه فلورانس شاهنامه فردوسی نامش بر سر زبانها بود، نسخه‌ای که من در چاپ عکسی آن (به همت آقای جمال شیرازیان) نقشکی داشتم. شاید با اطلاع از همین نقش بود که پیه مونتسه آمده بود و پیشنهاد چاپ عکسی منطق الطیر را به من می‌داد.

باری، در آن جلسه توافق شد که بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران کار سفارش و پرداخت هزینه اسلایدها از نسخه خطی را به عهده گیرد و آنها را برای چاپ در اختیار مرکز نشر قرار دهد. من نیز متعهد شدم که این کتاب را با بهترین کیفیت ممکن (در آن روزگار) به چاپ برسانم، و این کار را هم کردم. کتاب در سال ۱۳۷۳ با دو یادداشت به پارسی، یکی به قلم آقای پیه مونتسه و دیگری به قلم این بنده، منتشر شد، به عنوان اثری که با همکاری دو مؤسسه فرهنگی، یکی مرکز نشر دانشگاهی و دیگر بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران منتشر می‌شود.

همان‌طور که گفتم، من کتاب را ندیده پذیرفتم که به صورت عکسی چاپ کنم، و وقتی آقای پیه مونتسه اسلایدها را که از ایتالیا برایش رسیده بود به دفترم آورد، دیدم در قضاوتی که در حق آقای پیه مونتسه و بصیرت و نسخه‌شناسی او کرده بودم اشتباه نکرده‌ام. این نسخه را کاتبی باسواد و خوش خط، به نام نصیر بن حسن المکی، در سال ۸۵۷ق ظاهراً برای شاهزاده یا امیری ترک‌زبان نوشته و سراسر آن را برای تسهیل مطالعه وی اعراب‌گذاری کرده است. آقای پیه مونتسه از قول کتابشناس فرانسوی آقای فرانسیس ریشار اظهار کرده‌اند که این کاتب احتمالاً همان نصیر الحافظ المکی است که نسخه الحصن الحصین، تألیف شمس‌الدین محمد جزری را سه سال پیش از آن، یعنی در ۸۵۴ق، کتابت کرده بوده است.

نسخهٔ منطق الطیر از لحاظ هنری هم شاهانه و کم نظیر است. جمال جدول بندی و تذهیب نسخه در حد کمال است. و چیزی که کمالات نسخه را به غایت می رساند شش مجلس نقاشی است که به قول پیه مونتسه، که خود یکی از متخصصان صاحب ذوق نسخه های مصور است، «یکی زیاتر از دیگری است». در دیباچه ای که آقای پیه مونتسه به چاپ عکسی این نسخه نوشت در اوصاف آن گفت:

این نسخه به سال ۸۵۷ق یعنی همزمان با فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح عثمانی و تسخیر شیراز به وسیله ترکمنان تیموری، به خط نسخ بسیار زیبا و عالی خوشنویسی به نام نصیر بن حسن المکی استنساخ و تدوین و همچنین تعجیم و تنظیم و تذهیب شده و حاوی متن کامل مثنوی منطق الطیر است....

پیه مونتسه بر اساس اطلاعات خود دربارهٔ نسخه های خطی فارسی اظهار کرده است که «این نسخهٔ منطق الطیر کهنسال ترین نمونهٔ مصور» از منطق الطیر عطار است که تا کنون شناخته شده است. نقاش اگرچه شناخته نیست، ولی پیه مونتسه حدس زده است که متعلق به مکتب شیراز باشد، شهری که در قرن نهم در دورهٔ تیموری یکی از مراکز عمدهٔ فرهنگی و هنری ایران بشمار می رفت. در شیراز، در دوران دو شاهزادهٔ تیموری، یعنی ابراهیم میرزا و اسپکندر میرزا، کارگاههایی برای استنساخ و آرایش کتابهای خطی نفیس شاهانه ایجاد شده بود و بعید نیست که نسخهٔ منطق الطیر تورینو هم در یکی از همین کارگاهها تهیه شده باشد.^۱



^۱ منطق الطیر عطار نیشابوری. چاپ عکسی. به خط نصیر بن حسن المکی، مورخ ۸۵۷ق. نسخهٔ خطی متعلق به کتابخانهٔ سلطنتی تورینو (ایتالیا). زیر نظر نصرالله پورجوادی. دیباچه ها از: نصرالله پورجوادی، آنجلو میکله پیه مونتسه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، با همکاری بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران. ۱۳۷۳. سیزده، ۴۰۳ص (گردآورنده).

استاد پیه مونتسه، کاشف شاهنامه فلورانس

«عزّ و بقا و شادی از تو مباد خالی»

(شاهنامه فلورانس، ۴۹ پ، کتیبه شماره ۱۲۸)

استاد پیه مونتسه پیش از کشف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس نیز به سبب خدمات شایان خود به زبان و ادب فارسی، بر گردن ما ایرانیان حق بسیار داشت؛ ولی اکنون پس از کشف این دستنویس همه دوستداران «شاهنامه» و دلباختگان نسخ خطی فارسی را بیش از پیش مدیون خود ساخته‌اند.

دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، مورّخ سه‌شنبه سی‌ام محرم ۶۱۴ هجری قمری (برابر ۹ مه ۱۲۱۷ میلادی) متأسفانه تنها شامل نیمه نخستین شاهنامه است، ولی دوازده بیت از آن فراتر می‌رود. توضیح آنکه، چنانکه نگارنده در جایی دیگر نشان داده است^۱، کمابیش در همه دستنویسهای شاهنامه که او دیده است و نیز در برخی از چاپهای این کتاب، از جمله چاپ مسکو، به علت عدم دقت و کم‌آگاهی کاتب و مصحح، خطبه یک پادشاهی یا یک داستان، به پایان پادشاهی یا داستان پیشین برده شده است. در پایان دستنویس فلورانس نیز چنین خطائی رخ داده است، یعنی خطبه پادشاهی لهراسپ که آغاز نیمه دوم شاهنامه است، به پایان پادشاهی کیخسرو که پایان نیمه نخستین این کتاب است رفته است. نکته دیگری که این نظر را تأیید می‌کند، مضمون این دوازده بیت است. چنانکه می‌دانیم، شاعر غالباً در پایان پادشاهیها و داستانها، بیتهایی در بند و نکوهش جهان و ناپایداری آن می‌آورد، در حالی که مضمون این دوازده بیت در وصف شراب است که مناسب خطبه است. یعنی در آخرین صفحه دستنویس در پایان پادشاهی کیخسرو، نخست بیتهایی در نکوهش جهان آمده و سپس بدون هیچ مناسبتی سخن به وصف شراب کشیده شده است و این به خوبی روشن می‌سازد که این بیتها از جای دیگری، یعنی از خطبه پادشاهی لهراسپ، بدینجا منتقل شده‌اند. در زیر همه این بیتها را نقل می‌کنیم. شش بیت نخستین در نکوهش جهان و مربوط به پادشاهی کیخسرو و دوازده بیت بعدی در وصف شراب و مربوط به خطبه پادشاهی لهراسپ است. دو بیت را که به گمان ما الحاقی است، میان چنگک نهادیم:

^۱ خالقی مطلق، جلال. «آغاز و انجام داستان‌های شاهنامه». در: یکی فطره باران (جشن‌نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی). به کوشش احمد نفضلی. تهران، ۱۳۷۰. ص ۵۴۱-۵۴۹.

جهان را چنین است آیین و سان
 سرای سپنج است با درد و رنج
 از این کار کیخسرو اندازه گیر
 سوی نیکی و نیک نامی گرای
 [چنین است کار جهان جهان
 چنین بود تا بود کار جهان
 بگردد همی زان بدین، زین بدان
 تو بارنج اوناژ و جوسی (→ خوشی) مسنج
 جهان را کهن دان و غم تازه گیر
 جزین نیست توشه به دیگرسرای
 جهان است، از آن خواندندش جهان
 گزافه نکردند نامش جهان

زدل ژنگ (→ زنگ) و زروی آژنگ و ژنگ
 دل زنگ خورده ز تلخی سخن
 چو پیری درآرد زمانه به مرد
 به مرد اندرون باده آرد پدید
 کرا گوهرش پست و بالا بلند
 کرا گوهرش برز و بالاش پست
 چو بددل خورد، مرد گردد دلیر
 چو پژمان خورد، شادمانه شود
 ایبا آنک گوهر تو آری پدید
 چرا هرک گیرم ترا من به چنگ
 ز من داستان خواهی از باستان
 [یر آن آفرین کافرین آفرید
 نبرد مگر جز نیبذ چو زنگ
 زداید ازو زنگ باده کهن
 جوانش کند باده سال خورد
 که فرزانه گوهر بود یا پلید
 کند باده او را چو خم کمند
 به کیوان برد، چون شود نیم مست
 چو روبه خورد، گردد او نر شیر
 به رخسار چون ناردانه شود
 در بسته زانده تو باشی کلید
 نخواهی ز من رامش و نای و چنگ
 ز گفتار و کردار آن راستان
 مکان و زمان و زمین آفرید]

به گمان نگارنده، بیت‌های بالا در دستنویس اساس این دستنویس نیز محتملاً به همین گونه بود و این نکته را می‌توان قرینه‌ای در تأیید آغاز عبارت انجامه این دستنویس دانست که آمده است: «تمام شد مجلد اول از شاه‌نامه...»، یعنی این دستنویس در اصل واقعاً دو مجلد بوده است، مگر اینکه بگوئیم شاید پس از پایان مجلد اول، کار به علتی ناتمام مانده بود.

اهمیت دستنویس فلورانس یکی از نظر نسخه‌شناسی است و دیگر از نظر اهمیت متن آن برای پیرایش شاهنامه. در زیر به هریک از این دو جنبه نگاهی کوتاه می‌افکنیم:

اهمیت آن از نظر نسخه‌شناسی، یکی به خاطر جدول‌بندی ظریف آن است. دیگر به خاطر بخش فارسی متن انجامه آن. سوم و بویژه به خاطر کتیبه‌های تزئینی آن. این دستنویس تصویر ندارد، ولی دارای هفتصدواندی کتیبه تزئینی است به خط کوفی که پنج تایی آنها به زبان فارسی است و بقیه عباراتی دعائی به عربی. اهمیت هنری و هزینه تهیه این کتیبه‌ها به هیچ روی کمتر از مثلاً چهل پنجاه تصویر نیست، چون با صرف هزینه زیاد نمونه‌های ارزشمندی از هنر کتیبه‌سازی در عهد سلجوقیان در دسترس ما قرار گرفته است.

قطع بزرگ کتاب (۳۲×۴۸ س م)، ظرافت جدول بندی و تعداد زیاد کتیبه ها که در هر دو مجلد کتاب شاید به نزدیک ۱۵۰۰ نمونه می رسید (جلد اول ۷۰۷ کتیبه)، همه نشان بر این هستند که این نسخه شاهانه و پرهزینه باید برای یک فرمانروای توانمند و بادستگاه و دوستدار شاهنامه تهیه شده باشد. از میان سلسله های که در این زمان، یعنی سال کتابت دستنویس فلورانس، در ایران حکومت داشتند، همچون خاقانهای بزرگ مغول (۶۰۳-۶۵۸ ق) و اتابکان آذربایجان (۵۳۵-۶۲۲ ق) و اتابکان لر بزرگ (۵۴۳-۷۴۰ ق) و اتابکان لر کوچک (۵۸۰-۹۷۸ ق) گزارشی که حاکی از دل بستگی آنها به ادب فارسی و بویژه به شاهنامه باشد نداریم و یا نگارنده نمی شناسد. پادشاهان سلسله سلجوقی آسیای کوچک (۴۷۰-۷۰۰ ق) که به شعر و ادب فارسی دل بسته بودند و برخی از آنها نیز نامهای کیخسرو و کیقباد و کیکاوس داشتند احتمال بیشتری دارند. راوندی که خود یکی از علاقه مندان به شاهنامه بود کتاب راحة الصدور را به نام غیاث الدین کیخسرو یکی از پادشاهان همین سلسله نمود که (با چند سال برکناری) از ۵۸۸ تا ۶۰۷ ق حکومت کرد. پسرش عزالدین کیکاوس (۶۰۸-۶۱۷/۶۱۵ ق) نیز به شعر و ادب علاقمند بود و زمان فرمانروایی او با زمان کتابت دستنویس فلورانس همخوانی دارد. برادرش علاءالدین کیقباد (۶۱۵ / ۶۱۷ - ۶۳۴ ق) نیز دوستدار شعر و ادب بود، ولی بیشتر صوفی مسلک بوده و گزارشی نیز درباره توجه آنها به شاهنامه نداریم. محتمل تر از همه به گمان نگارنده فخرالدین بهرامشاه بن داود بن اسحاق بزرگترین امیر منگوجکان در ارزنجان یا ارزنگان (واقع در ارمنستان ترکیه در کنار رود قره سو) است که از ۵۶۰ تا ۶۲۲ ق حکومت کرد. این امیر همان است که نظامی گنجی بی کتاب مخزن الاسرار را به نام او سرود و چنانکه گزارش کرده اند، بهرامشاه صله بزرگی همراه با کنیزی قبیجاقی به نام «آفاق» برای شاعر فرستاد. ابن بی بی در کتاب الاوامر العلانیة فی امور العلانیة که در سال ۶۸۰ هجری در تاریخ سلجوقیان روم تألیف کرده است، آنجا که به قدرشناسی بهرامشاه از نظامی سخن می گوید، از قول این پادشاه به قدرشناسی محمود نسبت به فردوسی اشاره کرده و باز از قول او می نویسد:

«اگر خدایگان سلاطین کلام و مالک رقاب عملة افلام، غواص بحار حکم، پیشوای حکمای عرب و عجم، فردوسی طوسی، رضی الله عنه، نظم شاهنامه که در دُرُج زمانه از آن نفیس تر دُرّی مکنون و مخزون نماند، اگرچه او از رنج خود گنجی نیافت و محمّدت سلطان محمود... نفرمودی، از کیان روزگار و خسروان تاجدار و پهلوانان نامدار که یاد آوردی و نامشان بر زبان که بردی...؟»^۲

به حدس نگارنده، این امیر دل بسته به شعر و ادب فارسی و بویژه هواخواه فردوسی و دوستار شاهنامه و علاقمند به گذاشتن نامی از خود و در عین حال بسیار بخشنده و دست گشاده، محتمل ترین فرمانروایی است که به فرمان او این دستنویس نفیس و شاهانه و پرهزینه را ساخته باشند.

و اما از میان کتیبه های تزئینی که عباراتی دعایی به زبان عربی دارند، چنانکه اشاره شد، پنج کتیبه آن به زبان فارسی اند که یکی از آنها را در صدر این گفتار نقل کردیم. چهارتای دیگر در دو صفحه نخستین متن اصلی قرار دارند، یعنی کتبه های اول و سوم و چهارم و ششم و متن آنها چنین است:

^۲ به نقل از: ریاحی، محمدامین. سرچشمه های فردوسی شناسی. تهران، ۱۳۷۲. ص ۳۰۰.

بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر
کتاب شاه‌نامه از گفتار امیر حکیم ملک
الکلام سید الشعرا بوالقاسم منصور
بن الحسن الفردوسی الطوسی رحمه الله

آنچه در اینجا درباره نام کتاب و شیوه کتابت آن و عنوان و کنیه و نام کوچک و نام پدر و تخلص و زادگاه شاعر آمده است، عیناً با گزارش فتح‌بن علی بنداری اصفهانی که شاهنامه را در سالهای ۶۲۰-۶۲۱، یعنی هفت‌سالی پس از کتابت دستنویس فلورانس، به عربی ترجمه کرده است، همخوانی دارد (ص ۳): «الکتاب الموسوم بشاه‌نامه الذی عنی بنظمه الامیر الحکیم ابوالقاسم منصور بن الحسن الفردوسی الطوسی». این همخوانی که در عین حال قرینه‌ای در تأیید اصالت دستنویس فلورانس است، آگاهی مهمی درباره نام شاعر است و ما فعلاً تا سندی کهنتر و معتبرتر خلاف آن را ثابت نکنند، می‌توانیم بر اساس همخوانی این دو سند معتبر شاعر را حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی بنامیم.

با ذکر نام شاعر، وارد اهمیت بزرگتر این دستنویس، یعنی اهمیت آن برای پیرایش متن شاهنامه می‌شویم. از پیش به این نکته اشاره کنم که هیچ‌یک از دستنویسهای شناخته‌شده شاهنامه از دخل و تصرفات و دستبردهای طولی و عرضی برکنار نمانده‌اند، تا آنجا که پیرایش این کتاب جز از راه شیوه انتقادی (Lectio difficilior) ممکن نیست و همه پیرایشهایی که تا کنون به شیوه پیروی از «اقدام» یا «اصح نسخ» (Optimus Codex) انجام گرفته‌اند، از جمله چاپ مسکو و آنچه در ایران در «بنیاد شاهنامه» و یا پس از آن بوسیله پیرایشگران دیگر بدین شیوه تهیه شده از اعتبار چندانی برخوردار نیستند و یا اعتبار آنها برابر اعتبار دستنویس اساس آنها، یعنی دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ هجری است که اکنون دیگر نه «اقدام» است و نه «اصح» و گذشته از این، به صورت عکسی نیز انتشار یافته است و ما را از آن پیرایش‌ها بی‌نیاز می‌سازد.

دستنویس فلورانس نیز دارای عیوب و نقائص بسیار طولی و عرضی است و از اینرو در همان نیمه نخستین شاهنامه نیز نمی‌تواند در پیرایش این کتاب «اساس مطلق» قرار گیرد، ولی چنانکه ما در پیرایش خود عمل کرده‌ایم، این دستنویس به عنوان کهنترین و معتبرترین دستنویس شناخته‌شده شاهنامه، باید در پیرایش نیمه نخستین این کتاب مهمترین دستنویس اساس کار باشد.

بررسی همه عیوب و محاسن این دستنویس از چارچوب این گفتار بیرون است و ما در این باره در جایی دیگر به تفصیل سخن گفته‌ایم. از اینرو در اینجا تنها اعتبار کلی آن را در چند نکته یادآوری می‌کنیم. در میان شانزده دستنویس اساس پیرایش نگارنده و تعداد زیاد دیگری که نگارنده بررسی کرده است:

۱. در این دستنویس نفوذ زبان عربی در املاهای برخی از واژه‌های فارسی، کمتر از دیگر دستنویسهاست.
۲. در این دستنویس دقت در نقطه‌گذاری و به‌کار بردن اعراب، اگرچه همه جا درست نیست، ولی بهتر از دستنویس‌های دیگر و در بسیار جاها راهنمای بزرگی است.
۳. در این دستنویس و اموازه‌های عربی در بیت‌های اصلی کتاب، کمتر از هر دستنویس دیگر است.

۴. در این دستنویس شمار واژه‌های گویشی اندک است.

۵. در این دستنویس برخی واژه‌ها و ترکیبات و عبارات و گاه تمامی مصراع، کهنتر، دشوارتر و استوارتر از دستنویس‌های دیگر است و در عین حال برای بیشتر آنها می‌توان در دستنویس‌های دیگر نیز نمونه‌هایی یافت که در مجموع طرحی نسبتاً خوب از تحول نویسشهای کهن زبان شاهنامه را به نویسشهای نو نشان می‌دهد.

۶. در این دستنویس شمار بیت‌های برافزوده از دیگر دستنویس‌ها به استثناء دستنویس لندن مورخ ۸۹۱ هجری، کمتر است.

۷. در این دستنویس شمار بیت‌های از قلم افتاده از دیگر دستنویس‌ها کمتر است.

۸. در این دستنویس روایات مشهور و الحاقی، کمتر از دستنویس‌های دیگر دیده می‌شود و از این بابت تنها دستنویس بیروت و ترجمه بنداری کمی از آن بهتراند.

۹. سه صفحه مقدمه منتور آنکه برجای مانده، اگرچه همه آن شرح افسانه‌هایی است که درباره شاعر و سلطان ساخته‌اند، ولی زبان آن نسبتاً کهن و استوار است که خود قرینه‌ای بر اصالت تاریخ دستنویس است. با در نظر گرفتن همه این نکات می‌توان گفت که دستنویس فلورانس در مجموع تصویر بهتری از زبان کهن شاهنامه به دست می‌دهد که در دستنویس‌های دیگر تنها اثری ناچیز از آن برجای مانده است که قادر به راهنمایی ما به صورت اصلی نبود. ولی اکنون به کمک این دستنویس و نیز دستنویس بیروت و بازمانده‌هایی از عناصر کهن در دستنویس‌های دیگر، می‌توان تصویر روشن‌تری از زبان اصلی شاهنامه به دست آورد و با توسل به شیوه انتقادی به متنی رسید که اعتبار آن از نظر زبانی و تاریخی میان دستنویس فلورانس و متن اصلی باشد.

ما این گفتار کوتاه را با نام استاد آنجلو میکله بیه‌مونته‌سه آغاز کردیم و برای حسن ختام هم با نام ایشان به پایان می‌بریم و برایشان از درگاه ایزد متعال تندرستی و طول عمر آرزو مندیم. ایدون باد، ایدون تر باد!

هامبورگ، ژوئیه ۲۰۱۱، برابر امرداد ۱۳۹۰



پروفسور پیه مونتسه و کتاب دو باغ سفارت ایتالیا در تهران

در آبانماه ۱۳۶۷ (۱۹ تا ۲۲ نوامبر ۱۹۹۰) در مراسم کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ در دانشگاه شیراز با یکی از استادان و پژوهشگران حوزهٔ ایرانشناسی آشنا شدم. آن ملاقات مقدمهٔ دوستی و همکاری ما گردید و در نهایت به پژوهش در مورد دو باغ سفارت ایتالیا در تهران و ساختمانهای آنها منجر گردید. خلاصهٔ این پژوهش به صورت کتابی در ۲۵ خرداد ۱۳۶۹ (ژوئن ۱۹۹۰) همراه با عکسهایی از این دو مکان چاپ شد و در اختیار ایران‌دوستان قرار گرفت. در واقع این کار موجب شد که این آثار معماری و هنری برای اولین بار نمایان شوند و در معرض دید عموم قرار گیرند، زیرا به دلیل تعلق این آثار به سفارتخانه، تا آن زمان فقط عدهٔ قلیلی و آن هم فقط قسمت‌های محدودی از آن را دیده بودند. سهم پروفسور پیه مونتسه - که در آن زمان وابستهٔ فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران بود - در این کار فرهنگی بسیار مهم بود، زیرا به پیشنهاد ایشان بود که چنین کاری صورت گرفته بود.

به خاطر دارم که آن چند روز کنگرهٔ بزرگداشت حافظ که به همت کمیسیون ملی یونسکو در ایران برگزار شد بسیار پربار و بارز بود، چه باعث گرد هم آمدن دوستان و پژوهشگران فرهنگ ایران و حافظ‌شناسان گشت، و در دوران جنگ و بعد از انقلاب یک پدیدهٔ فرهنگی مهم محسوب می‌شد. در خلال آشنائیها آقای پروفسور پیه مونتسه از فعالیتهای پژوهشی این جانب مطلع گردید و متوجه شد که از جمله در مورد معماری و تاریخ ساختمانهای قدیمی و مکانها و باغهای با ارزش شهر تهران کار می‌کنم و مرا نسبت به سابقهٔ تاریخی آن دو باغ سفارت ایتالیا و ساختمانهای تاریخی آنها مطلع یافت. بنابراین پیشنهاد کرد که امکان دیدار از این دو باغ و ساختمانهای آنها را برای من فراهم کند که در آن روزها فرصت و رخصت بسیار بارز و خوشحال‌کننده‌ای بود.

در تهران ضمن دیدار از آن دو باغ و ساختمانها و جزئیات آنها، سخنانی بین ما رد و بدل شد و سؤالاتی تاریخی در مورد آنها مطرح گردید که زمینهٔ اندیشیدن به ابهاماتی شد که هنوز پاسخی نیافته بودند و بتدریج این صحبت‌های دوستانه فکر اولیهٔ پژوهشی تاریخی و هنری را در ما به وجود آورد. ایشان پیشنهاد کردند که این پژوهش به صورت کتابی توصیفی و خواندنی و بر اساس مدارک تاریخی تهیه گردد و همراه با عکسهای رنگی به چاپ برسد. این کار به مدت دو سال به طول انجامید و همواره مورد تشویق و حمایت ایشان قرار داشت.

پروفسور پیه‌مونته نسخه‌ای از کتابی را در اختیار داشت که در مورد ساختمان تاریخی سفارت ایتالیا در لندن تهیه شده بود و آن را به عنوان الگویی از نظر قطع و اندازه و حجم مد نظر قرار داده بودند و در فکر جذب حمایت‌های مالی برای چاپ چنان کتابی بودند. آن کتاب در آن شرایط باید در خارج از کشور به چاپ می‌رسید تا امکانات لازم برای چاپی با کیفیت مناسب فراهم گردد.

همزمان با ایشان کار من نیز آغاز گردید. در ابتدا با مطالعه عکسهایی که خود تهیه کرده بودم شروع به شناسایی بیشتر بناها و تهیه نقشه‌ها و کروکیهایی از ساختمان نمودم تا بتوانم با مقایسه آنها و توجه به جزئیات، بیشتر مسائل و نکات تاریخی و سبک‌شناسی معماری بناها را تکمیل نمایم و در طول بازدیدها متوجه جزئیات بیشتری از نحوه ساخت و سازنده بناها و شرایط زمان آنها شدم و همچنین متوجه تابلوهای نقاشی قدیمی بسیار بزرگی شدم که در ساختمان قدیمی سفارتخانه در خیابان نوفل لوشاتو وجود داشت، از جمله سه تابلوی بزرگ قدیمی که اولین آنها تصویر تمام‌قد مردی از رجال عهد صفوی بوده که یک باز شکاری در دست داشت و تابلوی دوم و سوم نقاشیهای بسیار ماهرانه و زیبایی بودند از یک بانوی ایرانی با لباس درون خانه و جزئیات بسیار باارزشی درباره لباس و نحوه زندگی ایرانی را در بر داشت. کاشیهای موجود در بنای باغ فرمانیه نیز بسیار جالب بودند، از جمله یک قطعه کاشی برجسته که به نظر ما توصیف ساختمان بدون آنها کامل نبود. در تمام این موارد آقای پروفسور پیه‌مونته با علاقه در مباحث فرهنگی ایران مشارکت می‌کردند و با علاقه به داستانهای تاریخی‌ای که در پس نقاشیها و کاشیها وجود داشت وارد می‌شدند و نکات جالبی ابراز می‌نمودند. علاقه‌مندی ایشان به فرهنگ ایرانی و شعر و ادب فارسی برای من بسیار دلگرم‌کننده بود.

در رایزنیهای فی‌مابین پیشنهاد شد که کاشیها و تابلوهای نقاشی نیز در این کتاب توصیف گردد و مرحوم استاد یحیی ذکاء به این منظور پیشنهاد شدند. همچنین برای کامل‌تر شدن تحقیق پیشنهاد شد که مطلب کوتاهی درباره خانواده‌های مالکین باغها تهیه شود و سرکار خانم دکتر منصوره نظام‌مافی (اتحادیه) - استاد پیشین دانشگاه تهران - برای انجام این کار پیشنهاد شدند، که آقای پروفسور پیه‌مونته هر دو پیشنهاد را پذیرفتند و پس از آن با معرفی عکاس، تهیه عکسهایی برای چاپ در کتاب آغاز گردید.

در پانزدهم آبانماه ۱۳۶۸ (۶ اکتبر ۱۹۸۹)، یعنی یک سال بعد از آشنایی مادر کنگره بزرگداشت حافظ در شیراز، آقای پیه‌مونته اعلام نمودند که شرکتهای بیشتری برای حمایت مالی از چاپ کتاب علاقه‌مند شده‌اند و باید هر چه زودتر خلاصه‌ای از مطالب کتاب تهیه و برای آنها ارسال کنیم. با انجام این کار بتدریج حمایت مالی از کتاب صورت گرفت و برای خریداری فیلم و اسلاید از خارج که در آن زمان امکان تهیه آن در داخل کشور با کیفیت مناسب وجود نداشت بودجه فراهم گردید.

در این میان بر اساس جستجوی آقای پیه‌مونته در رم و اینکه ایشان از مدارک موجود از زمان خریداری بنا در آرشیو وزارت خارجه ایتالیا آگاهی داشتند اسناد مربوط به خرید و فروخت دو زمین را به دست آوردیم و مورد استفاده قرار دادیم که البته نکات جالبی در مورد زمان انجام معامله و شرایط زمان و افراد دست‌اندرکار مطرح می‌نمود.

در ماه‌های بعد بتدریج نوشتهٔ مرحوم استاد یحیی ذکاء و سرکار خانم دکتر اتحادیه نیز فراهم گردید و آقای پیه‌مونتنسه با دقت در فراهم شدن امکانات و انجام امور به من که مسئولیت هماهنگی و انجام طرح را پذیرفته بودم کمک نمودند و در حل مشکلات به وجود آمده مثل مسائل عکاسی و ویرایش متن که به زبان انگلیسی بود کمک نمودند. بی‌تردید علاقه‌مندی آقای پیه‌مونتنسه و پیگیری و شخصیت ایشان در به سرانجام رسیدن این کار بسیار مؤثر بود.

پژوهش به صورت وسیعی ابتدا به زبان فارسی فراهم شد و بعد مسئلهٔ خلاصه کردن مطالب که همواره کار دشواری بوده است پیش آمد، چه آماده‌سازی کتاب و الگوی انتخاب‌شده این محدودیت را برای ما به وجود آورده بود. نوشته‌های مرحوم ذکاء بسیار مفصل بود و همچنین پژوهش انجام‌شده توسط من و همکارانم مفصل‌تر و دارای مطالب بسیار دربارهٔ مکان دو باغ و حوزهٔ شهری و سابقهٔ تاریخی آنها و غیره بود و جزئیات بسیاری راجع به ساختمانها به تفکیک مطرح شده بود که می‌بایست برای چاپ کتابی نه چندان حجیم گزیده و خلاصه می‌شدند. به هر صورت ما موفق شدیم خلاصهٔ مناسبی از کار انجام‌شده را به زبان انگلیسی فراهم سازیم و پژوهش و نوشته‌های مفصل‌تر تهیه‌شده برای فرصتهای بعد باقی ماند تا روزی چاپ شود، اگرچه این قسمت از کار سرانجام خوبی نداشت. نوشته‌ها بعدها برای چاپ در کتاب مفصل‌تری در اختیار واسطهٔ سفارت ایتالیا قرار گرفت که متأسفانه با نبودن افراد علاقه‌مند و دانشگاهی دقیق چون آقای پیه‌مونتنسه به نام افراد دیگری چاپ و نشر شد.

امروز ساختمان موجود در باغ مرکز شهر در خیابان نوفل لوشاتو متأسفانه به صورت متروکه رها شده و دستکارهایی که در آن ساختمان صورت گرفته زمینه را برای سؤال در مورد چگونگی توجه به حفظ آن مطرح ساخته و همچنین تعمیرات بسیار ساختمانهای باغ فرمانیه و محوطهٔ آن نیز به ترتیبی انجام شده که انتظار بیشتری از توجه را توسط مسئولین سفارت ایتالیا طلب می‌نماید و تخریب ساختمان اصطبل در قسمت جنوبی باغ و در کنار مکانی که امروز استخر و زمین تنیس در آن ساخته شده نیز مورد سؤال است. به همه اینها می‌شد به ترتیبی توجه کرد که از مسئولین و از سابقهٔ کشور ایتالیا در حفظ امور و میراث فرهنگی انتظار می‌رود.



ز. مناسبات علمی - فرهنگی میان ایران و ایتالیا:

- تاریخچهٔ ایرانشناسی در ایتالیا، به قلم آنجلو میکله پیه مونتسه

- وضعیت ایرانشناسی در ایتالیا (سه گزارش)، به قلم ایرج افشار:

۱. «ره‌آورد تحقیقات ایرانی از ایتالیا»

۲. «رُمیات» (گزارش دومین کنگرهٔ جهانی ایرانشناسان در رم)

۳. «مشرق‌زمین و معنای تاریخ» (گزارش کنفرانس دانشگاه رم)

مکاتبات ایرج افشار و آنجلو میکله پیه مونتسه

ایتالیائیها در ایرانشناسی اگر از پیشگامان نبوده‌اند، از برجستگان بوده‌اند.

(ایرج افشار)

تاریخچهٔ ایرانشناسی در ایتالیا

۱. پیشگفتار

سرآغاز مطالعات ایرانشناسی در ایتالیا، به نیمهٔ سدهٔ شانزدهم برابر با نخستین دوران حکومت صفویان باز می‌گردد؛ یعنی به آن زمان که در جرگهٔ افاضل ایتالیا یک آشنایی علمی تحقیقاتی دربارهٔ ایران بر پایهٔ درک واقعیت زبان و ادبیات فارسی رشد پیدا کرد.

پیش از این دوران، ادبا و دانشمندان در اروپا، تنها یک زبان جهان اسلام، یعنی زبان عربی را می‌شناختند و به موجودیت زبانی ادبی همچون فارسی، توجهی مبذول ننموده بودند.

تکامل نوین درک علمی دانشمندان ایتالیا از واقعیت فرهنگی ایران، در پی یک روند آشنایی جغرافیایی و به ملاحظات تاریخی صورت گرفت. چنین روندی دقیقاً یک‌سده پیش از آن آغاز شد. با به قدرت رسیدن اوزون حسن آق‌قویونلو (۱۴۵۷ تا ۱۴۷۸)، ایران چون یک مملکت متحد سر برآورده بود که در مرزهای باختری خود با امپراطوری عثمانی، در عرصهٔ کنترل رفت‌وآمد و بازرگانی میان آسیا و مدیترانه، هم رقیب بزرگ ایران بوده و هم دشمن ترسناک جمهوری ونیز. بدین ترتیب جمهوری ونیز، یعنی قدرت دریایی مسلط آن زمان در مدیترانهٔ خاوری و حکومت پاپ‌نشین رم، پیوندهای بسیار نزدیک دیپلماتیک و نیز پیمانهای مودت با اوزون حسن و سپس با صفویان بستند.

سفیران، سیاحان و بازرگانان ونیزی، گزارشات و خاطراتی با ماهیت جغرافیایی - سیاسی (ژئوپلتیک) ایران نگاشتند. نوشته‌های مزبور که مسائل جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، مردم‌شناسی را در بر می‌گرفت، به عرصهٔ ملاحظاتی تعلق داشت که امروزه می‌توان به روزنامه‌نگاری نسبت داد، به این معناکه این نوشته‌ها در دایرهٔ بررسیها و پژوهشهایی که دارای روش و هدف علمی است نمی‌گنجد. با اینهمه، این آثار که بیش از همه کتابهای سیاحان را در برمی‌گیرد، در بازشناختن جغرافیایی و مردم‌شناسی ایران از سوی اروپا اهمیت بارزی داشته است و امروزه نیز به منزلهٔ منبع تاریخی همواره سودمند است. در میان این آثار، سفرنامه‌های باربارو (Giosafat Barbaro) و کنتارینی (Ambrogio Contarini) دربارهٔ دوران اوزون حسن، و سفرنامهٔ نویسندهٔ گمنام «بازرگان»، دربارهٔ نخستین دوران صفویان پرآوازه‌اند. یک اثر ویژه، عبارت از خاطرات مارین سانودو ایل جوانی (Marin Sanudo Il Giovane) است که دربرگیرندهٔ یادداشتهای روزانه و بازنویسی گزارشات و مدارکی است دربارهٔ روی کار آمدن و تثبیت

قدرت صفویان در ایران (۱۵۰۱ تا ۱۵۲۴)، در اینجا بایست یادآوری نمود که به حکومت رسیدن شاه اسماعیل صفوی، در ایتالیا، یعنی جایی که او را «صوفی» (Sofi) می خواندند و عوام به او به چشم یک «پایمبر نو» می نگرستند، بازتاب گسترده‌ای داشته است.

لئوناردو داوینچی نیز درباره این شخصیت، که آئین شیعه را در حد آئین رسمی ایران استوار ساخت، یادداشتی نگاشت. سفرنامه ونیز: میکله ممبره (Michele Membré) به سال ۱۵۴۲ میلادی، یک منبع غنی اطلاعاتی است درباره بافت حکومت صفوی در خلال پادشاهی شاه طهماسب اول.

۲. آشنایی با ادب فارسی

آشنایی علمی، به عکس عبارت بود از شناخت لاینقطع و هرچه افزون تر ریشه‌های فرهنگی و ادبی ایران اسلامی. آنچه که نخست از دوران قرون وسطی از خلال حرکت جهان اسلام و عمدتاً از زبان و علم عربی، و بعداً به میانجیگری جهان ترکان عثمانی - بیرون تراویده بود، در حدود نیمه سده شانزدهم هرچه عیان تر تمیز داده است. برای نخستین بار معلوم شد که ایران دارای زبانی از آن خویش است که از زبان عربی و ترکی جداست و افزون بر آن دارای یک میراث درخشان ادبی است.

حال، این واقعیت بزرگ فرهنگی چگونه پدید آمده است، هنوز قابل مطالعه و بررسی است. لیکن بیگمان آن دوران تاریخ اروپا هم که به نام «مدرن» خوانده می شود همراه با آگاهی از موجودیت یک زبان و ادبیات بزرگ دوم در جهان اسلام، آغاز می گردد. افزون بر این، بسی پرمعناست که چنین کشفی ثمره تجدید پژوهش «هومانیست»ها و بیداری هنرها و علوم است که با رنسانس، ایتالیا را به تسلط فرهنگی در اروپا برافراشت. اشاره به این نکته حائز اهمیت ادبیات ایران، به دور از منافع قدرتهای سیاسی و به دور از عرصه منافع اقتصادی، مرهون تلاش و زحمات پژوهشی اهل علم و ادب بوده است. همچنین با رنسانس ایتالیا یک جریان فکری استوار گشت که راه پژوهش را بخاطر عشق به دانش هموار می ساخت. از سوی دیگر، این، آن تعالیم فلسفی زاده در روند فرهنگی سده پانزدهم است که در ایتالیا و اروپا، نام «هومانیسم» به خود گرفته است: مطالعه انسان در رابطه با بشریت، و همواره پژوهشگران و دانشمندانی وجود داشته اند که به این اصل وفادار مانده و بیغرض کار نموده اند.

دیباچه دوران مدرن هنگامی نگاشته شد که استفان پنجم اسقف اعظم ایالت مسیحی ارمنستان بزرگ که پایتخت سیاسی آن (در اثناء سلطنت شاه طهماسب اول) تبریز بود، در روم یک دستنوشته غیر عادی به پاپ پائولوی سوم هدیه کرد (۱۵۴۸). این، یک «الانجیل المعظم» بود به زبان فارسی. این دستنوشته که اکنون در فلورانس نگهداری می شود نسخه‌ای از چهار انجیل بیمانند در جهان است، و بایست به کفایت مورد بررسی قرار گیرد.

شگفت تر از این، انتشار اثری است در ونیز (۱۵۵۷) به نام «سفر زیارتی سه شاهزاده سرنذیب»^۱ که به همت یکی به نام «کریستوفر ارمنی» و بعضی ادبا و نیز از فارسی به ایتالیایی ترجمه شده است. این کتاب نخستین اثر ادبی فارسی است که به یک زبان اروپائی برگردانده شد.

¹ Il Peregrinaggio Di tre Giovani Figliuli Del Re Di Serendippo, Venezia, Michele Tramezzino, 1557.

برای نقطه عطفی دیگر، یادآوری می‌شود که دومین اثر، ترجمه کتاب گلستان سعدی به زبان فرانسه است به کوشش دوریر (۱۶۳۴). این جانب بر پایه سندی که در بایگانی واتیکان نگاهداری می‌شود، توانستم نشان بدهم که کریستوفر به احتمال بسیار یک ارمنی است به نام «مسیحی» که اصلیتش «تبریزی» است. هویت این اثر فارسی که در ونیز ترجمه و انتشار یافته است اسرارآمیز بود. در واقع این کتاب که مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه را در برمی‌گیرد، که سر آغاز آن حکایت سه شهزاده سرندید و پرولوگ آن داستان بهرام گور و دلارام است، بیش از آنکه یک ترجمه باشد یک اقتباس است، یعنی، همان‌گونه که زمانی متداول بود، آمیخته‌ای است از یک متن اصلی همراه با عناصر اخذ شده از متون دیگر. این کتاب، در اروپا، بویژه در فرانسه و انگلستان معروف شد و بار دیگر ترجمه و مورد تقلید قرار گرفت، چراکه حاوی داستانهایی با ماهیت رمز و راز و اشاراتی هوشمندانه می‌باشد. به این جهت این کتاب از آغاز سده هفدهم به منزله مدل تکامل نوول نوع پلیسی به‌کار برده شد. با تحقیقی تازه توانستم به یقین ثابت نمایم که اثر ترجمه‌شده پارسی به ایتالیائی در ونیز به سال ۱۵۵۷ هشت بهشت امیرخسرو دهلوی است. بر این متن اصلی، عناصر ناهمگن که از هفت پیکر نظامی، سبعة سیاره امیرعلیشیر نوائی، مثنوی به زبان ترکی، و شاید حتی از هفت منظر هانفی – تا آنجا که به داستان بهرام گور و دلارام، یا به عبارتی آزاده در فردوسی و فتنه در نظامی مربوط است – اخذ و بر آن افزوده شده است.

گزینش هشت بهشت امیرخسرو دهلوی به منزله نخستین اثر ادبی فارسی وارده به اروپا، شگفت‌انگیز است. این یک مثنوی است که تقریباً هنوز هم برای خود ایرانشناسان امروز ناشناخته مانده است. همانا از این شگفت‌تر این واقعیت است که برای چاپ مجدد کتاب، گروه ادباء ونیز، میان مثنویهای فارسی و ترکی، که زمینه اصلی آن ماجرای بهرام گور است، مقایسه‌ای به عمل آورده، و با این مقایسه کاری را به ثمر رسانده است که در دایره ایرانشناسی هنوز هیچ‌یک از محققین به تحلیل یا تعمیق آن نپرداخته است.

در این میان، در ونیز و دیگر شهرهای ایتالیا، اقدام چشمگیر دیگری آغاز شده بود: چاپ آثار کشورهای شرقی و متون عربی برای نخستین بار در اروپا. برای نمونه می‌دانیم که نخستین چاپ قرآن مجید به دست حروفچینی که در جمهوری ونیز فعالیت داشت در حدود ۱۵۱۸ تا ۱۵۳۸ انجام گرفت. این فعالیت، تفهیم متون و بررسی خطوط شرقی (الفباها)، یعنی تجزیه و تحلیل دستنوشته‌ها را در پی داشت. در سال ۱۵۸۴ یعنی بیش از چهار قرن پیش، یک «چاپخانه مدیچی»^۲ در رم پایه‌گذاری شد تا متون شرقی را به شکل کتابهای چاپی، چه در اروپا، و چه در مشرق‌زمین پخش نماید. این اقدام سپس به شکست انجامید زیرا که در آن زمان کتاب چاپ‌شده، در جهان اسلامی پذیرفته نبود و کتابهای خطی را بر آن برتری می‌دادند. به هر جهت، شمار بسیاری از کتابهای خطی عربی، فارسی و ترکی گردآوری، مطالعه، رونویسی، برگردانده و برای چاپ در رم آماده شد.

وانگهی نخستین چاپ القانون فی الطب به قلم ابن سینا (رم ۱۵۹۳) و چاپ نخست کتاب تحریر الاصول اقلیدس به تصحیح نصیرالدین طوسی (رم ۱۵۹۴) پایان گرفت. چاپ این کتابها، گواه بر علاقه‌ای است

2 Stamperia Orientale Medicea.

که بیش از همه به متون علمی عربی نشان داده می‌شد که به همت مؤلفان ایرانی تدوین شده و در اروپا از قرون وسطی به بعد از والاترین حیثیت برخوردار بود.

ولی امر نوین در این دورهٔ رنسانس آن است که برای نخستین بار متون علمی فارسی نیز مورد مطالعه قرار گرفت. برخی از مردان علم و ادب ایتالیا به وجود و اهمیت ادبیات علمی در زبان فارسی پی برده بودند. همچنین مطالعهٔ متون علمی فارسی، پیش از مطالعهٔ متون علمی عربی، دارای هدف باستانشناسی بود؛ به این امید هم که در این متون اثری از آثار یونان باستان بیابند که به زبان عربی یا فارسی برگردانده شده، و نوشتهٔ اصلی یونانی آن از دست‌رفته باشد. جستجوی متون علمی کهن از دست‌رفتهٔ یونانی، از طریق ترجمه‌های کهن شرقی هیچگاه متوقف نشده است.

نخستین محقق که ادبیات علمی فارسی را کشف می‌نماید جوان باتیستا رایموندی (Giovanni Battista Raimondi، ناپل ۱۵۳۶ – رم ۱۶۱۴)، استاد ریاضیات و فلسفه دانشگاه رم و مدیر «چاپخانهٔ شرقی» بود. رایموندی، یک شخصیت برجستهٔ تحقیق است که زحمات او در مجامع علمی دوران خود علاقهٔ بسیاری برانگیخته، و نیز از سوی دانشمند برجسته‌ای همچون گالیله مورد تقدیر قرار گرفته است. رایموندی، انتشار و ترجمهٔ شماری از متون فارسی علمی را (چون ریاضی، اخترشناسی، پزشکی و غیره) و زبانشناسی (چون دستور زبان و فرهنگ لغات) در برنامهٔ خود گنجانیده بود. برای نمونه، وی کتابهای سی فصل در تقویم و زیچ ایلخانی نوشتهٔ نصیرالدین طوسی، رساله فی الطریق المسائل العددیة شرف‌الدین سمرقندی (۶۳۲ هـ ق)، مقدمهٔ الادب زمخشری، وسیلة المقاصد خطیب رستم مولوی، قوانین فرس سید احمد بن مصطفی، معروف به «لائی» را مطالعه کرد.

بسیاری از کتب خطی فارسی به همت دو تن از همکاران رایموندی، یعنی برادران جوان باتیستا وکیتی (Giovan Battista Vecchietti) و جرولامو وکیتی (Gerolamo Vecchietti) برای کلکسیون «چاپخانهٔ شرقی» فراهم آورده شد. آنان به جستجوی کتب، به مصر، خاورمیانه، ایران و هند مسافرت می‌کردند (۱۵۹۱ تا ۱۶۰۷) و آنان را به ایتالیا می‌آوردند، که امروزه در کتابخانه‌های ناپل، رم، فلورانس و پاریس نگهداری می‌شوند. جوان باتیستا وکیتی، متون توراتی را به زبان یهودی – فارسی گردآوری و روی آن تحقیق نمود و نخستین اروپایی بود که این گونه ادبیات را کشف کرد. جرولامو وکیتی با خود یک دست‌نوشتهٔ ارزشمند فارسی از قاهره آورد که امروزه در کتابخانهٔ ملی فلورانس نگهداری می‌شود و ده سال پیش از سوی این جانب چون نخستین جلد شاهنامهٔ فردوسی شناسایی شد.

[شاهنامهٔ ۱۴ق فلورانس]

این دست‌نوشتهٔ درخشان، و به قطع باعظمت (۳۲×۴۸ سانتیمتر)، شاید در محفل طریقهٔ «اخیان» در آناتولی نوشته شده است. هر صفحهٔ این کتاب با یک، دو یا سه سرلوحه به تذهیب آراسته گشته (مجموعاً بیش از ۷۰۰ سرلوحه) که در درونشان جملات طلب خیر، به زبان عربی و به خط کوفی زرنگار (۵×۲۶/۵ سانتیمتر) آمده است. برای نمونه: «العز و المال و السعادة و السلامة و الرفعة و النصرة و الصداقة و البهجة لصاحب».

پیشگفتار منشور بر متن کتاب به خط نسخ زرنگار است که دارای اهمیت است زیرا که سندی است دال بر آنکه پیشگفتار مشهور بایسنغرمیرزا بر پایه پیشگفتار کهنی چون این دیباچه نوشته شده است. آقای ارجمند ایرج افشار در مجله «آینده»^۳ خبری درباره یافتن این شاهنامه از این جانب درج کرد و در همان شماره، آن پیشگفتار را به چاپ رسانید.

امروز به مناسبت این سمینار ایران‌شناسی، برای نخستین بار در ایران، تعدادی از اسلایدهای رنگی برخی از صفحات این دستنوشته را که دارای ارزشی غیرقابل تخمین است، نشان می‌دهم. کاتب در پایان دستنوشته چنین آورده است:

«تمام شد مجلد اول از شاهنامه بیبروزی و خرمی | روز سه‌شنبه سیتم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده | بحمدالله تعالی و حسن توفیقه | و صلی‌الله خیر خلقه محمد | و آله الطاهرین الطیبین».

ولهذا این نسخه که به تاریخ ۳۰ محرم سال ۶۱۴ هجری قمری پرداخته شده است، کهن‌ترین شاهنامه فردوسی موجود در جهان است. بررسیهای واپسین دکتر جلال خالقی مطلق نشان داده‌اند که این دستنوشته فلورانس همچنین از دیدگاه متن ادبی آن مهم‌ترین دستنوشته است. این کتاب در حقیقت تعدادی از اشکال زبانی و شعر و بیانی ناب یا اصیل عصر کهن را در خود حفظ کرده است که در هیچ‌یک از دستنوشته‌های متن مشابه دیده نمی‌شود.

تصحیح نقادانه جدید شاهنامه به کوشش خود خالقی مطلق، که دفتر یکم آن در سال گذشته (۱۹۸۸) به چاپ رسید، عمدتاً بر پایه نسخه فلورانس است.

۳. آشنایی با زبان فارسی

برنامه‌های گسترده رایموندی به آخر نرسید. بخش اعظم رونویسیها و ترجمه‌هایش از متون علمی و دستوری به زبان ایتالیایی یا به لاتین، نیمه‌کاره یا به صورت چرکنویس باقی ماند. مشکلات مالی که «چاپخانه شرقی» را درنوردید، حتی زندگی خود او و مطالعاتش را دشوار ساخت. دهها دستنوشته بازمانده از رایموندی که بیشترشان در کتابخانه‌های فلورانس نگهداری می‌شود و با خطی واضح و زیبا نوشته شده است، نشانگر کار بس عظیمی از رونویسی و ترجمه است. در برنامه وی، افزون بر آثار پیشگفته ابن‌سینا و اثر اقلیدس، چاپ متون و ترجمه دهها کتاب دیگر فارسی و عربی قرار داشت. او همچنین به مطالعه تفسیر قرآن و متون شعری آغاز کرده بود. نمونه چاپی یک غزل از شاعری معروف متخلص به شاهی سبزواری (درگذشته در ۸۵۷ ه.ق)، که به همت اوست، در فلورانس نگهداری می‌شود. هر چند که این متن منتشر نشد، لیکن این نخستین متن فارسی به چاپ رسیده است. این غزل شاهی چنین آغاز می‌شود:

ای در درون خسته نشان خدنگ تو

جانم جراحت از مژه تیزچنگ تو

^۳ آینده، س ۶ (خرداد - تیر ۱۳۵۹)، ش ۳-۴: ۲۰۷-۲۱۳ (کرد آورنده).

رایموندی ویژگی اساسی زبان و خصوصیت عمده ادبیات فارسی، یعنی طبیعت جهان‌شمول شعر فارسی را کاملاً درک کرد. وی، در این باره یادداشتی نگاشته است که در میان برگهای دستنویس او در فلورانس یافته و بتازگی منتشر کرده‌ام. شاید این یادداشت که نشانگر باریک‌بینی، تجربه ژرف او در زمینه تحقیقات زبانی، و نیز حساسیت وی در زمینه ادبی است، قابل ذکر در پیشگفتار هر کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌باشد. و این، متن نوشته اوست حدوداً به سال ۱۵۸۰ میلادی:

«بی‌عیب و نیکو سخن گفتن به هر زبانی بهر انسان میسر نیست. انسانی به زبان نیکو و بی‌عیب سخن گفتن تواند که زیباترین، شیرین‌ترین و کامل‌ترین زبانهاست. این زبان کامل‌ترین همه زبانهایی است که امروزه دانسته می‌شود. بنظر می‌رسد که هم شرقیان و هم آنانی که بیش از همه به مطالعه زبانهای جهان پرداخته‌اند به ستودن این سه زبان نشسته‌اند: یونانی، عربی و پارسی. با این همه، هم آنانی که طبعی بس لطیف در شناخت زبانها دارند بحق به داوری بنشسته‌اند که زبان فارسی را بایست زیباترین، فاخرترین و شیرین‌ترین زبان موجود در جهان دانست، زیرا که به زبان پارسی کتابهایی از هرفن و دانش، و بویژه چندان کتب شعر نگاشته‌اند که انگار خداوند عمداً آن را به آدمی اعطاء فرموده است تا او را به ابراز معانی به شعر وا دارد. بنابراین هرکس باید نخست زبان پارسی را بطور کامل بیاموزد».

۴. دو قرن تحول

برخی از نکات این یادداشت، چنان به نظر می‌رسد که گوئی اقتباسی از مقدمه قوانین فرس نوشته لآلی دانشمند ترک – عثمانی (متوفی حدود ۹۷۱ هـ.ق) زبان فارسی است. کتابی در مورد دستور زبان فارسی که رایموندی آن را تهیه کرده بود، بعدها دیگر به چاپ نرسید.

اولین کتاب دستور زبان فارسی را که توسط محقق ایتالیائی نگاشته شده و در رم به سال ۱۶۵۴ به چاپ رسید، می‌بایست مرهون زحمات اینیازیو دی جسو (Ignazio de Gesu / Ignatiuds a Jesu) دانست. این مبلغ مسیحی فرهنگ لغت لاتین – فارسی را که قابل توجه است، تهیه نمود و روش بسیار جالب استنساخ از خط زبان عربی – فارسی با حروف لاتین ارائه نمود. خانم دکتر پائولا اورساتی (Paola Orsatti) یکی از شاگردان بنده که در ضمن دستیار تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم می‌باشد اخیراً به تشریح اهمیت این اثر پرداخته است.

در اینجا می‌توان یادآور شد که مبلغ مسیحی دیگری بنام مائوریزو گارزونی (Maurizio Garzoni) در رم به سال ۱۷۸۷ اولین کتاب دستور زبان کردی را که توسط یکی از ادیبان اروپائی نوشته شده بود، انتشار کرد.

شایسته است که آثار مبلغین مذهبی کاتولیک که صرفاً مطالعات ایران‌شناسی بوده، مانند آثاری که در فوق نام برده شده، تفکیک شود. فعالیت تبلیغات دینی و مناظرات دین‌شناسی که مبلغین مسیحی در ایران و در سایر کشورها انجام داده‌اند، مربوط به تاریخ ادیان و روابط سیاسی و مذهبی بین شرق و غرب می‌شود. به طور مثال این مورد مناظره دینی است که بین مبلغین دینی کاتولیک و فیلسوف شیعه سید

احمد بن زین العابدین علی عاملی اصفهانی (متوفی به سال حدود ۱۰۶۰ هـ ق) صورت گرفته و به مبادله نوشته‌های متعددی از مبانی اصول دین مسیحی و مذهب شیعه، دفاع کرده است.

در این مناظرات که در اصفهان صورت گرفته، سیاح و دانشمند برگزیدهٔ رومی پیئtro دل‌واله (Pietro DellaValle) نیز شرکت داشته است. دل‌واله که بین سالهای ۱۵۸۶ تا ۱۶۵۲ زندگی کرده است، شعر و ادبیات و اخترشناسی فارسی را مطالعه و بررسی کرده است، حاصل مطالعات او دستنوشته‌هایش می‌باشد که هم اکنون در کتابخانهٔ واتیکان و در کتابخانهٔ ملی مودنا حفظ و نگهداری می‌شود. علائق فرهنگی گوناگون دل‌واله در رابطه با ایران، هنوز موضوع پژوهش و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است و نیز انتشار و انتقادی، کامل و مدرن از گزارش سفرنامهٔ او نیز در دسترس هنوز قرار نگرفته است.

دل‌واله همچنین فرهنگی وسیع و طبع خاصی در زمینهٔ موسیقی و شعر داشته است. او در میان اولین اروپائینی بود که اشعاری به زبان فارسی نگاشته است و احتمالاً، هم او بوده که نخستین بار نام و شهرت شعر حافظ را در محافل ادبای ایتالیا و اروپا گستراند. صحت موضوع فوق را شاگرد بنده دکتر فیلیپو برتوتی (Filippo Bertotti) با گزارشی که در کنگرهٔ بین‌المللی بزرگداشت حافظ (شیراز، آبانماه ۱۳۶۷) ارائه نمود، نشان داده است.

اما، علی‌رغم تقدمهای ذکرشده، پس از نیمهٔ قرن هفده و در پایان نیمهٔ قرن نوزدهم میلادی، مطالعات ایرانشناسی در ایتالیا از رونق افتاد، در حالی که در سایر کشورهای اروپائی، این مطالعات به روش علمی، پیشرفت کرده و توسعه یافتند. این از رونق‌افتادگی به دلائل متعدد و پیچیده‌ای صورت گرفته است که از میان آنها، انحطاط سیاسی و اقتصادی دولتهای ایتالیا، به انضمام جمهوری و نیز می‌باشد، که هیچ‌کدام آنها روابط دیپلماتیک مستحکمی را با ایران حفظ نکردند.

در عوض، در طول این دوران، در ایتالیا مجموعه‌هایی از دستنویسهای فارسی جمع‌آوری شد و این خود گواه ارائهٔ علاقه و توجه نسبت به فرهنگ ایرانی است. در این رابطه می‌توان به ویژگی ساختاری فرهنگ ایتالیائی توجه کرد که پیوسته غیرمتمرکز و به صورت پراکنده در پایتختها و مراکز استانها توزیع شده است.

در واقع، بر اساس فهرستی از دستنویسهای فارسی که در ایتالیا حفظ می‌گردد، و این جانب آنها را تهیه کرده‌ام و در حدود ماه ژوئن سال ۱۹۸۹ به چاپ خواهد رسید، امروزه بیش از ۴۰۰۰ دستنویس فارسی در سی کتابخانهٔ عمومی واقع در پانزده شهر مختلف ایتالیا یافت می‌شود. بر این تعداد باید ۲۳۰ دستنویس و ۱۰۳۳ جزوه مربوط به تعزیه را اضافه نمود. در اروپا، تنها در آلمان همچنین به میزان وسیعی از دستنوشته‌های فارسی در سطح مملکت یافت می‌شود، در حالی که در فرانسه و یا در انگلستان، این دستنویسها در پایتختها و در یکی دو شهر دیگر کشور متمرکز شده است.

در طول قرن هفدهم، تعداد قابل توجهی از دستنویسهای ایرانی در کتابخانهٔ واتیکان در رم و در کتابخانهٔ «آمبروسیان» (میلان) در بولونیا، مزین به مجموعهٔ جمع‌آوری شده توسط عالم و سیاح لوئیجی فردیناندو مارسیلی (Luigi Ferdinando Marsili، ۱۶۵۸-۱۷۳۰) و در کتابخانهٔ فلورانس، در طول قرن هجدهم در

کتابخانه «کاساناتسنه» (رم) و در ونیز مزین به مجموعه یاکوپو نانی (Jacopo Nani، ۱۷۲۵-۱۷۹۷) جمع‌آوری و حفظ گردیده است.

سیس، بخصوص به همت سیاستمدار و دانشمند روموآلدو تکو (Romualdo Tecco، ۱۸۰۲-۱۸۶۷) مجموعه کوچک اما پربهای دستنویسهای فارسی کتابخانه سلطنتی تورن نیز به وجود آورده شد. در این کتابخانه اثر بی نظیر منطق الطیر نوشته ۸۵۷ هـ ق به قلم خطاط نصیر بن حسن المکی را، که به خطی بسیار خوش مزین به شش تصویر زیبای مینیاتور پیدا کردم. بدین مناسبت اسلایدهایی از این دستنویسته هم به نمایش می‌گذارم که خود نمونه قدیمی ترین اثر مصور مثنوی مشهور عطار می‌باشد. این اثر از هر نظر شاهکاری است که در دوره تیموریه نگاشته شده است و در واقع اوج هنر کتاب در ایران اسلامی است.

۵. دوره جدید

در دوره تکو، تورن پایتخت پیه‌مون و ساردینا بود. این قدرت بعدها دولت ایتالیا را تشکیل داد (۱۸۶۱). ایتالیا که پس از قرن‌ها متحد شد، زندگی خود را به صورت کشوری مدرن آغاز کرد. عزیمت هیأت عالی نمایندگی ایتالیا به ایران (۱۸۶۲) فرصت خوبی بود تا روابط سیاسی ماندگار بین دو کشور تجدید شده و به بازبانی کشفیات علمی تمدن ایرانی، از سوی دانشمندان و پژوهشگران ایتالیائی کمک نماید. ایتالیا و ایران دلائلی یافتند تا روابط دوستی و صلح‌آمیز گذشته خود را دوباره از سرگیرند. در همین فرصت، گروهی از طبیعت‌گرایان و دانشمندان، هیأت نمایندگی ایتالیا را در سفر به ایران همراهی کردند. آنها گزارشاتی در مورد زمین‌شناسی، گیاههای بومی، حیوانات و بخصوص راجع به ماهی و پرندگان ایران نوشتند. فیلیپو دِ فیلپپی (Filippo de Filippi) دانشمند ایتالیائی کتاب سفرنامه مهمی چاپ کرد (میلان ۱۸۶۳). سیاستمدار و پژوهشگر، کریستوفورو نگری (Cristoforo Negri) به گولینلمو برجه (Guglielmo Berchet) وظیفه داد تا کتاب مشهور، که مجموعه‌ای از مدارک راجع به تاریخ روابط بین جمهوری ونیز و ایران بود، بسط دهد. در آن دوران در تهران گروهی از افسران ایتالیائی مأمور دارالفنون در تهران به ارتش ایران تعلیم می‌دادند، از میان آنها انریکو آندره‌ئینی (Enrico Andreini، لوکا ۱۸۲۸ - تهران ۱۸۹۴) تعدادی گزارش سیاسی و تاریخی راجع به ایران نوشت است (۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶).

جیاکومو لینیانا (Giacomo Lignana، ۱۸۲۷-۱۸۹۱) که اصلیت او از «پیه‌مون» بود، و در بُن پیش ایران‌شناسان مشهوری چون ایشیگل و لاسن [C. Lessen] درس خوانده بود، پس از بازگشت از ایران در مؤسسه دانشگاهی شرقشناسی ناپل، تدریس زبان و ادبیات ایرانی را بنیان گذاشت (۱۸۷۳). تدریس زبان فارسی سیس در ناپل توسط گرادو دِ وینچنتیس (Gherardo de Vincentiis، ۱۸۴۵-۱۹۰۷) دانشمند زبان‌شناس و ادبیات، و لویجی بونلی (Luigi Bonelli، ۱۸۶۵-۱۹۴۷) ترک و اسلام‌شناس ادامه داشت. پژوهشگران ایتالیائی بدینسان، با پیشرفته‌ترین مدارس تحقیق ایران‌شناسی اروپا، ارتباط برقرار کردند. بهر جهت، ایتالو پیزی (Italo Pizzi، ۱۸۴۹-۱۹۲۰)، بزرگترین ایران‌شناس ایتالیائی آن دوره - که در

دانشگاه تورن تدریس می‌کرد - مخالف مدرسهٔ زبانشناسی آلمانی بود و به تعقیب «فلسفهٔ ادبیاتی» مخصوص خود پرداخت. پیژئی با بلندپروازی که داشت، به مدت نیم‌قرن کوشا، در مقام ادیب، مدرس و مترجم و شاعر فعال بود. زمینه‌های ترجیحی مطالعات او، ادبیات کلاسیک فارسی، ادبیات تطبیقی و حماسه‌سرایی ایرانی بود، که او زمینه‌های فوق‌الذکر را طرز بیان روح ملی کشور ایران باستان می‌دانست که درست نقطهٔ مقابل ایران اسلامی بود. ترجمهٔ کامل هشت جلدی او از شاهنامهٔ فردوسی (تورن، ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۹) مشهور است.

آثار مهم دیگر پیژئی، تاریخی است بر شعر فارسی تا دورهٔ جامی که به نظر پیژئی آخرین شاعر کلاسیک ایران زمین به حساب می‌آید. این کتاب در دو جلد است که ادبیات کلاسیک فارسی را شامل می‌شود. پیژئی، گلستان سعدی و اوستا را نیز ترجمه کرده است. شاگرد و دامادش ویتوریو روگاری (Vittorio Rugarli، ۱۸۶۰-۱۹۰۰) در نظمی زیبا کک‌نامه و قسمتهایی از برزنامه و گرشاسب‌نامه را ترجمه کرده است. شاگرد دیگر پیژئی، که اهل تورن بود، کارلو آلفونسو نالینو [C. A. Nallino، ۱۸۷۲ - ۱۹۳۸] نام داشت و اگرچه به ایرانشناسی علاقهٔ وافر داشت لیکن بعدها عرب‌شناس برجسته‌ای شد.

مدتهای مدید، از ابتدا تا اواسط قرن بیستم میلادی مطالعات ایرانشناسی توسط پژوهشگران ایتالیایی اسلام‌شناس، عرب‌شناسان، ترک‌شناسان، تاریخ‌شناسان ادیان، زبانشناسان و سایرین انجام گرفت. تقریباً هیچ‌یک از آنها امروز نمی‌تواند آنچه را که یک متخصص به تنهایی ارائه می‌دهد، ارائه نماید. دلیل این موضوع، بخشی به مناسبت طبیعت مطالعات خاص ایرانشناسی است که مربوط به ادوار، انضباط، تمدن، زبانهای که بسیار متفاوتند می‌شود و بنابراین پژوهشگران زمینه‌های مختلف را به خود جلب می‌کنند. از طرفی این موضوع به سنت مخصوص پژوهشگران ایتالیایی نیز باز می‌گردد که در مطالعات تخصصی بیشتر مطالعات خاص به تمدنهای مختلف را ترجیح می‌دهند. تخصص‌گرایی خود، پدیدهٔ بسیار جدید بین‌المللی است که مضار و منافع مخصوص به خود را دارا است.

از میان بیشمار پژوهشگران دورهٔ فوق‌الذکر که سهمی در مطالعات ایرانشناسی دارند در اینجا مقدر ماست که تنها نام عده‌ای از مهمترین آنها را یادآوری شویم:

اسلام‌شناس مشهور لئونه کائتانی (Lenoe Caetani، ۱۸۶۹-۱۹۳۵) که انحطاط شاهنشاهی ساسانیان و تاریخ تصوف ایران توسط اعراب مسلمان را مطالعه کرده است. او در سفرهایش به هند و ایران و در تماس خود با ایرانشناسان اروپائی یک کلکسیون معتبر دستنوشته‌های فارسی اعم از متون شعری و تاریخی جمع‌آوری نمود که امروزه در آکادمی ملی لینه‌چه‌ای رم حفظ می‌گردد.

رافائله پتازونی (Raffaele Pettazzoni، ۱۸۸۳-۱۹۵۹) مطالعات مهمی از خود در مورد مذهب زرتشت و الههٔ میترا به چاپ رساند.

جوسپه مسینا (Giuseppe Messina، ۱۸۹۳-۱۹۵۱) جزوه‌های دورهٔ پهلوی و اساس مذهب در روایات زرتشت و توسعهٔ مانی‌گری در آسیای مرکزی تا عصر مغول، شعر صوفیان ایران اسلامی را مطالعه و بررسی کرده است.

آنتونینو پالیارو (Antonino Pagliaro، ۱۸۹۸-۱۹۷۳) که زبانشناسی ایران را در دانشگاه رم تدریس کرد، زبانهای باستان ایران بخصوص متون ادبی پهلوی، قوانین شاهنشاهی ساسانی در مقایسه با حقوق و قوانین رم باستان، تصرف شاهنشاهی ایران از سوی اسکندر مقدونیه‌ای را مطالعه کرد.

اوگو مونره دِ ویلارد (Ugo Monneret de Villard، ۱۸۸۱-۱۹۵۴)، کارشناس برجسته تاریخ معماری اسلامی و هنر ایرانی، تاریخ و اشاعه مانی‌گری را در حومه‌ها و نقاط دورافتاده و تأثیر فرهنگ ایرانی در افریقای شرقی را مطالعه کرد. کتاب او اقتباسی است از ریشه‌های شرقی ایرانی سه پادشاه مجوسی و انتشار آن در محیط‌های مسیحیان، مشهور است.

آتوره روسی (Ettore Rossi، ۱۸۹۴-۱۹۵۵)، ترک‌شناس؛ زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه رم (۱۹۳۸ تا ۱۹۵۵) تدریس کرد. او کتاب دستور زبانی از زبان فارسی و فهرستی از دستنویس‌های فارسی کتابخانه واتیکان به چاپ رساند و نوشته‌های زبانشناسی دلاواله، و نیز منابع شرقی راهنمای توراندخت و برخی از اشکال تاریخ سیاسی و ادبی مدرن ایران زمین را مطالعه کرد. او نگارش فهرست جزوه‌های تعزیه را - که هم‌اکنون در کتابخانه‌های واتیکان نگه‌داری می‌شود - شروع کرد. این کلکسیون معروف، عبارت از تعداد ۱۰۵۵ دستنویس، که ۳۰ شمار آن به ترکی و سه عدد به زبان عربی و نیز ۱۷ کتاب چاپ‌سنگی، فهرست آن توسط السیو بومباچی (Alessio Bombaci، ۱۹۱۴-۱۹۷۹) به اتمام رسیده و چاپ گردیده.

السیو بومباچی ترک‌شناس مشهور دیگری بود که مطالعات وسیعی درباره ادبیات فارسی نمود و کتابی مهم در مورد کتیبات به خط کوفی و حاوی از ابیات فارسی قصر سلطان مسعود سوم غزنوی به چاپ رساند. مجموعه تعزیه، که بزرگترین مجموعه موجود در دنیا است، توسط دیپلمات و اسلام‌شناس و حبشه‌شناس انریکو چرولی (Enrico Cerulli، ۱۸۹۸-۱۹۸۸) در طول اقامتش در تهران زمانی که سفیر ایتالیا در ایران بود (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴) جمع‌آوری شده است. چرولی، مقالات متفاوتی در مورد تأثیر مذهبی شیعه نوشته است که به نظر او اصالت این تعزیه‌ها به نیاز تبلیغاتی اولین شاهان صفوی برمی‌گردد و یا شاید توسط خود شاه اسماعیل پایه‌ریزی شده است. بر اساس مدارک و حقایق تاریخی، انتظار می‌رود که تز فوق‌الذکر تأیید گردد. به نظر سایر نویسندگان اصلیت تعزیه جدیدتر از آن است.

در حالی که چرولی معاونت ریاست آکادمی ملی لینگوا ای را به عهده داشت، چندبار مجمعی بین‌المللی درباره شاعران کلاسیک ایران ترتیب داد، به شرح زیر:

جلال‌الدین رومی (۱۲۷۴)، نظامی (۱۹۷۵)، حافظ (۱۹۷۶)، عطار (۱۹۷۷)، سنائی (۱۹۷۸).

عرب‌شناس و اسلام‌شناس مشهور فرانسو گابریلی (Francesco Gabrieli، متولد ۱۹۰۴ و اکنون نیز در حیات فعال است)^۴ در طول بیش از نیم قرن، تعداد بیشماری جزوه‌های مربوط به تاریخ ادبیات فارسی را به چاپ رساند. به خصوص مقالاتی درباره نویسندگان و شاعران ایران و از تاریخ ادبیات فارسی، به منظور درج در دائرةالمعارف ایتالیائی (۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸) نوشت. رباعیات خیام را ترجمه و سفرنامه ناصر خسرو را مطالعه و بررسی کرد. اشکال ادبیاتی عرب و فارسی را به مقایسه گرفت. اثر پیرزی را بازآفرینی کرد، و برخی از دوره‌های تاریخ سیاسی سلسله پهلوی را تفسیر نمود.

^۴ فرانسکو گابریلی در سیزدهم دسامبر ۱۹۹۶ در رم درگذشت (گردآورنده).

جوسپه توجی (Giuseppe Tucci)، شرق‌شناس بزرگ و مشهور، سیاح و باستان‌شناس (۱۸۹۴ - ۱۹۸۴) سهم بسزایی در زمینه مطالعات ایران‌شناسی داشته است.

در مقام ریاست ایسمئو (Is. M.E.O.) [مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و دور] ۵ (رم) از سال ۱۹۵۷ فعالیت حفر و مرمت آثار باستانی در افغانستان (منطقه غزنی) و در ایران (سیستان و تخت جمشید و اصفهان)، به عهده سرپرستی او بود و نتایج علمی کارهای مربوطه در همه دنیا مشهور است، به علاوه تعدادی از انتشارات مربوط به تاریخ‌شناسان هنر و معماری، مرمتگران که مأموریت و یا گزارش‌ها و انتشاراتی در این رابطه داشته‌اند، لازم است لااقل اسامی زیر را نام ببریم:

ائوجنیو گالدیری (Eugenio Galdieri)، امبرتو شرآتو (Umberto Scerrato)، بریت تیلیا (Britt Tilia)، مائوریزو توسی (Maurizio Tosi)، جوسپه زاندر (Giuseppe Zander)، همچنین فعالیتهای و انتشارات مختلف هیأت‌های اعزامی باستان‌شناسان، که بعدها توسط گروه‌های منفرد محققین انجام شده قابل توجه می‌باشد. در این مورد، می‌بایستی گزارشی از سوی متخصصان باستان‌شناسی و تاریخ هنر تهیه شود.

گسترش مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا در زمینه باستان‌شناسی، نشانه تغییرات عمیق در اعصار است. ایتالیا خود، از ابتدای سال‌های پنجاه با انقلابی اقتصادی - اجتماعی، تغییری بنیادین یافت، زیرا که در دوره‌ای بس کوتاه، ایتالیا که کشوری بر پایه کشاورزی بود به کشوری صنعتی تبدیل شد. به این ترتیب با روندی که روز به روز، در طول ۲۰ سال اخیر سریع‌تر می‌شد، در زمینه‌های تحقیق، تغییر شکل می‌یافت. پژوهشگران ایران‌شناس نیز در بخش‌های متعدد و مراکز متعدد تدریس و تحقیق، رشدی بی‌سابقه یافتند. به تدریج گروه‌های مختلف مطالعاتی و محققین منفرد تشکیل شد که هر یک در منشا گرایش‌ها و در روش علمی با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

رسم تابلویی از ایران‌شناسان در ایتالای معاصر، همچنین اشاره به نام کلیه ایران‌شناسان و محققین فعال در زمینه‌های مختلف مطالعاتی در اینجا مقدور نمی‌باشد. از سوی دیگر، در این رابطه کتاب‌شناسی معین و مطالعات مخصوص به آن در دسترس می‌باشد. در اینجا تنها به برخی اصول اشاره می‌نمائیم.

اما ناگفته نماند که علی‌رغم رشد عظیم مطالعاتی و افزایش شمار محققین، هیچ مؤسسه دانشگاهی و یا مرکز تحقیقاتی به طور مشخص و معین به ایران‌شناسی تخصیص داده نشده است، و این خود باعث ایجاد مسائلی است. مطالعاتی که مربوط به بخش‌های مختلف ایران‌شناسی می‌گردد علاوه بر شهرهای متعدد، ساختارهای متفاوت دانشگاهی داشته و در مؤسسات مستقل، به طور پراکنده، توزیع شده است. در هر حال می‌توان گفت که مؤسسه دانشگاهی شرق‌شناسی ناپل ۶، همانند گذشته، تقدم و برتری کیفیت خود را در مقام مکانی جهت مطالعات ایران‌شناسی در سطح بین‌المللی به ثبوت رسانده است.

در ۱۹۵۷، برای نخستین بار، در همانجا بود که کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی تشکیل شد و ریاست آن به عهده الساندرو بائوزانی (Alessandro Bausani، ۱۹۲۱ - ۱۹۸۸) ایران‌شناس و اسلام‌شناس و زبان‌شناس مشهور بود. او مؤلف جزوات و گزارشات مطالعاتی مهم و متعددی چه در مورد ایران اسلامی،

⁵ Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente.

⁶ Istituto Universitario Orientale di Napoli.

چه در زمینهٔ زبان‌شناسی ادبیاتی، علمی - فلسفی، مذهبی و چه در مورد تاریخ ادیان در ایران باستان بود. در زمینهٔ تاریخ ادبیات کلاسیک و مدرن ایران متخصص بود و بویژه، خصوصیات زیباشناسی، تأثیر ادبیات فارسی در ادبیاتهای شبه‌قارهٔ هند همچون اردو، پنجاب و بنگالی را مطالعه و بررسی کرد. به ترجمه و تفسیر آثار شعر عمر خیام، رومی، نظامی، بیدل و اقبال پرداخت. از ۱۹۷۱ به تدریس اسلام‌شناسی در دانشگاه رم مشغول بود و نیز اوقات خود را وقف مطالعهٔ تاریخ علوم چون اخترشناسی و ریاضی در جهان اسلام کرد. در ۱۹۶۷، برای نخستین بار نیز در ناپل کرسی استادی فیلولوژی ایرانی تأسیس شد و ریاست آن با پروفیسور گرادو گنولی (Gherardo Gnoli) بود. او متخصص مشهوری در تاریخ زرتشت و مانوی‌گری و تاریخ ادیان، فرهنگ و سیاست ایران باستان است. در این زمینه‌ها آثار متعددی به چاپ رساند، از آن میان کتاب جدید او دربارهٔ دوره و سرزمین زرتشت می‌باشد. گنولی یکی از اصلی‌ترین ایران‌شناسان اروپائی در رابطه با ایران باستان بشمار می‌رود. در زمینهٔ مطالعاتش تعدادی از شاگردان و محققین ایتالیائی را جلب کرده است. او هم‌اکنون ریاست ایسمئو را به عهده دارد.

از سال ۱۹۸۰، کرسی استادی زبان و ادبیات در مؤسسهٔ شرقشناسی ناپل، به پروفیسور جوانی م. درمه (Giovanni M. D'Erme) تعلق دارد. او متخصص در دستور زبان فارسی است و در این مورد کتاب با ارزشی نیز به چاپ رسانده است. همچنین روش نگارش خط میخی ایران باستان را نیز مطالعه کرده است. اثر عبید زاکانی را ترجمه کرده و مقاله‌هایی هم در مبحث زبان و ادبیات نوشته است. هم‌اکنون او مدیر سمینار مطالعات آسیاشناسی در ناپل می‌باشد.

از سال ۱۹۸۰، پروفیسور آدریانو والرینو رُستی (Adriano Valeriano Rossi)، از شاگردان بنده صاحب کرسی استادی زبان‌شناسی ایران است. او متخصص خط میخی پارسی باستان، پهلوی و زبان و فرهنگ بلوچ است. در این زمینه‌ها کتب و مقالات بسیاری به چاپ رسانده است. وی از سال ۱۹۸۲ مدیر یک مجلهٔ تحقیقات بلوچی می‌باشد و هم‌اکنون نیز معاونت ریاست مؤسسهٔ دانشگاهی شرقشناسی ناپل به عهده‌اوست. در این مؤسسهٔ دانشگاهی از گذشته تا کنون پیوسته دانشمندانی تدریس کرده‌اند که در زمینهٔ مطالعات ایران‌شناسی بسیار نمونه و برجسته بوده‌اند. از این میان باید از پروفیسور پیو فیلیپانی رونکونی (Pio Filippini Ronconi)، هند و ایران‌شناس مشهور نام برد که ایدئولوژی شاهنشاهی ایران باستان و تاریخ شیعهٔ اسماعیلیان را مطالعه و کتاب گشایش و رهایش ناصر خسرو و همچنین متن ام‌الکتاب را ترجمه کرده است. چند سالی است که در مؤسسهٔ دانشگاهی شرقشناسی ناپل، دوره‌های تخصصی آمادگی پژوهشگران جدید در زمینهٔ ایران‌شناسی تأسیس شده است. این دوره مطالعات که نام آن «دکترای تحقیق» است، مخصوص فارغ‌التحصیلان می‌باشد. آنها پس از قبولی در کنکور، بورس تحصیلی دریافت می‌کنند و می‌بایست در طی دورهٔ سه‌سالهٔ تحصیل رساله‌ای از تحقیق خاص ارائه دهند که در پایان آن عنوان «دکتر در تحقیقات» و در این مورد «دکتر در تحقیقات ایران‌شناسی» دریافت می‌نمایند. اخیراً نُه نفر متخصص مشغول تهیهٔ این رساله‌های تحقیقاتی می‌باشند، که تازه نیز مقاله‌های تحقیقاتی خاص خود را در بخش‌های مطالعاتی خویش به چاپ رسانده‌اند. نامبرندگان به شرح زیر می‌باشند:

میکله برناردینی (Michele Bernardini) شاگرد بنده، که رساله‌ای در مبحث مثنوی هفت منظر از هانفی آماده می‌کند. کارلو چرتی (Carlo Cereti) متخصص زبان سغدی؛ خانم فلیچتا فرارو (Felicette Ferraro) متخصص مردم‌شناسی بلوچ؛ خانم الیانا فیلیپونه (Eliana Filippone) متخصص زبان پارتی؛ پاسکوآله جونتا (Pasquale Gionta) متخصص زبان کردی؛ مائورو ماچی (Mauro Maggi) متخصص زبان سکائی و ختائی؛ دانیلا منگینی (Daniela Meneghini) متخصص دیوان حافظ؛ آنتونیو پائائینو (Antonio Panaino) متخصص زبان اوستائی؛ ماریو ویتالونه (Mario Vitalone) متخصص جزوات روایات دین زرتشتی.

در سال ۱۹۷۵ برای نخستین بار کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی که این‌جانب صاحب آن می‌باشم، در دانشکده ادبیات و فلسفه رم تأسیس شد. از سال ۱۹۶۷ این‌جانب در این دانشکده تدریس می‌کردم و سنت زورخانه را مطالعه کرده، تاریخ روابط ایتالیا و ایران دوره قاجار و تاریخ مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا و تاریخ خط عربی و هنر ایرانی کتاب، مبحث ترسیم موضوعات و قهرمانان ایرانی در متون ادبی ایتالیایی، بخصوص در تئاتر و آثار موسیقی را مطالعه و بررسی کرده‌ام. این‌جانب همچنین قطعاتی از جزوه‌های کلاسیک ایرانی را در قالب شعر کلاسیک ترجمه کرده و کتاب تاریخ و تحقیق و مطالعه ادبیات فارسی، کتابشناسی ایتالیایی ایران، در رابطه با سالهای ۱۴۶۲ تا ۱۹۸۲ و فهرست دستنویس‌های فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا را به چاپ رسانده‌ام.

در همین دانشگاه رم، در گذشته و حال تعداد بسیاری دانشمند تدریس کرده‌اند:

از میان زبان‌شناسان پروفیسور والتر بلاردی (Walter Belardi) را نام می‌بریم.

متخصص زبان اوستا و جزوات پهلوی جورجو رایموندو کاردونا (Giorgio Raimondo Cardona)، ۱۹۴۳-۱۹۸۸) که مقالات بسیاری در مورد زبانهای ایرانی به چاپ رسانده و کتاب سفرنامه میمره به اهتمام او چاپ گردیده است.

پروفیسور اوگو بیانکی (Ugo Bianchi) کتابهای بسیاری در مورد تاریخ ادیان در ایران باستان به چاپ رسانده است.

پروفیسور شراتو که از او قبلاً در میان باستانشناسان نام برده‌ایم گونه‌های مختلف معماری و هنر ایرانی در عصر اسلام را مطالعه و بررسی کرده است.

خانم پروفیسور جوانا کلاسو (Giovanna Calasso) که شاگرد بنده نیز بوده، متخصص در اسلام‌شناسی و ادبیات فارسی کلاسیک است و لیلی و مجنون نظامی را ترجمه کرده و خاورنامه ابن‌حسام را مطالعه و بررسی کرده است.

خانم پروفیسور بیانکاماریا اسکارجیا آمورتی (Biancamaria Scarcia Amoretti) صاحب کرسی استادی اسلام‌شناسی و شاگرد پروفیسور بائوزانی مقالات زیادی به چاپ رسانده و به علاوه جزواتی در مورد تیپولوژی مذهبی، و آئین مذهبی و در مورد تاریخ شیعه اثنی عشری در ایران از ابتدا تا دوره صفویه و نیز در مورد سیاست سلسله پهلوی و در مورد وقایع سیاسی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی به چاپ رسانده است.

در دانشکده زبان و ادبیات خارجی دانشگاه ونیز در سال ۱۹۷۶ برای نخستین بار کرسی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شد که پروفسور جان روبرتو اسکارچیا (Gianroberto Scarcia) ریاست آن را به عهده داشت. او نیز متخصص برجسته تاریخ شیعه اثنی عشری در ایران می باشد. بعدها به کرسی استادی تاریخ ادیان و آسیای مرکزی منتقل شد. تاریخ ادبیات فارسی را نوشت و قطعاتی در مورد شعر غنائی ایران، افغان و تاجیک، کلاسیک و مدرن و معاصر ترجمه کرده است و مقالات مختلفی در باره تاریخ هنر ایرانی به چاپ رساند. پروفسور جورجو ورچلین (Giorgio Verzellin) از ۱۹۸۰ صاحب کرسی استادی زبان و ادبیات افغانی است. او متخصص در تاریخ افغانستان معاصر است.

از سال ۱۹۸۷ پروفسور ریکاردو زیپولی (Riccardo Zipoli) متخصص معروف شعر غنائی فارسی و سبک هندی صاحب کرسی در ادبیات «ایرانی» یعنی پارسی است.

در همان دانشگاه ترک شناسی ماریو گریناشی (Mario Grignaschi) تدریس کرده است که کتابها و مطالعات مهمی بر تاریخ انتقال جزوات اداری ساسانیان به خلافت اسلام و در مورد تأثیر آئین نامه ها در تاریخ ادبی عرب و تاریخ اقتصاد ایران دوره ساسانی به چاپ رسانده است.

از ۱۹۸۷ در دانشگاه بولونیا کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شده است که پروفسور مائوریزیو پیستوسو (Maurizio Pistoso) متخصص مطالعات تاجیکی عنوان آن را داراست. و در دانشگاه کاتولیک میلان خانم والریا فیورانی پیاچنتینی (Valeria Fiorani Piacentini) تاریخ و سیاست بین المللی را تدریس می کند که کارهای مختلفی در باره تاریخ منطقه هرمز و منطقه خلیج فارس به چاپ رسانده است. در دانشگاه پیزا پروفسور الیو پرواسی (Elio Provasi) از شاگردان پروفسور نیولی و متخصص زبان اوستا و پهلوی، زبان شناسی ایرانی را تدریس می کند.

در مجموع، هم اکنون در ایتالیا چهار کرسی زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و این واقعیت است که سابقه نداشته و همانند آن در اروپا وجود ندارد.

در سال ۱۹۸۳ پیش ایسمئو در رم، جامعه اروپائی ایران شناسی تشکیل شد و به همین مناسبت سمیناری نیز در مورد تاریخ مطالعات ایران شناسی در اروپا در زمینه ها و بخشهای مختلف برگزار شد. در سپتامبر ۱۹۸۷ در تورن اولین کنگره اروپائی مطالعات ایران شناسی^۷، توسط همین جامعه برگزار گردید که برخی از دانشمندان ایرانی نیز در آن شرکت کردند و یکی از آنها استاد ارجمند باستانی پاریزی است. جهت اطلاعات بیشتر و با جزئیات، در مورد مباحث فوق الذکر به آثار این جانب که در ذیل می آید،

- *Bibliografia italiana dell'Iran (1462-1982)*, Istituto Universitario Orientale, Seminario di Studi Asiatici ("Series Minor" XVIII), Napoli, 1982, 2 volumes, pp. 947.
- "Italian Scholarship on Iran (An Outline, 1557-1987)". in: *Iranian Studies*, vol. XX, 1987, pp. 99-130.

[مأخذ: آینده، س ۱۷ (مرداد- آبان ۱۳۷۰)، ش ۸-۵: ۴۷۶-۴۹۷]



وضعیت ایران‌شناسی در ایتالیا

(سه گزارش)

I

ره‌آورد تحقیقات ایرانی از ایتالیا

از زمان دولت روم تا روزگار ما همواره کتابهای بسیاری به قلم بازرگانان، سیاحان، خاورشناسان ایتالیایی در زمینه فرهنگ و تاریخ ایران انتشار یافته است؛ اما در سالهای اخیر خاورشناسان ایتالیا نگرشی دامنه‌دارتر و عالمانه‌تر داشته و آثاری مهمتر عرضه کرده‌اند.

ایران‌شناسان نامور ایتالیایی که اکنون در خاک خفته‌اند چون: رُسی (Rossi)، لوی دولاویدا (Leui de la Vide)، مسینا (Messina)، پیزی (Pizze) از معارف مستشرقان و از معروفان ادب فارسی و دوستداران فرهنگ ایرانی در کشور خود بودند. سنتی را طرح افکندند که بائوزانی (Bausani)، اسکارچیا (Scarcia)، توچی (Tucci)، بُماجی (Bombaci)، اسچراتو (Scerrato)، چرولی (Cerulli)، فلیپانی رونکونی (Ronconi)، گنولی (Gnoli)، پالیارو (Pagliaro) و جمعی دیگر ادامه دهنده آن، در عصری شده‌اند که ایران‌شناسی در چهارگوشه جهان مورد توجه و پژوهش علمی است و نیک دقیق شده‌اند که در این میدان باید در صف مقدم قرار داشت و صاحب تصرف و موجد کارهای ابتکاری بود.

پس در زمینه فرهنگی ایران تاریخی، به بیرون آوردن ویرانه‌های باستانی از زیر خاک پرداخته و توانسته‌اند که هر چند یکبار تمدن مجهول و اثر بدیعی را به جامعه علمی معرفی و نتایج تحقیقات و تجسسات خود را در نشریات و کتب مختلف نشر کنند. در دانشگاه‌ها جوانان را به فراگرفتن زبان فارسی و مطالعه در تاریخ تمدن ایرانی ترغیب کنند. در مؤسسات تحقیقی، علمای آنان به نوشتن و انتشار کتاب عالمانه اشتغال دارند. چند مجله مهم شرق‌شناسی را اداره می‌کنند¹ که مقالات ارزنده و شایسته مطالعه در آنها درج می‌شود.

سرزمین ایران شرقی و شهرهای افغانستان امروز، مخصوصاً خاک سیستان و بیابان فراه و زمین داور که ریگ روان بی‌امان ورود طغیانگر هیرمند و هجوم لشکریان تیمور شهرهای قدیم آنجا را مدفون و مخروب و متروک ساخته است بیش از مناطق دیگر مورد بررسی و نگرش ایران‌شناسان ایتالیایی واقع شده است. فراموش نکرده‌ایم که چند سال پیش گزارش مفید و مفصلی که دسته‌ای از ایتالیانیها (ایتال کنسولت) از سیستان و بلوچستان تدوین کرده بودند به صورت زیبایی انتشار یافت و کتاب‌شناسی مفیدی همراه داشت و اثری پایدار و ماندگار شد.

¹ *Oriente Moderno; Rivista degli Studi Orientali; East and West; Annali.*

در سرزمین شرقی ایران، ایتالیاییها خاک سیستان را جای جای پس کرده و آثار باستانی چشمگیر و بااهمیتی چون بقایای شهرکی در «دره غلامان» و تمدنی کهنه مربوط به دوران ماقبل تاریخ در تپه‌های موسوم به «شهر سوخته» که نزدیک زابل است از ضبط خاک و قید فراموشی به در آورده‌اند. طبیعی است که با چنین حفاریها تاریخ مفصل و واقعی سیستان از گذشته‌های دور تدوین و تألیف خواهد شد.

[جوسپه توچی / Giuseppe Tucci]

مردی که امروز سرسلسله این خدمات است پیری است دانشمند و پرکار، گرمرو و تندکار به نام «توچی»، که از ایران تا بتب منطقه کار و تخصص علمی اوست. شاگردان و همکارانش هم از این خصایل نیک برخوردارند. توچی، گردآورنده مؤسسه‌ای به نام «مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و دور»^۲ است. شعبه‌ای از آن مخصوص تحقیق و حفاری در آسیاست و آثار متعددی که همه تحقیقی و علمی است در گنجینه‌ها و سلسله‌هایی چون «گزارشها و یادداشتها»^۳ و «گنجینه شرقی رم»^۴ نشر کرده است.

[مری بویس / Mary Boyce]

نامه تنسر که متن فارسی آن را استاد مجتبی مینوی منقح ساخته و سالها قبل در تهران نشر کرده بود، مری بویس استاد دانشگاه لندن و متخصص در زبان پهلوی با سنجش و دقت، طبعاً با توجه به متن مصحح مینوی و ملاحظه چاپ دارمستتر آن را به انگلیسی در آورده و از راهنمایی و همکاری مینوی و هنینگ برخوردار داشته، از آثار مفیدی است که در «مجموعه شرقی رم» نشر شده است.^۵ مؤسسه مورد ذکر نشان داده است که هر کار با ارزش و مفید را به چاپ می‌رساند، خواه پردازنده اثر از هموطنانشان باشد و خواه نباشد. اتفاقاً کتابی هم که درباره تاریخ سیستان از عصر هجوم عرب تا سقوط صفاریان در این ایام توسط آنها انتشار یافته است، به قلم دانشمند متبحر انگلیسی است که در همین یادداشت به معرفی آن خواهیم پرداخت. باری، سخن از نامه تنسر بود که یکی از قطعات مهم تاریخی در زبان فارسی است. اما به قول مری بویس به برفی می‌ماند که در تابش گرمای تابستان اسلامی آب شده است!

بویس متن نامه کهن را با مقدمه فاضلانه‌ای گویا ساخته و حواشی و یادداشتهایی بر کلمات و تعبیرات گنگ و قدیمی آن نوشته است. باید امید ورزید که فاضلی چون دکتر احمد تفضلی، نوشته‌های بویس بر نامه تنسر را برای مطالعه‌کنندگان متن فارسی برگرداند تا فیض عام‌تری از آن حاصل آید.^۶

² Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente.

³ Reports and Memoirs. ⁴ Serie Orientale Roma.

⁵ *The Letter of Tansar*, Translated by M. Boyce. Roma, 1969. 78 pp. (S. O. R., 38).

^۶ اتفاقاً سالی پیش از انتشار ترجمه انگلیسی نامه تنسر ترجمه دانمارکی آن نیز به چاپ رسیده است. برگرداننده متن به زبان دانمارکی پیرخانمی است از شاگردان آرتور کریستن‌سن که اکنون در کتابخانه پادشاهی کپنهاگ متصدی فهرست‌نویسی و نگاهبانی کتابهای فارسی است. این ترجمه هم بر اساس متن مجتبی مینوی فراهم شده است.

ترجمه نامه تنسر نخستین کتاب است از مجموعه‌ای به نام «متون ادبی و تاریخی ایران»^۷ که بنگاه ترجمه و نشر کتاب مبتکر و بانی ترجمه و نشر آنها شده است و با کمک یونسکو به توسط مؤسسات و دانشگاهها و ناشران مختلف انتشار می‌یابد. دوست عزیز ما دکتر احسان یارشاطر عاشقانه در ایجاد این مجموعه کوشیده است.^۸

در همین برنامه ترجمه متثور ایتالیائی از هفت پیکر توسط الساندرو بائوزانی ایرانشناس نامی ایتالیا فراهم شد و به صورتی زیبا در چاپ رسید و در دسترس خوانندگان آثار ادبی بزرگ جهان به زبان ایتالیائی قرار گرفت. بائوزانی یادداشتهای کوتاهی در فهم مشکلات ادبی و اعلام تاریخی و کلمات فارسی که قابل ترجمه نبوده (مانند پالوده، دوالپا، دوغ، قاب قوسین) در انتهای متن الحاق کرده است.^۹

[پیو فیلیپانی رونکونی / Pio Filippini Ronconi]

یکی از محققان کارآمد کنونی ایتالیا فیلیپانی رونکونی است که به سنی حدود پنجاه رسیده است. قریب پانزده سال پیش مدتی در تهران بود. از همان گاه با سختی و پرکاری آشنایی داشت. تجدید خاطره‌ای خواهد بود یادآوری آنکه با او و دوستان عزیز (منوچهر ستوده و عباس زریاب خوئی) در یکی از روزهای آذرماه آن سال که به گردش کوهستانهای ولیان (در راه قزوین) رفته بودیم قسمتی از شبی بسیار سرد را در قهوه‌خانه میان راه و قسمتی دیگر را برفراز کامیونی پرازگاه گذراندیم و زنده ایم. امروز، فیلیپانی رونکونی اسلام‌شناس سرشناس است. بیشتر در زمینه فلسفه و کلام اسلامی کار می‌کند. تازه‌ترین اثرش ترجمه ام‌الکتاب از متون مهم اسماعیلی است که با توضیحات و یادداشتهای مفید و مقدمه و به چاپ زیبایی نشر شده است. مترجم حق‌شناس، این ترجمه را به ولادیمیر ایوانف از کارشناسان متون اسماعیلی و هنری کربین از واقفان رموز فلسفه اسلامی و کلام اسماعیلی تقدیم داشته و طبعاً کاری بجا و شایسته کرده است.

شاید خوانندگان تعجب کنند، چرا چنین کتابی که مراجعه‌کننده کم خواهد داشت و خواننده متفئن هیچ نخواهد داشت به زبانی چون ایتالیائی ترجمه و به صورتی خوش طرح و برکاغذی خوب و با چاپی ممتاز نشر می‌شود. سبب آن است که محققان اروپا و امریکا به متون قدیم محتاجند و در دست قرارگرفتن آن متون به یکی از زبانهای مهم امروزی موجب رفع احتیاج آنها می‌شود. قطعی است که از این پس در ارجاعات علمی به این ترجمه اشاره خواهد شد و زحمات مترجم مشکور خواهد ماند. گفتم که افغانستان از حوزه‌های فعالیت ایرانشناسان ایتالیائی است. از جمله کارهای باارزشی که به دست آنها به انجام رسیده پالودن خاک قرون از ویرانه‌های قصور غزنویان در شهر غزنین و بررسی کردن آثار به جا مانده‌ای است که هر سنگ و هر خط و هر کاشی آن بازگوکننده تمدنی است که فردوسی و فرخی و عنصری شاعران بزرگ و مادحان به نام آن سلطنت بوده‌اند. وقتی کتاب بمباجی را درباره کتیبه‌های شعر

⁷ *Literary and Historical Texts from Iran.*

^۸ ترجمه ملخص شاهنامه، تذکره الاولیای عطار، چهار مقاله از این زمره است.

⁹ *Leette principesse, a cura di Alessandro Bausani. Roma, 1967. 265p*

فارسی به خط کوفی در کاخ سلطنتی سلطان مسعود سوم در غزنه^{۱۰} تورق می‌کنیم شعر بلند فردوسی:

بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب

در خاطرمان خواهد گذشت. البته افسوس می‌خوریم که چرا چنان قصر باشکوه و ظریف و پرهنری ویران شده است.

[جان‌روبرتو اسکارچیا / Gianroberto Scarcia]

یکی دیگر از دانشمندان ایتالیایی که در افغانستان سفر و تحقیق کرده، اسکارچیا است. زبان فارسی را بسیار خوب تکلم می‌کند و مدرس قابل‌ی برای زبان ما در رم و ونیز است.

فارسی را در ایتالیا خوانده و در تهران تمرین و تکمیل کرد. جوان است و مهربان. همسری دارد که او هم ایران‌شناس است و در ادبیات معاصر تحقیق می‌کند. اگر درست یادم باشد این زن مقاله‌ای درباره نادر نادرپور نوشت و مقداری از شعرهای ناب او را به زبان ایتالیایی انتشار داد.

کتاب تازه‌ای که اسکارچیا بر مشتاقان ادب حماسی و عامیانه فارسی عرضه کرد متن و ترجمه ایتالیایی صفت‌نامه درویش محمدخان غازی است که با تصحیحات و توضیحات لغوی در رم نشر شده.^{۱۱}

کتاب صفت‌نامه، شرح حماسی جنگ با کفار «دره لمغان» را در بر دارد. در سنه ۹۳۰ هجری به قلم آمده و از حیث اشمال بر مطالب تاریخی و لغات محلی متنی سودمند است. من باب نمونه این چند سطر از آن نقل می‌شود.

«القصه هر دو در خانه [ای] زور درآمدند و چندان زور کردند و در تلاش بسیار درآمدند و همای لعنتی

توانست که میر جان‌خان را از اسب جدا سازد و در آن تلاش بودند که قاسمه به دست میر جان‌خان و همای

پیچیده شده و هر دو تدارک آن نمی‌توانند کرد که خود را از یکدیگر جدا سازند...».

کتاب پرمغز و با ارزش دیگری که در رم به دستم رسید و دوستم اسکارچیا آن را لطف کرد مجموعه‌ای است از خطابه‌های محققانه و علمی که در مجمعی به نام «کنگره ایران و دنیای یونان - روم»^{۱۲} خوانده شده است. این مجمع به مدت چهار روز در سال ۱۹۶۵ با مراقبت آکادمی ملی لینیچی (Lincei) تشکیل شد. بیست‌ونه دانشمند از کشورهای مختلف در آنجا سخنرانی ایراد کردند. همه عالمانه است. نامورانی چون امیل بنونیست، دوشن گیلمن، الساندرو بائوزانی، شلومبرژه، ویدنگرین، اسپراتو، پالیارو در آن محفل مباحث تازه‌ای را طرح کرده‌اند.

تردید نیست که برگزاری این نوع مجالس علمی که موضوع محدود و معینی در آنجا مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد فواید و دقایق تازه در بر دارد. نمونه براننده آن همین مجموعه است که باید بعضی از مقالات آن را به فارسی برگرداند و در دسترس پژوهندگان تاریخ قدیم ایران گذارد.

10 Alessio Bombaci. *The Kufic Inscription in Persian Verses in the Court of the Royal Palace of Masud III at Ghazni*. Roma, 1966.

11 *Sifet-nama-yi Darvis Mubamemat Han-i Gazi*, edito da Gianroberto Scarcia. Roma, 1965.

^{۱۲} نام این مجموعه بدین شرح است:

La Persia e il mondo Greco-Romano. Roma, 1966. (Accademia Nazionale dei Lincei. Quaderno N.7).

[Clifford Edmund Bosworsh / کلیفورد ادموند بوسورث]

مؤسسه علمی Is. M.E.O.، چنانکه گفتیم سلسله انتشاراتی دارد به نام «گزارشها و یادداشتها» (Reports and Memories) که تا کنون یازده مجلد آن را دیده‌ام. یازدهمی کتابی است تألیف دوست دانشمند ک. ادموند بوسورث انگلیسی، استاد تاریخ و ادب اسلامی در دانشگاه منچستر و متخصص در تاریخ فتوح اسلامی و مخصوصاً عصر غزنوی و سلجوقی. کتاب غزنویان او حکایتی است از دقت و عمق علمی مؤلف.

بوسورث انگلیسی است. اما چون تاریخ قدیم سیستان را نیک در مطالعه گرفته است انجمن Is. M.E.O. اثر او را که «سیستان در حکومت اعراب از فتح اسلام تا سقوط صفاریان»^{۱۳} نام دارد و مبتنی بر اهم مآخذ است، به چاپ رسانیده است.

این کتاب بارزش در پنج فصل است: سیستان پیش از ورود اسلام، فتح سیستان توسط اعراب، سیستان در حکومت امویان، سیستان در ایام عباسیان، صفاریان و سقوط یعقوب لیث. بوسورث در پیشگفتار خود می‌گوید اخبار سرزمین سیستان زنده‌شده تاریخ سیستان مجهول المؤلف است و طبعاً بدون آن تألیف رساله من ممکن نبود. اما افسوس می‌خورد که کتاب احیاء الملوک شاه حسین سیستانی تصحیح منوچهر ستوده موقعی به دستش رسیده است که چاپ کتابش پایان یافته بوده است. این نکته نشانی است از مراقبت و بیداری عالم حقیقی که همواره مترصد شناختن و خواندن آخرین کتب و مطالعات است.

همین روزها که یادداشتهای این مقاله را به قلم تحریر درآوردم، آقای کاروزو مستشار فرهنگی ایتالیا مجلد ششم «گزارشها و یادداشتها» را که زاندر (G. Zander) تدوین و منظم ساخته و «تعمیرات آثار تاریخی در ایران»^{۱۴} بدان نام داده است به دستم رسانید. مجموعه‌ای است بسیار عالی و همتراز با کارهای چاپی هرتسفلد، پوپ، گدار، گیرشمن، که درباره آثار تاریخی ایران انتشار داده‌اند. در این مجموعه کارهایی که در تخت جمشید و اصفهان (عالیقاپو و چهل ستون) توسط متخصصان ایتالیایی به انجام رسیده با عکسهای بسیار خوب و نقشه‌های دقیق توضیح شده. همه مقالات آن به زبان فرانسه است.

در انتهای این مجموعه چند گزارش هم درباره عمارت هشت بهشت، مسجد شیخ لطف‌الله، پلهای الله‌وری خان و خواجه، مسجدهای جامع نطنز و زواره درج شده است.

مؤسسه Is. M.E.O. مجله‌ای عالی و علمی به نام «شرق و غرب» به انگلیسی انتشار می‌دهد. در اغلب مجلدات آن مقالاتی درباره ایران درج شده است. در شماره دوم جلد هجدهم آن که امسال (۱۹۶۸) انتشار یافت نیز چند مقاله دیدم که معرفی آنها را حسن ختام این سطور می‌دانم.

13 *Sistan under the Arabs...* Roma, 1968.

14 *Travaux de Restauration de Monuments Historiques en Iran.* Roma, 1968. 491 p.

یکی، گزارشی است مشروح از حفریات باستانشناسان ایتالیائی در تپه‌های موسوم به «شهر سوخته» نزدیک زابل و برکنار جاده زاهدان و زابل. این گزارش نوشته توسی (M. Tosi) است. عکس‌های آن مرا با یاد دو سفری شاد کرد که نخست با مرحوم پورداد و بار دوم پا به پای منوچهر ستوده بر سر آن تلها، اطلال و یادگارهای پیش از تاریخی اقوامی را دیدم که در سیستان روزگاران خوش و سعادت‌مندی می‌گذرانده‌اند؛ اما اکنون جز سفالهای شکسته نشان دیگری از آن قوم و تمدن نیست. مگر آنکه هیأت ایتالیائی از زیر خاکهای دیرینه مردگان و خاکسترهای گذشته درگذشتگان، آثار دیگری را به درآوردند و تاریخ را با تازه‌های خود دیگرگون سازند.

مقاله دیگر بحثی است به قلم تیلیا (A. B. Tilia) درباره روش کار و تعمیر سنگها و حجاریهای دوران هخامنشی. مخصوصاً با عکسهای روشن که از شیوه کار خود چاپ کرده‌اند، بیننده ترتیب و صالی سنگهای فرسوده و شکسته را درک می‌کند و نمونه دقت و ممارست ناشی از علم و فن جدید را می‌بیند و لذت می‌برد.

سومین مقاله نوشته همان تیلیا و محتوی اطلاعات تازه‌ای است درباره دیواری جدید که در قسمت شرقی تخت جمشید کشف کرده‌اند...

ایرانشناسان دانشمند ایتالیائی در این سالهای اخیر کارهای بسیار باارح در شناخت فرهنگ و تمدن ما به ثمر رسانیده‌اند... ولی من نتوانستم در این مقاله همه را معرفی کنم و چنانکه باید کوششهای قابل تقدیر آنان را بنمایانم... این سطور ره‌آوردی است مختصر از ایام کوتاه دو توقف در رم. شادم که از محبت و لطف همکاران آن کشور اندوخته‌ها یافته‌ام.

[مأخذ: راهنمای کتاب. س ۱۱ (اسفند ۱۳۴۷)، ش ۱۰ - ۱۱: ۵۷۳ - ۵۸۰؛

این نوشته با مختصر تغییری در مجموعه مقالات بیاض سفر (۱۳۵۴) منتشر شده است.]



II

رُمیات^۱

(گزارش دومین کنگره جهانی ایرانشناسان در رم)

(فروردین ۱۳۴۹ / آوریل ۱۹۷۰)

از دهم تا نوزدهم فروردین ۱۳۴۹ در راه رم و شهر بسیار زیبا و تاریخنمای رم گذشت، اگرچه خوابگاه مان هتل میکِل آنجلو در حوزه واتیکان بود.

در رفتن و برگشتن با عباس زریاب خوئی و مهندس فروغی و همسرش بودم. در رم به سید حسین نصر و بهرام فره‌وشی از یاران دانشگاهی و شجاع‌الدین شفا، مجید یکتائی، رکن‌الدین همایونفرخ، محمود کورس، عباس مزدا و دکتر نیری (طیبی صاحب مجموعه مهرهای پیش از اسلام) ملحق شدیم. آنها پیش از ما رفته بودند. احسان یارشاطر، فریدون وهمن از امریکا و دانمارک آمده بودند. یحیی ماهیار نوابی هم که برای شرکت در کنگره نامهای جغرافیائی به امریکا رفته بود خود را به کنگره ایرانشناسی رم رسانیده بود. همه آمده بودند که در دومین کنگره جهانی ایرانشناسان شرکت کنند.

شرکت‌کنندگان غیر ایرانی عبارت بودند از:

- آنتونیو پالیارو، استاد زبانها و فرهنگ ایران پیش‌اسلامی در رم؛
- هانری کربن، فلسفه‌شناس و استاد نامور فرانسوی؛
- رائول مانسلی، محقق درباره فرهنگ قدیم از ایتالیا؛
- ماریو گریانچی ایتالیائی مقیم فرانسه که درباره عصر ساسانی تحقیق می‌کند؛
- اوگو بیانکی ایتالیائی؛
- آرمان آبل، عرب‌شناس بلژیکی؛
- کلود کاهن فرانسوی، استاد دانشگاه استراسبورگ و تاریخ‌شناس دوره اسلامی؛
- فرانچسکو گابریلی ایتالیائی، استاد عرب‌شناسی در رم؛
- ریچارد نلسون فرای (یا به قول خودش فرای شیرازی ایراندوست)، استاد ایرانشناسی دانشگاه هاروارد امریکا و رئیس مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی شیراز؛
- گنولی ایتالیائی، استاد جوان زبان‌ها و فرهنگ پیش‌اسلامی در ناپل؛

^۱ مجموعه خطابه‌هایی که در آن کنگره (La Persia e il mondo Greco-Romano) ایراد شده در کتابی بزرگ توسط آکادمی ملی لینیچی در سال ۱۹۶۶ انتشار یافت.

- آسموسن دانمارکی، استاد ایرانشناسی و متخصص ادبیات عربی و استاد دانشگاه استراسبورگ؛
 - زایا چکوفسکی، استاد معمر ترک‌شناس لهستانی؛
 - جان بویل، استاد تاریخ دوره اسلامی دانشگاه منچستر؛
 - فون گرونهام، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه لس آنجلس و مستشرق متنفذ امریکائی؛
 - جوسپه توچی، استاد معمر و بسیار فعال باستانشناسی و هنر آسیا و مدیر‌کاردان مؤسسه Is. M.E.O. (ایزمتو)؛
 - یانوس هارماتا، استاد مجارستانی زبانهای قدیم ایرانی؛
 - ژاک دووین گیمین، استاد زبانها و ادیان پیش‌اسلامی ایران در دانشگاه لیژ بلژیک؛
 - خانم لمبتن، استاد تاریخ ایران و زبان فارسی در مدرسه شرقشناسی دانشگاه لندن؛
 - کارل یان، استاد ایرانشناسی دانشگاه لیدن و محقق واله رشیدالدین فضل‌الله طیب؛
 - ویلهلم ایلرس، استاد مشهور زبانهای ایرانی در دانشگاه وورتسبورگ آلمان؛
 - مارگریت هارماتا (همسر هارماتا) که خود ایرانشناس و متخصص فرهنگ پیش‌اسلامی ایران است؛
 - والتر هینتز، استاد متبحر آلمانی، در ایرانشناسی به طور اعم و مخصوصاً تاریخ و تمدن دوره هخامنشی؛
 - خانم هارپر، متخصص تاریخ هنر و موزه‌دار امریکائی؛
 - فیلیپ ژینیو، استاد دانشمند و محقق جوان فرانسوی در زبان پهلوی و فرهنگ باستانی ایران؛
 - فریتز مایر، مدیر شعبه شرقشناسی دانشگاه بال سوئیس و عرفان‌شناس شایسته و مشهور؛
 - برنارد لوئیس، تاریخ‌شناس متبحر ممالک اسلامی و استاد دانشگاه لندن؛
 - برتولد اشپولر، دانشمند و استاد اسلام‌شناسی دانشگاه هامبورگ و مؤلف کتابهای مشهور «مغولها در ایران» و «ایران در قرون نخستین اسلامی» و مدیر مجله *Der Islam* و پردازنده آثار بسیار دیگر.
 - کار راتلی ایتالیائی، محقق در تاریخ پیش‌اسلامی ایران؛
 - اسکارچیا، جوان دانشمند و ایراندوست که اکنون در دانشگاه ونیز استاد ایرانشناسی است و آثار متعددی از او درباره ایران انتشار یافته است؛
 - ویدنگرین، استاد مشهور ادیان ایرانی پیش‌اسلامی در دانشگاه اوپسالا ...
- تاکنون در شهر رم دو کنگره علمی درباره ایران تشکیل شده است: یکبار در سال ۱۹۶۵ با نام «ایران و دنیای یونانی – رومی»^۱، و بار دوم در فروردین ۱۳۴۹ (آوریل ۱۹۷۰) با عنوان «ایران در قرون وسطی» (La Persia nel Medioevo). در حقیقت کنگره دومی، دنباله همان کنگره نخستین است. آکادمی ملی لینیچی که تشکیل‌دهنده کنگره است خواسته است که مطالعات ایرانی را در زمینه تاریخ ترقی دهد.
- تشکیل کنگره اخیر در رم به حساب دیگری، دومین کنگره جهانی ایرانشناسان شناخته شد، زیرا پس از انعقاد کنگره اول در تهران (شهریور ۱۳۴۵)، ایتالیاییها درخواه شده بودند که دومین کنگره در ایتالیا برپا شود. پس به یک تیر دو نشان زده شد. هم دنباله کار کنگره اول آکادمی ملی لینیچی گرفته شد و هم آنکه دومین کنگره جهانی ایرانشناسی سر وقت مقرر تشکیل گردید و از این پس اگر کنگره‌ای جهانی برای ایرانشناسی منعقد شود سومین آن است ...

شرکت‌کنندگان در کنگره دو دسته بودند: گروهی به دعوت رسمی آکادمی ملی لینیچی، یعنی به خرج ایتالیاییها شرکت کردند و تعداد آنها (به انضمام خود ایتالیاییهای شرکت‌کننده) سی و پنج نفر بود. همه از شرقشناسان برجسته و متمیز بودند، اگرچه رشته خاص همه آنها ایرانشناسی نبود. در میانشان ترک‌شناس بود، عرب‌شناس بود، اسلام‌شناس بود...

در این کنگره جای بسیاری از ایرانشناسان بزرگ خالی بود. یک دسته آنها که پس از کنگره اول جان به جان آفرین سپرده‌اند. نام جمعی را شجاع‌الدین شفا در جلسه آخری برخواند و به احترام آنها یک دقیقه سکوت شد. من هم در اینجا نام آن عده را که به یاد دارم به پاس خدمات بسیاری که کرده‌اند می‌آورم و برای جملگی طلب غفران دارم: سید حسن تقی‌زاده، ابراهیم پورداود، سعید نفیسی، سید فخرالدین شادمان، لطفعلی صورتگر، مهدی بیانی، والتر هنینگ، یان رییکا، ولادیمیر مینورسکی، آندره گدار، آرتور پوپ، هانری ماسه، آربری، اولاف هانس، دیاکونوف، محمد اسحق، نظام‌الدین، کای بار...
دسته دیگر کسانی بودند که دعوت نشده بودند. البته از دولت ایتالیا که دعوت‌کننده بود نمی‌توان توقع داشت که عده کثیری را دعوت کرده باشد؛ ولی معلوم نیست چرا دانشمندی چون فیلیپینی رونکونی ایتالیایی را که در رم مقیم است بدین مجمع نخوانده بودند؟ چرا بیه‌مونتسه، ایرانشناس جوان ایتالیا را دعوت نکرده بودند؟ البته، صلاح مملکت خویش رومیان دانند!

از دانشگاه تهران سید حسین نصر و عباس زریاب خوئی و بهرام فره‌وشی مقاله خواندند. آثارشان مورد توجه واقع شد. در باب مقاله نصر دانشمندی نامدار چون هنری کربین برپا خاست و اظهار نظر کرد. درباره خطابه زریاب که نکته‌ای دقیق در باب عقاید دینی ایلخانان بود کارل یان و بویل که هر دو متخصص تاریخ دوره مغولند به من گفتند که دوست خوب از عهده برآمد. مطلبی دقیق و تازه مطرح کرد. فره‌وشی در خصوص علت سقوط سلسله ساسانی بحث کرد. حتماً نخستین بار بود که مستشرقان در یک مجمع بین‌المللی عقاید ایرانی محقق را در باب شکست ایرانیان می‌شنیدند.
دوست عزیزم احسان یارشاطر که اکنون سمت ریاست مؤسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه کلمبیا (نیویورک) را بر عهده دارد، ایرانی دیگری بود که خطابه‌ای دقیق خواند.

کنگره پنج روز مدت گرفت و با ناهاری که فرهنگستان لینیچی در کنار دریای مدیترانه به مدعوین داد به سر رسید و هریک به گوشه‌ای فرا رفتند و دانشی مرد پیر لهستانی به نام زایانچکوسکی که در ترک‌شناسی استاد بود از کنگره به سرای باقی شتافت. او در این سال اخیر بدون اینکه مطلع باشد که متن آداب الحرب و الشجاعة فخر مدبر در طهران به توسط آقای احمد سهیلی خوانساری طبع شده است، طبعی عکسی از آن کتاب منتشر کرده بود و در همان باب هم در کنگره صحبت کرد. هیچ خیال نمی‌کرد که پیش از او دیگری همین کار را کرده است و خود در رم جان به جان آفرین خواهد سپرد. این عمر به سر می‌رسد چه در ورشو چه در رم!

از فوائد کنگره‌ها مبادله اطلاعات علمی میان اعضای کنگره و توزیع مقالات چاپ شده است که به یکدیگر می‌دهند و از این راه در جریان کارهای تازه قرار می‌گیرند. مثلاً من نمی‌دانستم که درباره تاریخ اولجایتو یکی از شاگردان هینتز در گوتینگن کار کرده است و طبعاً ممکن است بسیاری از مشکلات موجود در چاپ کتاب مهین حاجیان‌پور (بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸) مورد رسیدگی قرار گرفته باشد و حل شده باشد. یا اینکه اسکارچیا و پیه‌مونتسه به من اطلاع دادند که متن سفرنامه میشل ممبره ونیزی (M. Membre) را که در ۱۵۴۲ (در عصر شاه طهماسب) در ایران بوده است پیدا کرده‌اند و به چاپ رسانیده‌اند و عن‌قریب انتشار خواهد یافت. اوراق مطبوعه‌ای آن را هم دیدم. کتاب زبان ایتالیائی عصری است و البته مهجور. توضیحات و مقدمه چاپ‌کننده کمک به فهم آن می‌کند. طبعاً برای سلطنت شاه طهماسب که مدارک ما بسیار نیست این سند بسیار ارزشمند است و باید به زبان فارسی هم نقل شود. یا اینکه از زبان پیه‌مونتسه شنیدم که مقداری عکس که در سال ۱۸۶۲ از تبریز و تهران و مناظر دیگر ایران توسط سیاحی ایتالیائی برداشته شده به دست آمده است. او قصد دارد آنها را به چاپ برساند. بدون شک این عکسها بارزش خواهد بود. یا اینکه از کارل یان شنیدم که سه شماره از مجله *Central Asiatic* را به یادنامه رشیدالدین فضل‌الله طیب اختصاص داده‌اند و چندین مقاله درجه‌اول در آن درج خواهد شد و بزودی انتشار می‌یابد. چون از دهان من برآمد که ما هم توفیق یافته‌ایم که نسخه اصیل و قفنامه رشیدالدین را بخیریم و توسط انجمن آثار ملی به چاپ خواهد رسید، لمحهای در بهت و اعجاب فرورفت. پس درخواه شد که عکس یک صفحه از نسخه را که به خط رشیدالدین است با توضیحی جهت درج در آن مجله ارسال کنم.

[الساندرو بائوزانی/Alessandro Bausani]

از مقاله‌های تازه‌ای که درباره ایران به قلم بائوزانی نشر شده است، این آثار شمردنی است: اصطلاحات دریانوردی در اقیانوس هند بر اساس چند مرجع عربی و فارسی و از جمله مقاله سدیدالسلطنه کبابی که توسط احمد اقتداری در فرهنگ ایران زمین نشر شده است. بائوزانی این مقاله را در مجله مشهور *Annali* (جلد نوزدهم، ۱۹۶۹) چاپ کرده است.

مقاله دیگرش وصفی است از نسخه خطی «فارسی - مالزی» دستور زبان عربی که متعلق به قرن نهم هجری است و در همان مجله و همان جلد چاپ شده است. مقاله دیگرش یادداشتی است درباره منتخبات شعری عرفانی فارسی با ترجمه بین‌السطور به زبان مالزی مورخ ۹۹۰ هجری که باز در *Annali* جلد هجدهم چاپ شده است.

[آنجلو میکله پیه‌مونتسه]

پیه‌مونتسه جوانی است که با همتی بلند و شوقی بسیار به تحقیقات ایرانشناسی پرداخته است و هر روز از زیر قلمش اثری تازه نشر می‌شود. هموست که سفرنامه ممبره را به ترغیب استادش اسکارچیا چاپ می‌کند. از مقالات تازه و مفید او این چندتا را معرفی می‌کنم:

«اسناد و مواد درباره سرگذشتنامه میرزا ملکم خان» و آن عبارت است از تحقیقی در احوال او به انضمام متن چند گزارش که در بایگانی وزارت امور خارجه ایتالیا بدست آمده و ترجمه‌ای از نوشته‌های خان ملک ساسانی و آثار دیگر. این مقاله در *Annali* جلد نوزدهم (۱۹۶۹) چاپ شده است. مقاله دیگرش توصیفی است از وضع تعزیه‌داری در عصر ناصرالدین شاه بر اساس نوشته عبدالله مستوفی از کتاب *خاطرات من*.

مقاله دیگرش «رابطه میان ایتالیا و ایران در قرن نوزدهم میان سالهای ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۲» عنوان دارد و مرتبط است به دوران سفارت فرخ‌خان امین‌الدوله و حسنعلی‌خان امیرنظام. در این مقاله متن فارسی قرارداد تجاری سال ۱۸۶۲ نیز چاپ شده است. این مقاله را در مجله معروف *Oriente Moderno* (در سال ۱۹۶۸) چاپ کرده است.

مقاله دیگرش که به زبان انگلیسی است و در مجله *East and West* سال نوزدهم چاپ گردیده است «مأخذی ایتالیائی درباره تاریخ قاجار: گزارش ژنرال انریکو آندره‌ینی» نام دارد. ژنرال A. Anderini که در سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۶ در مأموریت ایران بود گزارشی به ایتالیا فرستاده که در این مقاله مورد معرفی و تفسیر قرار گرفته و ملخصی از چندتای آنها به چاپ رسیده است و ما را بر یک مأخذ جدید آگاه می‌سازد. آندره‌ینی در این گزارشها اطلاعات مفیدی را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی مضبوط کرده است.

از فعالیتهای مؤثری که در محاذات تشکیل کنگره در ایتالیا مشهود گردید، اعلام تأسیس «اتحادیه ایرانیانسان ایتالیا» است. اعضای آن عبارتند از:

- چرولی (E. Cerulli)، نایب رئیس فرهنگستان لنینچی و سفیر سابق ایتالیا در ایران که از مستشرقان مشهور آن کشور است.
- پالیارو (A. Pagliaro)، استاد ایرانشناسی دانشگاه رم.
- ف. گابریلی (F. Gabrieli)، استاد عرب‌شناسی دانشگاه رم.
- ا. بائوزانی (A. Bausani)، استاد زبان و ادبیات فارسی مؤسسه شرقشناسی ناپل.
- بمباچی (A. Bombaci)، استاد ترک‌شناسی دانشگاه رم.
- گنولی (Ch. Gnoli)، استاد ایرانشناسی در ناپل.
- اسکارچیا (G. Scarcia)، استاد ادبیات فارسی و اسلامیات دانشگاه ونیز.
- فیلیپانی رونکونی (A. Filippini Ronconi)، استاد و محقق اسلام‌شناسی مؤسسه شرقشناسی ناپل.
- م. اسچراتو (M. Scerrato)، متخصص و استاد هنر اسلامی و باستانشناسی در مؤسسه شرقشناسی ناپل.
- پیه‌مونتسه (A. Piemontese)، مدرس و محقق ادبیات فارسی در دانشگاه رم.
- خانم اسکارچیا (B. Scarcia)، محقق تاریخ دوره اسلامی...

[مأخذ: راهنمای کتاب، س ۲۳ (اردیبهشت ۱۳۴۹)، ش ۲: ۹۹-۱۰۳]



III

مشرق زمین و معنای تاریخ

(دانشگاه رم، آذر ۱۳۷۱)

بخش شرقشناسی دانشگاه رم در نخستین روزهای آذر امسال کنفرانسی بین‌المللی به نام «مشرق زمین و معنای تاریخ» ترتیب داد. مرا هم دعوت کردند که درباره تاریخنگاری زبان فارسی و میان ایرانیان مقاله‌ای بخوانم.

جلسه افتتاحی مجمع علمی کوتاه بود. دانشمندی که از سوی آکادمی لینیچی ریاست داشت چند دقیقه‌ای درباره اعتبار این‌گونه مجامع و اهمیت خاص این همنشینی صحبت کرد و رشته کلام را به دست خانم ب. اسکارچیا آمورتی - که عهده‌دار امور اجرایی این مجمع است - سپرد. ایشان هم درازسخنی نکرد. پنج شش دقیقه پیش سخن نگفت. آنچه در زمینه مناسب تشکیل این اجتماع و طرز تقسیم سخنرانیه‌ها و مناسبات آنها بود.

● در نخستین جلسه علمی که به خاورمیانه کهن اختصاص داشت چهار سخنرانی بود. دو تا به زبان ایتالیایی با عناوین:

- سفر در مشرق یا کشفیات در خاورمیانه برای پژوهشهای تاریخی و مقاصد اقتصادی: M. Liversani (دانشمند ایتالیایی).

- تاریخ و تاریخنگاری اقوام سامی: G. Garbini (دانشمند ایتالیایی).

دو سخنرانی بعدی به زبان انگلیسی بود از دو دانشمند دانمارکی و امریکایی با عناوین:

- تفکرات غربیان و بازتاب شرقی با آن: M. T. Larsen (از دانمارک).

- اثرات کتاب مقدس در تحقیقات خاورشناسی و خاورمیانه کهن. نفوذ تاریخنگاری در مطالعات مربوط به کتاب مقدس: P. Machinist (از دانشگاه هاروارد).

● دومین جلسه دنباله نخست بود. این بار چهار سخنرانی بر خوانده شد:

- باستانشناسی غربی و تاریخ حفاریات باستانشناسی: H. Seeden (خانمی باستانشناس از بیروت).

- مقام مصرشناسی در جریانهای تاریخنگاری خاورمیانه کهن: S. Donadoni (دانشمند ایتالیایی).

- تاریخ و تاریخنگاری در فرهنگ سنتی حبشه: Y. Beyene (دانشمند حبشی استاد دانشگاه ناپل).

- اروپا روبه‌روی مشرق، مخالفت از روزگار ماقبل تاریخ یا استمرار فرهنگ: خانم F. Ippolit و Oni. Strika (از ایتالیا).

- سومین جلسه «فلمرو ایرانی» نام داشت و دو سخنرانی در آن گنجانیده شده بود:
- مسائل تاریخنگاری ارمنیان: N. Garsoian (از نیویورک). این زن فاضل از ارمنه فرانسه است که به امریکا رفته و استاد دانشگاه می‌باشد و به ارمنی، فرانسه، انگلیسی و ترکی متکلم است.
- هویت ایرانی یک مبحث تاریخی: G. Gnoli (ایران‌شناس ایتالیائی).
- چهارمین جلسه «جهان اسلام» نام داشت با دو سخنرانی:
- مطالعات اسلامی: Bianca Maria Scarcia Amoretti (خانم ایران‌شناس استاد دانشگاه رم و همسر ج. اسکارچیا، ایران‌شناس برجسته).
- هنر و باستانشناسی در جهان اسلام: U. Scerrato (دانشمند ایتالیائی).
- پنجمین جلسه باز دنباله «جهان اسلام» بود و خطابه‌های زیر خوانده شد:
- بعضی ملاحظات جدید درباره حضرت محمد (ص) و فجر اسلام: هاشم جمیعت (از تونس).
- تاریخ جهانی، تاریخ محلی، تاریخ ملی: نظریه و روش کنونی درباره تاریخ اسلام: خانم G. Calasso (دانشمند ایتالیائی).
- تحولات تاریخنگاری فارسی با توجه خاص به دوره قاجاریه (ایرج افشار).
- تاریخ اسطوره و دین: وضع آن در ترکیه: ابراهیم اورتالیلی (استاد دانشکده علوم سیاسی آنکارا).
- در ششمین جلسه که مربوط به «شبه قاره هندوستان» بود این گفتارها خوانده شد:
- تاریخ ملی و تواریخ منطقه‌ای: د. روترموند (دانشمندی از هایدلبرگ آلمان).
- نظری به سهم سنت در راه تجددطلبی در دوره استعماری هند: ک. ن. پانیکار (استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو – دهلی).
- رضایت و مقاومت: عکس‌العمل مسلمانان هند شمالی نسبت به نخستین حکام استعماری: مشیرالحسین (استاد دانشگاه جامعه ملیه اسلامیه – دهلی).
- تاریخنگاری و هویت ملی در پاکستان: D. Bredi (دانشمند ایتالیائی).
- دوره و هویت عشیرتی هندوستان: F. Sciolpi (دانشمند ایتالیائی).
- وحدت هند تاریخی و انقلاب ملی: ملاحظه تاریخنگاری: V. Ferretti (دانشمند ایتالیائی).
- هفتمین جلسه درباره «آسیای جنوب شرقی» بود:
- تاریخنگاری، تاریخ ملی و هویت ملی در اندونزی: S. Kartodirdgo (استادی پیرمرد از جاکارتا).
- کنفوسیوس خواهی و هویت ملی در ویتنام: E. Colleti Pischel (دانشمند ایتالیائی).
- هشتمین جلسه «آسیای مرکزی» نام داشت و این گفتارها شنیده شد:
- مغولان به تاریخ خود فکر می‌کنند: I. de Rachewiltz (استاد دانشگاه کبیرا – استرالیا).
- تصور تاریخ در افغانستان: G. Vercellin (دانشگاه ونیز).
- نهمین جلسه ادامه جلسه پیشین بود:
- گذشته باستانشناسی و وضع کنونی آن در آسیای میانه: اعصاب‌الدین اف (دانشگاه ازبک).

– تصور تاریخ در میان بودائیان تبت: E. de Rossi Filibeck (دانشمندی از ایتالیا).
– اسطوره آسیای مرکزی و افسانه‌ها و برخورد با زمانه کنونی: S. Parlato.
● در جلسه دهم شش سخنرانی درباره «چین»؛

و در جلسه یازدهم که بنیاد ژاپون به تشکیل آن کمک کرده بود پنج سخنرانی درباره «ژاپون» ایراد شد. از چین دانشمند جوانی آمده بود به نام Liu Ying Sheng که متخصص تاریخ مغولستان است و کمی فارسی می‌داند. در دانشگاه پکن درس خوانده و اکنون در دانشگاه نانجینگ است. نسل رهایی یافته از انقلاب فرهنگی چین است. می‌گفت قرار شده است که گروهی با همکاری دکتر مظفر بختیار که حالا در پکن است، بخش تاریخ مغول جامع التواریخ را به انگلیسی و چینی ترجمه کنند. نظرش را درباره ترجمه‌های روسی (دو تا) همان بخش پرسیدم. گفت در تشخیص نامهای مغولی اشتباههای زیادی شده است و اسمها غالباً قابل اعتماد نیست. تا کسی مغولی نداند نمی‌تواند آن نامها را به درستی تشخیص بدهد که چه صورتی داشته است.

رئیسان جلسه‌ها همواره از ایتالیاییها بودند ولی ایتالیاییهای معمر، کسانی که از ارکان شرقشناسی ایتالیاند مانند روسی (Rossi) و گابریلی (Gabrielli) و اسکارچیا (Scarcia).

[جان روبرتو اسکارچیا / Gianroberto Scarcia]

جان روبرتو اسکارچیا، چهل و دو سال پیش که برای تحصیل در تهران بود جوان بود و پرتوان و افسوس پس از دوازده سال دوری که او را دیدم عصا به دست دیدم. بیماری «آرتروز» او را عصا به دست کرده است و درد می‌آزاردش. جلسه‌ای که من صحبت می‌کردم ریاست جلسه با او بود. بیخ گوش من گفت هیچ می‌دانی که حالا چهل سال است با هم پیر شده‌ایم!

اسکارچیا استاد تاریخ و ادبیات ایران در دانشگاه ونیز بود و حالا چند سالی است که فقط به تدریس تاریخ مذاهب ایران و تصوف می‌پردازد. نوشته‌های او همه در موضوعهای جذاب و ابتکاری است. متن فارسی «صفت‌نامه درویش محمدخان غازی» را سالها پیش با ترجمه ایتالیایی و تعلیقات مفصل چاپ کرد و شمار دیگر کارهایش که فهرست آنها در کتابشناسی ایران ایتالیایی آمد تا سال ۱۹۸۲ درست صدتاست.

[بیانکاماریا اسکارچیا آمورتی / Biancamaria Scarcia Amoretti]

همسر اسکارچیا، خانم ب. اسکارچیا آمورتی استاد زبان و ادبیات و تاریخ ایران در دانشگاه رم است. برگزارکننده عمده کنفرانس کنونی بود. او که روزگار را با همسر خویش در راه ایرانشناسی به سر آورده هنوز شور جوانی او را به این‌گونه کارهایی که مستلزم دوندگی و پراکندگی است برمی‌انگیزد. هنوز سالی نگذشته است که یادنامه الساندرو باثوزانی به گردآوری و مباشرت او در دو مجلد در سلسله انتشارات دانشگاه رم انتشار یافته است.

این را هم بنویسم که خانم آمورتی در آغاز کار دانشگاهی و پژوهش در زمینه ایرانشناسی گرایش به

ادبیات معاصر داشت و نمونه‌هایی از اشعار نو را به ایتالیایی ترجمه کرده بود، ولی پس از چندی دست از آن رشته کشید و به تتبع در تاریخ و فرهنگ گذشته ایران روی آورد. امروز یکی از برکشیده‌ترین محققان ایتالیایی در رشتهٔ ایران‌شناسی است.

حال که صحبت از یادنامه شد مناسب است مقاله‌هایی از آن را که مرتبط با فرهنگ ایران است به خوانندگان مجله بشناسانم.

مقاله‌ای که در دو جلد یادنامهٔ بائوزانی (۱۹۲۱-۱۹۸۸) چاپ شده در چهار رشته است: اسلام‌شناسی - تاریخ علوم - زبان‌شناسی - ادبیات در هفتاد و چهار مقاله. نام آن را «یادنامه» گذاشته‌اند و لوجیا روستاینو (L. Rostagno)، با خانم اسکارچیا در چاپ کتاب همکاری کرده است. چون بائوزانی به فرهنگ‌های اندونزی و مسلمانان هند و آفریقا دلبستگی داشت، چندین مقاله از آن میان به ادبیات و زبان آن سرزمینها مرتبط است. در این معرفی از مقاله‌هایی نام می‌بریم که با ایران پیوند دارد.

- مقالهٔ اول نوروز در «آزانی» (آفریقا) نام دارد. این مقاله به مناسبت مقاله‌ای است که بائوزانی دربارهٔ نوروز در ایران نوشته بود. کلمهٔ «نوروز» در سومالی و آزانیا به صورتهای «نیروس»، «نوریس»، «نوریش» تلفظ می‌شود. این مقاله نوشتهٔ R. Ajello است.

- حکمیات دو فیلسوف در دو مثنوی اول و آخر نظامی: J. Ch. Bürgel.

- یادداشتی دربارهٔ گلیم: G. Curatola.

- حدود مرزی هندوستان مستعمره انگلیس، سیستان و بلوچستان: V. F. Piacentini.

- تواریخ محلی ایران: K. S. Ann Lambton.

- قصهٔ آدم در ترجمه‌ای فارسی از قرآن: P. Orsatti.

- درویشان بالکان، شادلیها: A. Popovic.

- تاریخ مدنی یهودیان بخارا: J. Bečka.

- زمرد و زبرجد در نوشته‌های ایرانیان: Živa Vesel.

- فرضی دربارهٔ نقوش ظروف سغدی و ساسانی (بر اساس قبلی): F. Gernet.

- مشکلی در واژه‌شناسی ایرانی (پرده - پرتک): G. Bolognesi.

- گفتار مادر: W. Eilers.

- بهرام گور در روایات عبدالله هاتفی در منظومهٔ هفت منظر: M. Bernardini.

- پیل، ژنده‌پیل، پیل گردنکش، پیل مست، پیل دژم در شاهنامه: A. Destrée.

- دربارهٔ یک شعر رودکی: بوی جوی مولیان...: J. Giunashvili.

- چگونه رباعی را باید ترجمه کرد؟: G. Lazard.

- ترجمهٔ چند شعر فارسی: B. Lewis.

- حساس بودن ترجمهٔ یک شعر حافظ: R. Zipoli.

[ریکاردو زیپولی / Riccardo Zipoli]

سالها پیش که زیپولی از دانشجویی به تدریس در دانشگاه ونیز رسیده بود هیچ در اندیشه‌ام نمی‌گنجید که چنین زود به مدارج عالی علمی برسد. امروز از ایرانشناسان شاخص در رشته ادبیات است. طرحهای وسیعی را با وسایل کمپیوتری برای شناخت کلمات مورد استعمال شعرای قدیم و عصر صفوی پی‌ریزی کرده است که تا کنون نتیجه ده تا از آنها به چاپ رسیده است و به تدریج که به دستم رسیده است در مجله آینده معرفی شده است. دیشب که از راه محبت از ونیز تلفن می‌کرد و جوایای حالم بود دست از پرسش برنداشت. پرسید چه کتابی یا تحقیقی درباره جوابهای شاعرانه شده است. پاسخی درست نداشتم بگویم. هرچه از محاضرات و اخوانیات و افتقا و تضمین گفتم همه را می‌دانست. گفت مرادم «نظیره‌گویی» و «تقلید» نیست. می‌خواهم بیابم که شعرا چگونه مطلبی را به شعر پاسخ می‌گفته‌اند. گفتم از بدایع الوقایع واصفی و جسته‌گریخته‌هایی در تذکره‌ها هست غافل مباش و به یادت باشد پاسخ کذائی عبدالرزاق اصفهانی به خاقانی شروانی. گفت همه را می‌دانم.

در ونیز رشته ایرانشناسی اهمیت یافته است. پیش از این شاید اهمیت این رشته در ناپل بیش بود. درست نمی‌دانم. کانونهای ایرانشناسی ایتالیا در رم و ناپل و ونیز است. در تورن هم درسی داده می‌شود. از میان ایرانشناسان جوان که در این چندساله بالیده شده‌اند از سه تن یاد می‌کنم که فرصت دیدار و صحبت پیش آمد.

[میکله برناردینی / Michele Bernardini]

یکی میکله برناردینی است. جوان است و خوش‌برخورد. به فارسی سخن می‌گوید و در آرزوست که بتواند سفری دیگر به ایران داشته باشد و چند ماهی بماند تا صحبت‌کردنش روانتر شود. به تاریخ ایران در روزگاران تیموریان و صفویان دلبستگی دارد. او متنه‌های ادبی و شاعرانی را که در سروده‌هایشان نکته‌های تاریخی دیده می‌شود می‌شناسد. آنچه به قلم او دیدم این نوشته است:

— معرفی نسخه نفیس هندی منظومه‌های هاتفی (تیمورنامه، هفت منظر و لیلی و مجنون) به خط محسن بن لطف‌الله سبزواری از سال ۹۶۷ با جلد سوخت طلاپوش نقشدار در مجله *d'Arte Bollettino Arte* (سال ۱۹۸۹). این نسخه در واتیکان نگاهداری می‌شود.

— مقاله درباره اُرتقیان (سلسله امرای ترکمن در دیار بکر)، در جلد دوم دائرةالمعارف هنر دوره قرون وسطی (۱۹۹۱).

— مقاله درباره ارباب حرف و اصناف در ممالک اسلامی در همان دائرةالمعارف.

— جنبه‌های ادبی و فکری در پیوندهای میان تجمل‌پرستی و معماری در روزگار تیموریان.

برناردینی بر کتابهای تازه ایرانشناسی انتقاد هم می‌نویسد. از این گونه است:

— نقدی بر کتاب «معماری تیموری در ایران و توران»، تألیف لیزا گولومبیک و دونالد ویلسن

(معرفی این کتاب در مجله آینده آمده است).

– نظری به «فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در ایتالیا»، تألیف شایسته آ. پیه‌مونتسه (که معرفی این کتاب در مجله آینده آمده است). پیه‌مونتسه سمت استادی برناردینی داشته است.

– معرفی و نقد یادگارهایی از ایران عصر صفوی و جاهای دیگری از شرق (۱۶۶۴ تا ۱۶۷۸) که برگرفته شده است از نوشته‌های مقاله‌گونه دائرةالمعارفی درباره ایران اثر آنژ دو سن ژوزف (یا ژوزف لابروس طونووی) از مردم فرانسه که مدت چهارده سال در ایران و عثمانی بود (۱۶۶۴ تا ۱۶۷۸) و اواخر دوره پادشاهی شاه عباس دوم و روزگار شاه سلیمان را مخصوصاً درک کرده است. سن ژوزف که عربی می‌دانست و در ایران فارسی یاد گرفت کتابی فرهنگواره برای آموزش زبان فارسی تألیف کرده به نام *Gazophylacium Linguae Persasum* برای به دست آوردن معادل‌های فارسی کلمات لاتینی، ایتالیایی، فرانسوی که در سال ۱۶۸۴ به چاپ رسید. کارباستیاننس بلژیکی از این حیث با ارزش است که از کتابی کهنه، سفرنامه‌های خواندنی پرداخته و اوضاع ایران را از زبان سن ژوزف به دو روایت (ترجمه متن فارسی و متن اروپائی) نقل کرده است (آقای دکتر کریم مجتهدی درباره همین کتاب مقاله‌ای در مجله آینده سال ۱۱ نوشته‌اند).

[پائولا اورساتی / Paola Orsatti]

جوان ایران‌شناس دیگر خانمی است به نام پائولا اورساتی. پژوهش‌های او بیشتر در زمینه نسخه‌های خطی، سندشناسی و خطشناسی است. در این سالها این سه مقاله را نشر کرده و جستجوگری است که آینده روشنی را پیش روی دارد آن هم در رشته‌ای که مطلعان آن در اروپا زیاد نیستند. اکنون آقای ویتکام (J. Witkam) در هلند، فرانسیس ریشارد (Francis Richard) در فرانسه، ایو پورتر (Y. Porter) در فرانسه از برجستگان این رشته‌اند.

البته نام آقای پیه‌مونتسه را که در این باره مقاله‌های متعدد و تجربه طولانی دارد نباید از یاد برد که استاد همین خانم اورساتی بوده است. باری از نوشته‌های خانم اورساتی آنچه دیدم اینهاست:

– لسان الشعراء و بیان الفضلاء، از فرهنگنامه‌ای فارسی هندوستان.

– قصه آمد در تفسیر سوراآبادی.

– روش و مشکلات شناخت پالئوگرافی نوشته‌های عربی.

[جورجو ورچلین / Giorgio Vercellin]

دانشمند دیگری که سالی چند پیش از این او را دیدم ج. ورچلین است. او در دانشگاه ونیز تدریس تاریخ ایران و افغانستان را بر عهده دارد و اکنون دلبستگی پژوهشی او، بیشتر، به تاریخ معاصر افغانستان است. با او یاد کوشش‌های چنگیز پهلوان در میان آمد و مشتاقانه خواستار آن شد که بتواند نوشته‌های پهلوان را بیابد و بخواند. در جلسه کنگره هم مقاله‌اش درباره هویت ملی و فرهنگی افغانستان بود.

[مارکو سالاتی / Marco Salati]

یکی از جوانان اسلام‌شناس مارکو سالاتی است. عربی‌دان و عربی‌خوان است و رسالهٔ محققانه‌ای دربارهٔ چند وقفنامهٔ حلب از آن سالهای ۷۴۶ و ۸۱۰ و ۹۴۰ و ۱۰۵۸ و ۱۰۹۰ و ۱۰۱۷ و ۱۰۸۳ و ۱۰۶۴ را به چاپ و ترجمه رسانیده است. مشخصات آن نقل می‌شود که اگر صاحب همّتی در ایران خواست دربارهٔ موقوفات سرزمینهای عربی شامات بر مشهد کربلا (بنا بر ضبط بعضی از وقفنامه‌ها) تحقیق کند بدان دسترسی بیابد.

Docmenti, giuridici Aleppini dei Secoli XIV-XVII in Materia di Waqf. Roma: Istituto per L'Oriente C. A. Nallino. 1991. 74p.

[جوانا کالاسو / Giovanna Calasso]

یکی از محققان رشتهٔ عربی که تحصیلات خود را با زبان فارسی آغاز کرد خانم Giovanna Calasso است. اکنون مدرس است و محقق و هنوز هم به زبان فارسی علاقه‌مندی نشان می‌دهد. یادگار روزگاری که بیشتر با فارسی انس داشت تحقیق مفصل او دربارهٔ خاورنامهٔ ابن‌خُسام خوسفی از شعرای بنام دورهٔ تیموری است. رسالهٔ او که چنین نام دارد:

Un' "Eopea Musulmana" di Epoca Timuride: Il "Xāvar-Nāme di Ebn Hosām". Roma Accademia Nazionale dei Lincei. 1979. (Atti della Accademia Nazioale dei Lincei, Serie VIII, Volume XXIII, Fascicolo 5, pp. 383-539).

در تحقیق از این خاورنامه که یک حماسهٔ دینی ایرانی است یاد و نسخه‌ای که در کتابخانهٔ دیوان هند (لندن) است معرفی و خلاصه‌ای از مضمون سراسر منظومه به ایتالیائی نقل شده و در ضمائ رساله فهرست اشخاص مذکور در منظومه و معرفی هر یک آمده است.

این محقق در کار خود تقریباً همهٔ منابع ایرانی اعم از تواریخ ادبی و فهرستهای نسخه‌های خطی را دیده و به نظم و ترتیب اروپائی هر جا که استفاده‌ای برده نشانی از آنچه دیده، داده است. در ایتالیا خانمها به مطالعات خاوری علاقه‌مندی بسیار دارند و همین کنگره گویای آن است که شیفتگی زنان کم از مردان نیست.

با خانمی به نام Maria Vitoria Fontana آشنا شدم که مؤلف پژوهشی ابتکاری دربارهٔ بهرام گور و آزاده است:

La Leggenda di Bahrām Gur e Āzāda. Materiale per la storia di una tipologia figurative dalle origini al XIVsecolo. Napoli, 1986. 151p. T. 46 Figs.

مطالب این کتاب هنری و تمدنی چنین است: فهرست و معرفی ۵۳ نقش صورت بهرام گور بر روی مهرهای ساسانی و آثار دوران اسلامی از قبیل نقشهای دیواری، ظروف فلزی (ایران و بین‌النهرین، آناتولی)، سفال با ذکر اینکه نقش بهرام در آن شیء به چه وضعی تصویر شده است و آن نقش اکنون کجا نگهداری می‌شود و در چه پژوهشهایی از آن ذکر به میان آمده.

پیوست نخستین این تحقیق به شناساندن مهمترین مجالس مینیاتور نقش بهرام گور در بعضی از نسخه‌های خطی اختصاص دارد: شاهنامه، خمسه نظامی، سبعة امیر خسرو، منظومه‌های امیر علیشیر نوائی، موضوع دومین پیوست نقش بهرام گور در روزگاران صفوی تا پایان عصر قاجار است و تحلیلی از آنچه در منابع ایرانی (فارسی و عربی) هست به آن همراه شده است.

سومین پیوست ترجمه ایتالیائی نوشته‌هایی از ابن قتیبه، ابن فقیه، فردوسی، ثعالبی، مجمل التواریخ و القصص، نظامی، یاقوت، زکریای قزوینی، امیر خسرو، دمشقی، دمیری، امیر علیشیر نوائی و ابن ایاس است. کتاب باکتابشناسی مفصل و عکس چهل و شش نقش بهرام که مؤلف در شرق و غرب یافته پایان می‌گیرد. چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.

این کتاب در سلسله انتشارات مؤسسه شرقی دانشگاهی ناپل (Istituto Universitario Orientale) چاپ شده است.

[فهرست انتشارات مؤسسه شرقی دانشگاه ناپل (در باره افغانستان و ایران)]

تعداد انتشارات این رشته اکنون به سی و شش رسیده است و مناسب می‌بینم نام و مشخصات برخی از آنها را که درباره افغانستان و ایران است نقل کنم:

– افغانستان در قرن بیستم

III M. Schinasi. Afghanistan at the Beginning of the Twentieth Century. 1979.

– صدرالدین عینی پدر فرهنگ جدید تاجیک

V J. Bečka. Sadrididin Ayni, Father of Modern Tajik Culture. 1980.

– زمان و سرزمین زردشت

VII G. Gnoli. Zoroaster's Time and Homeland. 1980.

– عناصر لغوی فارسی در لهجه براهوئی

VIII A. V. Rossi. Iranian Lexical Elements in Brāhui. 1979.

– دستور زبان فارسی

IX G. M. D'Erme. Grammatica del Neopersiano. 1979.

– مجموعه چند مقاله در زمینه مطالعات ایرانی

X G. Gnoli and A. V. Rossi, (eds.) Iranica. 1979.

– کتابشناسی ایران در زبان ایتالیائی

XVIII A. M. Piemontese. Bibliografia Italiana dell'Iran (146 2–198 2). 2 vols. 198 2.

– بهرام گور و آزاده

XXIV La Leggenda di Bahrām Gur e Āzāda. Materiale per la storia di una tipologia figurative dalle origini al XIVsecolo. Napoli, 1986. 151p. T. 46 Figs.

XXXIII C Salzman and I. Galaty (eds.) Nomads in a Changing World. 1990.

این کتاب آخری، سفرنامه ادوارد استرلینگ انگلیسی است که تاکنون به چاپ نرسیده بود و نسخه خطی آن در انجمن پادشاهی جغرافیای انگلیس محفوظ بوده است. قسمت ایران به شرح مسافرت از بندر بوشهر به کازرون و سپس شیراز به اصفهان - تهران مفقود شده است.

نمونه خصوصیت جهان علمی این است که انجمنی در ایتالیا، خود را محق می داند که با پول مردم ایتالیا کتابی را که به زبان انگلیسی و نوشته یک عامل انگلیسی و مربوط به ایران است به چاپ برساند. در این سفر از قدمای دانشمندان ایرانیشناس ایتالیایی که می شناختم باگ، گنولی، ج. اسکارچیا، رُسی، شراتو تجدید دیدار شد. اما درمه و فیلیپانی رونکونی را ندیدم. درمه زانشناس است و برای ایرانیان سرشناس.

[پیو فیلیپانی رونکونی / Pio Filippini Ronconi]

فیلیپانی رونکونی در کلام و تصوف اسلامی شهره ایتالیا و آفاق است و هموست که کتاب الام اسمعیلی را چاپ کرده است و تألیفات متعدد دارد.

در آغاز جوانی حدود ۱۳۳۲ چندی در تهران بود و در دانشگاه تهران درس خواند و با زریاب و من محشور بود. چون از زریاب و من شنیده بود جمعه‌ها به کوهنوردی می‌رویم، اظهار تمایل کرد یکی از جمعه‌ها با ما بیاید. اتفاقاً روزی که قصد آمدن کرد با منوچهر ستوده و مصطفی مقرّبی و علیقلی جوانشیر و احمد اقتداری و جمال شهیدی قصدمان آن بود که عصر پنجشنبه خود را به قهوه‌خانه‌ای نزدیک گردان (در راه قزوین) برسانیم تا صبح زود از آنجا به سوی کوه‌های اطراف فشد و ولیان برویم. اواسط آذر بود و هوا بسیار سرد. قهوه‌خانه‌ای که ابتدای شب در آنجا بیتوته کردیم کثیف بود و پراز دود و دم. جز آن چون شوفرهای کامیونها در دل شب وارد می‌شدند و همه‌می‌کردند خواب بر ما حرام شده بود. در پی چاره‌جویی نیمه‌شب از قهوه‌خانه بیرون آمدیم. هیچ مفری نبود و چاره‌ای جز این نیافتیم به بالای کامیونی که پراز کاه بود رفتیم و خود را برای حفظ از سرما تا کمر در کاه فرو بردیم و شولا‌های خود را بر سر کشیدیم تا مگر کمی به خواب برویم. فیلیپانی رونکونی ایتالیایی هم ناچار به همین بی‌قیدی تن در داد و لا به لای «بارکاه» به جای «بارگاه» خوابید و یادگاری دلپذیر از سفر با یازان چهل سال پیش با خویش به ایتالیا برد. بعدها هر بار که او را چه در ایران، چه در ایتالیا دیدم به یاد این واقعه می‌افتاد و بازگو می‌کرد. این بار هم اگر تجدید دیدار اتفاق افتاده بود قطعاً به تعریف می‌پرداخت و می‌خندید. هر کجا هست خدا یا به سلامت دارش. مردی است دانشمند و در مسیحیت صاحب اعتبار.

ایتالیاییها در ایرانشناسی اگر از پیشگامان نبوده‌اند از برجستگان بوده‌اند. در قرن گذشته چند تن از آنها با اقران خویش گوی همترازی می‌زدند. از آنها که من در جوانی خود دیدم انریکو چرولی (البته ایرانشناس تمام عیار نبود ولی در شرقشناسی مقامی والا داشت)، آلفونسو گابریلی، گ. مسینا (محقق زبان پهلوی)، اتوره رُسی، الساندرو بائوزانی.

[آنجلو میکله پیه مونتسه]

دنیای علم آگاهی از سابقهٔ ایرانشناسی ایتالیا را مدیون آنجلو میکله پیه مونتسه است. او اکنون رابزین فرهنگی ایتالیاست، ولی عمرش را در کارهای دانشگاهی و در رشتهٔ ایرانشناسی گذرانیده و دارای چندین کتاب اساسی و پنجاه شصت مقالهٔ ممتاز و ابتکاری در آن زمینه است. کارهای عمدهٔ او اینهاست:

– شناختن و شناساندن شاهنامهٔ خطی مورخ ۶۱۴ که قرنهایی در کتابخانهٔ دیری بود و اکنون در کتابخانهٔ ملی فلورانس است. این نسخه اکنون از پایه‌های چاپ علمی خالقی مطلق است.

– «تاریخ ادبیات ایران به زبان ایتالیایی» در دو جلد.

– «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» که در کتابخانه‌های مختلف ایتالیا نگاهداری می‌شود و معرفی آن در مجلهٔ آینده (شمارهٔ پیش) آمده است.

– «کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی» در دو جلد و قریب به هزار صفحه. در این کتابشناسی نام و مشخصات ۶۸۸۵ کتاب و مقاله آمده است. همین اثر بزرگ گواه کوششهای ایرانشناسی ایتالیاست و طبعاً ما هم سپاسگزار زحمات سالهای دراز پیه مونتسه‌ایم که می‌توانیم به وسیلهٔ کتاب او بر کارهای ایتالیاییها در زمینهٔ تاریخ و ادبیات خودمان دست بیابیم.

از نوشته‌های ابتکاری او که انگیزهٔ من در نگارش مقالهٔ «تاریخچهٔ عکاسی ایران» شد مقاله‌ای است دربارهٔ نخستین عکسهایی از ایران که توسط یک عکاس ایتالیایی در اوایل اختراع دوربین عکاسی برداشته شده و یک نسخهٔ آلبوم آن عکسها در یکی از گنجینه‌های ایتالیا موجود بوده است و نسخهٔ دیگری از آن آلبوم به ناصرالدین شاه تقدیم شده بود و در بیوتات سلطنتی ایران نگاهداری شده و هست. سخن از پیه مونتسه ما را به نسخهٔ شاهنامهٔ فردوسی مورخ ۶۱۴ می‌کشد. نسخه‌ای که آوازه‌مند شد و دو سه تنی هم دربارهٔ آن سخنهای مخالف گفتند و نوشتند. به همین ملاحظه آهنگ آن کردم در این سفر به فلورانس (فیرنزه در زبان ایتالیایی) بروم و نسخه را ببینم و دیده‌های خود را برای دوستداران نقل کنم. به لطف خانم اسکارچیا آمورتی راهی شدم. پیه مونتسه هم برایم سفارشنامه‌ای به کتابخانه نوشته بود که این گنج نامور را نشانم بدهند و تصور نشود که «توریستم». پیه مونتسه زمانی که این نسخه را در کتابخانهٔ ملی فلورانس جست فوراً مقاله‌ای مفصل در معرفی آن نوشت که در مجلهٔ *Annali* (ناپل) چاپ شد و بخشی کوتاه از آن در مجلهٔ آینده چند سال پیش به چاپ رسید. سبب اینکه پیه مونتسه از بودن این نسخه در فلورانس آگاه شد این بود که او سالها بود در همهٔ کتابخانه‌های ایتالیا در پی یافتن و فهرست کردن نسخه‌های فارسی بود و با کنجکاوی توانست نه تنها این نسخه، بلکه دهها نسخهٔ مهم دیگر را بشناساند. از آن زمره است منطق الطیر مصور عطار مورخ ۸۵۷ که از نسخه‌های مصور کم‌نظیر است^۲

^۱ آینده، س ۶ (خرداد – تیر ۱۳۵۹)، ش ۳-۴، ۲۰۷-۲۱۳ (عنوان مقاله: مقدمهٔ شاهنامهٔ مورخ ۶۱۴ و معرفی پیه مونتسه از آن) (گردآورنده).

^۲ منطق الطیر عطار نیشابوری. چاپ عکسی، به خط نصیر بن حسن المکی، مورخ ۸۵۷ق. نسخهٔ خطی متعلق به کتابخانهٔ سلطنتی تورینو (ایتالیا). زیر نظر نصرالله پورجوادی. دیباچه‌ها از: نصرالله پورجوادی، آنجلو میکله پیه مونتسه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، با همکاری بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران. ۱۳۷۳. سیزده، ۴۰۳ص (گردآورنده).

و شاید یگانه منطق الطیر مصوّر. همچنین است مجموعه‌ای از قرن هفتم هجری که در آن مقداری از اشعار فارسی امام فخررازی (به زودی در ناموارهٔ دکتر محمود افشار به چاپ می‌رسد) و شمس‌الدین بیلقانی و شمس‌الدین جوزجانی و شهاب‌اطلسی مندرج است.

با کاروانی شوق به فلورانس رفتم که شاهنامهٔ مورّخ ۶۱۴ را زیارت کنم اما دریغاً بخش نسخه‌های خطی شرقی بسته بود. نسخه‌ها را در جعبه‌ها و صندوقها کرده بودند که مخزن را به منظور ایمنی سیم‌کشی تازه بکنند. «گناه بخت من است این گناه دریا نیست».

[مأخذ: آینده، س ۱۸ (مهر - اسفند ۱۳۷۱)، ش ۷-۱۲: ۴۷۵-۴۸۳]

* * *

مکاتبات
ایرج افشار و آنجلو میکله پیه مونتسه
(گزیده نامه‌ها)

(بدون تاریخ)

دوست دانشمند؛

مدتی است که از احوال شما خبر ندارم. چندی قبل رساله شما را درباره *Photograph Album* عصر قاجاری که صحبتش را از شما می‌شنیدم در دست یکی از دوستان دیدم و تعجب کردم که چرا نشریات و مقالات دو سال اخیر خود را برای من نفرستاده‌اید. انتظار دارم که همه را فوراً ارسال دارید. جلد دوم یادگارهای یزد در دست اتمام است و شاید تا سه ماه دیگر منتشر شود. البته خدمتتان می‌فرستم. امیدوارم راهنمای کتاب به دستتان می‌رسد. اگر نمی‌رسد مرقوم دارید تا بگویم برای شما بفرستند. به دوستم اسکارچیا سلام برسانید. خانمش را وقتی تهران بود دیدم ولی خود اسکارچیا به من سری نزد و من هم به پانسیون تلفن کردم گفتند به مسافرت داخل ایران رفته است.

(امضا) ایرج افشار

همیشه نامه و کتاب به آدرس: P. O. 1021 Tehran برای من بفرستید. دانشگاه وسیله خوبی نیست.

۲

Roma, 3. 3. 1974

دوست عزیز و استاد ارجمند؛

نامه شما که به دستم رسید سرانگشت تحیر به دهان بردم چونکه سال گذشته همین که مقاله بنده منتشر شد برای شما فرستادم؛ یک نسخه برای خود جنابعالی و یک نسخه برای کتابخانه مرکزی؛ پس از شکایت شما خیلی تعجب کردم و به خصوص متأسف می‌باشم از اینکه مجبور شدید فکر بکنید که این فقیر حقیر خودتان را فراموش کرده است.

واضح است آنچه را ارسال داشتم نرسید شاید به علت اینکه به آدرس کتابخانه مرکزی فرستاده بودم. حالا نسخه‌ای از آن مقاله دیگر ندارم و به شما وعده می‌کنم در یکی دو هفته و یا اوایل ماه آینده یک نسخه از شماره مجله «East and west» که در آن مقاله بنده چاپ شده برای شما خواهم فرستاد و به آدرسی که به من مرقوم فرمودید علاوه بر این چند انتشار دیگر ارسال خواهم داشت به شرح ذیل:

(۱) مقاله‌ای که در مجله «R. S. O.» چاپ شده و مربوط به نشانی که پاپ به امام جمعه اصفهان در قرن گذشته (سال ۱۸۶۴) داد.

(۲) مقاله‌ای در بابت عمر خیام و کتابشناسی ترجمه‌های رباعیات به زبان ایتالیائی (این مقاله زیر چاپ است).

(۳) فهرست نسخه‌های خطی فارسی در Accademia dei Lincei این کتاب هم زیر چاپ است. اما «راهنمای کتاب»، بنده از این مجله نفیس خبر ندارم و حتماً شماره‌ای که ارسال فرمودید به دستم نرسید و سبب اینست که آدرس ونیز صحیح نیست زیرا که بنده در رم کار می‌کنم و مسکن و عیال دارم. والسلام.

Angelo Michele Piemontese

[آدرس از زیر نامه حذف شد.]



(سربرگ دانشگاه رم)

Roma, 30. 7. 1974

آقای ایرج افشار

استاد محترم و دوست ارجمند، نامه جنابعالی و کتابهایی را که فرستاده‌اید به دستم رسید و بسیار ممنون شدم. از لطف شما خیلی سپاسگزارم و شکر می‌گویم.

در ماههای آینده یک کتاب دیگری (یعنی یک مجموعه ترجمه‌های ادبیات فارسی و ترکی) که از آن حالا هیچ نسخه ندارم برای شما خواهم فرستاد.

اخباری را که درباره آثار بنده در «راهنمای کتاب» مرقوم فرمودید دیدم و خواندم و از این هم خیلی متشکرم. آقای اسکارچیا در این مدت و تابستان در ایران سفر دارد می‌کند و اما نمی‌دانم از تهران سری خواهد زد یا نه.

تحقیقات نوین آغاز کردم درباره تمام مجموعه‌های نسخات خطی فارسی که در کتابخانه‌های ایتالیا وجود می‌باشد و زود هم لیست نسخه‌های ونیز (Véneza) و ورون (Verona) خواهم نوشت.

البته از هر چیزی از بنده که چاپ می‌شود به شما یک کپی می‌فرستم.

Angelo Michele Piemontese ارادتمند

[نشانی از زیر نامه حذف شد.]

Roma 20.4.79

آقای محترم؛

امیدوارم سلامت کامل داشته باشید و این نامه را به دست شما برسد، چون که خیلی وقت است که از جنابعالی خبری ندارم.

حالا آقای پروفیسور Grignaschi به من گفت که چند ماه پیش به او نوشته بودید و از او اطلاعاتی درباره نسخه خطی شاهنامه‌ای که در فلورانس یافته شد پرسیدید.

عجب اینکه خود بنده بعون الله تعالی آن نسخه خطی را پیدا کردم. آن نسخه عبارت است از مجلد اول شاهنامه فردوسی دارای ۲۲۰۰۰ (بیست و دو هزار) بیت و مورخ ۳۰ محرم سال ۶۱۴ هجری. پس قدیم‌ترین نسخه معلوم شاهنامه می‌باشد و درست شصت سال قدیم‌تر از آن مشهور بریتیش موزه‌اوم (British Museum). علاوه بر این نسخه فلورانس مقدمه‌های نامعلوم هم دارد و از سر تا بُن در هر صفحه مذهب است، یعنی سرلوحه‌های بزرگی با کلمات عربی به خط کوفی زرین دارد. بالجمله سرلوحه‌ها بیش از ۷۰۰ تا می‌باشد. متن این شاهنامه اختلاف زیادی دارد نسبت به متن معلوم و منتشر و شاید بیش از یکصد بیت «نوین» یعنی نامعلوم دارد. خلاصه این نسخه خطی اگرچه کامل نباشد خیلی مهم است.

حالا دارم گزارشی دقیق حاضر می‌کنم که امسال چاپ خواهد شد ان شاء الله. در صورتی که خواستار اطلاعات بیشتری باشید لطفاً به من بنویسید و جواب خواهم داد. والسلام.

ارادتمند *Angelo Michele Piemontese*^۱

[نشانی از زیر نامه حذف شد.]



Strasbourg, 6. 10. 79

آقای محترم؛

اولین شماره دوره جدید مجله آینده که ارسال آن را برای من فرمودید به دستم رسید. مجله‌ای قشنگ و قابل توجه می‌باشد و تبریک صمیمانه می‌گوییم. اما اطلاعی درباره «راهنمای کتاب» ندارم و نمی‌دانم هنوز انتشار می‌یابد و یا نه.

از ادامه فعالیت جنابعالی خیلی خوشوقتم و امیدوارم هم تندرستی کامل داشته باشد. دیگر اینکه گزارش طولانی در بابت شاهنامه فلورانس نوشتم و آن سال آینده در ناپل چاپ می‌شود. البته یک کپی برای سرکار خواهد بود.

^۱ آنجلو بیه‌مونتسه از ایرانشناسان ایتالیایی است و متخصص در ادبیات فارسی. او تاریخ ادبیات فارسی را چند سال قبل در دو جلد منتشر ساخت. فارسی را روان صحبت می‌کند و به روانی می‌نویسد. این نامه نشانه‌ای است از تسلط او بر زبان فارسی. نام او در آینده به عنوان کاشف قدیم‌ترین نسخه شاهنامه در کتابشناسیها و تحقیقات مربوط به فردوسی ضبط می‌شود. (ایرج افشار)

کار تحقیقی ما یک کمی مشکل شد چونکه کتابهایی که در ایران نشر می شوند زیاد به ایتالیا نمی رسد. مثلاً در مجله نفیس سرکار خواندم که تازه یک کتاب مهم به عنوان «محیط ادب» چاپ شد. آیا ممکن است یک نسخه آن به بنده بفرستند تا انتقادی بنویسم؟

بنده حاضرم انتقادی درباره هر کتاب از این نوع بنویسم برای مجلات تخصصی ایتالیا. از اکتوبر امسال تا ماه ژوئن سال آینده معمولاً در شهر استراسبورگ فرانسه خواهم بود به عنوان «استاد مشترک» (Professeur associé) زبان ادبیات و تمدن ایرانی در دانشگاه علوم انسانی. (البته منزل همیشه در رم می باشد). والسلام^۱.

Angelo Michele Piemontese

[نشانی از زیر نامه حذف شد.]

۱۳۶۱/۱/۷

دوست دانشمندم آقای پیه مونتسه

حتماً از تدریس در استراسبورگ بازگشتید و در رم به تحقیقات خود ادامه می دهید.

مجله آینده را مرتب برای شما فرستاده‌ام و امیدوارم رسیده باشد.

زحمتی دارم و آن اینکه شنیدم اخیراً سفرنامه‌ای از عهد شاه طهماسب یا شاه اسماعیل در ایتالیا و به زبان ایتالیایی نشر شده است. چون میل دارم که شرحی درباره آن بنویسم و دوستان مجله را در ایران از آن خبر دهم لذا خواهش دارم مقرر دارید که مؤسسه نشرکننده آن را برای من بفرستد. منتظر دریافت نامه شما هستم و هرچه بخواهید (از کتاب) بنویسید که بفرستم. فعلاً خودم یک نسخه از کتاب اوراد الاحباب برای شما به یادگار فرستادم.

با احترام ایرج افشار

(سربرگ دانشگاه استراسبورگ)

Strasbourg, 18. 5. 82

آقای محترم؛

نامه ارجمند شما اینجا به دستم رسید. عنوان آن کتابی را که درخواست کردید به شرح زیر می باشد. (همینطور یادم هست) ŠĀH ISMĀ'ĪL I NEI DIARI DI MARIN SANUDO یعنی یادداشتهای مارین سانودو (مورخ معروف ونیز) درباره شاه اسماعیل صفوی. همین کتاب بواسطه ISTITUTO PER LORIENTE در رم انتشار یافت. بنده به رئیس آن انستیتو نوشتم تا یک نسخه به شما به عنوان هدیه بفرستند. ان شاءالله که خواهند فرستاد اگر نشد به بنده اطلاع برسانید.

^۱ بیشتر قسمتی از این نامه منتشر شده بود؛ نک: آینده، س ۵ (فروردین - خرداد ۱۳۵۸)، ش ۱-۳: ۱۷۵-۱۷۶.

دیگر اینکه کتابشناسی ایتالیائی در بابت ایران (تقریباً ۶۸۰۰ تا فیش) زیر چاپ است. مثل اینکه امسال چاپ خواهد شد و پیش از سال ۱۹۸۳ انتشار خواهد یافت. البته یک نسخه از آن به شما می فرستم. هر کتاب راجع به تاریخ، ادبیات، نسخ خطی، خط که در ایران نشر می شود برای ما مهم می باشد و بنده حاضرم نقدی برای هر کتاب در مجلات اینجا بنویسم. پس بی زحمت به مؤلفین ایرانی بگوئید که کتابهای خودشان را بنده به همین عنوان بفرستند.

در استراسبورگ تا ماه آینده خواهم ماند و از ماه اکتبر امسال باز در دانشگاه رم تدریس خواهم کرد.

والسلام.

Angelo Michele Piemontese



(سربرگ سفارت ایتالیا در ایران)

Tehran, 29. 4. 1989

۱۴۰۹ رمضان ۲۰ = ۷/ ۲/۶۸

جناب آقای ایرج افشار

با عرض سلام، اینکه مقاله ای را که وعده کرده بودم به دست شما می رسانم. لطفاً در صورتی که دچار غلط زبان و یا سبک پارسی شدم آن غلط را تصحیح فرمائید. ملاحظه هم فرمائید که بخشهای متن را که تذکر کردم در اصل علامت حروف چ و پ و گ و غیره ندارد. بنابراین می بایستی همانطور که نوشته شد چاپ شود.

در آنچه مربوط به عکسها می باشد، می توانید هر یکی از آنها را که لازم می دانید انتشار کنید. همواره دعاگو و حمدگوی شما می باشم.

Angelo Michele Piemontese



[۱۳۷۳/۶/ ۲۹] 20 spt. 1994

دوست عزیز و دانشمند؛

امیدوارم در رم روزگار بر شما خوش باشد. من اخیراً ده روز در ترکیه بودم و درس می دادم. اما مریض شدم و چندان خوش نگذشت.

منتظر مجموعه مقالات و اتیکان درباره نسخه های خطی (Colloque) هستم زیرا مشغول نگارش مقاله ای هستم که حتماً باید به آن مجموعه بنگرم.

سلام مرا خدمت سرکار علیّه خانم محترم یادآوری کنید.

با احترام دیرینه (امضا) ایرج افشار

24 Nov. 1994 = ۱۳۷۳ (آذر) ۹ / ۳

دوست گرامی؛

نامه رسید متشکرم و البته حق دارند که از ارسال کتاب بدان گرانی احتراز کنند. برای اینکه من بدانم چه مقاله‌هایی در آن دو جلد هست خواهشمندم فعلاً فتوکپی کامل فهرست مندرجات (Table of contents) را برایم بفرستید و چون تا هفته دیگر عازم امریکا هستم لطفاً به نشانی زیر ارسال شود:

[نشانی حذف شد.]

هنوز منطق الطیر را ندیده‌ام که نظرم را عرض کنم.

(امضا) ایرج افشار

۴ ژویه ۱۹۹۸ [۱۳۷۶/۱۰/۱۴]

دوست دانشمند حضرت پیه‌موتسه

شنیدم در ایتالیا کتابی (البته به زبان ایتالیایی) درباره تاریخ بیهقی نشر شده است. امیدوارم بتوانید به مؤلف یا ناشر بفرمائید یک نسخه بفرستند. زیرا میل دارم اگر مفید و علمی باشد به ترجمه برسانم که در زبان فارسی انتشار پیدا کند.

(امضا) ایرج افشار

منتظر لطفتان هستم.

19575-583

NIYAVARAN

(بدون تاریخ)

دوست دانشمندم؛

طبق دعوت آقای دروش (Déroche) قرار شده است بنده در کنفرانس Bologne راجع به نسخه‌های خطی شرکت کنم. صورتی از هتلها برایم فرستاده‌اند که بنده نمی‌شناسم. می‌خواستم خواهش کنم که جای مناسب تمیز و البته ارزان دانشگاهی برایم رزرو بفرمائید. اگر باید پول هم پیشاپیش داد بنویسید چه مبلغ تا به بانک خود در آلمان بنویسم فوراً بفرستد.

همچنین مخارج نام‌نویسی را به بانک نوشته‌ام که بپردازند تا کار جنبه قطعی پیدا کند.

من درباره کتیبه در جلد صحبت می‌کنم یا فرانسه یا انگلیسی.

برای ویزا هم البته بنویسند که مشکلی پیش نیاید.

خدمت خانم سلام مرا یادآوری کنید. منتظر نامه شما هستم. از جلدهای کتیبه‌دار موجود در ایتالیا

عکس خوبی دارید برایم بفرستید.

با ارادت (امضا) ایرج افشار

Tehran, 3 Nov. 1999

Cher ami et collègue,

Je viens de lire votre aimable lettre (2. X. 1993). Merci pour votre information sur l'annulation de [du] Séminaire.

J'espère que vous et votre femme aient de [= serai en] bonne santé.

Moi, à [le] 21 novembre partirais pour Londres (Conférence de Al Furqan), et ensuite à Los Angeles pour après [= près de] deux mois.

L'adresse à Los Angeles est. ...

F. Afshar

(ترجمه نامه)^۱

تهران، ۱۲ آبان ۱۳۷۸

دوست و همکار عزیز؛

نامه دوست‌داشتنی شما را دریافت کردم (دوم اکتبر ۱۹۹۸). از خبری که در مورد لغو سمینار داده‌اید سپاسگزارم. امیدوارم که شما و خانواده در سلامت کامل باشید. من در ۲۱ نوامبر [۳۰ آبان] به لندن می‌روم (برای شرکت در کنفرانس الفرقان)، و پس از آن، در حدود دو ماه به لس آنجلس خواهم رفت. نشانی در لس آنجلس این است: [نشانی حذف شد].

ایرج افشار

همیشه ارادتمند شما هستم. به امید دیدار.

تهران، ۴ خرداد ۱۳۸۱

دوست دانشمند؛

امروز مقاله Codex Comonicus رسید. بسیار خوشحال شدم که ایرانشناسی را زنده نگه می‌دارید. مجله [نامه] بهارستان را حتماً می‌بینید. بنده آنجا بعضی چیزها می‌نویسم که احتمالاً مورد نقد نظر شما خواهد بود. نامه شما را هم خواندم. درباره شاهنامه چه می‌فرمائید. بنده اگر برای بولونی در پائیز آمدم حتماً باید بروم به فلورانس و شاهنامه را ببینم. سال آینده هم که در بولونی کنفرانس ایرانشناسان اروپا هست به چرتی (Cereti) بفرمائید که ان شاء الله می‌آیم. خدمت خانم سلام بسیار دارم.

(امضا) ایرج افشار

^۱ از آقای عبدالحمید روحبخشان برای ترجمه این نامه سپاسگزاریم.

Los Angeles

[۱۳۸۲/۱/۵] 25 May 2003

دوست دانشمند؛

بنده یک هفته است که درین شهر هستم. چند روز لندن و اکسفورد بودم به دنبال چند نسخه خطی. فهرست نسخه‌های خطی فارسی ملی اطریش (وین) دنباله فلوگل را تمام کردم و در پائیز ۱۳۸۲ شش ماه دیگر نشر می‌شود. یک جلد حضورتان می‌فرستم. من ۲۰ ژوئن در تهران خواهم بود.

امیدوارم نامه بهارستان منظم به شما برسد. خیلی به Contribution شما علاقه‌مند هستیم. نمی‌دانم مجله را چگونه ارزیابی می‌فرمائید. حتماً نظرتان را برایم بنویسید.

(امضا) ایرج افشار

طهران، ۸ شهریور ۸۶

دوست دانشمند آقای پیه مونتسه

امروز مقاله‌ای که درباره مکاتبات میان دربار پایها و پادشاهان ایران (دوره قاجار) مرقوم داشته‌اید و چاپ کردید رسید و مأخذ خوبی برای قاجاریه پژوهان شد. آفرین باد بر همت شما. من هشتاد و دو سالگی را گذراندم. امیدوارم شما هم سلامت و شاد باشید. دو هفته دیگر برای کنگره ایرانشناسی به وین می‌روم که از آنجا هم خودم را به لوس آنجلس برسانم. با اینکه سفر دشوار شده است شوق سفر نمرده است. به قول پیران خودمان به هر جان‌کنندی باشد به دیدار فرزندانم بروم.

دربارگشت از امریکا میل دارم سری به ایتالیا بزنم. البته شما را هم خواهم دید. به امید دیدار.

(امضا) ایرج افشار

Los Angeles

[۲۸ اکتبر ۲۰۱۰]

دوست عزیز و دانشمند آقای پرفسور پیه مونتسه

بیست روز است برای دیدن فرزندانم درین شهرم و فرصتی است که مطلبی را فعلاً غیررسمی به اطلاع شما برسانم تا در صورت پذیرش و موافقت شما نامه رسمی و دعوت تقدیم شود.

موقوفه دکتر محمود افشار به برجسته ترین ایرانیان هر کشور که در زمینه تاریخ و ادبیات ایران کوششهای مؤثر کرده اند جایزه ای اهدا می کند و در نظرست که این جایزه در اوت ۲۰۱۱ در باغ موقوفه به جناب عالی تقدیم شود.

امیدوارم پیشنهاد را قبول بفرمائید و مرا مطلع کنید تا به دفتر طهران بگویم که نامه رسمی ارسال دارند. ترتیب مراسم بعداً به اطلاع شما می رسد. آنچه ضرورت دارد که بفرستید Chronologie و Bibliographie کامل است که در جزوه ای چاپ شود و روز مراسم داده شود. همچنین دو عکس مختلف هم بفرستید.

اگر اسامی کتابها از مقاله ها جدا باشد کار آسان تر خواهد بود.

من تا بیست روز دیگر درین جا هستم و منتظم، نشانی پستی: [نشانی حذف شد].

مدتها می شود که از هم دور افتاده ایم و این جلسه فرصتی است که یک هفته در تهران با هم دیدن بکنیم و البته تمام مخارج آمد و رفت و اقامت بر عهده موقوفه خواهد بود.

اسامی گیرندگان قبلی جوایز به پیوست برای اطلاع شما تقدیم می شود.

(امضا) ایرج افشار

I. Afshar ایرج افشار

29 Oct. 2010

Ostad-e arjmand va dust-e gerami, Doktor Iraj Afshar,

az pishnehad-e sakhvatmand-e janab 'ali, ke an ra ba paziresh mikonam, besyar sepa-sgorzaram va hamchonin az taqdim-e jayeze-ye barjaste-ye Mouqafat-e Doktor Mahmud Afshar mamnum va moftakher khaham bud. Chronologie va Bibliographie-e bande ra ke darkhast mifarmaid har ce zudtar hazer khaham kard. Lotfan be man ettela' bedehid be ce surat-i (masalan form-e pdf) va ce vasilah (masalan e-mail) va niz be kodam adres-i bayad beferestam. Zemnan name ra dar bare-ye hamin mouzu' be adres-e janab 'ali-dar Los Angeles post khaham kard. Khabar ham mideham ke ta se ruz digar, avval-e novembr 2010, az Daneshgah-e Rom baz neshaste mishavam.

Be omid-e didar va ba ebraz-e tashakkor va salam,

Angelo Michele Piemontese

۲۹ اکتبر ۲۰۱۰ [۱۳۸۹/۸/۷]

[استاد ارجمند و دوست گرامی، دکتر ایرج افشار،

از پیشنهاد سخاوتمندانه جناب عالی، که آن را با [افتخار] پذیرش می‌کنم، بسیار سپاسگزارم و همچنین از تقدیم جایزه برجسته موقوفات دکتر محمود افشار ممنون و مفتخر خواهم بود. کرونولوژی و بیبلیوگرافی بنده را که درخواست می‌فرمائید هرچه زودتر حاضر خواهم کرد. لطفاً به من اطلاع بدهید به چه صورتی (مثلاً فرم PDF) و چه وسیله‌ای (مثلاً E-mail) و نیز به کدام آدرسی باید بفرستم. ضمناً نامه را درباره همین موضوع به آدرس جناب عالی در لس آنجلس پست خواهم کرد. خبر هم می‌دهم که تا سه روز دیگر، اول نوامبر ۲۰۱۰، از دانشگاه رم بازنشسته می‌شوم. به امید دیدار و با ابراز تشکر. والسلام.

[آنجلو میکله پیه مونتسه]

۱۹

۲ دسامبر ۲۰۱۰ [۱۳۸۹/۹/۱۱]

دوست دانشمند جناب آقای پیه مونتسه

نامه تازه رسید و باز متشکرم، کارهای مربوط به تشریف آوردن شما برای پائیز ۲۰۱۱ در دست انجام است و به شما از سوی موقوفه رسماً می‌نویسند.

در مورد Chronologie و Bibliographie بهترست به صورت PDF و یا E-mail توسط همین فرزندم آرش به لوس آنجلس بفرستید. او با من و موقوفه تماس دارد و به همه خواهد رسانید.

حالا که این نامه را دریافت می‌کنید مرد آزادی هستید و از دانشگاه رسته و بازنشسته شده‌اید. حتماً شنیده‌اید که ایرانیها برای بازنشستگان مضمون دارند و می‌گویند حالا «بازن نشسته» شده است. خدمت سرکار خانم سلام مرا برسانید.

(امضا) ایرج افشار

دولت دانشمند جناب آئی بیہ مونتسہ

نامہ نامہ رسید و باز دستکم. کارہا ربط بہ تشریف آوردن
برایہ سہ ماہیہ ۲۰۱۱ در دست انجام است و بہ شما لایسہ موقوفہ اسمائی توفیقہ

در مورد Chronology و Bibliography بہتر است بہ صورت
PDF و یا E-Mail توسط همین کریم آراش ہمہ کورس بہتر
بفرستید او باخ و موقوفہ لائن دارد و بہ ہمہ خواہد رسانید

حالا کہ این نامہ را دریافت می کنید مرد آزادی هستید و لڑ دستگاہ
زکاتہ و باز نشسته نشداید

ہمما شنیدہ اید کہ ایرانیہا بہر باز نشنگان معصوم دارند
وی گویند حالا «بازن نشسته» شد است

خدمت سرکار خانم سہم ہوا برسانید

184. D. Aigle et P. Buresi (éds.), *Les relations diplomatiques entre le monde musulman et l'Occident latin (XII^e-XVI^e siècles)*, vol. 'Oriente Moderno' 88, 2, 2008, in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, pp. 4-6.
185. F. Scorza Barcellona, *Ancora su Marco Polo e i Magi Evangelici*, in S. Conte (cur.), *I viaggi del Milione*, Roma 2008, pp. 306-336, in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, p. 71.
186. J. Chr. Bürgel, *Guerra e pace nell'Alessandreide di Nizami*, 'Quaderni di Studi Mediterranei', 1, 2008, pp. 179-184, in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, p. 150.
187. J. Chr. Bürgel, *Turandot- Von Nizami bis Puccini*, 'Quaderni di Studi Mediterranei', 1, 2008, pp. 347-364, in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, pp. 150-151.
188. Hâfez di Širâz, *Canzoniere*, Introduzione, traduzione e commento di Giovanni M. D'Erme, Napoli 2004-2008, 3 voll., in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, p. 151.
189. C. Saccone, *Paradigmi della sovranità nel romanzo irano-islamico d'Alessandro: il re profeta e la 'sospensione del potere' nell'Eqbâl-nâme di Nezâmi*, 'Quaderni di Studi Mediterranei', 1, 2008, pp. 157-178, in: *Abstracta Iranica* 31, 2008, pp. 155-156.

Angelo Michele Piemontese
(Rome, 16 July 2011)

168. A. D. Pritula, Christianstvo i persidskaja knižnost' XIII-XVII vv., St. Petersburg 2004, in: *Abstracta Iranica* 27, 2004, p. 134.
169. F. Schmieder & P. Schreiner (eds.), Il Codice Cumanico e il suo mondo, Roma 2005, in: *Abstracta Iranica* 28, 2005, p. 13.
170. P. Evangelisti, Politica e credibilità personale. Un diplomatico francescano tra Tabriz e la Borgogna (1450 circa -1479), 2005, in: *Abstracta Iranica* 28, 2005, p. 88.
171. G. Rota, Caccia e regalità nella Persia safavide e in Europa occidentale, in: alcune osservazioni preliminari, 2005, in: *Abstracta Iranica* 28, 2005, p. 113.
172. Alexandre le Grand en Iran. La Dârâb Nâmeh d'Abu Tâher Tarsusi, trad. M. Gaillard, Paris 2005, in: *Abstracta Iranica* 28, 2005, p. 195-196.
173. N. L. Tornesello, Il soggiorno napoletano di Hājji Sayyâh, solitario viaggiatore persiano del XIX secolo, 2005, in: *Abstracta Iranica* 28, 2005, p. 226.
174. P. G. Borbone, A. Mengozzi, M. Tosco (eds.), Loquentese linguis. Studi linguistici e orientali in onore di Fabrizio A. Pennacchietti, Wiesbaden 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, pp. 4-5.
175. G. Carbonaro, M. Cassarino, E. Creazzo, G. Lalomia (eds.). Medioevo romanzo e orientale. Il viaggio nelle letterature romanze e orientali, Soveria Mannelli 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, pp. 5-6.
176. G. Ligato, Bomifacio VIII, la Terra Santa e la Crociata, in: Bomifacio VIII. Ideologia e azione politica, Rorna 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, p. 91.
177. N. Mahmoud Helmy, Memorie levantine e amnienti curiali. L'Oriente nella vita e nella produzione di un senese del Quattrocento, in: Beltramo di Leonardo Mignanelli, 'Quaderni di Storia Religiosa' XIII, 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, p. 91.
178. A. D'Ottone, Un nucleo di dirham della Collezione Stanziani nel Medagliere Capitolino, 'Bullettino della Commissione Archeologica Comunale di Rorna' CVI, 2005, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, p. 91.
179. V. Berti, Cristiani sulle vie d'Asia tra VIII e IX secolo. Ideologia e politica missionaria di Timoteo I, patriarca siro-orientale (780-823), 'Quaderni di Storia Religiosa' XIII, 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, pp. 150-151.
180. G. Ferriello, L'estrazione delle acque nascoste. Trattato tecnico-scientifico di Karaji Matematico-ingegnere persiano vissuto nel Mille, Torino 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, p. 175.
181. Gr. Scholer, Neopersian stanzaic poetry and its relationship to the Arabic musammat, in: Ed Emery (ed.), Muwashshah, London 2006, in: *Abstracta Iranica* 29, 2006, pp. 197-198.
182. Fr. Lewis & S. Sharma (eds.), The Necklace of the Plesiadés, Amsterdam & Lafayette 2007, in: *Abstracta Iranica* 30, 2007, pp. 8-9.
183. C. Masetti, Mi accusi di un impatiente desiderio di scorrere il mondo. La Persia nei Viaggi di Pietro Della Valle, 'Bollettino della Società Geografica Italiana' XII 2007, in: *Abstracta Iranica* 30, 2007, pp. 78-79, 112-113.

150. Fouchécour, Ch.-H. de, *Moralia*. Les notions morales dans la littérature persane du 3^e/9^e au 7^e/13^e siècle, Paris 1986, in: *Abstracta Iranica* 10, 1987, pp. 217-218.
151. Ajello, Nadia, Ancora sulla questione degli ostaggi americani in Iran, 1986, in: *Abstracta Iranica* 10, 1987, pp. 248-249.
152. Gaillard, Marina, Le livre de Samak-e 'Ayyār. Structure et idéologie du roman persan médiéval, Paris 1987, in: *Abstracta Iranica* 11, 1988, pp. 239-240.
153. Meneghini Correale, Daniela, La parola nascosta, in: un artificio retorico nei versi di Šā'ib-i Tabrīzī, 1987, in: *Abstracta Iranica* 11, 1988, pp. 245-246.
154. Meneghini Correale, Daniela, Tra il serio e faceto. Parte prima, in: Ḥāfiẓ e Qāri. Parte seconda, in: Ḥāfiẓ e Bushāq, 1984-85, in: *Abstracta Iranica* 11, 1988, p. 246.
155. Richard, Francis, Catalogue des manuscrits persans. I Ancien Fonds, Paris 1989, in: *Abstracta Iranica* 13, 1990, pp. 2-3.
156. Bernardini, M., Un manoscritto persiano proveniente dalla prima biblioteca Lincea, 1989, in: *Abstracta Iranica* 13, 1990, p. 69.
157. D'Anna, Nuccio, Virgilio e le rivelazioni divine, Genova 1989, in: *Abstracta Iranica* 13, 1990, p. 75.
158. Bertotti, F., I minareti e il cielo. Racconti persiani del Novecento, Palermo 1989, in: *Abstracta Iranica* 13, 1990, pp. 88-89.
159. C.-H. de Fouchécour, *Moralia*. Les notions morales dans la littérature persane du 3^e/9^e au 7^e/13^e siècle, Paris 1986, in: *Luqmān*, Tehran, VI/1, Automne-hiver 1989-90, n. série 11, pp. 111-112.
160. Gh. Gnoli, The Idea of Iran, Roma 1989, in: *Luqmān*, VII/1, Automne-hiver 1990-91, n. série 13, pp. 118-119. Traduzione persiana in: *Majallé-ye siyāsāt-e xāreji /The Journal of Foreign Policy*, Tehran, The Institute for Political and International Studies, vol. V, bahār 1370/Spring 1991, pp. 233-234.
161. Pasqualini, Maria Gabriella, La Marina italiana e la Persia (1925-1938), 1992, in: *Abstracta Iranica* 15-16, 1992-1993, p. 157.
162. Pasqualini, Maria Gabriella, L'Italia e le prime esperienze costituzionali in Persia (1905-1919), Napoli 1992, in: *Abstracta Iranica* 15-16, 1992-1993, p. 157.
163. Belardi, W., La 'dote supplementare' (*Dênkart* III, 209), 1994, in: *Abstracta Iranica* 17-19, 1994-1996, p. 26.
164. Fontana, Maria Vittoria, Iconografia dell'Ahl al-Bayt: immagini di arte persiana dal XII al XX secolo, Napoli 1994, in: *Abstracta Iranica* 17-19, 1994-1996, p. 171.
165. Hartmut Bobzin, Der Koran in Zeitalter der Reformation. Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa, Beirut-Stuttgart 1995, in: *Rivista degli Studi Orientali* LXX, 1996, pp. 475-477.
166. Hossein Esmā'ili, Le roman d'Abu Moslem (Abu Moslem Nameh) d'après la narration de Abu Tāher de Tartus, Téhéran 2001, 4 voll., in: *Rivista degli Studi Orientali* LXXV, 2001, pp. 299-301.
167. Dick Davis, *Panthea's Children: Hellenistic Novels and Medieval Persian Romances*, New York 2002, in: *Rivista degli Studi Orientali* LXXVI, 2002, pp. 282-284.

130. Alfieri, B. M., Un manoscritto inedito dell'Accademia dei Lincei, 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 97.
131. Fusaro, Fl., La città islamica, Bari 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 101.
132. Gabrieli, F., Vittorio Rugarli e Italo Pizzi (dalla preistoria della iranistica italiana), 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 141.
133. Soravia, G., Alcuni problemi teorici della traduzione, esemplificati nella traduzione delle *robâ'yyât* di 'Omar Khayyâm, 1980, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, pp. 148-149.
134. Soleimani, Parvin, Ricordo del sole, novelle iraniane, Verona 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 156.
135. Fiorani Piacentini, V., Fabretti, U. et Fornara, F., Archeologia e storia dell'oriente islamico. Gruppi socio-etnici e strutture politico-amministrative della fascia costiera meridionale iranica, 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 24.
136. Omanov, M. N., Per un repertorio enciclopedico (onomasticon) della letteratura persiana, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 25.
137. Taddei, M. et Verardi, G., La Missione Archeologica Italiana in Afghanistan 1976-1979; 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, pp. 68-69.
138. Daffinà, P., La Persia sassanide secondo le fonti cinesi, 1983, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 79.
139. Forte, A., Il persiano Aluohan (616-710) nella capitale cinese Luoyang, sede del cakravartin, 1984, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 80.
140. Jodogne, Pierre, La 'Vita del Sofi' di Giovanni Rota. Edizione critica, 1980, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 102.
141. Micara, L., Architetture e spazi dell'Islam. Le istituzioni collettive e la vita urbana, Roma 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 140.
142. Petruccioli, A., Dar al Islam. Architetture del territorio nei paesi islamici, Roma 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, pp. 142-143.
143. [Mani], Inni al dio vivente. Antichi testi manichei, traduzione, introduzione e note di Marcello Meli e Franco De Pascale, Teramo-Roma, 1984, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 164.
144. Blumenberg, Hans, La caduta del protofilosofo e la comicità della teoria pura (Storia di una ricezione), Parma 1983, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, pp. 208-209.
145. Neẓīmī, Leylī e Majnūn. A cura di Giovanna Calasso, Milano 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 214.
146. Pudioli, M. C., Un inedito *Ma'navi* persiano nella Biblioteca Estense di Modena, 1985, in: *Abstracta Iranica* 9, 1986, p. 215.
147. Rossi, A. V., I materiali iranici, 1986, in: *Abstracta Iranica* 10, 1987, p. 35.
148. Schneider, Jeannette, La carta marmorizzata, 1982-83, in: *Abstracta Iranica* 10, 1987, p. 162.
149. Mora, Fabio, Religione e religioni nelle storie di Erodoto, Milano 1986, in: *Abstracta Iranica* 10, 1987, p. 172.

107. La Resistenza Afghana. Atti dell'incontro internazionale a sostegno del popolo afghano aggredito dall'URSS. Firenze 26-28 marzo 1982, Roma 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 164.
108. Zadok, R., Lexical and Onomastic Notes, 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 20.
109. Boffo, L., La conquista persiana delle città greche dell'Asia Minore, 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 47.
110. Angeli Bertinelli, M. G., Roma e l'Oriente. Strategia, economia, società e cultura nelle relazioni politiche fra Roma, la Giudea e l'Iran, Roma 1979, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 58.
111. Sidari, D., Problema partico e *imitatio Alexandri* nella dinastia giulio-claudia, 1982, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 69.
112. Il Golfo della crisi. Tensioni e politica dell'Italia nel Golfo Persico-Arabo, Milano 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 103.
113. Architettura nei paesi islamici. Seconda mostra internazionale di architettura, Venezia 1982, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, pp. 122-123.
114. De Capitani, Fr., Studi su Sant'Ambrogio e i Manichei. I Occasioni di un incontro. II Spunti antimanichei nell'*Exameron* ambrosiano, 1982-83, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, pp. 141-142.
115. Manselli, R., Il secolo XII, in: religione popolare ed eresia, Roma 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 142.
116. Galbiati, E. R. et Aletti, A., Atlante storico della Bibbia e dell'antico Oriente, Milano 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 142.
117. Grottanelli, Cr., Giuseppe nel pozzo. II. Il motivo e i suo contesto nel folklore, 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, pp. 142-143.
118. Corbin, H., L'immagine del tempio, Torino 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 164.
119. Trần Van Khê, Iran, 1983, in: *Abstracta Iranica* 7, 1984, p. 253.
120. Cipriano, P., Una concordanza latino-iranica sul valore positivo della sinistra, 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 14.
121. Taddei, M. et Verardi, G., The Italian Archaeological Mission in Afghanistan, in: brief account of excavation and study, 1976-1981 (Plates VII-XI, figures 1-13), 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 30.
122. Rivero, E., La Città e lo Stato alle origini del pensiero occidentale, Roma 1982, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 41.
123. Francovich, Géza de, Persia, Siria, Bisanzio e il Medioevo europeo, Napoli 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 45.
124. Gobineau, A. de, *Novelle asiatiche*, Napoli 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 67.
125. Richard, Fr., *Le Franciscain Dominicus Germanus de Silésie, grammairien et auteur d'apologie en persan*, 1984, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 73.
126. Scarcia Amoretti, B., Afghani, 1983, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 73.
127. Strika, V., *Lo Shaṭṭ al-'Arab. Origini remote e recenti della controversia tra Iran e Iraq*, Napoli 1983, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, pp. 80-81.
128. Zarmandili, Bijan, Mossadeq. Khomeini, 1983, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 85.
129. Taddei, M., Amanullah, 1983, in: *Abstracta Iranica* 8, 1985, p. 87.

84. Kay Kâ'ûs Ibn Iskandar, Il libro dei consigli (Qâbûs-nâma), a cura di R. Zipoli, Milano 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 186.
85. Boccali, G., L'antico persiano, 1981, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 15.
86. Rossi, A. V., La varietà linguistica nell'Iran achemenide, 1981, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 20.
87. Bonanni, S., Ammiano Marcellino e i barbari, 1981, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 30.
88. Galdieri, E., Le meraviglie dell'architettura in terra cruda, Bari 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, pp. 30-31.
89. Nicoletti, M. L'architettura delle caverne, Bari 1980, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 33.
90. Daffinà, P., Il nomadismo centrasiatrico, parte prima, Roma 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 35.
91. Poinssotte, J.-M., Les Romains et la Chine, in: *Réalités et Mythes*, 1979, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 38.
92. Fiandra, E., Porte e chiusure di sicurezza nell'antico Oriente, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 45.
93. Pettinato, G., Il tesoro del nemico elamita ovvero il bottino di guerra contro Anšan di Šulgi, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 45.
94. Potts, D., The Role of Indo-Iranian Borderlands in the Formation of the Harappan Writing System, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 45.
95. Olmstead, A. T., L'impero persiano, Roma 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 55.
96. Schmitt, R., Achaemenid Throne-Names, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 57.
97. Barbàra Valenti, M. M., Le fonti del 'Bellum Barthicum' di Tommaso Chaula, 1980-1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 61.
98. Farioli Campanati, R., La cultura artistica nelle regioni bizantine d'Italia dal VI all'XI secolo, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 63.
99. Herry, G., L'Épouse persane, Iraca à Julfa, Ircana à Ispahan. La Perse de Goldoni ou le moment narcissique, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 78.
100. Alfieri, B. M. et G. Guadalupi, Soavissimo Iran, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, pp. 96-97.
101. Qajar. La pittura di corte in Persia di B. W. Robinson, etc., Milano 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 101.
102. Bonnerot, O.-H., La 'Légende' de Zoroastre au Siècle des Lumières, 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 106.
103. Richard, F., Trois conférences de controverse islamo-chrétienne en Géorgie vers 1665-1666; 1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, pp. 115-116.
104. De Capitani, F., 'Corruptio' negli scritti antimanichei di S. Agostino, 1981, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 126.
105. Radicati di Brózolo, L., La prima fase del contenzioso relativo agli averi iraniani bloccati dagli Stati Uniti, 1981-1982, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 158.
106. Alaimo, M. L., La questione dell'Afghanistan alle Nazioni Unite e il problema del consenso nell'illecito internazionale, 1981, in: *Abstracta Iranica* 6, 1983, p. 160.

64. Richard, F., Catholicisme et Islam au 'gran siècle'. Autour de quelques documents concernant les Mission catholiques en Perse au XVII^e siècle, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, pp. 108-109.
65. Samir, Kh. S. I., Khomeini e i 'fratelli musulmani', 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, pp. 112-113.
66. Djâmi, 'A., Vâsiqat al-'ikd i xâtimat al-hayât, ed. A. Afsahzoda, Moskva 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, pp. 114-115.
67. Rûmî, G. Poesie mistiche, Introduzione, traduzione, antologia critica e note di A. Bausani, Milano 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 116.
68. Fontana, M. V., Un manoscritto safavide dello Shâh Nâma conservato nella Biblioteca Nazionale di Napoli, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 126.
69. Pistoso, M. & Curzu, S., La costituzione della Repubblica Islamica dell'Iran, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 150.
70. Scarcia Amoretti, L'atteggiamento dei musulmani arabi nei confronti della rivoluzione iraniana. Qualche osservazione, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981 p. 150.
71. Vercellin, G., La minoranza turkmena d'Iram secondo una recente pubblicazione locale, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 175.
72. La Bisaccia dello Sheikh. Omaggio ad Alessandro Bausani islamista nel sessantesimo compleanno, Venezia 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, pp. 3-4.
73. Guillou, A. Bausani, A. Burgarella, F. L'Impero bizantino e l'Islamismo, Torino 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 5.
74. Bausani, A., La scrittura pahlavica frutto di bilinguismo aramico-iranico?, 1980, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 15.
75. Cannata, P., Profilo storico del I° impero turco (metà VI-metà VII secolo), Roma 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 63.
76. Arioli, A., Su una fonte di Mustawfi Qazvîni, 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 68.
77. Alonso, C., o.s.a., Cartas del P. Melchio de los Angeles, OSA, y otros documentos sobre su actividad en Persia (1610-1619), 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 79.
78. Curatola, G. et M. Spallanzani, Mattonelle Islamiche, Firenze 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 132.
79. Curatola, G. et M. Spallanzani, Metalli islamici delle collezioni granducali, Firenze 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 132.
80. Scerrato, U., Specchi islamici con sfingi scorpioniche, 1980, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 135.
81. Scerrato, U., Lo zodiaco e i pianeti del bacino 58.2.56 del Museo di Kabul, 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, p. 135.
82. Gulbenkian, R., The Translation of the Four Gospels into Persian, Immensee 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, pp. 151-152.
83. Richard, F., Un lectionnaire persan des Évangiles copié en Crimée en 776 H./1374; 1981, in: *Abstracta Iranica* 5, 1982, pp. 152-153.

42. Vercellin, G., Note sulla rivoluzione iraniana, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 218.
43. De Marco, G. & Dinelli, A., On a new *Typha* from the Iranian Sistan Depression, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 224.
44. Stampfli, G. & al., Le dévonien de l'Elbourz Oriental, in: stratigraphie, paléontologie (Brachiopodes et Bryozoaires), paléogéographie, 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 228-229.
45. Casale, A., Carabidi nuovi o poco noti della regione afgana e himalayana (*Coleoptera*, *Carabidae*), 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 231.
46. Pardini, E., Cefalometria della popolazione maschile sistana (Iran), 1977, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 241.
47. Barletti, A. & Squilloni, E., Afghanistan tra nomadismo e industrializzazione, 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 244-245.
48. Bečka, J., Sadridin Ayni father of modern Tajik Culture, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, pp. 2-3.
49. Richard, F., Les manuscrits persans rapportés par les frères Vecchietti et conservés aujourd'hui à la Bibliothèque Nationale, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 8.
50. Gulbenkian, R., The Translation of the Four Gospels into Persian, 1980-1981, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 22.
51. Heckel, W., Alexander at the Persian Gates, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 37.
52. Higgings, W. E., Aspects of Alexander's imperial administration, in: some modern methods and views reviewed, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 38.
53. Pecorella, P. E., L'Urtu sulle rive del lago di Urmia. Una relazione preliminare su tre campagne nell'Azerbaigian Iranico, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 44.
54. S. Moscati, Persepoli. Luci e silenzi di un impero scomparso, Milano 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 44.
55. Rocchi, M., La ritualizzazione del passaggio di Serse in Grecia. Appunti per una lettura erodotea, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 45.
56. Salvini, M., Punte di freccia iscritte del Luristan. Belgiorno, M. R., Due armi del Luristan, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, pp. 46-47.
57. Taşyürek, A. O., Some Iranian Elements on Urartian Bronze. Offering Plaques from Giyimli, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 48.
58. Seager, R., Nev sinas Nedos equitare inultos, in: Horace, the Parthians and Augustan Foreign Policy, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 59.
59. Spinazzola, V., Turan, Cosenza 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 59.
60. Ive, R., Kurdistan, in: nazione senza territorio, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 81.
61. Crowe, Y., Some late Ming elements in Safavid ceramics, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 92.
62. Fontana, M. V., Una rappresentazione 'shi'ita' di Medina, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 92.
63. Scerrato, U., Le collezioni di arte islamica in Italia, 1980, in: *Abstracta Iranica* 4, 1981, p. 96.

21. J. Ch. Bowen, Poems from the Persian, Warminster 1976, in: *Rivista degli Studi Orientali* LI, 1977, pp. 361-362.
22. C. E. Bosworth, The Later Ghaznavids, Edinburgh 1977, in: *Rivista degli Studi Orientali* LII 1978, pp. 126-128.
23. Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part IV, Vol. VI Mazandaran Province, Portfolio I Plates 1-72 Eastern Mazandaran, London 1978, in: *Rivista degli Studi Orientali* LIII, 1979, pp. 210-211.
24. La città bruciata del deserto salato, Venezia 1977, in: *Rivista degli Studi Orientali* LIII, 1979, pp. 216-218.
25. Islam in the Balkans. Persian art and culture of the 18th and 19th centuries, Edinburgh 1979, in: *Rivista degli Studi Orientali* LIII, 1979, pp. 433-435.
26. A. Coletti, Grammatica della lingua persiana, Roma 1977, in: *Rivista degli Studi Orientali* LIV, 1980, p. 243.
27. G. Vercellin, Afghanistan 1973-1978, Venezia 1979, in: *Rivista degli Studi Orientali* LIV, 1980, pp. 419-420.
28. S. Divshali-P. Luft, Persische Handschriften, Wiesbaden 1980, in: *Rivista degli Studi Orientali* LV, 1981, pp. 222-223.
29. Gnoli, G. & Rossi, A. V. éd.s, Iranica, Napoli 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 6.
30. Studi Iranici. 17 Saggi di Iranisti Italiani, Roma 1977, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 14.
31. Belardi, W., Il nome dell'Avesta, in: alla ricerca di un significato perduto, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 16-17.
32. Belardi, W., Note di etimologia armena, 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 17.
33. Boccali, G., Ancora in tema di raddoppiamenti iranici, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 17.
34. Boccali, G., Avestico *suruvata* una formazione in *-nt-* con valore passivo, 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 17-18.
35. Provasi, E., Some Notes on Tehrani Persian Phonology, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 26-27.
36. Rossi, A. V., Phonemics in Balôčī and modern dialectology, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 28.
37. La città bruciata del deserto salato, Maniago, 1977, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 39-40.
38. Moscati, S. Il volto del potere, arte imperialistica nell'antichità, Roma 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 41.
39. Pardini, E., Gli innumati di Shahr-i Sokhta (Sistan, Iran). (Studio osteologico preliminare) – II parte, 1977, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 42.
40. Fiorani Piacentini, V., Archeologia e storia dell'Oriente islamico. Presenze monumentali selgiuchidi nel Khurāsān. Spunti di storia locale (XI-XII sec. D. Cr.), 1978, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, p. 119.
41. Calasso, G., Un'epopea musulmana di epoca timuride, in: il "Xāvar-nāme" di Ebn Ḥosām, 1979, in: *Abstracta Iranica* 3, 1980, pp. 168-169.

C. Book Reviews

1. 'Obeid Zakani, Il libro della barba, traduzione di A. Bausani, Roma 1964, in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n.s. XV, 1965, pp. 345-346.
2. Farīd ad-Dīn ul-Attār, Parole di Šūfi, Torino 1964, in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n.s. XV, 1965 pp. 347-352.
3. M. Iqbal, Il poema celeste, a cura di A. Bausani, Bari 1965, in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n.s. XVI, 1966, pp. 299-300.
4. Šifatnāma-yi Darvīš Muḥammad Ḥān-i Ġāzī, a cura di G. Scarcia, Roma 1965, in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n.s. XVI, 1966, pp. 301-303.
5. Ḥosein ebn-e 'Abdallāh-e Sarābi, Maxzan ol-Vaqāye', Tehran 1966, in: *Oriente Moderno* XLVII, 1967, pp. 829-831.
6. Ḥājj Ne'matollāh Mojrem Mokri, Shāhnāme-ye haqiqat, Téhéran-Paris 1966, in: *East and West*, n. s. 18, 1968, pp. 239-240.
7. Rūzbehān Baqlī Shīrāzī, Commentaire sur les paradoxes des Soufis, Téhéran-Paris 1966, in: *East and West*, n. s. 18, pp. 240-241.
8. R. Varvelli, Aghanistan ultimo silenzio, Bari 1966, in: *Oriente Moderno* XLVIII, 1968, pp. 533-534.
9. A. Pagliaro, A. Bausani, Storia della letteratura persiana, Firenze 1968, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLIII, 1968, pp. 383-386.
10. Mirza Aga Tabrizi, Tre commedie, Roma 1967, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLIII, 1968, pp. 386-387.
11. Yusep di L āmpe-duzā, Palang, Tehran 1966, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLIII, 1968, pp. 387-390.
12. Iraj Afšār, Yādgarhā-ye Yazd, Tehran 1970, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLV 1970, pp. 127-129.
13. Safarnāmē-ye Pietro Della Valle, Tehran 1969, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLV 1970, pp. 129-132.
14. C.H. de Fouchécour, La description de la nature dans la poésie lyrique persane du XI.^e siècle, Paris 1969, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLV 1970, pp. 263-267.
15. P. P. Fischetti, Mercurio Mithra Michael, Monte S. Angelo 1973, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVIII, 1973-74, pp. 290-292.
16. Festgabe deutscher Iranisten zur 2500 Jahreier Irans, Stuttgart 1971, in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVIII, 1973-74, pp. 293-295.
17. W. Heiz, Persische Handschriften, Wiesbaden 1968, in: *Orientalische Literaturzeitung* 69, 1974, pp. 67-70.
18. Hanna Sohrweide, Türkische Handschriften, Wiesbaden 1974, in: *Rivista degli Studi Orientali* LI, 1977, pp. 329-332.
19. R. A. MacDaniel, The Shuster Mission and the Persian Constitutional Revolution, Minneapolis 1974, in: *Rivista degli Studi Orientali* LI, 1977, pp. 332-334.
20. A. Bodrogligeti, The Persian vocabulary of the Codex Cumanicus, Budapest 1971, in: *Rivista degli Studi Orientali* LI, 1977, pp. 360-361.

168. "Roma e gli studi orientali", in: Facoltà di Studi Orientali, *Ordine degli studi Anno accademico 2003-2004*, Università degli Studi di Roma "La Sapienza", Roma 2003, pp. 8-9. Reprinted 2004-2006; on-line <w3.uniroma1.it/studiorientali> (2003-2010).
۱۶۸. «رم و مطالعات شرقی».
169. "Madrasa", in: Maria Vittoria Fontana and Bruno Genito (eds.), *Studi in onore di Umberto Scerrato per il suo settantacinquesimo compleanno*, Università degli Studi di Napoli "L'Orientale", Napoli 2003, II, pp. 635-639.
۱۶۹. «مدرسه».
170. "Traccia araba su codice latino", in: *Litterae Caelestes*, I, 2005, pp. 41-59.
۱۷۰. «اثر عربی بر نسخه خطی لاتینی».
171. "Vitruvio tra gli alfabeti proporzionali arabo e latino", in: *Litterae Caelestes*, II, 2007, pp. 71-97.
۱۷۱. «ویتریوس میان الفباهای تناسبی عربی و لاتینی».
172. "Guglielmo Raimondo Moncada alla Corte di Urbino", in: Mauro Perani (ed.), *Guglielmo Raimondo Moncada alias Flavio Mitridate. Un ebreo converso siciliano. Atti del Convegno Internazionale Caltabellotta (Agrigento) 23-24 ottobre 2004*, Officina di Studi Medievali ("Machina Philosophorum" 13), Palermo 2008, pp. 151-171, plates 4. ISBN 88-88615-67-9.
۱۷۲. «گوئیلمو رایموندا و مونکادا پیش درگاه اوربینو».
173. "Profilo testuale dell'Urb. lat. 1384", in: Marcella Peruzzi (ed.), *Ornatissimo Codice. La Biblioteca di Federico di Montefeltro*, Skira, Ginevra-Milano 2008, p. 195. [Catalogue of the exhibition, Urbino 14 march-27 July 2008]. ISBN 978-88-6130-678-3.
۱۷۳. «نمای متن نسخه خطی اورب. لاتینی در ۱۳۸۴م».
174. "Mignanelli, Beltramo", in: *Dizionario Biografico degli Italiani*, vol. 74, Istituto della Enciclopedia Italiana, Roma 2010, pp. 394-396.
۱۷۴. «مینیانلی، بلترامو».
175. "Pico, Moncada e Abdala Sarracenus nella *Oratio de Hominis Dignitate*", in: M. Perani (ed.), *Flavio Mitridate mediatore fra culture nel contesto dell'ebraismo siciliano del sec. XVI*, Atti del II Convegno internazionale, Caltabellotta, Biblioteca Comunale 30 giugno - 1 luglio 2008. Giuntina ("Testi e Studi dell'AISG" n. 26), Firenze 2011 (forthcoming).
۱۷۵. «پیکو، مونکادا و آبدالا ساراچنوس در خطابه ابهت انسان».

Italy and Europe in Renaissance Linguistics: comparisons and relations. Atti del Convegno internazionale Ferrara, Palazzo Paradiso 20-24 marzo 1991, vol. II, *L'Italia e l'Europa non romanza. Le lingue orientali*, Franco Cosimo Panini, Modena 1996, pp. 519-532. ISBN 88-7686-672-8.

۱۶۰. «کتابهای دستور زبان و لغت‌شناسی عربی در ایتالیا از سده شانزدهم تا سده هفدهم».

161. "Il corano latino di Ficino e i corani arabi di Pico e Monchates", in: *Rinascimento*, s. II, vol. XXXVI, 1996, pp. 227-273, plates 2.

۱۶۱. «نسخه خطی لاتینی قرآن متعلق به فیچینو و نسخه‌های خطی عربی قرآن متعلق به پیکو و مونکاتس».

162. "Beltramo Mignanelli senese biografo di Tamerlano", in: *Oriente Moderno* n. s. XV (LXXVI), 1996, Michele Bernardini (ed.), *La civiltà timuride come fenomeno internazionale*, t. I, pp. 213-226. ۱۶۲. «بلترامو مینیانلی سیه‌نایی شرح‌حال‌نویس تیمورلنگ».

163. "Le origini misteriose del termine mafia", in: *Prometeo*, Arnoldo Mondadori Editore, an. 15, n° 59, Settembre 1997, pp. 108-114.

۱۶۳. «ریشه‌های اسرارآمیز کلمه مافیا».

164. "Le iscrizioni arabe nella *Poliphili Hypnerotomachia*", in: Charles Burnett and Anna Contadini (eds.), *Islam and the Italian Renaissance*, The Warburg Institute ("Warburg Institute Colloquia", 5), London 1999, pp. 199-220, plates 4. ISBN 0 85481 120 6. ۱۶۴. «نوشته‌های عربی در رزمنامه پولیفیلوس با رؤیا».

165. "Lo studio delle cinque lingue presso Savonarola e Pico", in: Michele Bernardini (ed.), *Europa e Islam tra i secoli XIV e XVI. Europe and Islam between 14th and 16th centuries*, Istituto Universitario Orientale (Collana "Matteo Ripa" XVIII), Napoli 2002, vol. I, pp. 179-202.

۱۶۵. «مطالعه زبانهای پنجگانه نزد ساوونارولا و پیکو».

166. "Codici greco-latino-arabi in Italia fra XI e XV secolo", in: Francesco Magistrale, Corinna Drago and Paolo Fioretti (eds.), *Libri, documenti, epigrafi medievali, in: possibilità di studi comparativi. Atti del Convegno internazionale di studio dell'Associazione Italiana dei Paleografi e Diplomatisti Bari (2-5 ottobre 2000)*, Centro Italiano di Studi sull'Alto Medioevo, Spoleto 2002, pp. 445-466, plates 6. ISBN 88-7988-991-5.

۱۶۶. «نسخه‌های خطی لاتین - عبری - عربی در ایتالیا میان سده‌های یازدهم و چهاردهم».

167. "Codici giudeo-arabi di Sicilia", in: Nicolò Bucaria, Michele Luzzati and Angela Tarantino (eds.), *Ebrei e Sicilia*, Soprintendenza per i Beni Culturali e Ambientali, Flaccovio Editore, Palermo 2002, pp. 179-183. 305.8924 CDD-20.

ARABIC MANUSCRIPTS AND ISLAMIC STUDIES IN ITALY

نسخه‌های خطی عربی و تحقیقات اسلامی در ایتالیا

153. "Alfabeto Arabo", in: *Enciclopedia dell'Arte Medievale*, Istituto dell'Enciclopedia Italiana, Roma 1991, vol. I, pp. 369-372, plates 3. ۱۵۳ «الفبای عربی».
154. "Arabi – Scrittura", in: *Enciclopedia dell'Arte Medievale*, vol. II, Roma 1991, pp. 236-239, plates 3. ۱۵۴ «خط اعراب».
155. "La communication du savoir dans le monde musulman au Moyen Âge", in: *Atti del Seminario Internazionale L'elaborazione del sapere tra IX e XIV secolo: esperienze nel mondo arabo e nell'area italiana, Palermo 2-4 dicembre 1992*, Commissione Nazionale Italiana per l'UNESCO e Regione Sicilia, Istituto Poligrafico e Zecca dello Stato, Roma 1994, pp. 65-78. ۱۵۵ «تبادل اطلاعات در جهان اسلام در قرون وسطی».
156. "Paleografia araba", in: *Enciclopedia Italiana di scienze, lettere ed arti, Appendice V 1979-1992*, Istituto dell'Enciclopedia Italiana, Roma 1994, vol. P-SN, pp. 23-24. ۱۵۶ «نسخه‌شناسی عربی».
157. "Corano", in: *Enciclopedia dell'Arte Medievale*, Istituto dell'Enciclopedia Italiana, Roma 1994, V, pp. 309-312. ۱۵۷ «قرآن».
158. "Trinacria arabistica e umanistica", in: Antonino Pellitteri and Giovanni Montaina (ed.s), *Azhar. Studi arabo-islamici in memoria di Umberto Rizzi (1913-1980)*, ("Annali della Facoltà di Lettere e Filosofia dell'Università, Studi e Ricerche", 23), Palermo 1995, pp. 177-186. ۱۵۸ «عرب‌شناسی و انسان‌مداری در سیسیل».
159. "La lingua araba comparata da Beltramo Mignanelli (Siena 1443)", in: *Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae* XLVIII, 1995, Éva M. Jeremiás (ed.), *Zsigmond Telegdi Memorial Volume*, pp. 155-170, plate 1. ۱۵۹ «زبان عربی تطبیق‌شده از بلترامو مینیانلی (سیه‌نا ۱۴۴۳)».
160. "Grammatica e lessicografia araba in Italia dal XVI al XVII secolo", in: Mirko Tavoni (ed.), *Italia ed Europa nella linguistica del Rinascimento: confronti e relazioni*.

EARLY ESSAYS: TA'ZIYE, ZURKHĀNE, FOTOVVAT

تحقیقات قدیمی درباره تعزیه، زورخانه، فتوت

146. "La rappresentazione della ta'ziyè durante il regno di Nāšero'd-Din Šāh (1848-1896) secondo lo scrittore persiano 'Abdallāh Mostoufi", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. XIII, 1963, pp. 303-309.
۱۴۶. «نمایش تعزیه در دوران ناصرالدین‌شاه از دید نویسنده ایرانی عبدالله مستوفی».
147. "La Costituzione dell'Afghanistan (1° ottobre 1964). Nota introduttiva, traduzione e note", in: *Oriente Moderno* XLIV, 1964, pp. 665-685.
۱۴۷. «قانون اساسی افغانستان (اول اکتبر ۱۹۶۴)».
148. "L'organizzazione della "Zurxānè" e la "Futuwwa", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. XIV, 1964, *Studi in onore di Laura V'eccia Vaglieri*, vol. II, pp. 453-473.
۱۴۸. «سازمان زورخانه و فتوت».
149. "La moderna terminologia della lotta tradizionale persiana", in: *Oriente Moderno* XLV, 1965, pp. 787-801.
۱۴۹. «اصطلاح‌شناسی جدید کشتی‌گیری سنتی ایران».
150. "La leggenda del santo lottatore Pahlavān Maḥmud Xvārezmi Puryā-ye Vali (m. 722/1322)", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. XV, 1965, pp. 167-213.
۱۵۰. «افسانه کشتی‌گیری پهلوان محمود خوارزمی پوریای ولی (د ۷۲۲ق/۱۳۲۲م)».
151. "Il capitolo sui "pahlavān" delle "Badāyi' al-Vaqāyi'" di Vāṣefi", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. XVI, 1966, pp. 207-220.
۱۵۱. «فصل بدایع الوقایع اثر واصفی در مورد پهلوانان».
152. "Il trattato sulla Futuwwa (Fotovvatnāmè-ye solṭāni) di Ḥosein Vā 'ez Kāšefi. Relazione preliminare", in: *Atti del Terzo Congresso di Studi Arabi e Islamici, Ravello 1-6 settembre 1966*, Istituto Universitario Orientale, Napoli 1967, pp. 615-619.
۱۵۲. «رساله حسین واعظ کاشفی در مورد فتوت (فتوت‌نامه سلطانی). گزارش مقدماتی».

140. "Riflessioni. La Persia e l'Italia. Conversazione con Angelo Michele Piemontese, a cura di Stefano Cammelli", in: *Viaggi di Cultura*, Bologna, anno XXVI, n° 211, Aprile 1992, pp. 3-14.
۱۴۰. «تأملات: ایران و ایتالیا (گفت‌وگو با آنجلو میخله پیه‌مونته، به کوشش استفانو کاملی)».
141. "Discussa a Teheran la cooperazione culturale e scientifica in Asia Centrale", in: *Rassegna quadrimestrale della Commissione Nazionale Italiana per l'UNESCO*, n. s. XXXIX, 1-3, 1992, pp. 84-88.
۱۴۱. «تعاون فرهنگی و علمی در آسیای میانه در مذاکرات تهران».
142. "Lapidi di militi e civili emigrati d'Italia in Persia", in: *Quaderni di Oriente Moderno* 6, 2008, Mirella Galletti (ed.), *Medici, missionari, musicisti e militari italiani attivi in Persia, Impero Ottomano, Egitto*, pp. 25-70. [Paper presented to the International Conference "Arti e mestieri italiani nel mondo islamico", Isola di S. Giorgio, Venezia, 13-14 October 2005, Fondazione Giorgio Cini].
۱۴۲. «سنگ مزارهای افراد نظامی و مدنی مهاجر از ایتالیا به ایران».
143. "Cavour e l'asse commerciale Torino-Teheran", in: *il Riformista*, an. XIII, n° 61, Roma 12 marzo 2008, p. 5. [Paper presented to the Colloque "Cavour et la Perse: un modèle italien de politique internationale", Prix Grinzane France, Istituto Italiano di Cultura, Paris 13 mars 2008].
۱۴۳. «کاوور و محور بازرگانی تورینو - تهران».
144. "Apporti tecnici d'Italiani in Persia nel XIX secolo", in: Maria Francesca Bonetti and Alberto Prandi (ed.s), *La Persia Qajar. Fotografi italiani in Iran 1848-1864*, Istituto Nazionale per la Grafica, Peliti Associati, Roma 2010, pp. 13-21; cf. bibliography, pp. 244-245. [Catalogue of the exhibition, Roma, Calcografia, 11 february-5 april 2010]. ISBN 978-88-89412-42-8.
۱۴۴. «مستشاران فنی ایتالیایی در ایران در سده نوزدهم».
145. "La semente nella diplomazia tra Regno di Sardegna e Persia", in: *Oriente, Occidente e dintorni... Scritti in onore di Adolfo Tamburello*, a cura di Franco Mazzei e Patrizia Carioti, Università degli Studi di Napoli "L'Orientale" Dipartimento di Studi Asiatici, Istituto Italiano per l'Africa e l'Oriente, Il Torcoliere, Napoli 2010, vol. IV, pp. 1945-1965. ISBN 978-88-95044-66-8.
۱۴۵. «بذر دیپلماسی بین پادشاهی ساردینی و ایران».

131. "Descrizioni d'Italia in viaggiatori persiani del XIX secolo", in: *Annali della Facoltà di Lingue e letterature straniere di Ca' Foscari* IX/3, 1970 (*Série Orientale*, 1), pp. 63-106, plates 4.
۱۳۱. «توصیفات ایتالیا از سیاحان ایرانی سده نوزدهم».
132. "La questione centroasiatica in E. Andreini (1872-'86)", in: *Il Veltro* XVI, 1972, pp. 475-530.
۱۳۲. «مسئله آسیای میانه از نظر ا. آندره‌ئینی».
133. "The Photograph Album of the Italian Diplomatic Mission to Persia (Summer 1862)", in: *East and West* 22, 1972, pp. 249-311, plates 63.
۱۳۳. «آلبوم تصویری هیأت دیپلماتیک ایتالیا در ایران (تابستان ۱۸۶۲)».
134. "L'esercito persiano nel 1874-75. Organizzazione e riforma secondo E. Andreini", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLIX, 1975, pp. 71-117.
۱۳۴. «ارتش ایران در سالهای ۱۸۷۴ - ۱۸۷۵. سازماندهی و اصلاح به نظر آندره‌ئینی».
135. "Gli ufficiali italiani al servizio della Persia nel XIX secolo", in: Giorgio Borsa and Paolo Beonio Brocchieri (eds.), *Garibaldi, Mazzini e il Risorgimento nel risveglio dell'Asia e dell'Africa*, Franco Angeli Ed., Milano 1984, pp. 65-130. [Comunicazione al Convegno omonimo, Università di Pavia, Centro studi per i popoli extraeuropei e Dipartimento di studi politici e sociali, 25-27 novembre 1982].
۱۳۵. «افسران ایتالیایی در خدمت ایران در سده نوزدهم».
136. "La Persia Qagiara e il suo Scià in un rapporto di E. Andreini (1873)", in: *Opinioni Bahá'í* IX, 1, Gennaio-Marzo 1985, pp. 27-41.
۱۳۶. «ایران قاجار و شاه آن در گزارشی از ا. آندره‌ئینی (۱۸۷۳)».
137. "Afsarān-e itālīyāi dar xedmat-e Irān dar 'ahd-e qājār", in: *Majallé-ye Taḥqīqāt-e Tārixī 'Elmī Pažuhešī*, Tehrān, sāl-e avval, šomārē-ye sevvom, zemestān-e 1368/Winter 1990, pp. 385-443.
۱۳۷. «افسران ایتالیایی در خدمت ایران در عهد قاجار».
138. "La Persia a Torino", in: Gh. Gnoli and A. Panaino (eds.), *Proceedings of the First European Conference of Iranian Studies held in Turin, September 7th-11th, 1987 by the Societas Iranologica Europaea*, IsMEO, Roma 1990, Part 2, *Middle and New Iranian Studies*, pp. 511-518, plates 2.
۱۳۸. «ایران در تورینو».
139. "Arteš dar Irān dar sālḥā-ye 1874 va 1875-e milādī, sāxtār va sāzemāndehi-e ān az didār-e ženerāl Enriko Andreini", in: *Tārix-e Mo'ašer-e Irān*, ketāb-e sevvom, zemestān 1370/1992, Tehrān, Mo'assesé-ye Pažuheš va Moṭāle'āt-e Farhangi, pp. 11-49.
۱۳۹. «ارتش ایران در سالهای ۱۸۷۴ و ۱۸۷۵ میلادی: ساختار و سازماندهی آن از دید ژنرال انریکو آندره‌ئینی».

HISTORY OF THE DIPLOMATIC RELATIONS
BETWEEN ITALY AND IRAN

تاریخ روابط سیاسی میان ایتالیا و ایران

125. "Le relazioni fra Italia e Persia nel XIX secolo. I trattati del 1857 e del 1862", in: *Oriente Moderno* XLVIII, 1968, pp. 537-566.
۱۲۵. «روابط مابین ایتالیا و ایران در سده نوزدهم. قراردادهای ۱۸۵۷ و ۱۸۶۲».
126. "Le relazioni fra Italia e Persia nel XIX secolo. La corrispondenza reale", in: *Oriente Moderno* XLIX, 1969, pp. 1-20.
۱۲۶. «روابط بین ایتالیا و ایران در سده نوزدهم. مکاتبات سلطنتی».
127. "Per una biografia di Mirzā Malkom Xān (Materiali e documenti)", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. XIX, 1969, pp. 361-385.
۱۲۷. «شرح حال میرزا ملکم خان (مواد و اسناد)».
128. "An Italian Source for the History of Qāḡār Persia the Reports of General Enrico Andreini (1871-1886)", in: *East and West*, n. s. 19, 1969, pp. 145-179.
۱۲۸. «یک مأخذ تاریخی درباره تاریخ قاجار: گزارش‌های ژنرال انریکو آندره‌ینی، ۱۸۷۱ - ۱۸۸۶».
Persian translation by Xosrou Fāniyān, "Yek mā'xaz-e tārixī dar bārē-ye tārix-e qājāriyē, gozārešh-hā-ye ženerāl Enriko Andreini (1871-1886)", in: *Majallē-ye Barrasihā-ye Tārixī*, Tehrān, IX, 1353/1974, pp. 37-70.
129. "The Statutes of the Qāḡār Orders of Knighthood", in: *East and West*, n. s. 19, 1969, pp. 431-473, plates 22.
Persian translation by Yahyā Rašīdi, "Nešānhā-ye douré-ye Qājār", in: *Majallē-ye Barrasihā-ye Tārixī*, Tehrān, VI, 1350/1971, pp. 185-235, plates 22.
۱۲۹. «نشانه‌های دوره قاجار».
130. "Profilo delle relazioni italo-persiane nel XIX secolo", in: *Il Veltro* XIV, 1970, pp. 77-85.
۱۳۰. «نگرشی بر روابط بین ایتالیا و ایران در سده نوزدهم».

Italy, Ministero degli Affari Esteri, Direzione per la Promozione e la Cooperazione Culturale, Gangemi Editore, Roma 2006, pp. 42-68. ISBN 88-492-0967-3.

۱۱۹. «سیمای اسکندر کبیر در رُم. مرگ قهرمانانۀ اسکندر کبیر به تصویر در آمده در رُم».

120. "Les célébrités du Janicule et les diplomates Safavides immigrés à Rome", in: *Eurasian Studies*, V, 1/2, 2006, Michele Bernardini, Masashi Haneda and Maria Szuppe (eds.), *Liber amicorum. Études sur l'Iran médiéval et moderne offertes à Jean Calmard*, pp. 271-295. «چالاکي ژانیکول و سفيران صفوی مهاجر به رُم».

121. "*Amicitiae nexus*. Lettere tra i Papi e i Re di Persia (1874-1922)", in: *Dall'Archivio Segreto Vaticano. Miscellanea di testi, saggi e inventari*, II, Archivio Segreto Vaticano, Città del Vaticano 2007, pp. 385-462. ISBN 978-88-85042-53-7. «پیوند دوستی. مکاتبات بین پاپ‌ها و شاهان ایران (۱۸۷۴ - ۱۹۲۲)».

122. "La diplomazia di Gregorio XIII e la lettera del Re di Persia a Sisto V", in: *Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae XIV* ("Studi e Testi, 443"), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2007, pp. 363-410, plate I. ISBN 928-88-210-0830-6. «دیپلماسی پاپ گرگوریوس سیزدهم و نامه شاه ایران به پاپ سیکستوس پنجم».

123. "Il culto dei santi persiani in Roma", in: Lorenzo Casadei (ed.), *Arte e culti dell'Oriente cristiano a Roma e nel Lazio*. Saggi di Angelo M. Piemontese, Renato D'Antiga, Marta Ragozzino, Anna Calà, Lorenzo Casadei, Giulia Lotti, Casadei Editore Porte d'Oriente (Quadri d'Arte 1), Padova 2009, pp. 15-69, plates 22. Reprint 2010. ISBN 88-89466-44-5. «پرستش قدیسان ایرانی در رُم».

124. "La Persia nel paesaggio monumentale di Roma", in: Marina Righetti, Alessandro Cosma and Roberta Cerone (ed.s), *Roma, paesaggi contemporanei. Atti del convegno di studi 28-30 maggio 2008 Sapienza Università di Roma*, Ateneo federato delle Scienze Umane delle Arti e dell'Ambiente, Campisano Editore, Roma 2009, pp. 59-68. ISBN 978-88-88168-44-9. «ایران در منظره یادگاری رُم».

HISTORY OF THE DIPLOMATIC RELATIONS BETWEEN PAPAL ROME AND IRAN

ظهور روابط سیاسی میان واتیکان در رم با ایران

113. "Il poeta Meskin e l'onorificenza di Pio IX all'Emāmjom'è d'Esfahān", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVII, 1972, pp. 81-95.
۱۱۳. «شاعر متخلص به «مسکین» و نشان افتخاری پاپ پیوس نهم به امام جمعه اصفهان».
114. "La représentation de Uzun Hasan sur scène à Rome (2 Mars 1473)", in: *Turcica. Revue d'Études Turques* XXI-XXII, 1991, *Mélanges offerts à Irène Mélikoff*, pp. 191-203.
۱۱۴. «نمایش اوزون‌حسن در رُم».
115. "The Nuncios of Pope Sixtus IV (1471-84) in Iran", in: Kambiz Esлами (ed.), *Iran and Iranian Studies. Essays in Honor of Iraj Afshar*, Zagros, Princeton, New Jersey, 1998, pp. 90-108. ISBN 0-966-34420-0.
۱۱۵. «سفیران پاپ سیکستوس چهارم (۱۴۷۱-۱۴۸۴) در ایران».
116. "L'antica Persia veduta in Roma", in: Biancini, Borghi, [...], Piemontese, [...], Trisoglio, Troncarelli, *Roma memoria e oblio*, Tiellemmedia Editore, Roma 2001, pp. 71-81, plates 3. ISBN 88-210-0791-X.
۱۱۶. «ایران باستان در رم».
117. "L'ambasciatore di Persia presso Federico da Montefeltro, il cardinale Bessarione e Ludovico Bononiense O.F.M.", in: *Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae XI* ("Studi e Testi", 423), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2004, pp. 539-565, plate 1. ISBN 88-210-0753-7.
۱۱۷. «سفیران ایران نزد فردریکوی مونتۀ فلترو، کاردینال بشاریون و فرانسیسی لودویکوی بولونیایی راهب».
118. "I due ambasciatori di Persia ricevuti da Papa Paolo V al Quirinale", in: *Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae XII* ("Studi e Testi", 430), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2005, pp. 357-425, plates 6. ISBN 88-210-0791-X.
۱۱۸. «دو سفیر ایران پذیرفته‌شده توسط پاپ پائولوس پنجم در کاخ کوئیریناله».
119. "Le imprese di Alessandro Magno figurate in Roma. The Heroic Deeds of Alexander the Great as Portrayed in Rome", in: *Immagine del Mito. Iconografia di Alessandro Magno in Italia. Images of a Legend. Iconography of Alexander the Great in*

107. "Poèmes lyriques italiens consacrés à Omar Khayyam", in: *Lugmān* XIX, 1, Tehrān, Automne-hiver 2002-2003, Numéro de série 37, *Mélanges in memoriam Javād Ḥadīdī*, pp. 127-139. «اشعار تغزلی ایتالیایی در وصف عمر خیام».
108. "Una sinossi di sillabismo lessicale e verbo persiano", in: Antonio Panaino & Riccardo Zipoli (eds.), *Proceedings of the 5th Conference of the Societas Iranologica Europaea held in Ravenna 2003, 6-11 October*, Vol. II, *Classical & Contemporary Iranian Studies*, Mimesis, Milano 2006, pp. 451-458. ISBN 978-88-8483-464-5. «یک چکیده هجانبندی لغات و فعل فارسی».
109. "La Persia nel poema italiano rinasciente in ottava rima", in: *Bollettino di Italianistica*, n. s. VI, n° 2, 2009, pp. 84-116. «ایران در منظومه ایتالیایی زاینده به هشتمین قافیه».
110. "La traduction persane de l'Évangile par Leopoldo Sebastiani", in: Christelle Jullien (ed.), *Passages Missionnaires. Échanges et identités*, Association pour l'avancement des études iraniennes (Studia Iranica, cahier 44, série *Chrétiens en terre d'Iran*, vol. IV), Peeters, Paris 2011, pp. 50-96. «ترجمه فارسی انجیل به دست لئوبولدو سیباستیانی».
111. "G. B. Vecchietti e la letteratura giudaico-persiana", in: *Materia giudaica* 12, 2011 (forthcoming). «ج. ب. وکیّتی و ادبیات عبری - فارسی».
112. "The Emergence of Persian Grammar and Lexicography in Rome", in: *Rivista degli Studi Orientali* XC, 2011 (forthcoming). [Paper presented to the International Conference on the Study of Persian Culture in the West: Sixteenth to Early Twentieth Century, St. Petersburg, The State Hermitage Museum, 24-27 June 2004]. «ظهور دستور زبان و فرهنگ‌نویسی فارسی در رم».

101. "Barbaro, Giosafat", in: *Encyclopædia Iranica*, Routledge & Kegan Paul, London-New York 1988, vol. III, p. 758.
۱۰۱. «باربارو، جوسافت».
102. "Tārixčé-ye irānšenāsi dar Itāliā", in: 'Ali Musavi Garmārudi (ed.), *Majmu'ê-ye maqālāt-e Anjomanvārê-ye Barrasi-e masā'el-e irānšenāsi*, Daftar-e Moṭāle'āt-e siyāsi va beynolmelali, Tehrān 1368/1990, pp. 91-113, plates 4. Reprint 1371/1992.
۱۰۲. «تاریخچهٔ ایرانشناسی در ایتالیا (به زبان فارسی)».
Re-edited by Iraj Afšār, in: *Āyandé* 17, 5-8, mordād-ābān 1370/ August-November 1991, pp. 476-497.
Also republished in: *Xabar*, Tehrān, n° 3175, 19 mehr 1371/11 October 1992, p. 9; n° 3181, 26 mehr 1371/18 October 1992, p. 9.
103. "Opere teatrali di argomento indiano a Napoli tra XVIII e XIX secolo", in: Antonio Sorrentino and Maurizio Taddei (eds.), *Napoli e l'India. Atti del Convegno Napoli-Ercolano, 2-3 giugno 1988*, Istituto Universitario Orientale, Dipartimento di Studi Asiatici ("Series Minor", XXXIV), Napoli 1990, pp. 351-377.
۱۰۳. «نمایشنامه‌ها شامل نمونه‌های هندی در ناپل میان سده‌های هجدهم و نوزدهم».
104. "Iran's Rich Cultural Heritage", in: *Kayhan International*, Tehran, 24 August 1991, p. 8 (interview).
۱۰۴. «میراث فرهنگی غنی ایران».
105. "Persia e Persiani nel dramma per musica veneziano", in: *Opera & Libretto II*, [a cura di Maria Teresa Muraro e Giovanni Morello], Fondazione Giorgio Cini, Leo S. Olschki Editore ("Studi di Musica Veneta"), Firenze 1993, pp. 1-34. [Proceedings of the International Conference "Esotismo e spaesamento nella drammaturgia musicale", Venezia, Fondazione Cini, Isola di San Giorgio Maggiore, 8-10 September 1988].
۱۰۵. «ایران و ایرانیان در نمایشنامهٔ موسیقایی ونیزی».
106. "Leggere e scrivere «orientalia» in Italia", in: *Annali della Scuola Normale Superiore di Pisa, Classe di Lettere e Filosofia*, s. III, vol. XXIII, 1993, pp. 427-453. [Proceedings of the Conference "Writing and Reading. Models and Applications in modern Europe (16th-18th Centuries)", Erice, Centro Ettore Majorana, International School for the Study of Written Records, 17-22 September 1989].
۱۰۶. «خواندن و نوشتن مطالب «شرقی» در ایتالیا».

93. "B. Boncompagni e lo studio delle scienze arabe, e indiane, nell'Ottocento", in: Ugo Marazzi (ed.), *La conoscenza dell'Asia e dell'Africa in Italia nei secoli XVIII e XIX*, Istituto Universitario Orientale, Napoli 1984, vol. I, tomo I, pp. 121-141.
۹۳. «ب. بونکومپانی و مطالعه علوم عربی و هندی در سده نوزدهم».
94. "Bibliografia delle opere di Ugo Monneret de Villard (1881-1954)", in: *Rivista degli Studi Orientali* LVIII, 1984, pp. 1-12.
۹۴. «کتابشناسی آثار اوگو مونریت د ویلارد (۱۸۸۱ - ۱۹۵۴)».
95. "Alessandri, Vincenzo degli", in: *Encyclopædia Iranica*, Routledge & Kegan Paul, London 1985, vol. I, pp. 825-826.
۹۵. «آلساندری، وینچنزوی دلی».
96. "Angiolello, Giovanni Maria", in: *Encyclopædia Iranica*, vol. II, London 1986, pp. 31-32.
۹۶. «آنجولهلو، جوانی ماریا».
97. "Circa la Bibliografia italiana dell'Iran", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. 46, 1986, pp. 631-644.
۹۷. «درباره کتابشناسی ایتالیایی ایران».
98. "Intervento nel dibattito", in: Massimo L. Bianchi (ed.), *Storia delle idee. Problemi e prospettive. Seminario internazionale Roma, 29-31 ottobre 1987*, Edizioni dell'Ateneo ("Lessico Intellettuale Europeo, XLIX"), Roma 1989, pp. 181-182.
۹۸. «مشارکت در گفت‌وگو».
99. "Iranian Studies in Italy", in: *Iranian Studies, The Journal of the Society for Iranian Studies*, XX / 2-4, 1987, Rudi Matthee and Nikki Keddie (ed.), *Iranian Studies in Europe and Japan*, pp. 99-130. [Proceedings of the panel held at the Middle East Studies Association Convention in Boston, November 1986].
Persian translation by Morteza As'adi, "Irānšenāsi dar Itāliā", in: *Naš-e dāneš*, Tehrān, 12, 5, mordād-šahrivar 1371/August-September 1992, pp. 30-40.
Persian translation 'Irānšenāsi dar Itāliā', in: *Irānšenāsi dar Orūpā va Žāpon*, tarjome-ye Morteza As'adi, Enteshārat-e beyno'l melali-ye al-Hudā, Tehrān 1371/1993, pp. 133-176.
۹۹. «ایرانشناسی در ایتالیا».
100. 'Venezia e la diffusione dell'alfabeto arabo nell'Italia del Cinquecento', in: *Quaderni di Studi Arabi* 5-6, 1987-1988, *Atti del XIII Congresso de l'Union d'Arabisants et d'Islamisants (Venezia 29 settembre-4 ottobre 1986)*, Casa Editrice Armena, Venezia 1988, pp. 641-660, plates 8.
۱۰۰. «ونیز و رواج الفبای عربی در ایتالیا در سده پانزدهم».

HISTORY OF THE IRANIAN STUDIES IN ITALY

تاریخ مطالعات ایرانی در ایتالیا

84. "Filologia iranica", in: *Grande Dizionario Enciclopedico Utet*, vol. VII, Torino 1968, pp. 880-881. ۸۴ «فقه اللغة ایرانی».
85. "Paretakênôi e Paraitakênê. Note etimologiche", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLIV, 1969, pp. 109-142. ۸۵ «پره‌تاکینوئی و پرایتاکینوئی. یادداشت‌های ریشه‌شناسی».
86. "Cinquant'anni di persianologia", in: *Gli Studi sul Vicino Oriente in Italia dal 1921 al 1970. II. L'Oriente islamico*, Istituto per l'Oriente, Roma 1971, pp. 307-408. ۸۶ «پنجاه سال ایران‌شناسی».
87. "L'opera di redazione del Dizionario persiano-italiano", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVIII, 1973-74, pp. 205-242. Edited together with G. D'Erme, G. Scarcia, G. Vercellin. ۸۷ «کار ویرایشی فرهنگ فارسی - ایتالیایی».
88. "Cronaca Orientalistica. Istituto di Studi Islamici. Nota sulla storia della Scuola Orientale", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVIII, 1973-74, pp. 299-307. Edited together with A. Bausani and B. M. Alfieri. ۸۸ «رویدادشمار خاورشناسی. مؤسسه تحقیقات اسلامی. یادداشت‌هایی درباره تاریخ مدرسه شرقی».
89. "Omar Khayyām in Italia", in: *Oriente Moderno* LIV, Nr. 41, 1974, *Dedicato a Francesco Gabrieli nel 70° anno*, pp. 133-155. ۸۹ «عمر خیام در ایتالیا».
90. "Raffaella Garosi nel ricordo di un suo professore", in: *l'Unità*, LI, n° 221, Roma, 13 agosto 1974, p. 10 (letter). ۹۰ «رفائلا گاروسی به یاد یک استاد او افتاد».
91. "La "Grammatica Persiana" di G. B. Raimondi", in: *Rivista degli Studi Orientali* LIII, 1979, pp. 141-150. ۹۱ «کتاب "دستور زبان فارسی"، اثر ج. ب. رایموندی».
92. "Una nuova grammatica del neopersiano", in: *Rivista degli Studi Orientali* LV, 1981, pp. 87-103. [About G. M. D'Erme, *Grammatica del neopersiano*, Napoli 1979]. ۹۲ «یک کتاب جدید دستور زبان فارسی».

79. "Il nucleo persiano delle «Mille Novelle»", in: Mirella Cassarino (ed.), *Medioevo Romanzo e Orientale. Sulle orme di Šabrazād: le «Mille e una notte» fra Oriente e Occidente. VI Colloquio Internazionale Ragusa, 12-14 ottobre 2006. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui" 10), Soveria Mannelli 2009, pp. 233-251. ISBN 978-88-498-2752-1. «هسته فارسی "هزار افسانه" (هزار و یک شب)».
80. "La navigazione eroica di Garšāsp, tra Alessandro, Sindbād e Brandano", in: Gaetano Lalomia and Antonio Pioletti (eds.), *Medioevo romanzo e orientale. Temi e motivi epico-cavallereschi fra Oriente e Occidente, VII Colloquio internazionale Ragusa, 8-10 maggio 2008. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui" 11), Soveria Mannelli 2010, pp. 223-247. ISBN 978-88-498-2751-4.
 ۸۰ «دریانوردی قهرمانانه گرشاسپ میان اسکندر، سندباد و براندان».
81. "L'epica persiana: il *Codice Regio* di Ferdousi", in: Gian Franco Gianotti (ed.), *Tradizioni epiche e letteratura*, a Società Editrice il Mulino, Bologna 1911, pp. 141-169. ISBN 978-88-15-14922-0. [Proceedings of the Conference *Le tradizioni epiche dei popoli indoeuropei in ricordo di Oscar Botto*, Accademia delle Scienze di Torino, Università degli Studi di Torino, Facoltà di Lettere e Filosofia, 7-9 april 2010].
 ۸۱ «حماسه فارسی: شاهنامه فردوسی».
82. 'The Enigma of Turandot in Nizāmī's Pentad. Azāda and Bahrām between Esther and Sindbād', in: Johann-Cristoph Bürgel and Christine van Ruymbeke (eds.), *A Key to the Treasure of the Hakīm. Artistic and humanistic aspects of Nizāmī Ganjavi's Khamsa*, University Press, Leiden 2011, pp. 127-144. ISBN 978-90-8728-097-0. [Proceedings of the International Conference, 9-10 September 2004, Faculty of Oriental Studies, Cambridge, UK].
 ۸۲ «راز توران دخت در حماسه نظامی. آزاده و بهرام در میان ایستر و سندباد».
83. 'Architettura, Eupalinos e l'etimo di ar. muqarnas < lat. mucrones', in: *Oriente Moderno*, XC, 2010 (forthcoming).
 ۸۳ «معماری، انوپالینوس و ریشه‌های لغت عربی مقرنس از لاتین مکرنس».

۷۲. «تأثیرات چند از داستان بلند آرثور در متن‌های داستانی فارسی».

73. "Il romanzo di Alessandro nella cosmografia persiana di Hamadāni", in: Michele Bernardini and Natalia L. Tornesello (eds.), *Scritti in onore di Giovanni M. D'Erme*, Università di Napoli "L'Orientale" ('Serie Minor' LXVIII), Napoli 2005, II, pp. 847-867. ISSN 1824-6109. «داستان بلند اسکندر در جهان‌نما اثر همدانی».
74. "I sepolcri antichi repertoriati nella cosmografia di Hamadāni", in: *Oriente Moderno*, XXIV n. s. (LXXXV), 2005, *Studi in memoria di Pier Giovanni Donini*, pp. 523-535. «مقابر باستانی مذکور در جهان‌نما اثر همدانی».
75. "The girdle figured in the Persian *intextus* poem", in: Ed Emery (ed.), *Muwashshab. Proceedings of the Conference on Arabic and Hebrew Strophic Poetry and its Romance Parallels, School of Oriental and African Studies [SOAS], London, 8-10 October 2004*, Print Room, SOAS, London 2006, pp. 173-195, plates 4. «ریسمان حروف در شعر متقاطع فارسی».
76. "Libri persiani di viaggio tra Medioevo ed epoca moderna", in: Giovanna Carbonaro; Mirella Cassarino, Eliana Creazzo and Gaetano Lalomia (eds.), *Medioevo romanzo e orientale. Il viaggio nelle letterature romanze e orientali. V Colloquio Internazionale. VII Convegno della Società Italiana di Filologia Romanza Catania-Ragusa, 24-27 settembre 2003. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui" 8), Soveria Mannelli 2006, pp. 571-597. ISBN 978-88-498-1701-0. «سفرنامه‌های فارسی میان قرون وسطی و دوران جدید».
77. "Il fuoco stellare nascosto nella leggenda persiana dei tre re magi", in: Pier Giorgio Borbone, Alessandro Mengozzi and Mauro Tosco (eds.), *Loquentes linguis. Studi linguistici e orientali in onore di Fabrizio A. Pennacchietti. Linguistic and Oriental Studies in Honour of Fabrizio A. Pennacchietti. Lingvistikaj kaj orientaj studoj honore al Fabrizio A. Pennacchietti*, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden 2006, pp. 579-590. ISBN 10:3-447-0584-0 ISBN 13:978-3-447-05484-3. «آتش ستاره‌ای نهفته در افسانه فارسی سه شاه مغ».
78. "Sources and Art of Amir Khosrou's "The Alexandrine Mirror""", in: Franklin Lewis & Sunil Sharma (ed.s), *The Necklace of the Pleiades. Studies in Persian Literature Presented to Heshmat Moayyad on his 80th Birthday*, Rozenberg Publishers & Purdue University Press, Amsterdam & West Lafayette, Indiana Usa 2007, pp. 31-45. ISBN 978-90-5170-952-0. «منابع و هنر امیر خسرو: آینه اسکندری».

65. "Anciens monuments sur l'eau, selon Tarsusi", in: *Environmental Design* 1-2, 1997-98-99, *Trails to the East. Essays in Memory of Paolo Cuneo*, pp. 137-143. ISBN 88-86805-00-8.
۶۵ «یادمان‌های کهن به روایت طرسوسی».
66. "Alexandre le «circumnavigateur» dans le roman persan de Tarsusi", in: *Mélanges de l'École Française de Rome. Moyen Âge* 112, 2000, pp. 97-112. [Proceedings of the International Conference "Alexandre Le Grand, figure de l'incomplétude. Actes de la table ronde de la Fondation Hugot du Collège de France, 31 mai 1997, réunis par François de Polignac".
۶۶ «اسکندر دریانورد» در داستان فارسی طرسوسی».
67. "Alessandro sul Monte Magog descritto da Amir- Khosrou", in: *Cinquant'anni del Liceo Classico di Monte Sant'Angelo 1948/49-1998/99*, Istituto Statale di Istruzione Secondaria Superiore "Gian Tommaso Giordani", Monte Sant'Angelo 2000, pp. 197-207.
۶۷ «توصیف امیر خسرو از اسکندر بر کوه مأجوج».
68. "La proporzione dipinta nel canone persiano", in: *Critica del testo* III/1, 2000, *II Canone alla fine del millennio*, pp. 111-143.
۶۸ «تناسب مراسم در ملاک ادبی فارسی».
69. "Roma nella cosmografia persiana medioevale", in: Ludovico Gatto and Paola Supino Martini (eds.), *Studi sulle società e le culture de Medioevo per Girolamo Arnaldi*, Università degli Studi di Roma "La Sapienza", [Firenze] All'Insegna del Giglio, 2002, II, pp. 499-518, plate 1. ISBN 88-7814-204-2.
۶۹ «رم در کیهان‌شناخت فارسی قرون وسطایی».
70. "Percorsi di testi narrativi greci in versione persiana", in: Fabrizio Beggiano and Sabina Marinetti (eds.), *Convegno Vettori e percorsi tematici nel Mediterraneo romanzo. Seminario L'Apollonio di Tiro nelle letterature euroasiatiche dal Tardo-antico al Medioevo [Roma (Villa Celimontana), 11-14 ottobre 2000]. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui" 6), Soveria Mannelli 2002, pp. 135-143, 305-306. ISBN 88-498-0466-0.
۷۰ «مسیرهای متون داستانی یونانی در روایت فارسی».
71. "La vita nuova nel diario romano di Foruḡ Farroxxād", in: *Oriente Moderno* n. s. XXII (LXXXIII), 2003, pp. 159-167.
۷۱ «زندگی نوین در دفتر خاطرات داستانی فروغ فرخزاد».
72. "Tracce del romanzo di Artù in testi narrativi persiani", in: G. Carbonaro, E. Creazzo and N. L. Tornesello (eds.), *Medioevo romanzo e orientale. Macrotesti fra Oriente e Occidente. IV Colloquio internazionale Vico Equense, 26-29 ottobre 2000. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui" 7), Soveria Mannelli 2003, pp. 295-312. ISBN 88-498-0710-4.

58. "Dottrina e arte di Mani secondo lo scrittore persiano 'Oufi, con una glossa sul libro Gemello", in: *Un ricordo che non si spegne. Scritti di docenti e collaboratori dell'Istituto Universitario Orientale di Napoli in memoria di Alessandro Bausani*, Istituto Universitario Orientale, Napoli 1995, pp. 296-307.
 ۵۸. «عقیده و هنر مانی به نظر عوفی نویسنده ایرانی و یک حاشیه».
59. "Les Huit paradis d'Amir-Khosrow et la littérature européenne", in: *Lugmān*, Tehrān, an. XII, n. 1, n. série 23, Automne-hiver 1995-96, pp. 7-24.
 ۵۹. «هشت بهشت امیر خسرو دهلوی و ادبیات اروپائی».
60. "Pol-i mostaqim bein-e adabiyāt-e pārsi va itāliāi", in: Moḥsen Ebrāhim, *Adabiyāt va ncvisandegān-e mo'āser-e Itāliā*, Fekr-e Ruz, Tehrān 1376/1997, vol. I, pp. 15-21. ISBN 964-5838-60-6.
 ۶۰. «پلی مستقیم بین ادبیات پارسی و ایتالیائی (گفت‌وگو به زبان فارسی)».
61. "Il pomo aureo del paradiso persiano", in: *In memoria di Francesco Gabrieli (1904-1996)*. Supplemento n° 2 alla Rivista degli Studi Orientali volume LXXI, Bardi, Roma 1997, pp. 147-157.
 ۶۱. «سیب زرین بهشت ایرانی».
62. "Le persan, langue des sciences et langue de cour dans l'Iran médiéval", in: Ž. Vesel, H. Beikbaghban and B. Thierry de Croussol des Epesse (eds.), *La science dans le monde iranien à l'époque islamique. Actes du colloque tenu à l'Université des Sciences Humaines de Strasbourg (6-8 juin 1995)*, Institut Français de Recherche en Iran ("Bibliothèque Iranienne, 50"), Téhéran 1998, pp. 389-401. Reprint 2004. ISBN 2-909961-10-9 ISBN 2-909961-24-9.
 ۶۲. «فارسی، زبان علم و زبان دربار در ایران قرون وسطی».
63. "Le submersible Alexandrin dans l'abysse, selon Amir- Khusrau", in: Laurence Harf-Lancner, Claire Kappler and François Suard (eds.), *Alexandre le Grand dans les littératures occidentales et proche-orientales. Actes du Colloque de Paris, 27-29 novembre 1999* [1997], Université Paris X, Centre des Sciences de la Littérature, Nanterre 1999, pp. 253-271. ISSN 0989-4322.
 ۶۳. «کشتی‌های زیرآبی اسکندر به قول امیر خسرو».
64. "Narrativa medioevale persiana e percorsi librari internazionali", in: Antonio Pioletti and Francesca Rizzo Nervo (eds.), *Medioevo romanzo e orientale. Il viaggio dei testi. III Colloquio Internazionale Venezia, 10-13 ottobre 1996. Atti*, Rubbettino ("Medioevo Romanzo e Orientale. Colloqui", 4), Soveria Mannelli 1999, pp. 1-17. ISBN 88-7284-626-9.
 ۶۴. «داستان‌نویسی فارسی در قرون وسطی و مسیرهای بین‌المللی کتابها».

49. "Storie di Maria, Gesù e Paolo nel commento coranico persiano di Sûrâbâdi", in: G. Gnoli and L. Lanciotti (ed.s), *Orientalia Iosephi Tucci Memoriae Dicata*, IsMEO, Roma 1988, vol. III, pp. 1101-1118.
 ۴۹. «قصه‌های مریم، عیسی و بولس در تفسیر فارسی قرآن از سورآبادی».
50. "Muwaššah carme intessuto", in: *Miscellanea di studi in onore di Aurelio Roncaglia a cinquant'anni dalla sua laurea*, Mucchi Editore, Modena 1989, vol. III, pp. 1037-1055, illustrations 2, plates 2.
 ۵۰. «موشح، بافته‌ای از شعر».
51. "L'Atlante di seta", in: *L'Uomo. Società tradizione sviluppo*, n. s. vol. III, n° 2, 1990, pp. 387-394. [Proceedings of the Conference "Viaggi e scritture di viaggio", I giornata di studio "G. R. Cardona", Roma 18 december 1980].
 ۵۱. «اطلس ابریشمی».
52. "Djâmi, Abdorrahmân", in: *Dictionnaire Universel des Littératures*, publié sous la direction de Béatrice Didier, Presses Universitaires de France, Paris 1994, vol. I, pp. 989-990.
 ۵۲. «عبدالرحمن جامی».
53. "Obeyd Zâkâni", in: *Dictionnaire Universel des Littératures*, vol. II, pp. 2613-2614.
 ۵۳. «عبید زاکانی».
54. "Omar Khayyâm", in: *Dictionnaire Universel des Littératures*, vol. II, pp. 2634-2635.
 ۵۴. «عمر خیّام».
55. "Rudaki", in: *Dictionnaire Universel des Littératures*, vol. III, pp. 3317-3318.
 ۵۵. «رودکی».
56. "La leggenda persiana del contrasto fra pittori greci e cinesi", in: M. Bernardini, F. Cresti, M. V. Fontana F. Noci, R. Orazi (eds.), *L'arco di fango che rubò la luce alle stelle. Studi in onore di Eugenio Galdieri per il suo settantesimo compleanno, Roma 29 ottobre 1995*, Arte e Moneta SA, Lugano 1995, pp. 293-302, plate 1.
 ۵۶. «افسانه فارسی مناظره نگارگران رومی و چینی».
57. "La figura di Alessandro nelle letterature d'area islamica", in: *Alessandro Magno storia e mito*, Fondazione Memmo, Leonardo Arte, Roma 1995, pp. 177-183, 385. [Catalogue of the exhibition, Palazzo Ruspoli, Roma 21 december 1995-21 may 1996]. ISBN 88-7813-553-4.
 ۵۷. «تصویر اسکندر در ادبیات سرزمین‌های اسلامی».

ESSAYS ON CLASSICAL PERSIAN LITERATURE

مقالات مربوط به ادبیات فارسی کهن

41. "Bellezza e cuore" di Fattāḥi (nota e versione)', in: *Gururājamañjarikā. Studi in onore di Giuseppe Tucci*, Istituto Universitario Orientale, Napoli 1974, vol. I, pp. 281-303.
۴۱. «محسن و دل اثر فتّاحی (یادداشت و ترجمه)».
42. "Note morfologiche ed etimologiche su al-Burāq", in: *Annali della Facoltà di Lingue e letterature straniere di Ca' Foscari* XIII, 3 (Serie Orientale 5), 1974, pp. 109-133.
۴۲. «یادداشت‌هایی دربارهٔ شکل‌گیری و ریشه‌شناسی "البراق"».
43. "Magia e mito nel romanzo persiano di Hamza", in: *Magia. Studi di storia delle religioni in memoria di Raffaella Garosi*, Bulzoni Editore, Roma 1976, pp. 155-177.
۴۳. «سحر و اسطوره در داستان فارسی حمزه».
44. "Traduzione di epigrafi da Esfahan 1-2, 7-15", in: Eugenio Galdieri, *Esfahān - 'Āli Qāpū. An Architectural Survey*, IsMEO, Rome 1979, pp. 149-155.
Persian edition: "Katibe-hā va yadbudhā-ye neveštē", in: Eugenio Galdieri, *'Āli Qāpū*, tarjomé-ye 'Abdallāh Jabal-'Āmeli, Sāzemān-e melli-e ḥefāzat-e āṣār-e bāstāni-ye Irān, Tehrān 1362/1979, pp. 203-208.
۴۴. «کتیبه‌ها و یادبودهای نوشته (کتیبه‌های ۱ - ۲ و ۷ - ۱۵ از اصفهان)».
45. "Una versione persiana della storia del "Mi'rāj"", in: *Oriente Moderno* LX, 1980, Nr. 1-6, *Studi in memoria di Paolo Minganti*, pp. 225-243.
۴۵. «یک روایت فارسی از داستان "معراج"».
46. "Le voyage de Mahomet au paradis et en enfer: une version persane du mi'rāj", in: C. Kappler et collaborateurs (eds.), *Apocalypses et voyages dans l'au-dela*, Les Editions du Cerf, Paris 1987, pp. 293-320. ISBN 2-204-02701-4.
۴۶. «سفر پیامبر به بهشت و دوزخ: روایتی فارسی از معراج».
47. "Le fonti orientali del Peregrinaggio di Christoforo Armeno e gli Otto Paradisi di Amir- Khusrau da Delhi", in: *Filologia e Critica* XII, 1987, pp. 185-221.
۴۷. «منابع شرقی کتاب «زیارت» کریستوفر ارمنی و هشت بهشت امیر خسرو دهلوی».
48. "Il gioco della pallamaglia a cavallo", in: *TIELLE Tecnologie & attualità*, Edizioni Uniedit, Roma, a. II, n° 2-3, aprile-giugno 1988, pp. 62-63, plate 1.
۴۸. «چوگان‌بازی».

۳۷. «دستنوشته‌های عربی، فارسی و ترکی در مجموعه روسیانو [از کتابخانه واتیکان] و کشیش لئوپولدو سباستیانو».

38. "Manoscritto di liriche scelte di Muhtašam-i Kāšānī, poeta persiano del sec. XVI", in: *L'Archivio Segreto Vaticano*, Paul Van der Heuvel, VdH Books, Bruxelles 2009, p. 161, n° 60; cf. bibliography, pp. 243, 244, 246. ISBN 9789088810060.

۳۸. «نسخه‌ای از منتخب اشعار محتشم کاشانی شاعر ایرانی سده شانزدهم م. [در بایگانی واتیکان]».

39. "Cerulli Persiani. Vaticani Persiani", in: Francesco D'Aiuto and Paolo Vian (ed.s), *Guida ai fondi manoscritti, numismatici, a stampa della Biblioteca Vaticana*, vol. I, *Dipartimento Manoscritti*, ("Studi e Testi"), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2011, pp. 402-403, 644-646.

۳۹. «دستنوشته‌های فارسی مجموعه چرولی [در کتابخانه واتیکان]، دستنوشته‌های فارسی مجموعه واتیکان».

40. "Rossiano 877", in: Silvia Maddalo (ed.), *I manoscritti miniati della Biblioteca Vaticana. Il Fondo Rossiano*, "Studi e Testi", Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2011 (forthcoming) [description of Hātefī's *Laylā o Majnun*, illuminated ms].

۴۰. «دستنوشته شماره ۸۷۷ روسیانو».

30. "Identificazione dei testi [persiani] Galletti MS. 18, Galletti, MS. 19", in: *Il Fondo Galletti, manoscritti e autografi dell'Archivio di Stato di Milano. Catalogo della mostra, 18 maggio-28 luglio 2000*, Archivio di Stato, Milano 2000, pp. VI, 47-50, plate VI.
۳۰. «تشخیص متنهای [فارسی] نسخه خطی گالتی ۱۸ و نسخه گالتی ۱۹».
31. "Un testo latino-persiano connesso al Codex Cumanicus", in: *Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae* 53, 2000, pp. 121-132.
۳۱. «یک متن لاتینی - فارسی پیوسته به کدکس کومانیکوس».
32. "Šāhnāmé-yé Ferdousi va noxé-ye xaṭṭi-e Ketābxānē-ye Melli-e Felorāns", in: *Nāmē-ye Bahārestān, sāl-e dovvom, šomārē-ye avval, daftar-e 3, tābestān-e 1380/summer 2001*, pp. 210-211 (letter).
۳۲. «شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس» (به زبان فارسی).
33. "Le glosse sul Vangelo persiano del 1338 e il Codex Cumanicus", in: *Miscellanea Bibliothecae Apostolicae Vaticanae VIII* ("Studi e Testi", 402), Biblioteca Apostolica Vaticana, Città del Vaticano 2001, pp. 313-349, plates 4. ISBN 88-210-0728-6.
۳۳. «حواشی بر انجیل فارسی مورخ ۱۳۳۸م و کدکس کومانیکوس».
34. "La via domenicana verso la "Cronaca d'Europa" di Rašīd al-dīn", in: Ugo Marazzi (ed.), *Turcica ed Islamica in memoria di Aldo Gallotta*, Università degli Studi di Napoli "L'Orientale", Napoli 2003, vol. I, pp. 707-729.
۳۴. «راه دومینیکی به سوی «تاریخ فرنگ» رشیدالدین».
35. "Šābnāmé-yé Ferdousi movarrax-e 614 h. q va noxé-ye tafsīr-e Qorān dar Felorāns", in: *Nāmē-ye Bahārestān, sāl-e čahārom, šomārē-ye avval va dovvom, daftar-e 7 va 8, bahār-zemestān-e 1382 / spring-winter 2003-2004*, pp. 265-270.
۳۵. «شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق و نسخه تفسیر قرآن در فلورانس».
36. "Il Codex Cumanicus alla luce delle glosse sul Vangelo persiano datato 1338", in: Felicitas Schmieder and Peter Schreiner (ed.s), *Il Codice Cumanico e il suo mondo. Atti del colloquio internazionale, Venezia 6-7 dicembre 2002*, Centro Tedesco di Studi Veneziani ("Ricerche"), Edizioni di Storia e Letteratura Roma 2005, pp. 183-198, plates 4. ISBN 88-8498-203-0.
۳۶. «کدکس کومانیکوس از دیدگاه حواشی بر انجیل فارسی مورخ ۱۳۳۸م».
37. "I codici arabi, persiani e turchi nel Fondo Rossiano e don Leopoldo Sebastiani", in: *Bullettino dell'Istituto Storico Italiano per il Medio Evo* 110/2, 2008, pp. 275-299, plates 44-48. [Proceedings of the Conference "II Settimana di studi medievali", ISIME, Roma, 21-24 may 2007].

Arabic translation "Ahamiyyat al-maxṭūṭāt al-islāmiyya fi 'l-ġarb", in: *Ahamiyyat al-maxṭūṭāt-al-islāmiyya. A'māl al-mu'tamar al-iftitāḥī li-mu'assisat al-Furqān li'l-turāt al-islāmī disambar 1991/jumādā al-axir 1413*, Mu'assisat al-Furqān li'l-turāt al-islāmī, London 1992/1413, pp. 71-82. ISBN 1 873992 06 8.

۲۴. «نسخه‌های خطی اسلامی در غرب».

25. "Colophon persiani fioriti e illustrate", in: Emma Condello and Giuseppe De Gregorio (eds.), *Scribi e colofoni. Le sottoscrizioni dei copisti dalle origini all'avvento della stampa. Atti del seminario di Erice X Colloquio del Comité international de paléographie latine (23-28 ottobre 1993)*, Centro Italiano di Studi sull'Alto Medioevo, Spoleto 1995, pp. 473-493, plates 8. ISBN 88-7988-448-4.

۲۵. «انجامه‌های فارسی گلدار و مذهب».

26. "Un manuel persan d'oculistique du XIV^e siècle", in: Adéla Krikavová and Ludek Hřebíček (ed.s), *Ex Oriente. Collected Papers in Honor of Jiri Bečka*, Czech Academy of Science, Oriental Institute, Prague 1995, pp. 137-150. ISBN 80-85425-19-X.

۲۶. «یک رساله فارسی در چشم پزشکی از سده چهاردهم (هشتم ق)».

27. "Un album moragga' persano-turc à Strasbourg", in: Christophe Balay, Claire Kappler and Živa Vesel (ed.s), *Pand-o Sokhan. Mélanges offerts à Charles-Henri de Fouchécour*, Institut Français de Recherche en Iran ("Bibliothèque Iranienne, 44"), Téhéran 1995, pp. 201-219, plates 10. ISBN 2-909961-14-1 ISBN 2-8386-909961-15-X.

۲۷. «یک مرقع فارسی - ترکی در استراسبورگ».

28. "Ta'rif-e Ferdousi dar dastnevestehā-ye kohan-e Šāhnāmē", in: Hans Robert Roemer and Iraj Afshar (ed.s), *Soxanvāre. Pahljāh o panj goštār-e pažubešī be yād-e doktor Parviz Nātel Xānlari / Sokhanvāriē 55 Papers in Memory of Parviz Nātel Kbanlarī*, Tus Publications, Tehrān 1376/1997, pp. 279-286. ISBN 964-315-435-1.

۲۸. «تعریف فردوسی در دستنوشته‌های کهن شاهنامه (به زبان فارسی)».

29. "Vangelo di Matteo. Persiano; Biblioteca Apostolica Vaticana, Vat. pers. 4". "Vangeli. Persiano, Biblioteca Apostolica Vaticana, Borg. pers. 19", in: Francesco d'Aiuto, Giovanni Morello and Ambrogio M. Piazzoni (eds.), *I Vangeli dei Popoli. La Parola e l'immagine del Cristo nelle culture e nella storia*, Biblioteca Apostolica Vaticana, Edizioni Rinnovamento nello Spirito Santo, Roma-Città del Vaticano 2000, pp. 332-334, 338-339, plates 2. [Catalogue of the exhibition, Città del Vaticano, Palazzo della Cancelleria, 21 june-10 december 2000]. ISBN 88-8386-039-X.

۲۹. «انجیل متی، فارسی»، کتابخانه واتیکان، نسخه وات. فارسی ۴؛ چهار انجیل، فارسی، کتابخانه واتیکان،

نسخه بورج. فارسی ۱۹».

17. "Un codice miniato del "Manṭiq al-ayr" di 'Aṭṭār (857 H./1453) a Torino", in: *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei*. Rendiconti. Classe di Scienze morali, s. VIII, vol. XXXIX, 1984, pp. 55-78, plates 9.
 ۱۷. «یک دستنوشته مصور منطق الطیر عطار (۸۵۷ق/۱۴۵۳م) در تورینو».
18. "Motti tradizionali di copisti persiani", in: *Scrittura e civiltà* 9, 1985, pp. 217-237.
 ۱۸. «شعرهای سنتی کاتبان ایرانی».
19. "Il lungo viaggio della carta. Mondo Islamico", in: Giorgio Raimondo Cardona (ed.), *charta. Dal papiro al computer*, Arnoldo Mondadori Editore, Milano 1988, pp. 80-91, 126-128, 219. [Catalogue of the exhibition, Milano, Palazzo Reale, 3 marzo-30 aprile 1988]. ISBN 88-04-31186-X.
 ۱۹. «سفر بلند کاغذ. جهان اسلامی».
20. 'Nosxé-ye moşavvar-e Maṭṭeqo'l-ṭeyr-e 'Aṭṭār dar Turen', in: *Āyandé* 15, 1368/1989, pp. 300-305, plates 3.
 ۲۰. «نسخه مصور منطق الطیر عطار در تورن» (به زبان فارسی).
21. "Devises et vers traditionnels des copistes entre explicit et colophon des manuscrits persans", in: François Déroche (ed.), *Les manuscrits du Moyen-Orient. Essais de codicologie et de paléographie. Actes du Colloque d'Istanbul (Istanbul, 26-29 mai 1986)*, Institut Français d'Etudes Anatoliennes et Bibliothèque Nationale ("Varia Turcica" VIII), Istanbul-Paris 1989, pp. 77-87. ISBN 2-7177-1774-9.
 ۲۱. «گفته‌ها و شعرهای سنتی کاتبان در فاصله متن و انجامه».
22. 'Histoire et paléographie du *Shābnāme* de Florence', in: *Lūqmān*, Tehrān, an. VI, n. 2, n. série 12, printemps-été 1990, pp. 53-64, plates 2.
 ۲۲. «تاریخ و خط‌شناسی شاهنامه فلورانس».
23. "Nosxé-ye xaṭṭi-e Tarix-e Ṭabari negahdāsté dar Veniz", in: *Yādnāmé-ye Ṭabari šeykhe'l-movarrexin Abu ja'far Ṭabari 225-310-e hejri-e qamari*, Vezārat-e Farhang va ešād-e eslāmi, Vezārat-e Farhang va āmuzeš-e 'ālī, Tehrān 1369/1991, pp. 545-559, plates 4. Proceedings of the International Conference on ṭabari, Dānešgāh-e Māzandarān, Bābolsar, 13-15 September 1989.
 ۲۳. «نسخه خطی تاریخ طبری نگهداشته در ونیز (به زبان فارسی)».
24. "Islamic Manuscripts in the West", in: John Cooper (ed.), *The Significance of Islamic Manuscripts'. Proceedings of the Inaugural Conference of Al-Furqān Islamic Heritage Foundation (30th November- 1st December 1991)*, Al-Furqān Islamic Heritage Foundation, London 1992, pp. 45-54. ISBN 1 873992 05 X.

8. "Codice persiano e Biblioteca fiorentina", in: *Il Resto del Carlino*, Bologna, 7 gennaio 1979, p. 4 (letter).
۸ «دستنوشته‌های فارسی و کتابخانه فلورانس».
9. "Nuova luce su Firdawsī. Uno "Šāhnāma" datato 614 H./1217 a Firenze", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali* 40 (n. s. XXX), 1980, pp. 1-38, 189-242, plates 10.
Text of the Persian preface of the manuscript re-edited by Iraj Afšār, "Moqaddamé-ye Šāhnāmé-ye movarraq-e 614 va mo'arrefi-e Piemontese az ān", in: *Āyandé*, Tehrān, 6, xordād-tir 1359/ June-July 1979 [published 1980], pp. 207-213.
۹ «روشنائی نوین بر فردوسی. یک نسخه خطی شاهنامه مورخ ۶۱۴ق/۱۲۱۷م در فلورانس».
10. "Arte persiana del libro e scrittura araba", in: *Scrittura e civiltà* 4, 1980, pp. 103-156, plates 13.
۱۰ «هنر ایرانی کتاب‌آرایی و خط عربی».
11. "Scriptura / lectura e processo semantico", in: *Scrittura e civiltà* 5, 1981, pp. 253-264.
۱۱ «کتابت / قرائت و فرآیند معناشناسی».
12. "Aspetti magici e valori funzionali della scrittura araba", in: *La Ricerca Folklorica* 5, 1982, pp. 26-55, plates 42. Proceedings of the Conference "Usi non istituzionali della scrittura", Istituto di Storia Medioevale e Moderna, University of Perugia, 28-29 September 1981..
۱۲ «جنبه‌های سحرآمیز و ارزشهای کارآمد خط عربی».
13. "Studi orientali e libri manoscritti islamici in Italia", in: *Atti del I Congresso su: La presenza culturale italiana nei paesi arabi: storia e prospettive*. Napoli, 28-30 maggio 1980, Istituto per l'Oriente, Roma 1982, pp. 64-71.
۱۳ «تحقیقات شرق‌شناسی و کتابهای خطی اسلامی در ایتالیا».
14. "Les fonds des manuscrits persans conservés dans les bibliothèques d'Italie", in: *Journal Asiatique* CCLXX, 1982, pp. 273-293.
۱۴ «مخازن نسخه‌های خطی فارسی محفوظ در کتابخانه‌های ایتالیا».
15. "I manoscritti persiani della collezione Berenson", in: Renato Traini (ed.), *Studi in onore di Francesco Gabrieli nel suo ottantesimo compleanno*, Università "La Sapienza", Dipartimento di Studi Orientali, Roma 1984, vol. II, pp. 631-639, plates 4.
۱۵ «دستنوشته‌های فارسی مجموعه برنسون».
16. "Alfabeto e grafia dell'arabo", in: *Atti del II Convegno su: La presenza culturale italiana nei paesi arabi: storia e prospettive*. Sorrento, 18-20 novembre 1982, Istituto per l'Oriente, Roma 1984, pp. 230-239.
۱۶ «الفبا و خط عربی».

PERSIAN MANUSCRIPTS AND PALAEOGRAPHY

نسخه‌های خطی فارسی و خط‌شناسی

1. "Notizia di due manoscritti autografi persiani ("Xulāṣat al-axbār" di Xwāndamir e "Ḥilyat al-muttaqīn" di Muḥammad Bāqir Majlisī)", in: *Rivista degli Studi Orientali* XLVI, 1971, pp. 39-49, plates 2.
۱. یادداشتی درباره دو نسخه خطی فارسی (خلاصه الاخبار خواندمیر و حلیه المتقین محمدباقر مجلسی).
2. "Elenco dei manoscritti persiani nella Biblioteca Marciana di Venezia", in: *Annali della Facoltà di Lingue e letterature straniere di Ca' Foscari* XIV/3 (*Serie Orientale*, 6), 1975, pp. 299-309.
۲. «فهرست دستنوشته‌های فارسی کتابخانه مارچانا ونیز».
3. "Problemi di studio e criteri di catalogazione dei manoscritti persiani", in: *Onomasticon Arabicum. Sussidi didattici* I, Istituto per l'Oriente, Roma 1975, pp. 39-72.
۳. «بررسی مسائل و نقد فهرست‌نگاری دستنوشته‌های فارسی».
4. "Il codice marciano della «Tārīx-i 'abarī»", in: *Istituto Universitario Orientale - Napoli. Annali*, n. s. 27, 1977, pp. 463-474, plates 4.
۴. «دستنوشته تاریخ طبری در کتابخانه مارچانا».
5. "I manoscritti persiani del Fondo Spath nella Biblioteca Vaticana e un nuovo "Barzunāma"", in: *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Rendiconti, Classe di Scienze morali*, s. VIII, vol. XXXIII, 1978, pp. 447-464.
۵. «دستنوشته‌های فارسی مجموعه شبات در کتابخانه واتیکان و یک نسخه خطی جدید برزنامه».
6. "I fondi dei manoscritti arabi, persiani e turchi in Italia", in: Francesco Gabrieli e Umberto Scerrato (eds.), *Gli Arabi in Italia. Cultura, contatti e tradizioni*, Libri Scheiwiller-Credito Italiano, Milano 1979, pp. 661-688. Reprint Garzanti, Milano 1985.
۶. «مخزن دستنوشته‌های عربی، فارسی و ترکی در ایتالیا».
7. "Il Libro dei Re", in: *La Nazione*, Firenze, 7 gennaio 1979, p. 4 (letter). «شاهنامه».

15. Amir Khusrau da Delhi, *Le otto novelle del paradiso*. Traduzione dal persiano e post-fazione di Angelo Michele Piemontese. Rubbettino, Soveria Mannelli 1996 (“Medioevo Romanzo e Orientale. Testi”, 2), pp. XIX+178. ISBN 88-7284-428-2.
 ۱۵. امیر خسرو دهلوی: داستان هشت بهشت، ترجمه از فارسی و پیشگفتار.
 Translation reprinted in: Cristoforo Armeno, *Peregrinaggio di tre giovani figliuoli del re di Serendippo*, a cura di Renzo Bragantini, Salerno editrice (“I novellieri italiani”, 31), Roma 2000, pp. 167-266. ISBN 88-8402-300-9.
 سفر زیارتی سه شاهزاده سرندیپ.
16. Amir Khusrau, *Lo Specchio Alessandrino*. Traduzione dal persiano e introduzione di Angelo Michele Piemontese, Rubbettino (“Medioevo Romanzo e Orientale. Testi”, 5), Soveria Mannelli 1999, pp. 186. ISBN 88-7284-857-1.
 ۱۶. امیر خسرو، آئینه اسکندری. ترجمه از فارسی و پیشگفتار.
17. *La memoria romana dei santi martiri persiani Mario, Marta, Audiface e Abaco*, Aracne, Roma 2003, pp. 31, plates 4. ISBN 88-7999-486-7.
 ۱۷. یادمانهای رومی شهدای قدیس ایرانی: ماریو، مارتا، آئودیفاسچه و آباکو.
18. *La letteratura italiana in Persia*. Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Classe di scienze morali, storiche e filologiche. *Memorie*, s. IX, vol. XVII, fasc. 1, Roma 2003, pp. 251. ISSN 0391-8149. ISBN 88-218-0899-8.
 ۱۸. ادبیات ایتالیائی در ایران.
19. *Grammatica Persiana in nuce*. “Supplemento n° 1 alla Rivista degli Studi Orientali” LXXVII. Istituti Editoriali e Poligrafici Internazionali, Pisa-Roma 2004, pp. 130. ISSN 0392-4866.
 ۱۹. دستور مختصر زبان فارسی.
20. *La Persia istoriata in Roma* (2011, forthcoming).
 ۲۰. تاریخ ایران در رم.

8. Angelo Michele Piemontese, Gianroberto Scarcia, Alessandro Bausani, *Storia della letteratura persiana, turca e del sud-est asiatico*, Fabbri Editori (“Storia universal della letteratura”), Milano 1986: A. M. Piemontese, *Letteratura Persiana*, pp. 1-150, 294.
 ۸. تاریخ ادبیات فارسی و ترکی و آسیای جنوب شرقی.
9. *Catalogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia*, Ministero per i Beni Culturali e Ambientali (“Indici e Cataloghi, n. s. V”), Istituto Poligrafico e Zecca dello Stato, Libreria dello Stato, Roma, 1989, pp. XXXIII+443.
 ۹. فهرست دستنوشته‌های فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا.
10. *The Italian Embassy in Tebran*, edited by Angelo Michele Piemontese, Sezione Culturale dell’Ambasciata d’Italia in Iran, Grafimex, Padova 1990, pp. 80, plates 68.
 ۱۰. سفارت ایتالیا در تهران.
11. *Itāliā va Ešfahān. Italia ed Esfahan*, a cura di Angelo Michele Piemontese, Sezione Culturale dell’Ambasciata d’Italia in Iran, Tehrān 1991, pp. 152, plates 30.
 ۱۱. ایتالیا و اصفهان.
12. Robert-Henri Bautier & Angelo Michele Piemontese, *La comunicazione nella storia* [vol. II, tomo 1]. *Lo sviluppo del pensiero e le forme del comunicare. Medioevo. Islam*, a cura di Amleto Lorenzini, SEAT Divisione STET, Roma 1992: A. M. Piemontese, ‘Sistema e strumenti dell’Islam’, pp. 285-386. ISBN 88-7294-023-0.
 ۱۲. ارتباطات در سیر تاریخ. رشد اندیشه و شیوه‌های ارتباط. قرون وسطی. اسلام، نظام و ابزارهای اسلام.
13. *Manteq al-ṭeyr-e Farid al-Din ‘Aṭṭār-e Nišaburi be-xatṭ-e Naṣir ebn-e Ḥasan al-Makki ṣāp-e ‘akṣi az ru-ye nosṣé-ye Ketābxānē-ye Saltānati-e Torino (Itāliā) tārix-e ketābat 857 hejri-e qamari*, Markaz-e Našr-e Dānešgāhi, Tehrān 1373/1994. Našrollāh Purjavādi, ‘Dibāčé (1)’. A. M. Piemontese, ‘Dibāčé (2)’, pp. yāzdah-sizdah. Facsimile edition of the illuminated manuscript Or. 40, Biblioteca Reale of Torino.
 ۱۳. منطق الطیر فریدالدین عطار نیشابوری؛ به خط نصیر بن حسن المکی. چاپ عکسی.
14. *Gli «Otto Paradisi» di Amir Khusrau da Delhi. Una lezione persiana del «Libro di Sindbad» fonte del «Peregrinaggio» di Cristoforo Armeno*. Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Classe di scienze morali, storiche e filologiche. *Memorie*, s. IX, vol. VI, fasc. 3, Roma 1995, pp. 313-418, plate 1. ISSN 0391-8149.118.
 ۱۴. هشت بهشت، اثر امیر خسرو دهلوی. یک روایت فارسی سندبادنامه منشأ کتاب «زیارت» کریستوفر ارمنی.

BIBLIOGRAPHY

الف . کتاب‌ها (تک‌نگاشت‌ها)

A. Monographs

1. Hossein Ghods Nakhai, *Rubaiyat*, traduzione dall'originale persiano e note di Angelo [M.] Piemontese, Associazione italo-iraniana, Roma 1968, pp. 133.
۱. رباعیات حسین قدس نخعی؛ ترجمه از اصل فارسی و یادداشتها از آنجلو پیه‌مونته‌سه.
2. Michele Membré, *Relazione di Persia (1542)*, Ms [...] pubblicato da Giorgio R. Cardona [...] Indici di Angelo Michele Piemontese, Istituto Universitario Orientale, Napoli 1969.
۲. میکلّه ممبره، گزارش ایران (۱۵۴۲)، نسخه خطی [...] منتشره به کوشش جورجو ر. کاردونا. نمایه‌ها به کوشش آنجلو پیه‌مونته‌سه.
3. *Storia della letteratura persiana*, Fratelli Fabbri Editori ("Letteratura Universale 39-40"), Milano 1970, 2 volumes, pp. 189 + 158.
۳. تاریخ ادبیات فارسی.
4. *Poesia d'amore turca e persiana*, Edipem ("La nostra biblioteca classica, 23"), Novara 1973 pp. 341. Edited together with G. Scarcia.
۴. شعر عاشقانه ترکی و فارسی.
5. *I manoscritti persiani dell'Accademia Nazionale dei Lincei (Fondi Caetani e Corsini). Catalogo*, Accademia Nazionale dei Lincei ("Indici e sussidi bibliografici della Biblioteca 8"), Roma 1974, pp. XXVI+82, plates 4.
۵. دست‌نوشته‌های فارسی آکادمی ملی لینه‌چ‌ای (مجموعه‌های کائانی و کورسینی).
6. *Bibliografia italiana dell'Iran (1462-1982)*, Istituto Universitario Orientale, Seminario di Studi Asiatici ("Series Minor" XVIII), Napoli, 1982, 2 volumes, pp. 947.
۶. کتابشناسی ایتالیائی درباره ایران (۱۴۶۲ - ۱۹۸۲).
7. A. T. Olmstead, *l'impero persiano*, Prefazione di Angelo M. Piemontese, traduzione e adattamento di Giorgio Milanetti, Newton Compton ("paperbacks civiltà scomparse, 62"), Roma 1982.
۷. اولمستد: امپراطوری ایران. پیشگفتار و ترجمه و تنظیم آنجلو م. پیه‌مونته‌سه.

Prix Saintour 2002 granted by the Collège de France (Paris) for the original contribution to the scientific research.

Daunia prize 2006 (Italy) for the professional career.

Member of the Istituto per l'Oriente C. A. Nallino, Rome.

Foundation member of the Societas Iranologica Europaea (Rome, 22 June 1983).

Scientific Counsellor of the Institut Français de Recherche en Iran (IFRI, 1996-2000).

Collaborator of the journal *Abstracta Iranica*, Paris-Téhéran.

Member of the advisory board of "Series Catalogorum", Istituto per l'Oriente, Rome.

Member of the advisory boards of *Eurasian Studies* (Rome), *Litterae Caelestes* (Rome), *Nâmeb-ye Bahârestân* (Tehran), *Nouvelle Revue des Études Iraniennes* (Tehran), *Rivista degli Studi Orientali* (Rome).

BIOGRAPHY

- 1940, 28th September, born in Monte Sant'Angelo (province of Foggia, Italy).
- 1959 School-leaving certificate of the Liceo specialising in classical studies.
Student of Persian language and literature, Oriental University Istitute of Naples.
- 1963 Collaborator of the Italian Archeological Mission directed by Professor Umberto Scerrato in Ghazni, Afghanistan.
- 1963-1964 Scholarship holder of the Italian Ministry of Foreign Affairs, student of Persian in the Dâneshgâh-e Melli, Tehran, and collaborator of the Italian Cultural Institute of Tehran.
- 1964, 6th July, Graduated (B.A.) with honours in Oriental languages and civilizations of the Near and Middle East, Oriental University Istitute of Naples; graduation thesis "The institution of Zurxâné in Persia", chairman Professor Alessandro Bausani.
- 1965-1966 Librarian of the Department of Persian Studies and voluntary assistant to the chair of Persian language and literature in the same University.
- 1966-1967 National service.
- 1967-1975 Lecturer of Persian language and literature in the Faculty of Arts, University 'La Sapienza' of Rome.
- 1975-2001 Professor of Persian language and literature in the same Faculty.
- 2001-2010 Professor of Persian language and literature in the Faculty of Oriental Studies, University 'La Sapienza' of Rome. Pensioned the First of November 2010.
- 1971 Ph. D. in Persian language and literature.
- 1973-1974 Assistant-professor of Iranian philology in the Faculty of Foreign languages and literatures, University Ca' Foscari of Venice.
- 1979-1982 Professor of Langue, littérature et civilisation persane in the Faculté des Langues Étrangères, Université des Sciences Humaines, Strasbourg (France).
- 1988 (23 September)-1994 (14 July) Cultural Attaché of the Italian Embassy in Iran and Director of the Italian Cultural Institute of Tehran.
- 1995 (19 August)-1999 (18 August) Cultural Counsellor of the Italian Embassy in Iran.

A specific sector of the researches of Angelo Michele Piemontese was the study of Persian sciences (1998). An article devoted to a Persian manual of ophthalmic, published in 1995, and could be very representative of such interests. Other works are devoted to Italian and Persian theatre (1990, 1991, 1993), with various publications on the representation of the Persian in the Italian dramas.

Prof. Piemontese's bibliography represents in itself a field of work. For his students it is a mine which continues to offer precious gems.

even Persian literature. It was preceded by the cataloguing of various single collections or manuscripts and other publications (1974, 1975, 1977, 1978, 1979, 1982, 1984) and includes 436 descriptions of texts coming from various libraries: each description represents a real article on the texts taken under examination. This long research is useful also for the history of the Italian studies on Iran and Iranian speaking countries, attested by various works. From this point of view the publication in 1982 of the *Bibliografia italiana dell'Iran* (Italian bibliography of Iran) should be considered the widest and complete repertory on Iranian studies in this country. Professor Piemontese made the same research for Persia, publishing a wide repertoire of the knowledge of Italian literature in Persia (*La letteratura italiana in Persia*, 2003). Together with these volumes we can mention here various articles written on the Arabic writing, which constitute another significant corpus of studies. These kind of researches are characterized by a new philological attention to writing and palaeography as a basic element in history and history of literature. A particular attention was devoted to Arabic writing as it is the case of an important article on the *muwashshab*, dated 1989 (see also 2006), an other researches on the importance of writing in Islamic world (1981, 1982, 1982, 1984). Also the attention for codicology covers a special place in his bibliography (1980): it is the case of his studies on paper (1988) and those devoted to various rare manuscripts kept in the Italian libraries. His articles on colophons in Persian manuscripts are an useful instrument for the scholars who approaches cataloguing and description of these materials (1985, 1989, 1995), the same could be said for the important articles on Persian book 'canon' which introduce an important analysis of the work of Rawandi in a comparative key with the work of Vitruvius (2000, 2007).

Describing the career and the works of Prof. Piemontese we need to mention various works devoted to other subjects. At the beginning of his scholarship he published various articles devoted to the activities of the *zurkhanes* in Iran (1965, 1966) with some important remarks on the *futuwwa* (1964, 1967). These interests are attested by various publications which appeared from 1964 to 1971. In parallel during these years he introduced various themes of Qajar history in his studies (1969), a subject which was perpetuated till recent times, with a special attention for Italian State and Qajar dynasty. As a good examples of this kind of studies we can mention here some of his publications on the figure of the General Andreini (published in 1969, 1972, 1975, 1985); various works concerning the Italians who where in Persia during the 19th century and the political relations between Iran and Persia (1968, 1969, 1984) are attested also by a long article on the gravestones of Italians in Teheran cemeteries (2005) and the one on the technical contribution furnished by the Italians in the same century (2010).

published in 1979, or the more recent article on the emergence of Persian grammar and lexicography in Rome (2009). Various are the themes of Persian literature approached by Angelo Michele Piemontese: this is the case of the *Iskender-name* in his multiples versions (1999, 2000, 2005, 2006, 2007), the *Mi'raj-name* (1980, 1987), the study of the Persian sources of the *One Thousand and One Nights* (2006) and the study of the *Gashasp-name* (2010) all of them changing various conventional views on this subjects.

The interest for historiography was the basis for several works on the multiple and complex relations between the Persian world and Italy. A field which is variously attested in the bibliography of Piemontese. This kind of researches cover a period from preislamic times to the Qajar epoch. A first contribution to these researches is represented by the indexes of Michele Membre's Persian relation, published in 1969. It is worthy to note the importance of the studies devoted to the presence of Italians in Iran and the Iranian world, together with several researches on the Persian presence in Italy, in particular in Rome (1998, 2001, 2002, 2006). From this perspective Professor Angelo Michele Piemontese analysed the role of various ambassadors, missionaries, travellers and other figures who played an important role for the knowledge of Iran in Italy and in the world. Some of these figures were considered on the basis of a largely unedited literature as it is the case of the Tuscan trader Beltramo Mignanelli who witnessed at the end of the 14th century the invasion of Western Asia by Timur-e Lang (1995, 1996, 2010) and the study of the Vecchietti's brothers both involved in Iran during the end of the 16th century and the beginning of the 17th, who marked a starting point in the analysis of these two important travellers and scholars who brought back to Italy several Persian manuscripts forming some of the most important collections in our country. The interest for the relations between the Papal State and the Mongol court, the Aq Qoyunlu and Safavid dynasties was the mainframe of various publications which includes a rich corpus of historical sources till now neglected (2004, 2005, 2007, 2008, 2010). From the historical point of view it is worthy to note here the studies on the translation of the Gospels in Persian during the 14th century (2000) and those devoted to later translations, like the one made by Leopoldo Sebastiani and published in 2011. We need to mention here the particular attention of Professor Piemontese for the Persian evidences in Rome which were published in various studies devoted to the cult of Persian saints in this town and the representations of Persian saints (2003, 2010).

Angelo Michele Piemontese was particularly attentive to the study of manuscripts and certainly his *Catalogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia* (Catalogue of the Persian manuscripts in the Italian Libraries, 1989) represents a masterpiece in the field of the knowledge of codicology and

Michele Bernardini (Naples)

Angelo Michele Piemontese

Professor Angelo Michele Piemontese is one of the most important Italian scholars of Iran of the 20th and 21th centuries. After having completed his studies in the Istituto Orientale of Naples in 1964, and a period of cooperation with the Italian Archaeology mission in the site of Ghazni (Afghanistan) he started a brilliant career in the same institute being Professor of Persian Language and Literature from 1966. In the same year he began his teaching in Rome, where in 1978 he became Ordinary Professor at the age of 35, reaching the highest position in the Italian University system.

During his long career as university professor he was well known in the world for his researches. For this reason, between 1979 and 1982 he was invited by the University of Strasbourg in France as visiting professor of Persian language and literature. Between 1995 and 1999 he worked in the Italian Embassy of Teheran as expert of Iran and consultant.

The wide knowledge of this scholar is difficult to resume: his researches concerns various domains of the Iranian studies and includes various notions of historiography, paleography, codicology, history of literature and other secondary interests. Though, of course, the History of Persian literature and Persian language are the main field of his works, the original approach he has with his subject implies the coexistence of various fields of research. Concerning the history of Persian literature we should mention here his *Storia della letteratura persiana* (History of Persian literature) published in 1970 in two volumes, which is adopted in various Italian universities and represents an useful and complete manual for this kind of research. In various studies Piemontese approached several authors who wrote in Persian, as it is the case of Kâshefi, Vâsefi, 'Omar Khayyam, Fattâhi, 'Owfi, 'Attâr, Mohtasham Kâshâni, Nezâmi and Amir-e Khosrow. This last one was the object of various monographic studies and a translation of his *Hasht Bebest* in Italian (1995, 2000). To these researches we need to add his interests for linguistics and the recent publication of his *Grammatica persiana in nuce* (2004) which represents a modern instrument of work for many students and scholars who are interested by this language. It is the result of a deep analysis of the ancient grammars, which started early in the interests of this learned scholar (1996, 2002). We can mention here his works on the Persian grammar of Giovanbattista Raimondi,

Prof. Angelo Michele Piemontese has written many scientific texts. His researches are mainly on the following topics and fields:

- a) Persian manuscripts and palaeography, art of the book and of the script, particularly the collections of manuscripts kept in Italy and in the Vatican.
- b) Persian literature, included the translation and the commentary of classical texts, comparative medieval literature of the narrative genre, the Persian Alexander Romance;
- c) history and bibliography of the Iranian studies in Italy (15th-20th centuries), besides the image of ancient Persia related in Italian classical theatre, opera and poetry;
- d) history of the diplomatic between Papal Rome and Iran (15th-20th centuries), besides the memory of Persian personages and events as are depicted in the artistical monuments of Rome from the antiquity to modern times.
- e) history of the diplomatic and cultural relations between Iran and Italy, particularly during the 19th century (Qâjâr epoch); besides history and bibliography of the Persian translations of Italian literary works;
- f) history of the Arabistic and Islamic studies in Italy, particularly the Italian collections of Arabic manuscripts during the Renaissance (15th century).

Recipients and Dates of the Awards

1. 1989 Dec. 19 Nazir Ahmad (India): Aligarh University
2. 1990 Dec. 19 Gholamhossein Yousefi (Iran): Ferdowsi University (Mashhad).
3. 1990 Sep. 29 Amin Abdolmajid Badawi (Egypt): Ein al-Shams University (Cairo)
(Professor Badawi's award was taken to Egypt by Professor Jafar Shahidi)
4. 1991 Dec. 19 Sayyed Muhammad Dabirsiyaqi (Iran): Dehkhoda Institute (Tehran)
5. 1991 Dec. 19 Zohuruddin Ahmad (Pakistan): Punjab University
6. 1998 May 2 Zhang Hong-nein (China): Peking University
(Professor Hong-nein's award was taken to Beijing by Professor Jafar Shahidi)
7. 1999 Mar 13 Kamaluddin Aini (Tajikistan): Tajikistan Academy of Science
8. 1999 Mar 13 Manoochehr Sotoudeh (Iran): Tehran University
9. 2001 Oct. 6 Clifford Edmund Bosworth (England): Manchester University
10. 2004 Sep. 14 Abdolhessein Zarrinkoob (Iran): Tehran University
11. 2004 Sep. 14 Fereydoon Moshiri (Iran): Prominent Persian poet
12. 2003 Nov. 22 Tsuneo Kuroyanagi (Japan): Tokyo University
(Professor Kuroyanagi's award was taken to Tokyo by Dr. Hashem Rajabzadeh)
13. 2004 Jun. 22 Richard Nelson Frye (United States): Harvard University
14. 2006 May. 31 Hans de Bruijn (Holland): University of Leiden
15. 2006 Dec.19 Najib Mayel Heravi (Afghanistan): Researcher and Editor
16. 2007 Jun. 20 Charles-Henri de Fouchecour (France): University of Paris III
17. 2008 Dec. 28 Badrozzaman Gharib (Iran): Tehran University
18. 2010 Jun. 10 Bert G. Fragner (Austria): Institut für Iranistik, Wien
(Professor Bert G. Fragner's award was taken to Wien by Professor Seyed Mostafa Mohaghegh Damad)
19. 2011 May. 12 Ahmad Monzavi (Iran): Cataloguer
20. 2011 Dec. 3 Angelo Michele Piemontese (Italy): University of Rome

Provisions Concerning Literary and Historical Awards

Article 34 of the first endowment document

Should there be a considerable increase in the income of the Foundation, the endower or the endowment's board of trustees may use some of the funds as prizes to encourage scholars, researchers, authors, and poets in their works—particularly those authors who have published their works in the journal, *Āyandeh*. Devoting part of the income of the foundation to award such authors and poets who take part in, and succeed in literary competitions encourages them to compose works of a nationalist and social character. Management of such affairs is the responsibility of the endower during his lifetime. He will carry out this duty in consultation with experts of his acquaintance. Following his death, this task is assigned to a panel of six of which two thirds may be member of the board of trustees of the endowment, and one third may be members of the editorial board of the *Āyandeh* publishing firm, or alternatively, may be chosen from among individuals who are selected by these two entities.

Article 5 of the fifth endowment document

Due to the dissolution of the *Āyandeh* publishing firm, all the rights and duties that were assigned to it with respect to the dispersing of awards in article 34 of the first endowment document (dated Deymāh 1337/January 1959), are hereby transferred to the endower and to the board of trustees, who may rely on the advice of experts in the field.

Endower's note

Awards: Awards that are administered by this endowment are, like its other affairs, geared to its primary goal of promoting national unity through support of the Persian language. In other words, books, treatises, articles, and poems that may be composed with this goal in mind, be they in Persian or in other languages, and be they authored by Iranians or other nationals, in Iran or abroad, qualify for nomination. A set of rules and regulations should be prepared for this purpose. I briefly list the principles features of these rules

Gras, 4 August 1978

Literary and Historical Award of
Dr. Mahmoud Afshar Yazdi's Foundation
Angelo Michele Piemontese



Saturday, 3 December 2011

Dr. Mahmoud Afshar Yazdi Hall
Loghatname (Encyclopedic Dictionary) Dekhoda Institute